



دوفصلنامه علمی - ترویجی

الهیات و معارف اسلامی

میردانش اسلامی

سال پنجم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

۱۰

صاحب امتیاز:

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی)

www.isca.ac.ir

مدیرمسئول: محمدهادی یعقوب‌نژاد

سر‌دبیر: حسین حسن‌زاده

دبیر تحریریه: مرتضی عبدی‌چاری

* دوفصلنامه مدیریت دانش اسلامی به موجب مصوبه شماره ۶۸۷ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۰۶ کمیسیون نشریات علمی حوزه های علمیه حائز رتبه علمی - ترویجی شد.

* دوفصلنامه مدیریت دانش اسلامی در بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran)؛ پایگاه مجلات تخصصی نور (Noormags)؛ پایگاه استنادی سیویلیکا (www.civilica.com)؛ مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)؛ پرتال جامع علوم انسانی (ensani.ir) نمایه و در کتابخوان همراه پژوهان (pajooaan.ir)؛ سامانه نشریه: zikm.isca.ac.ir و پرتال نشریات دفتر تبلیغات اسلامی (<http://journals.dte.ir>) بارگذاری می‌شود.

* هیئت تحریریه در اصلاح و ویرایش مقاله‌ها آزاد است. • دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقالات صرفاً نظر نویسندگان محترم آنهاست.

نشانی: قم، پردیسان، انتهای خیابان دانشگاه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اداره نشریات

تلفن: ۰۲۵-۳۱۱۵۶۹۱۰ سامانه نشریه: jikm.isca.ac.ir



رایانامه: jikm@isca.ac.ir چاپ: مؤسسه بوستان کتاب قیمت: ۸۰۰۰۰ تومان

اعضای هیئت تحریریه

(به ترتیب حروف الفبا)

رضا اسفندیاری (اسلامی)

دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

حسین حسنزاده

استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

رضا کریمی

دانشیار دانشگاه قم

مرتضی محمدی

استادیار دانشگاه اصفهان

سیدمهدی مجیدی نظامی

استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

سیدتقی واردی کولایی

استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

فرج الله هدایت‌نیا

دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

محمدهادی یعقوب‌نژاد

استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

□

داوران این شماره

حسین حسنزاده، عبدالرحیم سلیمانی بهبهانی، مرتضی عبدی چاری، مهدی فصیحی رامندی، مسلم کامیاب، مرتضی متقی‌نژاد، محمود ملکی‌راد، سیدمهدی مجیدی نظامی، محمدهادی یعقوب‌نژاد.

فراخوان دعوت به همکاری

دوفصلنامه علمی - ترویجی «مدیریت دانش اسلامی» براساس مصوبه شورای پژوهشی پژوهشگاه، با بهره‌مندی از ظرفیت‌های علمی و فکری مراکز حوزوی و دانشگاهی و با هدف نظام‌سازی در مدیریت دانش اسلامی، توسعه و پیشرفت جوامع علمی و فرهنگی و انتقال یافته‌های پژوهشی و مبادله اطلاعات و هم‌افزایی بین مراکز پژوهشی، با صاحب امتیازی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی منتشر می‌شود. دوفصلنامه علمی - ترویجی «مدیریت دانش اسلامی» به منظور اشاعه، انتقال اطلاعات و انتشار نتایج طرح‌های پژوهشی و مقالات علمی در زمینه مدیریت دانش در علوم اسلامی و حوزه‌های وابسته ناظر به اهداف ذیل منتشر می‌شود:

- ارتقاء سطح دانش و پژوهش در حوزه مدیریت دانش اسلامی؛
- شناسایی و نشر ایده‌ها و طرح‌های صاحب‌نظران درباره مدیریت دانش اسلامی؛
- کمک به معرفی مدیریت دانش اسلامی و رصد شیوه‌های نوین آن در سطح علمی داخل و خارج کشور؛
- کمک به بسترسازی تولید علم در حوزه مدیریت دانش اسلامی؛
- معرفی تخصصی دست‌آوردهای مرتبط با مدیریت دانش اسلامی؛
- فرهنگ‌سازی استفاده از آثار پژوهشی مراکز هم‌سو در زمینه مدیریت دانش اسلامی؛
- ایجاد بستری مناسب برای تبادل یافته‌های علمی در زمینه مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی در محیط سایر؛
- کمک به تسهیل انتقال دانش در حوزه مدیریت اطلاعات اسلامی؛
- ترویج و تعمیق نظام متقن و هدف‌مند در حوزه مدیریت علوم و معارف اسلامی؛
- کمک به نظام‌سازی فرهنگی و طبقه‌بندی علوم اسلامی.

اولویت‌های پژوهشی دوفصلنامه

۱. بازشناسی دانش‌های اسلامی و انسانی، بایسته‌ها و آسیب‌ها؛
۲. ابعاد روش‌شناختی مدیریت دانش اسلامی؛
۳. هستی‌شناسی واژگانی در علوم اسلامی و گستره ارتباط علوم؛
۴. روش‌شناسی حوزه مدیریت دانش اسلامی.

رویکردهای اساسی

۱. استانداردسازی مدخل‌های نظام ذخیره و بازیابی اطلاعات در علوم اسلامی؛
۲. رعایت معیارها و ضوابط علمی - پژوهشی به‌ویژه در ابعاد روشی و نظری در حوزه مدیریت دانش اسلامی؛
۳. بومی‌سازی استانداردها در نظام ذخیره و بازیابی اطلاعات در حوزه علوم اسلامی؛
۴. نظام‌سازی در مدیریت دانش اسلامی.

از کلیه صاحب‌نظران، استادان و پژوهشگران علاقه‌مند دعوت می‌شود تا آثار خود را جهت بررسی و چاپ در دوفصلنامه علمی - ترویجی مدیریت دانش اسلامی براساس ضوابط و شرایط مندرج در این فراخوان از طریق سامانه نشریه به آدرس jikm@isca.ac.ir ارسال نمایند.

راهنمای تنظیم و ارسال مقالات

۱. شرایط اولیه پذیرش مقاله

- ✓ نشریه مدیریت دانش اسلامی در پذیرش یا رد و ویرایش علمی و ادبی مقالات، آزاد است.
- ✓ مقالات ارسالی به نشریه مدیریت دانش اسلامی نباید قبلاً در جای دیگری ارائه یا منتشر شده و یا همزمان جهت انتشار به نشریات دیگر ارسال شده باشند.
- ✓ با توجه به اینکه همه مقالات فارسی ابتدا در سامانه سمیم نور مشابهت‌یابی می‌شوند، برای تسریع در فرایند داوری بهتر است نویسندگان محترم قبل از ارسال مقاله، از اصالت مقاله خود از طریق این سامانه مطمئن شوند.
- ✓ نشریه مدیریت دانش اسلامی از دریافت مقاله مجدد از نویسندگانی که مقاله دیگری در روند بررسی دارند و هنوز منتشر نشده، معذور است.
- ✓ مقاله در محیط Word با پسوند DOCX (با قلم Noorzar نازک ۱۳ برای متن و Times New Roman نازک ۱۰ برای انگلیسی) حروف چینی گردد.

۲. شرایط مقالات استخراج شده از آثار دیگر: چنانچه مقاله مستخرج از هر کدام از موارد ذیل باشد،

- نویسنده موظف است اطلاعات دقیق اثر وابسته را ذکر کند. در غیر این صورت در هر مرحله‌ای که نشریه متوجه عدم اطلاع‌رسانی نویسنده شود، مطابق مقررات برخورد می‌کند:
- **پایان‌نامه** (عنوان کامل، استاد راهنما، تاریخ دفاع، دانشگاه محل تحصیل، دانشکده، گروه تحصیلی)
- *** مقاله ارسالی از **دانشجویان (ارشد و دکتری)** به‌تنهایی قابل پذیرش نبوده و ذکر نام **استاد راهنما** الزامی می‌باشد.

- **طرح پژوهشی** (عنوان کامل طرح، تاریخ اجرا، همکاران طرح، سازمان مربوطه)
- **ارائه شفاهی در همایش و کنگره** (عنوان کامل همایش یا کنگره، تاریخ، سازمان مربوطه)

۳. روند ارسال مقاله به نشریه: نویسندگان باید فقط از طریق بخش ارسال مقاله سامانه نشریه جهت ارسال مقاله

- اقدام کنند، به مقالات ارسالی از طریق ایمیل یا ارسال نسخه چاپی ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- ✓ برای ارسال مقاله، **نویسنده مسئول** باید ابتدا در بخش «**ارسال مقاله**» اقدام به ثبت نام در سامانه نشریه نماید.
- ✓ نویسندگان باید همه مراحل ارزیابی مقاله را صرفاً از طریق صفحه شخصی خود در سامانه مجله دنبال نمایند.

۴. قالب و موضوع مقالات مورد پذیرش

- نشریه مدیریت دانش اسلامی فقط مقالاتی را که حاصل دستاوردهای پژوهشی نویسنده و حاوی یافته‌های جدید است را می‌پذیرد.
- نشریه از پذیرش مقالات مروری صرف، گردآوری، گزارشی و ترجمه معذور است.

۵. فایل‌هایی که در زمان ثبت نام نویسنده مسئول باید در سامانه بارگذاری کند:

- فایل اصلی مقاله (بدون مشخصات نویسندگان)
- فایل مشخصات نویسندگان (به زبان فارسی و انگلیسی)

○ فایل تعهدنامه (با امضای همه نویسندگان)

○ تذکر: (ارسال مقاله برای داوری، مشروط به ارسال سه فایل مذکور و ثبت صحیح اطلاعات در سامانه است).

○ تکمیل و ارسال فرم عدم تعارض منافع، توسط نویسنده مسئول الزامی می‌باشد.

حجم مقاله: واژگان کل مقاله: بین ۵۰۰۰ تا ۷۵۰۰ واژه؛ **کلیدواژه‌ها:** ۴ تا ۸ کلیدواژه؛ **چکیده:** ۱۵۰ تا ۲۰۰

واژه (چکیده باید شامل هدف، مساله یا سوال اصلی پژوهش، روش‌شناسی و نتایج مهم پژوهش باشد).

نحوه درج مشخصات فردی نویسندگان: نویسنده مسئول در آثاری که بیش از یک نویسنده دارند باید

حتماً مشخص باشد. عبارت (نویسنده مسئول) جلوی نام نویسنده مورد نظر درج شود. فرستنده مقاله به‌عنوان

نویسنده مسئول در نظر گرفته می‌شود و کلیه مکاتبات و اطلاع‌رسانی‌های بعدی با وی صورت می‌گیرد.

وابستگی سازمانی نویسندگان باید دقیق و مطابق با یکی از الگوی های ذیل درج شود:

۱. **اعضای هیات علمی:** رتبه علمی (مربی، استادیار، دانشیار، استاد)، گروه، دانشگاه، شهر، کشور، پست الکترونیکی سازمانی.

۲. **دانشجویان:** دانشجوی (کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری) رشته تحصیلی، دانشگاه، شهر، کشور، پست الکترونیکی سازمانی.

۳. **افراد و محققان آزاد:** مقطع تحصیلی (کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری) رشته تحصیلی، سازمان محل خدمت، شهر، کشور، پست الکترونیکی سازمانی.

۴. **طلاب:** سطح (۲، ۳، ۴)، رشته تحصیلی، حوزه علمیه/ مدرسه علمیه، شهر، کشور، پست الکترونیکی.

ساختار مقاله: بدنه مقاله باید به ترتیب شامل بخش‌های ذیل باشد:

۱. **عنوان؛**

۲. **چکیده فارسی** (تبیین موضوع/ مساله/ سوال، هدف، روش، نتایج)؛

۳. **مقدمه** (شامل تعریف مساله، پیشینه تحقیق (فارسی و انگلیسی)، اهمیت و ضرورت انجام پژوهش و دلیل جدیدبودن موضوع مقاله)؛

۴. **بدنه اصلی** (توضیح و تحلیل مباحث)؛

۵. **نتیجه‌گیری** (بحث و تحلیل نویسنده)؛

۶. **بخش تقدیر و تشکر:** پیشنهاد می‌شود از مؤسسه‌های همکار و تأمین‌کننده اعتبار بودجه پژوهش نام برده شود. از

افرادی که به نحوی در انجام پژوهش مربوطه نقش داشته، یا در تهیه و فراهم‌نمودن امکانات مورد نیاز تلاش

نموده‌اند و نیز از افرادی که به نحوی در بررسی و تنظیم مقاله زحمت کشیده‌اند، با ذکر نام، قدردانی و

سپاس‌گزاری شود. کسب مجوز از سازمان‌ها یا افرادی که نام آن‌ها برای قدردانی ذکر می‌شوند، الزامی است؛

۷. **منابع** (منابع فارسی و غیرفارسی علاوه بر زبان اصلی، باید به زبان انگلیسی نیز ترجمه شده و با شیوه‌نامه

APA ویرایش و بعد از بخش **فهرست منابع**، ذیل عنوان **References** درج شوند).

روش استناددهی: APA (درج پانویس، ارجاعات درون متن و فهرست منابع) می‌باشد که لینک داندلود

فایل آن در سامانه نشریه (راهنمای نویسندگان) موجود می‌باشد.

فهرست مقالات

- تحول در نمایه‌سازی تحلیلی موضوعی؛ کاربرد ارتباطسنجی درون‌متنی نمایه‌ها و نقش هوش مصنوعی در آن..... ۷
سیدمهدی مجیدی نظامی
- موضوع‌شناسی فرقه‌های انحرافی و کاربرت آن در «ماده ۵۰۰» مکرر قانون مجازات اسلامی..... ۴۵
علی محمدی هوشیار - اسماعیل آقابابایی بنی
- معناشناسی جعل در قرآن کریم..... ۸۲
محمدابراهیم نتاج
- نقش واژه‌های دم‌بلند در توسعه اصطلاح‌نامه‌ها، الزامات و چالش‌ها..... ۱۱۱
حسین حسن‌زاده
- کشف منظومه معنایی صلاح و فساد در اندیشه آیت‌الله مصباح یزدی رحمته‌الله..... ۱۴۱
فاطمه هدایتی عزیزی - مرتضی عبدی جاری - زینب شگری چوبی
- معناشناسی ساخت‌گرایانه..... ۱۷۱
عیسی موسی‌زاده



A Transformation in Analytical Thematic Indexing: The Application of In-Text Relationship Evaluation of Indexes and the Role of Artificial Intelligence Seyyed Mahdi Majidi Nezami

Seyyed Mehdi Majidi Nezami¹

Received: 2024/07/19 • Revised: 2024/08/15 • Accepted: 2024/08/17 • Published online: 2025/02/17

Abstract

This study examines and presents an innovative approach to analytical thematic indexing in the field of Islamic studies and humanities. The study focuses particularly on in-text relationship evaluation between the indexes of a work, using advanced AI technologies. Given the extensive volume and complexity of Islamic texts, the development of an efficient system for managing information in this area is necessary. Using an analytical-experimental method, this research examines the practical experiences of indexers, feedback from the information retrieval process, and the latest capabilities of AI. The primary objective of the study is to enhance the information management system in Islamic studies and humanities by designing a new indexing model, establishing connections between the indexes within a work, and improving categorization and retrieval methods using AI tools. The findings indicate the feasibility of creating a comprehensive and efficient indexing system for Islamic studies and humanities. By

1. Assistant Professor, Department of Information and Documents Organization, Research Center for Islamic Information and Documents Management, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. m.majidi@isca.ac.ir.

* Majidi Nezami, M. (2024). A Transformation in Analytical Thematic Indexing: The Application of In-Text Relationship Evaluation of Indexes and the Role of Artificial Intelligence. *Journal of Studies of Quranic Sciences*, 5(10), pp.7-44. <https://doi.org/10.22081/jikm.2025.69770.1100>

integrating human knowledge and AI. this system can improve text comprehension, fill research gaps, and facilitate interdisciplinary studies.

Keywords

Analytical thematic indexing, Islamic studies and humanities, information management, information retrieval, in-text relationship evaluation of indexes, artificial intelligence.



التطور في الفهرسة التحليلية للموضوعات؛ تطبيق قياس الترابط النصي في الفهارس ودور الذكاء الاصطناعي فيها

السيد مهدي مجيدي نظامي^١

تاريخ الإستملا: ٢٠٢٤/٠٧/١٩ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٤/٠٨/١٥ • تاريخ القبول: ٢٠٢٤/٠٨/١٧ • تاريخ الإصدار:

٢٠٢٥/٠٢/١٧

الملخص

تم في هذه الدراسة تقديم ونقد منهجية مبتكرة في الفهرسة التحليلية الموضوعية في مجال العلوم الإنسانية الإسلامية. تركزت هذه الدراسة بشكل خاص على قياس الترابط النصي بين فهارس العمل، باستخدام تقنيات الذكاء الاصطناعي المتقدمة. ونظراً للحجم الهائل والتعقيد الذي تسم به النصوص الإسلامية، فإن وجود نظام فعال لإدارة المعلومات في هذا المجال أمر ضروري. تدرس هذه الدراسة القدرات الجديدة للذكاء الاصطناعي باستخدام أسلوب تحليلي تجريبي، وتجارب عملية للمفهرسين، وردود الفعل من عملية استرجاع المعلومات. الهدف الرئيسي لهذا البحث هو تحسين نظام إدارة معلومات العلوم الإنسانية الإسلامية من خلال تصميم نموذج جديد للفهرسة، وإنشاء الترابط النصي بين فهارس العمل، وتحسين أساليب التصنيف واسترجاع المعلومات باستخدام أدوات الذكاء الاصطناعي. وتشير النتائج إلى إمكانية إنشاء نظام شامل

١. أستاذ مساعد، قسم تنظيم المعلومات والوثائق، معهد إدارة المعلومات والوثائق الإسلامية، المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران.
m.majidi@isca.ac.ir

* مجيدي نظامي، السيد مهدي. (٢٠٢٤م). التطور في الفهرسة التحليلية للموضوعات؛ تطبيق قياس الترابط النصي في الفهارس ودور الذكاء الاصطناعي فيها، الفصلية العلمية - الترويجية لدراسات علوم القرآن، ٥ (١٠)، صص ٧-٤٤.

<https://Doi.org/10.22081/jikm.2025.69770.1100>

وفعال للفهرسة في مجال العلوم الإنسانية الإسلامية، يمكنه من خلال الجمع بين المعرفة البشرية والذكاء الاصطناعي، أن يساعد في تحسين فهم النصوص، وسد فجوات البحث، وتسهيل الدراسات متعددة التخصصات.

الكلمات الرئيسية

الفهرسة التحليلية الموضوعية، العلوم الإنسانية الإسلامية، إدارة المعلومات، استرجاع المعلومات، الترابط النصي للفهارس، الذكاء الاصطناعي.



تحول در نمایه‌سازی تحلیلی موضوعی؛ کاربرد ارتباط‌سنجی درون‌متنی نمایه‌ها و نقش هوش مصنوعی در آن

سیدمهدی معجیدی نظامی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۹ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۵/۲۵ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۷ • تاریخ آنلاین: ۱۴۰۳/۱۱/۲۹

چکیده

این پژوهش به بررسی و عرضه رویکردی نوآورانه در نمایه‌سازی تحلیلی موضوعی در حوزه علوم انسانی-اسلامی می‌پردازد. تمرکز ویژه این مطالعه بر ارتباط‌سنجی درون‌متنی میان‌نمایه‌های یک اثر با بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته هوش مصنوعی است. با توجه به حجم گسترده و پیچیدگی متون اسلامی، وجود سیستمی کارآمد برای مدیریت اطلاعات در این حوزه ضروری است. این مطالعه با استفاده از روش تحلیلی-تجربی، تجربیات عملی نمایه‌سازان، بازخوردهای حاصل از فرآیند بازیابی اطلاعات، و قابلیت‌های نوین هوش مصنوعی را مورد بررسی قرار می‌دهد. هدف اصلی این پژوهش، ارتقای سیستم مدیریت اطلاعات علوم انسانی-اسلامی از راه طراحی الگویی جدید برای نمایه‌سازی، ایجاد ارتباط میان‌نمایه‌ها در یک اثر، و بهبود روش‌های دسته‌بندی و بازیابی اطلاعات با استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی است. نتایج حاصل نشان‌دهنده امکان ایجاد سیستمی جامع و کارآمد برای نمایه‌سازی در حوزه علوم انسانی-اسلامی است که با تلفیق دانش انسانی و هوش

۱. استادیار، گروه سازماندهی اطلاعات و مدارک، پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.
m.majidi@isca.ac.ir

* معجیدی نظامی، سیدمهدی. (۱۴۰۲). تحول در نمایه‌سازی تحلیلی موضوعی؛ کاربرد ارتباط‌سنجی درون‌متنی نمایه‌ها و نقش هوش مصنوعی در آن. فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات علوم قرآن، ۵(۱۰)، صص ۷-۴۴.

<https://Doi.org/10.22081/jikm.2025.69770.1100>

مصنوعی می‌تواند به بهبود فهم متون، تکمیل خلاءهای پژوهشی و تسهیل مطالعات میان‌رشته‌ای کمک کند.

کلیدواژه‌ها

نمایه‌سازی تحلیلی موضوعی، علوم انسانی-اسلامی، مدیریت اطلاعات، بازیابی اطلاعات، ارتباط‌سنجی درون‌متنی نمایه‌ها، هوش مصنوعی.

مقدمه

در عصر حاضر، با توجه به حجم عظیم اطلاعات در حوزه انسانی-اسلامی و پیچیدگی روزافزون مباحث مرتبط، نیاز به یک سیستم کارآمد مدیریت اطلاعات، بیش از پیش احساس می‌شود. نمایه‌سازی، به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی این مدیریت، نقشی حیاتی در سازماندهی و بازیابی اطلاعات ایفا می‌کند.

پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی از روش ابداعی نمایه‌سازی تحلیلی-موضوعی استفاده می‌کند. این روش، که براساس اصطلاح‌نامه‌های تولیدشده در پژوهشکده انجام می‌شود (پایگاه مدیریت اطلاعات، ۱۴۰۳)، با تمرکز بر مفاهیم و موضوعات اصلی متن به‌جای واژه‌های صرف، دو ویژگی منحصر به فرد را عرضه می‌کند:

۱. رویکرد موضوع‌محور: به‌جای تکیه بر واژه‌های منفرد، بر مفاهیم و موضوعات اصلی متن تمرکز می‌کند.

۲. ساختار ترکیبی و منسجم: با ترکیب اصطلاحات، واژه‌های کلیدی، حروف و ادوات ارتباطی، نمایه‌ای عبارتی و چکیده‌وار (چکیده‌نما) ایجاد می‌کند. در این روش، به‌جای استفاده از یک اصطلاح واحد، از ترکیبی هدفمند از اصطلاحات در قالبی منسجم و با رعایت ترتیب منطقی و دستوری استفاده می‌شود. دو اصل کلیدی در ساخت این نمایه‌ها عبارتند از:

الف) حفظ ساختار نحوی: چینش اصطلاحات به گونه‌ای که معنای دقیق و شفاف را منتقل کند.

ب) استفاده از حروف ربط و اضافه: برای ایجاد پیوند معنایی بین اصطلاحات و ساخت عباراتی روان و قابل فهم (واردی، ۱۴۰۲، صص ۹۷-۹۹).

این روش نمایه‌سازی، ضمن حفظ دقت و جامعیت، امکان بازیابی موثرتر اطلاعات را فراهم می‌آورد و به کاربران اجازه می‌دهد تا با درکی عمیق‌تر از محتوا، به جستجوی منابع بپردازند.

در بحث ارتباط‌سنجی میان نماها، دو رویکرد اصلی قابل تصور است:

۱. ارتباط‌سنجی درون‌متنی: که به بررسی ارتباطات میان نماهای یک اثر (مانند یک کتاب یا مقاله) می‌پردازد.
۲. ارتباط‌سنجی بین‌متنی: که ارتباطات میان نماهای آثار گوناگون را مورد بررسی قرار می‌دهد.

این پژوهش، بر ارتباط‌سنجی درون‌متنی تمرکز دارد. ارتباط‌سنجی بین‌متنی، موضوع دیگری است که به دلیل پیچیدگی و گستردگی آن، اقتضات دیگری دارد و می‌تواند موضوعی برای پژوهش‌های دیگر باشد.

سؤال اصلی پژوهش این است که چگونه می‌توان سیستم مدیریت اطلاعات در علوم انسانی - اسلامی را با تمرکز بر نمایه‌سازی تحلیلی - موضوعی و ارتباط‌سنجی درون‌متنی ارتقا داد تا پاسخگوی نیازهای پژوهشگران، دانشجویان و علاقه‌مندان به این حوزه باشد. این رویکرد نوین می‌تواند به درک بهتر ساختار مفهومی آثار در حوزه علوم انسانی - اسلامی و بهبود قابل توجه در بازیابی و استفاده از این منابع منجر شود.

در فرایند این پژوهش برای ارتباط‌سنجی میان نمایه‌ها، از ابزارهای هوش مصنوعی پیشرفته مانند ChatGPT-4 (OpenAI 2024)، Claude Pro 3.5 Sonnet (Anthropic و 2024)، استفاده شده است.

این پژوهش از رویکردی تحلیلی-تجربی بهره می‌گیرد که مبتنی بر تجارب عملی نمایه‌سازان و بازخوردهای کاربران است. جامعه مورد مطالعه شامل متون علوم اسلامی، نمایه‌سازی شده در پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی است.

روش‌های گردآوری و تحلیل داده‌ها عبارتند از:

۱. تحلیل تجربیات عملی نمایه‌سازان در حوزه نمایه‌سازی تحلیلی - موضوعی؛
۲. تحلیل محتوای نمایه‌ها و مقایسه آنها با متون اصلی؛
۳. استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی برای تحلیل و پردازش داده‌ها.

مراحل اجرای پژوهش

۱. ارزیابی جامع سیستم فعلی نمایه‌سازی؛
۲. شناسایی نقاط قوت و ضعف روش موجود؛
۳. طراحی الگوی بهبود یافته نمایه‌سازی تحلیلی - موضوعی با تمرکز بر ارتباط‌سنجی درون‌متنی؛

۴. تدوین دستورالعمل‌های جدید برای نمایه‌سازان؛
 ۵. پیاده‌سازی آزمایشی الگوی جدید بر روی بخشی از متون؛
 ۶. ارزیابی نتایج و اصلاح الگو بر اساس بازخوردها؛
 ۷. تدوین نهایی روش نمایه‌سازی تحلیلی - موضوعی بهبود یافته.
- برای تحلیل داده‌ها، از روش‌های کیفی مانند تحلیل محتوا و تحلیل مضمون استفاده شده است؛ همچنین برای پردازش حجم زیاد داده‌ها و شناسایی الگوهای پنهان، از الگوریتم‌های یادگیری ماشین و پردازش زبان طبیعی بهره گرفته شده است.
- این رویکرد پژوهشی، با تکیه بر تجربیات عملی و بازخوردگیری مستقیم از فرآیند نمایه‌سازی و ارزیابی، امکان عرضه راهکارهای کاربردی و موثر را فراهم می‌آورد؛ همچنین با تمرکز بر ارتباط‌سنجی درون‌متنی، این پژوهش زمینه را برای مطالعات آتی در زمینه ارتباط‌سنجی بین‌متنی فراهم می‌کند.

تعاریف واژه‌ها و اصطلاحات کلیدی

۱- نمایه‌سازی تحلیلی - موضوعی

نمایه‌سازی^۱ فرآیندی است در مدیریت اطلاعات و دانش‌شناسی که به تحلیل محتوای اسناد و تبدیل آن به واژه‌های کلیدی می‌پردازد. هدف از این کار، ایجاد راهنمایی برای دسترسی سریع و آسان به اطلاعات است. نمایه، فهرستی مرتب - به‌طور معمول الفبایی - از موضوعات و مطالب مهم یک سند است که کاربر را به محل دقیق اطلاعات هدایت

1. Indexing

می‌کند. این فرآیند شامل تحلیل محتوا، شناسایی مفاهیم کلیدی، و تخصیص اصطلاحات مناسب برای بازیابی بهتر اطلاعات است. نمایه‌سازی یکی از ضروری‌ترین و کارآمدترین ابزارهای سازماندهی و بازیابی اطلاعات به شمار می‌رود (واردی، ۱۴۰۲، صص ۳۵-۳۶). نمایه کتاب نوشته نظام‌یافته‌ای است از واژه‌ها و مفاهیم موضوعی، نام‌های اشخاص، عنوان کتاب‌ها و مدارک استناد شده، نام‌های جغرافیایی و دیگر مطالب مهم یک کتاب با ارجاع به صفحاتی که محل اطلاعات مورد نظر را نشان می‌دهند (نوروزی، ۱۳۹۳، ص ۲۰).

نمایه‌سازی به دو شکل انجام می‌شود: نمایه توصیفی و نمایه تحلیلی. نمایه توصیفی، که گاهی فهرست‌نویسی توصیفی نیز نامیده می‌شود، به ثبت ویژگی‌های ظاهری و کتاب‌شناختی سند مانند پدیدآورنده، عنوان، ناشر و تاریخ نشر می‌پردازد. در مقابل، نمایه تحلیلی به تحلیل محتوای سند، تعیین موضوعات اصلی و انتخاب واژه‌ها یا عبارات نماینده محتوا اختصاص دارد. نمایه تحلیلی خود به دو زیرگروه نمایه‌سازی واژه‌ای و نمایه‌سازی مفهومی (موضوعی) تقسیم می‌شود. هدف از هر دو نوع نمایه‌سازی، سازماندهی اطلاعات برای دسترسی و بازیابی آسان‌تر است (واردی، ۱۴۰۲، صص ۶۱-۶۳).

نمایه موضوعی که یکی از انواع نمایه تحلیلی است، بر شناسایی و نمایه‌سازی مفاهیم و موضوعات اصلی متن تمرکز دارد. در این روش، نمایه‌ساز به جای پرداختن به عبارات و الفاظ متن، مفاهیم کلیدی را استخراج کرده و با استفاده از اصطلاح‌نامه، آنها را به شکلی استاندارد و قابل بازیابی ثبت می‌کند. این رویکرد امکان دسترسی مفهومی به محتوای اسناد را فراهم می‌آورد (واردی، ۱۴۰۲، ص ۹۷).

۲- ارتباط‌سنجی درون‌متنی نمایه‌ها

ارتباط‌سنجی درون‌متنی نمایه‌ها به بررسی روابط میان نمایه‌های یک اثر خاص مانند کتاب، مقاله یا پایان‌نامه می‌پردازد. در این روش، تعداد نمایه‌ها محدود به همان متن است؛ بنابراین بررسی نمایه‌های مرتبط، دسته‌بندی‌ها و اصطلاحات به کار رفته نیز به‌طور طبیعی به آن اثر خاص محدود می‌شود.

۳- ارتباط‌سنجی بین‌متنی نمایه‌ها

ارتباط‌سنجی بین‌متنی نمایه‌ها به بررسی روابط میان نمایه‌های مجموعه‌ای از متون، شامل کتاب‌ها، مقالات، یا پایان‌نامه‌ها، می‌پردازد که می‌تواند به شکل تک‌حوزه‌ای یا ترکیبی انجام شود. در این روش، تعداد نمایه‌ها بسیار گسترده است و به‌طور عمده در حوزه نرم‌افزارها و پایگاه‌های برخط کاربرد دارد. این فرآیند زمان‌بر بوده و نیازمند نیروی انسانی زیاد، برنامه‌نویسی و الگوریتم‌های خاص است. ارتباط‌سنجی بین‌متنی به مباحث هستی‌شناسی نزدیک بوده و در حکمرانی علم، نقشی ویژه و جایگاهی بی‌نظیر دارد.

۴- هوش مصنوعی^۱

براساس آنچه راسل و نورویگ^۲ (۲۰۲۱) در کتاب «هوش مصنوعی؛ رویکردی مدرن»^۳، درباره تعریف هوش مصنوعی گفته‌اند، هوش مصنوعی (AI) یک حوزه پژوهشی گسترده است که تعاریف متعددی دارد. این تعاریف را می‌توان در دو محور اصلی دسته‌بندی کرد:

۱. رویکرد انسانی یا عقلانی

الف) رویکرد انسانی: این دیدگاه در پی ایجاد سیستم‌هایی است که شبیه به هوش انسانی عمل می‌کنند. هدف، شبیه‌سازی فرآیندهای شناختی انسان است.

ب) رویکرد عقلانی: این دیدگاه بر ایجاد سیستم‌هایی تمرکز دارد که بهینه‌ترین عملکرد را در یک موقعیت خاص نشان می‌دهند، حتی اگر این عملکرد با روش‌های انسانی متفاوت باشد.

1. Artificial Intelligence- AI

2. Russell, Stuart, & Norvig, Peter.

3. Artificial Intelligence: A Modern Approach

۲. رویکرد فرآیندی یا رفتاری

الف) رویکرد فرآیندی: این دیدگاه بر مکانیسم‌های داخلی تفکر و استدلال تمرکز دارد. هدف آن، ایجاد سیستم‌هایی است که فرآیندهای شناختی پیچیده را شبیه‌سازی می‌کنند.

ب) رویکرد رفتاری: این دیدگاه بر خروجی و عملکرد نهایی سیستم تمرکز دارد، صرف نظر از فرآیندهای داخلی آن.

از ترکیب این ۲ محور، ۴ چهارچوب مفهومی اصلی در تحقیقات هوش مصنوعی شکل می‌گیرد:

۱. عمل انسانی

۲. تفکر انسانی

۳. عمل عقلانی

۴. تفکر عقلانی

آزمون تورینگ، که توسط آلن تورینگ در سال ۱۹۵۰ معرفی شد، نمونه‌ای از رویکرد «عمل انسانی» است. این آزمون برای ارزیابی توانایی یک ماشین در رفتار هوشمند طراحی شده است. در این آزمون، اگر یک ارزیاب انسانی نتواند تشخیص دهد که آیا طرف مقابل یک انسان است یا یک ماشین، آن ماشین در آزمون موفق شده است. برای موفقیت در آزمون تورینگ، یک سیستم هوش مصنوعی باید قابلیت‌های زیر را داشته باشد:

۱. پردازش زبان طبیعی^۱؛ توانایی درک و تولید زبان انسانی.

۲. نمایش دانش^۲؛ قابلیت ذخیره‌سازی و بازیابی اطلاعات.

۳. استدلال خودکار^۳؛ توانایی استفاده از اطلاعات ذخیره شده برای پاسخگویی به

پرسش‌ها و استنتاج نتایج جدید.

1. Natural Language Processing (NLP)

2. Knowledge Representation

3. Automated Reasoning

۴. یادگیری ماشینی^۱؛ قابلیت سازگاری با شرایط جدید و بهبود عملکرد براساس تجربه. اگرچه آزمون تورینگ یکی از اولین معیارهای ارزیابی هوش مصنوعی بود، بسیاری از محققان معاصر به جای تمرکز بر این آزمون، به مطالعه اصول بنیادی هوش مصنوعی می‌پردازند. این رویکرد مشابه رویکرد مهندسان هوافضا است که به جای تقلید مستقیم از پرواز پرندگان، به مطالعه اصول آیرودینامیک و توسعه فناوری‌های پیشرفته هوانوردی روی آورده‌اند.

این رویکرد علمی و سیستماتیک به هوش مصنوعی منجر به پیشرفت‌های قابل توجهی در زمینه‌هایی مانند یادگیری عمیق، پردازش زبان طبیعی، و سیستم‌های خبره شده است (Russell & Norvig, 2021a).

باتوجه به مطالب یادشده به نظر می‌رسد اطلاق «هوش» در «هوش مصنوعی» یک استعمال مجازی است و به تعبیر برخی، ماشینی که به شکل هوشمندانه عمل می‌کند در واقع در حال فکر کردن نیست، بلکه تنها یک شبیه‌سازی از فکر کردن است (Russell & Norvig, 2021b)، البته با قابلیت‌های بسیار که فرصت پرداختن به آن در اینجا نیست.

برای کسب اطلاعات جامع‌تر درباره ماهیت، انواع، کارکردها، نقاط قوت و ضعف هوش مصنوعی، مطالعه فصل ۲۸ کتاب «هوش مصنوعی؛ رویکردی مدرن» توصیه می‌شود. این فصل به موضوعات کلیدی زیر می‌پردازد:

۱. محدودیت‌های هوش مصنوعی
۲. هوش مصنوعی محدود^۲.
۳. هوش مصنوعی عمومی^۳.
۴. روش‌های اندازه‌گیری و ارزیابی هوش مصنوعی^۴.

1. Machine Learning
2. Narrow AI
3. General AI
4. Measuring AI

۵. بررسی این پرسش فلسفی که آیا ماشین‌ها در واقع قادر به تفکر هستند^۱. این فصل دیدگاه جامعی از چالش‌ها و پتانسیل‌های حوزه هوش مصنوعی عرضه می‌کند و برای درک عمیق‌تر مفاهیم و مباحث مطرح در این زمینه، منبعی ارزشمند محسوب می‌شود (Russell & Norvig, 2021c).

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که مطالعات متعددی به اهمیت و ضرورت نمایه‌سازی در سازماندهی و بازیابی اطلاعات پرداخته‌اند. نمایه‌سازی نقشی کلیدی در تسهیل دسترسی به منابع اطلاعاتی و بهبود کارایی نظام‌های بازیابی دارد. پژوهشگرانی همچون کیولند و کیولند (۱۳۹۱)، فاگمن (۱۳۸۹) و لنکستر (۱۳۸۱) در آثار خود به تشریح مبانی نظری و عملی نمایه‌سازی و اهمیت آن در سازماندهی و اشاعه اطلاعات پرداخته‌اند.

در حوزه علوم انسانی-اسلامی نیز پژوهشگران به اهمیت و ضرورت نمایه‌سازی در سازماندهی و بازیابی منابع اطلاعاتی این حوزه پرداخته‌اند. واردی (۱۳۹۴) در مقاله «سازماندهی محتوایی علوم اسلامی از طریق نمایه‌سازی موضوعی به روش ترکیبی» به بررسی اهمیت و روش‌های نمایه‌سازی در علوم اسلامی پرداخته و روش نمایه‌سازی ترکیبی را به عنوان راهکاری کارآمد معرفی کرده است؛ همچنین واردی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «امکان سنجی روش‌های سازماندهی اطلاعات در حوزه فقه»، ضمن بررسی روش‌های گوناگون سازماندهی اطلاعات در این حوزه، بر اهمیت نمایه‌سازی در بازیابی کارآمد منابع فقهی تأکید کرده است. متقی نژاد (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای تحت عنوان «طرحی نو در نمایه‌سازی علوم اسلامی»، ضمن تأکید بر ضرورت نمایه‌سازی در سازماندهی منابع علوم اسلامی، به عرضه الگویی جدید برای نمایه‌سازی این منابع پرداخته است. ولایتی و نوروزی (۱۳۹۸) نیز در کتاب «نمایه‌سازی موضوعی، نمایه‌سازی

1. Can Machines Really Think?

مفهومی»، به بررسی جامع مفاهیم و کاربردهای نمایه‌سازی در سازماندهی اطلاعات علوم انسانی-اسلامی پرداخته‌اند.

علی‌رغم اهمیت شناخته شده نمایه‌سازی، جستجوی گسترده در منابع و پایگاه‌های اطلاعاتی نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشی که به‌طور خاص به موضوع «ارتباط‌سنجی درون‌متنی و بین‌متنی نمایه‌ها در حوزه علوم انسانی-اسلامی» پرداخته باشد، صورت نگرفته است. در واقع، علی‌رغم پژوهش‌های انجام شده در زمینه نمایه‌سازی در این حوزه، مطالعه روابط درونی و بینابینی نمایه‌ها و به‌کارگیری روش‌های ارتباط‌سنجی در این زمینه، موضوعی است که تاکنون مورد غفلت واقع شده است.

این شکاف پژوهشی، ضرورت و اهمیت انجام مطالعاتی که به‌طور خاص به ارتباط‌سنجی درون‌متنی و بین‌متنی نمایه‌ها در حوزه علوم انسانی-اسلامی بپردازند را آشکار می‌سازد. پژوهش حاضر با هدف پر کردن این خلأ پژوهشی و با تمرکز بر نقش هوش مصنوعی در ارتباط‌سنجی نمایه‌ها در این حوزه، تلاش دارد گامی نو در جهت توسعه دانش در این زمینه بردارد. انتظار می‌رود نتایج این پژوهش، افزون‌بر کمک به درک بهتر ساختار دانش در حوزه علوم انسانی-اسلامی، زمینه را برای بهبود نظام‌های نمایه‌سازی و بازیابی اطلاعات در این حوزه فراهم نماید و راه را برای مطالعات آتی در این زمینه هموار سازد.

یافته‌ها

پس از تحلیل دقیق فرآیند نمایه‌سازی موجود و بررسی چالش‌های آن، این پژوهش به یافته‌های مهمی در جهت بهبود نمایه‌سازی تحلیلی موضوعی در حوزه انسانی-اسلامی دست یافت. نتایج حاصل از این پژوهش را می‌توان در سه بخش اصلی خلاصه کرد:

۱. ایجاد سیستم ارتباط‌سنجی میان نماها:

- طراحی روش‌های نوین برای شناسایی و نمایش ارتباطات معنایی میان نماها؛

- ایجاد قابلیت کشف ارتباطات پنهان میان موضوعات به ظاهر نامرتبط؛
- توسعه الگوریتم‌های هوش مصنوعی برای تحلیل و استخراج ارتباطات معنایی پیچیده.

۲. عرضه روش‌های نوین دسته‌بندی نمایه‌ها:

- ایجاد و پیاده‌سازی روش‌های دسته‌بندی چندبعدی و پویا با قابلیت تطبیق با نیازهای متغیر کاربران؛
- طراحی و اجرای الگوریتم‌های جدید خوشه‌بندی برای دسته‌بندی دقیق و کارآمد نمایه‌ها؛

- عرضه رویکردهای نوآورانه در ساختاربندی و سازماندهی نمایه‌ها با توجه به ویژگی‌های خاص متون علوم اسلامی.

۳. کشف و تبیین روابط میان اصطلاحات در نمایه‌های تحلیلی موضوعی:

- شناسایی و استخراج اصطلاحات کلیدی به کار رفته در نمایه‌ها؛
- تبیین روابط معنایی میان اصطلاحات؛ مانند اعم و اخص، مترادف و متضاد در ساختار اصطلاح‌نامه‌ای؛
- عرضه چارچوبی برای نمایش ارتباطات مفهومی میان اصطلاحات در حوزه علوم انسانی-اسلامی.

۱. گزینش ۱۰۰ نمونه از نمایه‌ها

برای تبیین بیشتر مسئله، ابتدا ۱۰۰ مورد از نمایه‌های موضوعی کتاب پژوهشی در عرفان حلقه و انرژی درمانی اثر محمدمسعود سعیدی از پژوهشکده اسلام تمدنی وابسته به پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی که بالغ بر ۳۸۶ مورد است، به شرح زیر گزینش

۱. اصطلاح‌نامه (Thesaurus)؛ مجموعه‌ای نظام‌مند از اصطلاحات تخصصی یک رشته با ذکر روابط معنایی - سلسله مراتبی، مترادف و وابستگی - میان اصطلاحات است (یعقوب‌نژاد، ۱۳۷۵، ص ۳۰).

شد و سپس به هوش مصنوعی گفته شد که آنها را به منظور ارتباطسنجی میان نمایه‌ها بررسی کند:

۱. ادعاهای فوق‌طبیعی برای مریبان انرژی درمانی
 ۲. ادعای ارتباط خاص طاهری با خدا
 ۳. ادعای الهامات الهی برای طاهری
 ۴. ادعای رسالت جهانی طاهری
 ۵. ادعای طاهری در شهود و حیانی جدید
 ۶. ادعای واسطه‌گری حلقه عرفان برای درمان
 ۷. ادعای واسطه‌گری طاهری در امور معنوی
 ۸. ادعای ویژگی‌های فوق‌طبیعی برای طاهری
 ۹. ادیان نوپدید، گروه‌های نوپدید معنوی
 ۱۰. استفاده ابزاری از عشق در عرفان عملی طاهری
 ۱۱. استفاده ابزاری از عقل در عرفان نظری طاهری
 ۱۲. استفاده ابزاری طاهری از آموزه‌های دینی
 ۱۳. استفاده ابزاری عرفان حلقه از عرفان سنتی
 ۱۴. استفاده سهل‌انگارانه عرفان حلقه از عرفان سنتی
۱۵. اعتقاد به انرژی درمانی
 ۱۶. اقسام انرژی درمانی
 ۱۷. اقسام گروه‌های نوپدید معنوی در ایران
 ۱۸. اقسام گروه‌های نوپدید معنوی
 ۱۹. اکولوژی کیهانی
 ۲۰. انرژی کیهانی
 ۲۱. انرژی منفی
 ۲۲. انرژی نو
 ۲۳. انرژی درمانی از راه دور
 ۲۴. انرژی درمانی از نگاه لارنس
 ۲۵. انرژی درمانی پرانیک
 ۲۶. انرژی درمانی رایگان
 ۲۷. انرژی درمانی ریکی
 ۲۸. انرژی درمانی عنقاء
 ۲۹. انرژی درمانی
 ۳۰. انسان‌شناسی طاهری
 ۳۱. اهداف گروه‌های نوپدید معنوی
 ۳۲. اهداف معنوی عرفان حلقه
 ۳۳. پایه علمی انرژی درمانی
 ۳۴. پیامدهای رشد گروه‌های نوپدید معنوی
 ۳۵. پیدایش گروه‌های نوپدید معنوی در ایران

۳۶. تاریخچه انرژی درمانی
۳۷. تاریخچه ریکی درمانی
۳۸. تشعشع شعوری
۳۹. تشعشع فیزیکی
۴۰. تشعشع ماده و انرژی
۴۱. توجیه دینی انرژی درمانی
۴۲. توجیه علمی انرژی درمانی
۴۳. جایگاه علمی طاهری
۴۴. چاکرا
۴۵. حجاب از نگاه طاهری
۴۶. حلقه ارتباط ویژه
۴۷. حلقه آعوذ
۴۸. حلقه تشعشع دفاعی
۴۹. حلقه رحمانیت الهی
۵۰. حلقه فرادرمانی
۵۱. حلقه مردگان برزخی
۵۲. حلقه وحدت در عرفان حلقه
۵۳. رابطه اعتقادات دینی با انرژی درمانی
۵۴. رابطه انرژی درمانی با علوم جدید
۵۵. رابطه انرژی درمانی با معنویت
۵۶. رشد گروه‌های معنویت گرا
۵۷. رفتار نامناسب متولیان دین
۵۸. روش‌های انرژی درمانی
۵۹. شبکه شعور کیهانی از نگاه طاهری
۶۰. شبکه مثبت از نگاه طاهری
۶۱. شبکه مثبت در عرفان حلقه
۶۲. شبکه منفی از نگاه طاهری
۶۳. شبکه منفی در عرفان حلقه
۶۴. شعور کیهانی در عرفان حلقه
۶۵. ضرورت پاسخ‌گویی متولیان دین
۶۶. ضرورت جذابیت حوزه علمیه
۶۷. ضرورت عمل‌گرایی متولیان دین
۶۸. ضرورت نوگرایی در تبلیغ مفاهیم دینی
۶۹. عرفان حلقه از نگاه طاهری
۷۰. عمل‌گرایی عرفان حلقه
۷۱. عوامل جذابیت انرژی درمانی
۷۲. عوامل جذب افراد به عرفان حلقه
۷۳. عوامل گرایش به معنویت‌های نوپدید
۷۴. عوامل موثر در انرژی درمانی
۷۵. فرادرمانی در عرفان حلقه
۷۶. فرایند اعتمادسازی در عرفان حلقه
۷۷. فیض الهی در عرفان حلقه
۷۸. قانون ایاک نستعین عرفان حلقه
۷۹. قانون بازتاب از نگاه طاهری
۸۰. گروه‌های نوپدید دینی ← گروه‌های نوپدید معنوی
۸۱. گروه‌های نوپدید معنوی
۸۲. گروه‌های نوپدید معنوی در دانمارک
۸۳. گروه‌های نوپدید معنوی در غرب

۸۴. ماهیت گروه‌های نوپدید معنوی از نگاه محققان ایرانی
۸۵. مدعیات عرفان حلقه
۸۶. مرکز انرژی ← چاکرا
۸۷. معنویت از نگاه عرفان حلقه
۸۸. مفهوم‌شناسی چاکرا
۸۹. مفهوم‌شناسی ربیکی
۹۰. مفهوم‌شناسی معنویت
۹۱. منابع انرژی در انرژی‌درمانی
۹۲. منافع اقتصادی عرفان حلقه
۹۳. منافع اقتصادی عضویت در عرفان حلقه
۹۴. نقد ادعای برتری عرفان حلقه
۹۵. نقد عرفان عملی عرفان حلقه
۹۶. نقد عرفان نظری عرفان حلقه
۹۷. نقد نظریه تشعشع دفاعی
۹۸. نقد نظریه شبکه شعور کیهانی
۹۹. هدف انرژی‌درمانی
۱۰۰. هستی‌شناسی طاهری

۲. ارتباط‌سنجی میان نمایه‌ها

ارتباط‌سنجی میان نمایه‌ها توسط هوش مصنوعی یکی از مهمترین جنبه‌های این پژوهش است که به درک عمیق‌تر ساختار مفهومی متن و روابط پنهان میان موضوعات کمک می‌کند. بررسی نتایج ارتباط‌سنجی نشان می‌دهد که علی‌رغم برخی اشکالات، هوش مصنوعی توانسته به خوبی ارتباط‌سنجی میان نماها را انجام دهد. این فرآیند نه تنها به بهبود کیفیت نمایه‌سازی منجر می‌شود، بلکه امکان بازیابی دقیق‌تر و جامع‌تر اطلاعات را نیز فراهم می‌آورد. در این بخش با استفاده از نمونه‌های عینی، نحوه ارتباط و پیوند میان نماهای استخراج شده را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. ادعاهای فوق‌طبیعی برای مریبان انرژی‌درمانی (۷، ۸)
۲. ادعای ارتباط خاص طاهری با خدا (۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ۸۵)
۳. ادعای الهامات الهی برای طاهری (۲، ۴، ۵، ۷، ۸، ۸۵)
۴. ادعای رسالت جهانی طاهری (۲، ۳، ۵، ۷، ۸، ۸۵)
۵. ادعای طاهری در شهود و حیانی جدید (۲، ۳، ۴، ۷، ۸، ۸۵)
۶. ادعای واسطه‌گری حلقه عرفان برای درمان (۷، ۸، ۵۰، ۷۵، ۸۵)
۷. ادعای واسطه‌گری طاهری در امور معنوی (۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۸۵)

۸. ادعای ویژگی‌های فوق‌طبیعی برای طاهری (۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸۵)
۹. ادیان نوپدید (۱۷، ۱۸، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴)
۱۰. استفاده ابزاری از عشق در عرفان عملی طاهری (۱۱، ۱۲، ۱۳، ۶۹، ۹۵)
۱۱. استفاده ابزاری از عقل در عرفان نظری طاهری (۱۰، ۱۲، ۱۳، ۶۹، ۹۶)
۱۲. استفاده ابزاری طاهری از آموزه‌های دینی (۱۰، ۱۱، ۱۳، ۶۹)
۱۳. استفاده ابزاری عرفان حلقه از عرفان سنتی (۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۶۹)
۱۴. استفاده سهل‌انگارانه عرفان حلقه از عرفان سنتی (۱۳، ۶۹)
۱۵. اعتقاد به انرژی‌درمانی (۲۹، ۳۳، ۴۱، ۴۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵)
۱۶. اقسام انرژی‌درمانی (۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹)
۱۷. اقسام گروه‌های نوپدید معنوی در ایران (۹، ۱۸، ۳۱، ۸۱)
۱۸. اقسام گروه‌های نوپدید معنوی (۹، ۱۷، ۳۱، ۸۱)
۱۹. اکولوژی کیهانی (۲۰، ۳۸، ۳۹، ۴۰)
۲۰. انرژی کیهانی (۱۹، ۲۱، ۲۲، ۲۹، ۴۰)
۲۱. انرژی منفی (۲۰، ۲۲، ۲۹)
۲۲. انرژی نو (۲۰، ۲۱، ۲۹)
۲۳. انرژی‌درمانی از راه دور (۲۹، ۵۸)
۲۴. انرژی‌درمانی از نگاه لارنس (۲۹)
۲۵. انرژی‌درمانی پرنیک (۱۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹)
۲۶. انرژی‌درمانی رایگان (۱۶، ۲۹)
۲۷. انرژی‌درمانی ریکی (۱۶، ۲۵، ۲۸، ۲۹، ۳۷)
۲۸. انرژی‌درمانی عنقاء (۱۶، ۲۵، ۲۷، ۲۹)
۲۹. انرژی‌درمانی (۱۵، ۱۶، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۳، ۳۶، ۴۱، ۴۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۸، ۷۴، ۹۱، ۹۹)
۳۰. انسان‌شناسی طاهری (۶۹، ۱۰۰)
۳۱. اهداف گروه‌های نوپدید معنوی (۱۷، ۱۸، ۸۱)

۳۲. اهداف معنوی عرفان حلقه (۶۹، ۸۷)
۳۳. پایه علمی انرژی‌درمانی (۱۵، ۲۹، ۴۱، ۴۲، ۵۴)
۳۴. پیامدهای رشد گروه‌های نوپدید معنوی (۸۱)
۳۵. پیدایش گروه‌های نوپدید معنوی در ایران (۸۱، ۸۳)
۳۶. تاریخچه انرژی‌درمانی (۲۹، ۳۷)
۳۷. تاریخچه ریکی‌درمانی (۲۷، ۲۹، ۳۶)
۳۸. تشعشع شعوری (۱۹، ۳۹، ۴۰)
۳۹. تشعشع فیزیکی (۱۹، ۳۸، ۴۰)
۴۰. تشعشع ماده و انرژی (۱۹، ۲۰، ۳۸، ۳۹)
۴۱. توجیه دینی انرژی‌درمانی (۱۵، ۲۹، ۳۳، ۴۲، ۵۳، ۵۵)
۴۲. توجیه علمی انرژی‌درمانی (۱۵، ۲۹، ۳۳، ۴۱، ۵۳، ۵۴)
۴۳. جایگاه علمی طاهری (۸، ۶۹، ۸۵)
۴۴. چاکرا (۸۶، ۸۸)
۴۵. حجاب از نگاه طاهری (۶۹)
۴۶. حلقه ارتباط ویژه (۸، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۸۵)
۴۷. حلقه آعوذ (۴۶، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱)
۴۸. حلقه تشعشع دفاعی (۴۶، ۴۷، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۹۷)
۴۹. حلقه رحمانیت الهی (۳، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۵۱)
۵۰. حلقه فرادرمانی (۶، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۱، ۷۵)
۵۱. حلقه مردگان برزخی (۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰)
۵۲. حلقه وحدت در عرفان حلقه (۶۴، ۶۹، ۹۴، ۹۸)
۵۳. رابطه اعتقادات دینی با انرژی‌درمانی (۱۵، ۲۹، ۴۱، ۴۲، ۵۵)
۵۴. رابطه انرژی‌درمانی با علوم جدید (۱۵، ۲۹، ۳۳، ۴۲، ۵۵)
۵۵. رابطه انرژی‌درمانی با معنویت (۱۵، ۲۹، ۴۱، ۵۳، ۵۴)
۵۶. رشد گروه‌های معنویت‌گرا (۷۳، ۸۱)

۵۷. رفتار نامناسب متولیان دین (۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸)
۵۸. روش‌های انرژی‌درمانی (۲۳، ۲۹)
۵۹. شبکه شعور کیهانی از نگاه طاهری (۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۹۸)
۶۰. شبکه مثبت از نگاه طاهری (۵۹، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۹۸)
۶۱. شبکه مثبت در عرفان حلقه (۵۹، ۶۰، ۶۲، ۶۳، ۹۸)
۶۲. شبکه منفی از نگاه طاهری (۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۳، ۹۸)
۶۳. شبکه منفی در عرفان حلقه (۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۹۸)
۶۴. شعور کیهانی در عرفان حلقه (۵۲، ۵۹، ۹۸)
۶۵. ضرورت پاسخ‌گویی متولیان دین (۵۷، ۶۶، ۶۷)
۶۶. ضرورت جذابیت حوزه علمیه (۵۷، ۶۵، ۶۷، ۶۸)
۶۷. ضرورت عمل‌گرایی متولیان دین (۵۷، ۶۵، ۶۶)
۶۸. ضرورت نوگرایی در تبلیغ مفاهیم دینی (۵۷، ۶۶)
۶۹. عرفان حلقه از نگاه طاهری (۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۳۰، ۳۲، ۴۳، ۴۵، ۵۲، ۷۰، ۷۲، ۷۵، ۷۶، ۸۵، ۸۷، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶)
۷۰. عمل‌گرایی عرفان حلقه (۶۹، ۷۵)
۷۱. عوامل جذابیت انرژی‌درمانی (۲۹، ۷۴)
۷۲. عوامل جذب افراد به عرفان حلقه (۶۹، ۷۶)
۷۳. عوامل گرایش به معنویت‌های نوپدید (۵۶، ۸۱)
۷۴. عوامل موثر در انرژی‌درمانی (۲۹، ۷۱)
۷۵. فرادرمانی در عرفان حلقه (۶، ۵۰، ۶۹، ۷۰)
۷۶. فرایند اعتمادسازی در عرفان حلقه (۶۹، ۷۲)
۷۷. فیض الهی در عرفان حلقه (۶۹)
۷۸. قانون ایاک نستعین عرفان حلقه (۶۹، ۷۹)
۷۹. قانون بازتاب از نگاه طاهری (۶۹، ۷۸)
۸۰. گروه‌های نوپدید دینی (۹، ۸۱)

۸۱. گروه‌های نوپدید معنوی (۹، ۱۷، ۱۸، ۳۱، ۳۴، ۳۵، ۵۶، ۷۳، ۸۰، ۸۲، ۸۳، ۸۴)
۸۲. گروه‌های نوپدید معنوی در دانمارک (۸۱، ۸۳)
۸۳. گروه‌های نوپدید معنوی در غرب (۳۵، ۸۱، ۸۲)
۸۴. ماهیت گروه‌های نوپدید معنوی از نگاه محققان ایرانی (۸۱)
۸۵. مدعیات عرفان حلقه (۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۴۳، ۶۹، ۹۴)
۸۶. مرکز انرژی (۴۴، ۸۸)
۸۷. معنویت از نگاه عرفان حلقه (۳۲، ۶۹)
۸۸. مفهوم‌شناسی چاکرا (۴۴، ۸۶، ۸۹)
۸۹. مفهوم‌شناسی ریکی (۲۷، ۳۷، ۸۸)
۹۰. مفهوم‌شناسی معنویت (۵۵، ۸۱، ۸۷)
۹۱. منابع انرژی در انرژی‌درمانی (۲۹، ۹۹)
۹۲. منافع اقتصادی عرفان حلقه (۶۹، ۹۳)
۹۳. منافع اقتصادی عضویت در عرفان حلقه (۶۹، ۹۲)
۹۴. نقد ادعای برتری عرفان حلقه (۵۲، ۶۹، ۸۵، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸)
۹۵. نقد عرفان عملی عرفان حلقه (۱۰، ۶۹، ۹۴، ۹۶)
۹۶. نقد عرفان نظری عرفان حلقه (۱۱، ۶۹، ۹۴، ۹۵)
۹۷. نقد نظریه تشعشع دفاعی (۴۸، ۹۴، ۹۸)
۹۸. نقد نظریه شبکه شعور کیهانی (۵۲، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۹۴، ۹۷)
۹۹. هدف انرژی‌درمانی (۲۹، ۹۱)
۱۰۰. هستی‌شناسی طاهری (۳۰، ۶۹)

۳. دسته‌بندی جامع و ساختاریافته از ارتباطات میان مفاهیم کلیدی کتاب

پس از بررسی ارتباطات میان نمایه‌ها، گام بعدی عرضه یک دسته‌بندی منسجم و ساختاریافته از این ارتباطات است. این دسته‌بندی نه تنها به درک بهتر ساختار مفهومی کتاب کمک می‌کند، بلکه امکان مشاهده ارتباطات پیچیده میان موضوعات گوناگون

را نیز فراهم می‌آورد. در این بخش، با استفاده از تحلیل‌های انجام شده، یک طبقه‌بندی جامع از مفاهیم کلیدی و ارتباطات آنها عرضه می‌شود که می‌تواند به‌عنوان یک نقشه مفهومی برای درک عمیق‌تر محتوای کتاب مورد استفاده قرار گیرد.

۱. ادعاهای فوق‌طبیعی و ادعاهای طاهری:

- ادعای ارتباط خاص با خدا (۲)
- ادعای الهامات الهی (۳)
- ادعای رسالت جهانی (۴)
- ادعای شهود و حیانی جدید (۵)
- ادعای واسطه‌گری در درمان و امور معنوی (۶، ۷)
- ادعای ویژگی‌های فوق‌طبیعی (۸)

۲. انرژی‌درمانی:

- انواع انرژی‌درمانی؛ پرانیک، ریکی، عنقاء (۲۵، ۲۷، ۲۸)
- روش‌های انرژی‌درمانی: از راه دور، رایگان (۲۳، ۲۶)
- مفاهیم مرتبط؛ انرژی کیهانی، منفی، نو (۲۰، ۲۱، ۲۲)
- جنبه‌های علمی و دینی؛ پایه علمی، توجیه علمی و دینی (۳۳، ۴۱، ۴۲)
- ارتباط با علوم جدید و معنویت (۵۴، ۵۵)
- تاریخچه و اقسام (۱۶، ۳۶، ۳۷)
- عوامل جذابیت و تأثیرگذاری (۷۱، ۷۴)
- منابع انرژی و اهداف (۹۱، ۹۹)

۳. عرفان حلقه و طاهری:

- استفاده ابزاری از عشق، عقل، و آموزه‌های دینی (۱۰، ۱۱، ۱۲)
- مفاهیم کلیدی؛ شبکه شعور کیهانی، شبکه مثبت و منفی (۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴)
- حلقه‌های گوناگون؛ ارتباط ویژه، آعوذ، تشعشع دفاعی، رحمانیت الهی، فرادرمانی (۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱)

- انسان‌شناسی و هستی‌شناسی طاهری (۳۰، ۱۰۰)
- جایگاه علمی و مدعیات طاهری (۴۳، ۸۵)
- فرایند اعتمادسازی و جذب افراد (۷۶، ۷۲)
- قوانین و مفاهیم خاص؛ ایاک نستعین، بازتاب (۷۸، ۷۹)
- نقد جنبه‌های گوناگون عرفان حلقه (۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸)

۴. گروه‌های نوپدید معنوی:

- تعاریف و اقسام (۹، ۱۷، ۱۸)
- پیدایش و رشد در ایران و غرب (۳۵، ۸۲، ۸۳)
- اهداف و پیامدها (۳۱، ۳۴)
- دیدگاه محققان ایرانی (۸۴)

۵. چاکرا و مفاهیم مرتبط:

- مفهوم‌شناسی چاکرا و ریکی (۸۸، ۸۹)
- ارتباط با مراکز انرژی (۸۶)

۶. معنویت و گرایش به آن:

- مفهوم‌شناسی معنویت (۹۰)
- اهداف معنوی عرفان حلقه (۳۲)
- عوامل گرایش به معنویت‌های نوپدید (۷۳)
- رشد گروه‌های معنویت‌گرا (۵۶)

۷. نقد و ضرورت پاسخگویی دینی:

- رفتار نامناسب متولیان دین (۵۷)
- ضرورت پاسخ‌گویی و عمل‌گرایی متولیان دین (۶۵، ۶۷)
- ضرورت جذابیت حوزه علمیه و نوگرایی در تبلیغ مفاهیم دینی (۶۶، ۶۸)

۸. مفاهیم فلسفی و کیهانی:

- اکولوژی کیهانی (۱۹)
- تشعشع شعوری و فیزیکال (۳۸، ۳۹)
- تشعشع ماده و انرژی (۴۰)

۹. جنبه‌های اقتصادی و منافع مالی:

- منافع اقتصادی عرفان حلقه (۹۲)
- منافع اقتصادی عضویت در عرفان حلقه (۹۳)

۱۰. استفاده ابزاری و سهل‌انگارانه از عرفان سنتی:

- استفاده ابزاری عرفان حلقه از عرفان سنتی (۱۳)
- استفاده سهل‌انگارانه عرفان حلقه از عرفان سنتی (۱۴)

۱۱. مفاهیم خاص در عرفان حلقه:

- حلقه وحدت در عرفان حلقه (۵۲)
- فیض الهی در عرفان حلقه (۷۷)
- عمل‌گرایی عرفان حلقه (۷۰)

۱۲. دیدگاه‌های خاص طاهری:

- حجاب از نگاه طاهری (۴۵)
- معنویت از نگاه عرفان حلقه (۸۷)

۱۳. رابطه اعتقادات دینی با انرژی‌درمانی و معنویت:

- رابطه اعتقادات دینی با انرژی‌درمانی (۵۳)
- توجیه دینی انرژی‌درمانی (۴۱)
- رابطه انرژی‌درمانی با معنویت (۵۵)
- منابع انرژی در انرژی‌درمانی (۹۱)

این دسته‌بندی ساختاریافته، که براساس ۱۰۰ نمایه منتخب از مجموع ۳۸۶ نمایه

کتاب تنظیم شده است، تصویری روشن از ارتباطات میان مفاهیم کلیدی اثر عرضه می‌کند. در صورت گسترش این رویکرد به تمامی نمایه‌های کتاب، می‌توان یک نقشه مفهومی جامع ایجاد کرد که به‌عنوان راهنمایی کارآمد برای درک عمیق‌تر محتوا و شناسایی پیوندهای پیچیده میان موضوعات گوناگون عمل می‌کند. این ابزار می‌تواند برای پژوهشگران و خوانندگان در کاوش دقیق‌تر و همه‌جانبه متن بسیار سودمند باشد.

۴. کشف و تبیین روابط میان اصطلاحات در نمایه‌های تحلیلی موضوعی

پس از دسته‌بندی جامع مفاهیم کلیدی، گام بعدی در این پژوهش، کشف و تبیین روابط عمیق‌تر میان اصطلاحات در نمایه‌های تحلیلی - موضوعی است. این مرحله از تحلیل، به ما امکان می‌دهد تا ساختار معنایی پیچیده‌تر و لایه‌های پنهان ارتباطات مفهومی را آشکار سازیم. در این بخش، با استفاده از روش‌های پیشرفته تحلیل محتوا و بهره‌گیری از قابلیت‌های هوش مصنوعی، به بررسی دقیق‌تر روابط سلسله‌مراتبی، معنایی و مفهومی میان اصطلاحات می‌پردازیم. این تحلیل نه تنها به درک عمیق‌تر محتوای اثر کمک می‌کند، بلکه زمینه را برای ایجاد ساختارهای دانشی پیچیده‌تر و کارآمدتر در حوزه علوم انسانی-اسلامی فراهم می‌آورد.

در ادامه به بررسی دقیق این روابط و عرضه یک ساختار سلسله‌مراتبی از ارتباطات مفهومی میان اصطلاحات می‌پردازیم:

الف. اصطلاحات مستخرج از نمایه‌ها

۱. ادعاهای فوق‌طبیعی، اصطلاح مرتبط؛ انرژی درمانی، عرفان حلقه.
۲. اعتمادسازی، اصطلاح مرتبط؛ عرفان حلقه.
۳. اکولوژی کیهانی، اصطلاح مرتبط؛ انرژی کیهانی، شبکه شعور کیهانی.
۴. انرژی کیهانی، اصطلاح مرتبط؛ انرژی درمانی، شبکه شعور کیهانی.
۵. انرژی درمانی، اصطلاح اعم؛ درمان‌های جایگزین. اصطلاح اخص؛ انرژی درمانی

- از راه دور، انرژی درمانی پرانیک، انرژی درمانی ریکیف انرژی درمانی عنقاء.
اصطلاح مرتبط: چاکرا، انرژی کیهانی، انرژی منفی، انرژی نو، تشعشع ماده
و انرژی
۶. انسان‌شناسی، اصطلاح اخص؛ انسان‌شناسی طاهری
 ۷. انسان‌شناسی طاهری، اصطلاح اعم؛ انسان‌شناسی
 ۸. پرانیک، اصطلاح اعم؛ انرژی درمانی. اصطلاح مرتبط؛ انرژی درمانی پرانیک
 ۹. تشعشع شعوری، اصطلاح مرتبط؛ تشعشع ماده و انرژی، عرفان حلقه
 ۱۰. تشعشع فیزیکی، اصطلاح مرتبط؛ تشعشع ماده و انرژی، عرفان حلقه
 ۱۱. تشعشع ماده و انرژی، اصطلاح مرتبط؛ انرژی درمانی، عرفان حلقه
 ۱۲. چاکرا، واژه غیر مرجح؛ مرکز انرژی. اصطلاح مرتبط؛ انرژی درمانی
 ۱۳. حجاب، اصطلاح مرتبط؛ عرفان حلقه
 ۱۴. حلقه ارتباط ویژه، اصطلاح اعم؛ عرفان حلقه
 ۱۵. حلقه آعوذ، اصطلاح اعم؛ عرفان حلقه
 ۱۶. حلقه تشعشع دفاعی، اصطلاح اعم؛ عرفان حلقه
 ۱۷. حلقه رحمانیت الهی، اصطلاح اعم؛ عرفان حلقه
 ۱۸. حلقه فرادمانی، اصطلاح اعم؛ عرفان حلقه
 ۱۹. حلقه مردگان برزخی، اصطلاح اعم؛ عرفان حلقه
 ۲۰. حلقه وحدت، اصطلاح اعم؛ عرفان حلقه
 ۲۱. درمان‌های جایگزین، اصطلاح اخص؛ انرژی درمانی
 ۲۲. ریکی، اصطلاح اعم؛ انرژی درمانی. اصطلاح مرتبط؛ انرژی درمانی ریکی
 ۲۳. شبکه شعور کیهانی، اصطلاح مرتبط؛ عرفان حلقه، انرژی کیهانی
 ۲۴. شبکه مثبت، اصطلاح مرتبط؛ عرفان حلقه
 ۲۵. شبکه منفی، اصطلاح مرتبط؛ عرفان حلقه
 ۲۶. طاهری، محمدعلی، اصطلاح مرتبط؛ عرفان حلقه، انسان‌شناسی طاهری،
هستی‌شناسی طاهری

۲۷. عرفان حلقه، اصطلاح اعم؛ گروه‌های نوپدید معنوی. اصطلاح اخص؛ فرادرمانی، حلقه تشعشع دفاعی، حلقه رحمانیت الهی، حلقه فرادرمانی. اصطلاح مرتبط؛ شبکه شعور کیهانی، شبکه مثبت، شبکه منفی، طاهری، محمدعلی

۲۸. عرفان سنتی، اصطلاح مرتبط؛ عرفان حلقه

۲۹. عرفان عملی، اصطلاح مرتبط؛ عرفان حلقه

۳۰. عرفان نظری، اصطلاح مرتبط؛ عرفان حلقه

۳۱. عمل‌گرایی، اصطلاح مرتبط؛ عرفان حلقه

۳۲. عنقاء، اصطلاح اعم؛ انرژی درمانی. اصطلاح مرتبط؛ انرژی درمانی عنقاء

۳۳. فرادرمانی، اصطلاح اعم؛ عرفان حلقه

۳۴. فیض الهی، اصطلاح مرتبط؛ عرفان حلقه

۳۵. قانون ایاک نستین، اصطلاح مرتبط؛ عرفان حلقه

۳۶. قانون بازتاب، اصطلاح مرتبط؛ عرفان حلقه

۳۷. گروه‌های نوپدید معنوی، واژه غیرمرجح؛ ادیان نوپدید، گروه‌های نوپدید دینی.

اصطلاح اخص؛ عرفان حلقه. اصطلاح مرتبط؛ معنویت

۳۸. متولیان دین، اصطلاح مرتبط؛ گروه‌های نوپدید معنوی

۳۹. معنویت، اصطلاح مرتبط؛ گروه‌های نوپدید معنوی، انرژی درمانی

۴۰. منابع انرژی، اصطلاح مرتبط؛ انرژی درمانی

۴۱. منافع اقتصادی، اصطلاح مرتبط؛ عرفان حلقه

۴۲. نوگرایی، اصطلاح مرتبط؛ گروه‌های نوپدید معنوی، تبلیغ مفاهیم دینی

۴۳. هستی‌شناسی، اصطلاح اخص؛ هستی‌شناسی طاهری

۴۴. هستی‌شناسی طاهری، اصطلاح اعم؛ هستی‌شناسی

ب. ساختار سلسله مراتبی ارتباطات مفهومی میان اصطلاحات

برای عرضه چارچوبی جهت نمایش ارتباطات مفهومی میان اصطلاحات، می‌توان از یک ساختار سلسله مراتبی استفاده کرد. این ساختار می‌تواند به شکل یک درخت

مفهومی یا نقشه ذهنی عرضه شود. در ادامه یک پیشنهاد برای سازماندهی این اصطلاحات عرضه می‌شود.

۱. گروه‌های نوپدید معنوی

۱.۱. عرفان حلقه

۱.۱.۱. فرادرمانی

۲.۱.۱. حلقه تشعشع دفاعی

۳.۱.۱. حلقه رحمانیت الهی

۴.۱.۱. حلقه فرادرمانی

۵.۱.۱. حلقه ارتباط ویژه

۶.۱.۱. حلقه آعوذ

۷.۱.۱. حلقه مردگان برزخی

۸.۱.۱. حلقه وحدت

۲. انرژی درمانی

۱.۲.۱. انرژی درمانی از راه دور

۲.۲.۱. انرژی درمانی پرانیک

۳.۲.۱. انرژی درمانی ریگی

۴.۲.۱. انرژی درمانی عنقاء

۲. مفاهیم کلیدی

۱.۲. شبکه شعور کیهانی

۲.۲. انرژی کیهانی

۳.۲. اکولوژی کیهانی

۴.۲. تشعشع ماده و انرژی

۱.۴.۲. تشعشع شعوری

۲.۴.۲. تشعشع فیزیکال

۵.۲. چاکرا (مرکز انرژی)

۳. افراد کلیدی

۱.۳. طاهری، محمدعلی

۴. دیدگاه‌های فلسفی

۱.۴. انسان‌شناسی

۱.۱.۴. انسان‌شناسی طاهری

۲.۴. هستی‌شناسی

۱.۲.۴. هستی‌شناسی طاهری

۵. مفاهیم مرتبط

۱.۵. اعتمادسازی

۲.۵. حجاب

۳.۵. شبکه مثبت و منفی

۴.۵. فیض الهی

۵.۵. قانون ایاک نستعین

۶.۵. قانون بازتاب

۷.۵. عمل‌گرایی

۸.۵. منافع اقتصادی

۶. مقایسه با دیگر مفاهیم

۱.۶. عرفان سنتی

۲.۶. عرفان عملی

۳.۶. عرفان نظری

۷. جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی

۱.۷. نوگرایی

۲.۷. متولیان دین

۳.۷. تبلیغ مفاهیم دینی

این ساختار سلسله‌مراتبی، ارتباطات پیچیده میان مفاهیم را به‌شکلی منسجم نمایش

می‌دهد. برای درک بهتر این روابط و زیرمجموعه‌های آنها، می‌توان از نرم‌افزارهای نقشه ذهنی یا ابزارهای ترسیم نمودار بهره گرفت و یک نمایش بصری ایجاد کرد. با این حال، باید توجه داشت که شناسایی اولیه این اصطلاحات توسط هوش مصنوعی انجام شده است. برای اطمینان از دقت و کیفیت نهایی، ضروری است پژوهشگرده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی، این یافته‌ها را براساس استانداردهای تخصصی خود ارزیابی کرده و با بهره‌گیری از تخصص و قضاوت انسانی، فرآیند نهایی مدیریت و تأیید این اصطلاحات را انجام دهد. این رویکرد ترکیبی از هوش مصنوعی و تخصص انسانی، می‌تواند به ایجاد یک ساختار مفهومی دقیق و قابل اعتماد منجر شود.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که رویکرد نمایه‌سازی تحلیلی موضوعی با تمرکز بر ارتباط‌سنجی درون‌متنی و استفاده از هوش مصنوعی، علی‌رغم برخی اشکالات، هوش مصنوعی توانسته به خوبی ارتباط‌سنجی میان‌نمایه‌ها را انجام دهد و به‌طور قابل توجهی کیفیت و کارآیی مدیریت اطلاعات در حوزه علوم انسانی-اسلامی را بهبود بخشد. روشن است که اتکا صد درصد به هوش مصنوعی اشتباه است و باید به‌عنوان دستیار پژوهش بدان نگریست و به‌طور اصولی برخی محورها را بدون بررسی متن و تنها با اتکا به نمایه نمی‌توان به‌درستی تشخیص داد و مثل هر مورد دیگر، اتقان کار و اطمینان از نتایج به دست آمده، اقتضائات دیگری از جمله مراجعه و بررسی متن را دارد.

۱. ارتباط‌سنجی میان‌نمایه‌ها؛ این رویکرد امکان درک عمیق‌تر ارتباطات معنایی میان موضوعات گوناگون انسانی-اسلامی را فراهم می‌کند. این امر می‌تواند به پژوهشگران در کشف روابط پنهان میان موضوعات کمک کرده و زمینه‌های جدیدی برای تحقیقات بین‌رشته‌ای ایجاد کند.

۲. روش‌های نوین دسته‌بندی نمایه‌ها: توسعه این روش‌ها امکان سازماندهی پویاتر و انعطاف‌پذیرتر اطلاعات را فراهم می‌کند. این امر می‌تواند پاسخگویی بهتر به نیازهای متغیر کاربران را تضمین کند و بازیابی اطلاعات را تسهیل نماید.

۳. تبیین روابط سلسله مراتبی اصطلاحات؛ این یافته به ایجاد ساختاری منسجم تر در سازماندهی مفاهیم انسانی - اسلامی کمک می کند. درک بهتر روابط میان اصطلاحات می تواند به بهبود دقت نمایه سازی و در نتیجه، بازیابی اطلاعات منجر شود.

استفاده از هوش مصنوعی در این فرآیند، امکان پردازش حجم عظیمی از اطلاعات و کشف الگوهای پیچیده را فراهم می کند که با روش های سنتی امکان پذیر نبود. این رویکرد همچنین می تواند به روزآمدسازی مداوم و خودکار سیستم نمایه سازی کمک کند.

با این حال، پیاده سازی این یافته ها با چالش هایی نیز روبرو است. نیاز به آموزش نمایه سازان، تغییر در فرآیندهای موجود و احتمالاً نیاز به سرمایه گذاری در زیرساخت های فناوری اطلاعات از جمله این چالش ها هستند؛ همچنین باید توجه داشت که استفاده از هوش مصنوعی در این حوزه نیازمند نظارت و ارزیابی مداوم توسط متخصصان علوم اسلامی است تا از دقت و صحت نتایج اطمینان حاصل شود.

این پژوهش راه را برای تحقیقات بیشتر در زمینه بهبود مدیریت اطلاعات در علوم انسانی - اسلامی هموار می کند. پیشنهاد می شود در مطالعات پیشه رو، اثربخشی این روش های جدید در عمل مورد ارزیابی قرار گیرد و راهکارهای عملی برای پیاده سازی گسترده آنها در مراکز پژوهشی و کتابخانه های تخصصی انسانی - اسلامی عرضه شود؛ همچنین بررسی امکان توسعه این رویکرد به ارتباط سنجی بین متنی می تواند افق های جدیدی را در این حوزه بگشاید.

محدودیت ها و چشم اندازهای آینده پژوهش

این مطالعه با تمرکز بر تحلیل روابط درون متنی بخشی از نمایه های یک اثر منفرد، گامی مهم در درک ساختار داخلی متون مورد بررسی برداشته است. اگرچه این رویکرد امکان بررسی عمیق و دقیق را فراهم می آورد، اما محدودیت هایی نیز دارد. گسترش دامنه پژوهش به حجم بیشتری از منابع، شامل کتب، مقالات و پایان نامه ها، می تواند به نتایج جامع تر و قابل تعمیم تری منجر شود و درک گسترده تری از ارتباطات در حوزه مورد مطالعه نشان دهد.

ارتباط‌سنجی بین متنی، به‌عنوان گام بعدی در این مسیر پژوهشی، چالش‌های قابل توجهی را پیش رو دارد. این رویکرد که به کشف پیوندهای مفهومی و معنایی میان نمایه‌های آثار گوناگون می‌پردازد، نیازمند منابع گسترده، زمان کافی و توسعه الگوریتم‌های پیشرفته در حوزه پردازش زبان طبیعی و هوش مصنوعی است. به‌دلیل این پیچیدگی‌ها و محدودیت‌های موجود، این جنبه از پژوهش در مطالعه حاضر مورد بررسی قرار نگرفته است.

با این‌وجود اهمیت و پتانسیل ارتباط‌سنجی بین متنی در ارتقای فهم ما از متون مورد نظر و کشف ارتباطات پنهان میان مفاهیم و اندیشه‌های موجود انکارناپذیر است. این رویکرد می‌تواند به‌عنوان یک هدف بلندمدت، افق‌های جدیدی را در حوزه مطالعات مربوطه بگشاید. تحقق این هدف مستلزم توسعه الگوریتم‌های هوش مصنوعی اختصاصی برای پردازش متون است که ویژگی‌های خاص زبان‌های عربی و فارسی را در نظر بگیرد. افزون‌بر این، ایجاد یک پلتفرم یکپارچه برای نمایه‌سازی و بازیابی اطلاعات با استفاده از فناوری‌های نوین، از ضروریات پیشبرد این حوزه پژوهشی به‌شمار می‌رود.

فهرست منابع

۱. پایگاه مدیریت اطلاعات (۱۴۰۳/ خرداد). <https://thesaurus.isca.ac.ir>.
۲. فاگمن، رابرت. (۱۳۸۹). تحلیل موضوعی و نمایه‌سازی؛ مبانی نظری و توصیه‌های عملی (مترجم: علی مزینانی). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۳. کاظم پور، زهرا؛ اشرفی ریزی، حسن. (۱۳۸۸). فرایند نمایه‌سازی و رویکردهای آن در سازماندهی اطلاعات. فصلنامه کتاب، ۲۰(۳)، صص ۹۴-۷۹.
۴. کلیوند، دونالد بی؛ کلیوند، آنادی. (۱۳۹۱). درآمدی بر نمایه‌سازی و چکیده‌نویسی (سیدمهدی حسینی، مترجم). تهران: چاپار.
۵. لنکستر، فردریک. (۱۳۸۱). نمایه‌سازی و چکیده‌نویسی، مبانی نظری و عملی (مترجم: عباس گیلوری). تهران: چاپار.
۶. متقی نژاد، مرتضی. (۱۳۹۹). طرحی نو در نمایه‌سازی علوم اسلامی. مدیریت دانش اسلامی، ۲(۱)، صص ۱۴۵-۱۲۳.
۷. نوروزی، علیرضا. (۱۳۹۳). نمایه‌سازی کتاب (چاپ دوم). تهران: چاپار.
۸. واردی، سیدتقی. (۱۳۹۴). سازماندهی محتوایی علوم اسلامی از طریق نمایه‌سازی موضوعی به روش ترکیبی. مدیریت دانش اسلامی، ۱(پیش شماره)، صص ۹۸-۷۵.
۹. واردی، سیدتقی. (۱۳۹۷). علل ترجیح نمایه‌سازی موضوعی با رویکرد ترکیبی در بازنمایی موضوعات فقهی. مجله فقه، ۲۵(۳)، صص ۱۳۸-۱۱۵.
۱۰. واردی، سیدتقی. (۱۴۰۲). پژوهشی در بازنمایی اطلاعات علوم اسلامی؛ اصول، روش‌ها و رویکردها. قم: بوستان کتاب.
۱۱. ولایتی، خالد؛ نوروزی، علیرضا. (۱۳۹۷). نمایه‌سازی موضوعی؛ نمایه‌سازی مفهومی. تهران: چاپار.

۱۲. یعقوب نژاد، محمدهادی. (۱۳۷۵). درآمدی بر مبانی اصطلاح‌نامه علوم اسلامی. قم: بوستان کتاب.

13. Anthropic. (2024). Claude (Version Pro 3.5 Sonnet). Retrieved June 30, 2024, from <https://claude.ai/>

14. OpenAI. (2024). ChatGPT (Version 4). Retrieved June 30, 2024, from <https://chatgpt.com/>

15. Russell, S., & Norvig, P. (2021a). *Artificial Intelligence: A Modern Approach* (4th ed., pp. 19-20). Pearson.

16. Russell, S., & Norvig, P. (2021b). *Artificial Intelligence: A Modern Approach* (4th ed., p. 1035). Pearson.

17. Russell, S., & Norvig, P. (2021c). *Artificial Intelligence: A Modern Approach*

References

1. Anthropic. (2024). Claude (Version Pro 3.5 Sonnet). Retrieved June 30, 2024, from <https://claude.ai/>
2. Cleveland, D. B., & Cleveland, A. (2012). An introduction to indexing and abstracting (S. M. Hosseini, Trans.). Tehran: Chapar. [In Persian]
3. Faugman, R. (2010). Subject analysis and indexing: Theoretical foundations and practical recommendations (A. Mazinani, Trans.). Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. [In Persian]
4. Information Management Center. (June 2024). [Online database]. Retrieved from <https://thesaurus.isca.ac.ir>
5. Kazempour, Z., & Ashrafi Rizi, H. (2009). The indexing process and its approaches in information organization. *Ketab*, 20(3), 79-94. [In Persian]
6. Lancaster, F. (2002). Indexing and abstracting: Theoretical and practical foundations (A. Gilvari, Trans.). Tehran: Chapar. [In Persian]
7. Motaghi Nejad, M. (2020). A new approach to indexing Islamic sciences. *Islamic Knowledge Management*, 2(1), 123-145. [In Persian]
8. Norouzi, A. (2014). *Book indexing* (2nd ed.). Tehran: Chapar. [In Persian]
9. OpenAI. (2024). ChatGPT (Version 4). Retrieved June 30, 2024, from <https://chatgpt.com/>
10. Russell, S., & Norvig, P. (2021a). *Artificial intelligence: A modern approach* (4th ed., pp. 19-20). Pearson.
11. Russell, S., & Norvig, P. (2021b). *Artificial intelligence: A modern approach* (4th ed., p. 1035). Pearson.
12. Russell, S., & Norvig, P. (2021c). *Artificial intelligence: A modern approach* (4th ed.). Pearson.
13. Varedi, S. T. (2015). The content organization of Islamic sciences through subject indexing using a hybrid approach. *Islamic Knowledge Management*, 1, 75-98. [In Persian]

14. Varedi, S. T. (2018). Reasons for preferring subject indexing with a hybrid approach in representing jurisprudential topics. *Journal of Fiqh*, 25(3), 115-138. [In Persian]
15. Varedi, S. T. (2023). A study on information representation in Islamic sciences: Principles, methods, and approaches. Qom: Bustan-e-Ketab. [In Persian]
16. Velayati, Kh., & Norouzi, A. (2018). Subject indexing: Conceptual indexing. Tehran: Chapar. [In Persian]
17. Yaghoub Nejad, M. H. (1996). An introduction to the foundations of the Islamic sciences thesaurus. Qom: Bustan-e-Ketab. [In Persian]



Subject Analysis of Deviant Sects and Its Application in the Recurrent Article 500 of the Islamic Penal Code

Ali Mohammadi Houshyar¹

Esmacil Aghababaei Bani²

Received: 2024/11/21 • Revised: 2024/12/10 • Accepted: 2024/12/21 • Published online: 2025/02/17

Abstract

The laws governing the confrontation with deviant sects must have the necessary comprehensiveness and deterrent power to close the path for the establishment and promotion of such sects. The Recurrent Article 500 of the Islamic Penal Code (approved on January 13, 2021) aims to fill the legal gaps in this regard and has been able to address this issue to a significant extent. Since a precise understanding by the relevant authorities and institutions of the deviant sects is considered a prerequisite for the proper understanding and interpretation of this article and its related provisions, this paper provides a cognitive analysis of deviant sects, offering the necessary foundation for interpreting this article. It examines the nature of sects and their operations in society as the main question of the study, analyzing its application within the context of the mentioned article. In this context, elements such as precise definitions of terms, an introduction to active

1. Researcher and Member of the Department for Current Studies, Research Center for Mahdism and Futurology, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. al.mohammadi@isca.ac.ir.

2. Associate Professor, Department of Jurisprudential and Legal Issues, Research Center for Islamic Jurisprudence and Law, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. aghababaei@isca.ac.ir.

* Mohammadi Houshyar, A. & Aghababaei Bani, E. (2024). Subject Analysis of Deviant Sects and Its Application in the Recurrent Article 500 of the Islamic Penal Code. *Journal of Studies of Quranic Sciences*, 5(10), pp. 45-81. <https://Doi.org/10.22081/jikm.2025.70354.1101>

sects in Iran, harm analysis, and the introduction of mind control methods within sects have been studied. The research method is descriptive-analytical, and in addition to introducing the dimensions of sects, it also analyzes their ideologies.

Keywords

Sectarianism, Crimes Against Security, Freedom of Speech, Sectarian Violence, Innovation (in religion).



التحليل الموضوعي للفرق الضالة وتطبيقاته في المادة ٥٠٠ المكررة من قانون العقوبات الإسلامي

علي محمدي هوشيار^١ إسماعيل آقابائي بني^٢

تاريخ الإستلام: ٢٠٢٤/١١/٢١ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٤/١٢/١٠ • تاريخ القبول: ٢٠٢٤/١٢/٢١ • تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/٠٢/١٧

الملخص

إن القوانين المنظمة لمواجهة الفرق الضالة والمنحرفة يجب أن تكون شاملة وتمتتع بالقوة الرادعة اللازمة لقطع الطريق على إنشائها وترويجها، وقد سعت المادة ٥٠٠ المكررة من قانون العقوبات الإسلامي (المعتمد بتاريخ ٢٤/١٠/٢٠١٩) إلى سد الثغرات القانونية في هذا الصدد، وقد تمكنت من معالجة هذه القضية إلى حد مقبول. وبما أن المعرفة الدقيقة بالفرق الضالة من قبل الجهات والمؤسسات المختصة تعتبر شرطاً أساسياً لفهم المادة ٥٠٠ والمواد المرتبطة بها وتلقيها بشكل صحيح، فإن هذه المقالة، من خلال تقديم تحليل معرفي للفرق الضالة، قد قدمت الأساس اللازم لتفسير هذه المادة وقد حاولت أن تناول ماهية الفرق وكيفية عملها في المجتمع كمسألة الدراسة والبحث حول تطبيقها. وفي هذا الصدد تمت دراسة مكونات مثل:

١.. خبير في منصب عضو هيئة تدريس، قسم معرفة التيارات، معهد الدراسات المهدوية والمستقبلية، المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران.
al.mohammadi@isca.ac.ir

٢. أستاذ مشارك، قسم القضايا الفقهية والقانونية، معهد الفقه والقانون، المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران.
ghababaei@isca.ac.ir

* محمدي هوشيار، علي؛ آقابائي بني، إسماعيل. (٢٠٢٤م). التحليل الموضوعي للفرق الضالة وتطبيقاته في المادة ٥٠٠ المكررة من قانون العقوبات الإسلامي، الفصلية العلمية - الترويجية لدراسات علوم القرآن، ٥(١٠)،

<https://Doi.org/10.22081/jikm.2025.70354.1101>

صص ٤٥-٨١.

التعريف الدقيق للمصطلحات، وإدخال الفرق النشطة في إيران، وعلم أمراض أساليب السيطرة على العقول وتعريفها في الفرق. المنهج البحثي في هذه المقالة هو وصفي تحليلي، فهي بالإضافة إلى التعريف بأبعاد الفرق فإنه تمت فيها تحليل أفكارها أيضاً.

الكلمات الرئيسية

الطائفية، الجرائم ضد الأمن، حرية التعبير، العنف الطائفي، الزندقة.



موضوع‌شناسی فرقه‌های انحرافی و کاربست آن در «ماده ۵۰۰» مکرر قانون مجازات اسلامی

علی محمدی هوشیار^۱ اسماعیل آقابابایی بنی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۹/۲۰ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱ | تاریخ آنلاین: ۱۴۰۳/۱۱/۲۹

چکیده

قوانین ناظر به مواجهه با فرقه‌های انحرافی، باید از جامعیت و مانعیت لازم برخوردار باشد تا راه را در برابر تأسیس و ترویج آنان ببندد. ماده ۵۰۰ مکرر قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۹/۱۰/۲۴)، در پی جبران خلأهای قانونی در این باره بوده و توانسته است تا مقدار قابل قبولی به این موضوع بپردازد. از آنجاکه شناخت دقیق مجریان و نهادهای مربوطه، از فرقه‌های انحرافی به‌عنوان پیش‌نیاز فهم و دریافت درست این ماده و مواد مرتبط با آن تلقی می‌شود، این نوشته با عرضه تحلیل شناختی از فرقه‌های انحرافی، بن‌مایه‌های لازم را برای تفسیر این ماده فراهم ساخته و تلاش کرده است تا به چستی فرقه‌ها و چگونگی عملکرد آنان در جامعه، به‌عنوان پرسش این پژوهش نگریسته و کاربست آن در ماده مذکور را بررسی کند. در این راستا، مؤلفه‌هایی همچون:

۱. کارشناس در جایگاه هیئت علمی و عضو گروه جریان‌شناسی پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی - پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران. al.mohammadi@isca.ac.ir
۲. دانشیار، گروه مسائل فقهی و حقوقی، پژوهشکده فقه و حقوق، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران. aghababaei@isca.ac.ir

* محمدی هوشیار، علی؛ آقابابایی بنی، اسماعیل. (۱۴۰۲). موضوع‌شناسی فرقه‌های انحرافی و کاربست آن در «ماده ۵۰۰» مکرر قانون مجازات اسلامی. فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات علوم قرآن، ۵(۱۰)، صص ۴۵-۸۱
<https://doi.org/10.22081/jikm.2025.70354.1101>

تعاریف دقیق اصطلاحات، معرفی فرقه‌های فعال در ایران، آسیب‌شناسی و معرفی روش‌های کنترل ذهن در فرقه‌ها را مورد مطالعه قرار داده است. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است و افزون بر معرفی ابعاد فرقه، به تحلیل اندیشه‌های آنان اقدام کرده است.

کلیدواژه‌ها

فرقه‌گرایی، جرایم علیه امنیت، آزادی بیان، خشونت‌های فرقه‌ای، بدعت.

مقدمه

جریان‌ها و فرقه‌های انحرافی، پیش از آنکه به‌عنوان یک امر اعتقادی غیرهمسو شناخته شوند، عنصری برای برهم زدن نظم فرهنگی و اجتماعی جامعه تلقی شده و برخورد با سران و مبلغین آنان، از جمله وظایف قانون‌گذاران و مراجع ذی‌صلاح امنیتی و قضایی به‌شمار می‌رود. بی‌اعتنایی به خطرات و آسیب‌فرقه‌ها یا تعجیل و تأخیر در زمان برخورد یا نشناختن آسیب‌های فرقه‌ها و برخورد نادرست با آنان، خود به‌مثابه آسیب دیگری است که زمینه رشد و حیات فرقه‌ها را فراهم می‌آورد. گذشته از آن، آنچه روند برخورد قانونمند با فرقه‌های مذکور را کند می‌کند، خلاءهای قانونی است که به‌مانند حیاط خلوتی روشن برای پیدایش و گسترش فرقه‌ها عمل کرده است. الحاق ماده ۵۰۰ مکرر به کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده)، بخشی از خلاءهای مذکور را جبران کرده است اما برای ابهام، با تفاسیر قضایی گوناگون همراه است و اولین گام در عرصه برخورد با فرقه‌ها، تبیین ابهامات این ماده و معرفی گونه‌های فرقه‌ها و باورهای آنان است.

متن ماده ۵۰۰ مکرر عبارت است از: هر کس در قالب فرقه، گروه، جمعیت یا مانند آن و استفاده از شیوه‌های کنترل ذهن و القائات روانی در فضای واقعی یا مجازی مرتکب اقدامات زیر گردد، چنانچه رفتار وی مشمول حد نباشد، به حبس و جزای نقدی درجه پنج یا یکی از این دو مجازات و محرومیت از حقوق اجتماعی درجه پنج محکوم می‌گردد. مجازات سردستگی فرقه یا گروه مزبور مطابق ماده (۱۳۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ تعیین می‌شود: هر اقدامی که موجب تسلط روانی یا جسمی بر دیگری شود به نحوی که فرد مورد بهره‌کشی و سوء استفاده جنسی، جسمی یا مالی واقع شود و یا در اثر آسیب‌رسانی به قدرت تصمیم‌گیری فرد و تشویق وی به ارتکاب جرایمی همچون اعمال منافی عفت، مصرف مشروبات الکلی، مواد مخدر و یا مواد روان‌گردان، خودآزاری یا دیگرزنی، فرد مرتکب این اقدامات گردد. ۲- هرگونه فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مغایر و یا مخل به شرع مقدس اسلام از طریقی مانند طرح ادعاهای واهی و کذب در حوزه‌های دینی و مذهبی همچون ادعای الوهیت،

نبوت یا امامت و یا ارتباط با پیامبران یا ائمه اطهار علیهم‌السلام.

تبصره ۱ - تأمین مالی و یا هر نوع حمایت مادی دیگر از گروه‌های موضوع این ماده با آگاهی از ماهیت آنها موجب محکومیت به حبس درجه پنجم و جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر ارزش کمک‌های مالی و حمایت‌های مادی ارائه شده می‌باشد. چنانچه مرتکب شخص حقوقی باشد به انحلال و پرداخت جزای نقدی مذکور محکوم می‌گردد.

تبصره ۲ - ارتباط گروه‌های موضوع این ماده با خارج از کشور برای دریافت حمایت یا هدایت‌های تشکیلاتی موجب تشدید مجازات مقرر به میزان یک درجه می‌گردد.

تبصره ۳ - اموال سرده‌ها و اشخاص تأمین کننده مالی گروه‌های موضوع این ماده که ناشی از جرم بوده یا برای ارتکاب جرم استفاده یا به این منظور تهیه شده باشد و اموال متعلق به گروه‌های مزبور به نفع بیت المال مصادره می‌گردد.

تبصره ۴ - امور آموزشی و پژوهشی و سایر اقدامات مشابه به منظور رد و طرد و پاسخگویی به شبهات و نقد عقاید گروه‌های موضوع این ماده از شمول حکم این ماده و ماده (۴۹۹ مکرر) این قانون خارج است.

در ماده ۵۰۰ مکرر قانون مجازات اسلامی، به جرایم زیر اشاره شده است: ۱- هر اقدامی که موجب تسلط روانی یا جسمی بر دیگری شود، به نحوی که فرد مورد بهره‌کشی و سوءاستفاده جنسی، جسمی یا مالی واقع شود و یا در اثر آسیب‌رسانی به قدرت تصمیم‌گیری فرد و تشویق وی به ارتکاب جرایمی از قبیل اعمال منافی عفت، مصرف مشروبات الکلی، مواد مخدر و یا مواد روان‌گردان، خودآزاری یا دیگرزنی، فرد مرتکب این اقدامات گردد. ۲- هرگونه فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مغایر و یا مخل به شرع مقدس اسلام از طرقی مانند طرح ادعاهای واهی و کذب در حوزه‌های دینی و مذهبی از قبیل ادعای الوهیت، نبوت یا امامت و یا ارتباط با پیامبران یا ائمه اطهار علیهم‌السلام. با این حال افزون‌بر احراز جرایم یادشده، دو قید دیگر هم باید احراز گردد: ۱- اعمال ارتكابی در قالب فرقه، گروه و جمعیت یا مانند آن انجام گرفته باشد ۲- روش ارتكاب از راه کنترل ذهن و القائات روانی باشد.

از آنجا که شناخت موضوع و مصادیق مندرج در این ماده و تطبیق آن با مصادیق، مسئله اصلی این نوشتار است، از این رو چیستی ماهیت فرقه‌ها و چگونگی عملکرد آنان در جامعه سوال اصلی آن خواهد بود که به شکل بینارشته‌ای حقوقی و روانشناختی و جامعه‌شناختی مورد مطالعه و بررسی قرار خواهد گرفت.

نوشتار حاضر در پی آن است تا: الف- تعریف مشخصی از فرقه، گروه، جمعیت و مانند آن‌را نشان دهد. ب- نحوه تحقق «کنترل ذهن و القانات روانی» و «تسلط روانی یا جسمی بر دیگری» را با ذکر نمونه‌هایی از فرقه‌ها بیان کند. ج- نمونه‌هایی از فرقه‌ها را بیان کند که گرونده به فرقه، خود قربانی جرم است و مورد «بهره‌کشی و سوءاستفاده جنسی، جسمی یا مالی» قرار می‌گیرد. د- مواردی که باعث می‌شود شخص در اثر «آسیب‌رسانی به قدرت تصمیم‌گیری» مرتکب جرایم دیگر مثل اعمال منافعی عفت و مصرف مشروبات الکلی گردد. ه- آموزش‌های فرقه‌ای که مصادق «ادعاهای واهی و کذب در حوزه‌های دینی و مذهبی» است بیان گردد. و- شناسایی نارسایی‌ها و نواقص ماده ۵۰۰ مکرر که به دلیل کم توجهی به موضوع در تدوین قانون رقم خورده است. این نوشتار با روش تحلیلی و توصیفی، تعاریف، طبقه‌بندی‌ها، آسیب‌ها، روش‌ها و ابزارهای تبلیغی فرقه‌ها و نظایر آن‌را به اختصار به بحث می‌گذارد.

۱. پیشینه موضوع و تحقیق

با مروری بر آثار و منشورات علمی حقوقی، پژوهشی درباره مصادیق‌یابی ماده ۵۰۰ مکرر از زاویه تبیین چیستی و چگونگی عملکرد فرقه‌ها در جامعه یافت نشد و نوشتار حاضر تلاش دارد تا برای اولین بار، ابعاد مصادیقی و قانونی فرقه‌ها را مورد مطالعه و ملاحظه قرار دهد. ماده ۵۰۰ مکرر نیازمند بررسی مجدد و تأمین خلاءهای دقیق دارد و تاکنون این مسأله از سوی صاحب نظران نقد فرقه‌ها و جریان فقط‌های انحرافی به‌عنوان مطالعه موردی ملاحظه نشده و نظریه‌ها و مطالعات موثری در این زمینه وجود ندارد که به‌طور کلی مسیر تحقیقات را تغییر داده باشند.

۲. مفاهیم کاربردی

ماده ۵۰۰ مکرر از عبارت: «هر کس در قالب فرقه، گروه، جمعیت یا مانند آن...» استفاده کرده است که به اختصار واژه‌ها مواجه شده و موارد مرتبط با آن را می‌توان چنین بیان کرد:

۱-۲. فرقه و موارد مشابه

به‌طور عموم واژه فرقه معادل cult به کار می‌رود. فیل زاگرنن در توضیح معنای cult آورده است: گروه مذهبی کوچکی است که در بهترین حالت عجیب و غریب است و در بدترین حالت مرگبار است. فرقه‌ها چیزهای مشکوکی هستند، فرقه‌ها خطرناکند و قطعاً سازمان‌های دینی مشروعی نیستند. وی در ادامه به واژه Sect اشاره کرده و در توضیح آن می‌گوید: گروه کوچک و عجیب و دردسرساز، اما به بدی، غرابت، یا خطرناکی فرقه‌ها نیست (زاگرنن، ۱۳۸۴، ص ۱۲۳).

فرقه، جمعیت، گروه و مانند آن (نحله، انجمن، حزب، طیف، گروهک، توده، جناح، سازمان، جنبش، طیف)؛ نام‌های پرکاربرد اجتماعی برای تقسیم‌بندی مجموعه‌هایی هستند که با اهداف از پیش مشخص شده، در صدد انجام کار تشکیلاتی و جریان‌سازی می‌باشند. چنانچه فعالیت افراد، در قالب هر کدام از اقسام مذکور بوده و مطابق با اهداف مجرمانه فرقه‌ای باشد، مشمول ماده خواهد بود.

براساس ارجاع ماده ۵۰۰ مکرر، در تعریف و توضیح فرقه به ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی، در تبصره ۱ این ماده آمده است: گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم و متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌گردد.

البته از جمله اشکالات این تعریف، عبارت «نسبتاً منسجم» در این تبصره است که دارای ابهام است و به نظر می‌رسد که قانونگذار از لفظ «نسبتاً» این معنا را اراده کرده است که نیاز به یک گروه دارای سلسله مراتب تشکیلاتی نیست، بلکه همین که در عرف این جمع را یک گروه منسجم بدانند، برای تحقق گروه مجرمانه کافی است (الهام و برهانی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۲).

چنانچه مراد قانونگذار این باشد، این تعریف را نمی توان مطابق با تعریف فرقه دانست؛ زیرا در تشکیل فرقه، سلسله مراتب، تعریف وظایف و قوانین سازمانی به منزله اصل اولیه تلقی می شود. البته چنین تعریفی با نحله ها که ضرورتی به تشکیلات مرسوم و سلسله مراتب ندارند و در عین حال، بیشتر در پی تحقق اهداف فرقه ای باشند مطابقت دارد. در تعریف نحله آمده است: نَحْل، ویژه گروه هایی است که در اندیشه های کلامی از یکدیگر متمایز شده اند (ابن حزم أندلسی، ۲۰۱۶م، ج ۳، ص ۲۷۱).

اگر از نگاه بیرونی به نموده های بارز فرقه ها پرداخته شود، درخواستیم یافت که تعالیم فرقه ها مجموعه ای از صحبتهای زیبا و عامه پسند، در قالب اصول اعتقادی و معنوی یا روانشناختی خاص است، اما آنچه در بررسی فرقه ها از دید پنهان می ماند، نه عقاید آنان، بلکه روابط و عملکرد تشکیلاتی آنان است که عموماً بر پایه مُرید و مرادی و به طور کاملاً منسجم است (محمدی هوشیار، ۱۳۹۶، ص ۳۳).

بر اساس ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی، تشکیل گروه در تحقق جرم موضوعیت دارد و از این رو در تبصره آن بر عدد حداقل سه تصریح شده است. بر اساس این تحدید، تمامی گروه های سه نفره که دارای باور انحرافی باشند داخل در تعریف فرقه خواهند شد و حال آنکه در تشکیل فرقه، عدد موضوعیت ندارد و تعیین یافتن فرقه، یک امر عرفی است و چنانچه عرف متخصصین، با توجه به نوع ساختار و کثرت هوادار و اعضای رسمی یک گروه منحرف، به فرقه بودن آن گروه اتفاق نظر داشته باشند، فرقه بودن آنان متعین می شود؛ بنابراین این امکان وجود خواهد داشت که با حضور ده نفر و بیشتر نیز فرقه متعین نشود و عرف متخصصین نیز آنان را به عنوان یک گروه منحرف یا خرده جریان تلقی کرده و احکام فرقه را به آنان صادر نکند.

۲-۲. سردسته فرقه

در ادامه همین ماده آمده است: «مجازات سردستگی فرقه یا گروه مزبور مطابق ماده (۱۳۰) قانون مجازات اسلامی...». در توضیح و اژه سر کرده فرقه گفته می شود: رهبری و سردستگی فرقه و هر کدام از گروه ها و دسته های مشمول ماده، عنوانی عمومی

برای موسس و مدیر تشکیلات است که به تناسب نوع و گونه تشکیلات متغیر شده و با عنوان؛ قطب، دبیرکل، قله عالم، استاد کل و... خوانده می‌شوند. در تعریف این واژه در تبصره ۲ ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی، آمده است: سردستگی عبارت از تشکیل یا طراحی یا سازماندهی یا اداره گروه مجرمانه است.

در توضیح این تعریف چنین می‌توان گفت: طراح کسی است که ایده اصلی فعالیت یک گروه مجرمانه را ارائه می‌دهد و منابع تأمین امکانات و شکل عمل و نحوه شکل‌گیری آن را بیان می‌کند. سازماندهی به‌نوعی اشاره به دعوت و جمع‌آوری افراد یا گروه‌های پراکنده دارد تا اهداف مجرمانه خود را از طریق آنها به منصه ظهور و بروز برساند. تشکیل‌دهنده فردی است که با پیاده‌سازی نقشه عملیاتی تهیه شده توسط طراح یا سازمان‌دهنده اقدام به شکل‌دهی به گروه می‌نماید و اداره‌کننده، گروه تشکیل‌یافته یا سازمان‌دهی شده یا متشکل را هدایت می‌کند (رحمدل، ۱۳۹۸، ص ۸۶).

باتوجه به اینکه ماهیت سردستگی در مقام معاونت در جرم تلقی می‌شود، به این اعتبار حضور فیزیکی سردسته در صحنه ارتکاب جرم برای تحقق مفهوم سردستگی الزامی ندارد و از راه فضای مجازی یا دیگر وسایل ارتباطی امکان ارتکاب جرم وجود دارد، از این‌رو حیطة فعالیت سردسته فرقه را اعم از فضای واقعی یا مجازی دانسته و هر دو را به یک میزان مشمول مجازات تلقی کرده است.

۲-۳. اعضای فرقه

در تعریف اعضای فرقه آمده است: «مجموعه‌ای از افراد که خود را ملزم به رعایت منشور تشکیلات می‌دانند و برای محقق ساختن اهداف و دستورات صادر شده از طرف سران و گردانندگان، از هیچ کوششی دریغ نمی‌کنند» (محمدی هوشیار، ۱۳۹۷، ص ۲۱). از جمله نقایص موجود در ماده ۵۰۰ مکرر، بی‌توجهی به نقش و جرم اعضای فرقه است. براساس ماده ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)؛ هر کس در یکی از دسته‌ها یا جمعیت‌ها یا شعب جمعیت‌های مذکور در ماده (۴۹۸) عضویت یابد به سه ماه تا پنج سال حبس محکوم می‌شود مگر اینکه ثابت شود از اهداف آن بی‌اطلاع بوده است، که

با استناد به این ماده، خلاء مذکور در ماده ۵۰۰ مکرر جبران خواهد شد اما نکته قابل توجه در پایان ماده ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی این است که، آن دسته از اعضای گروه که از اهداف سرکرده بی‌اطلاع بوده را مستثنی کرده و مشمول جرم و مجازات نمی‌داند و این مقدار درباره عضویت در فرقه‌ها محل مناقشه خواهد بود؛ زیرا کسی که به‌طور اعتقادی عضویت یک فرقه را می‌پذیرد، علت عضویت او فقط در امور روانشناختی و مغزشویی و نظایر آن منحصر نشده و در مرحله پس از عضویت، به اقناع علمی می‌رسد. از این رو با تمامی اهداف فرقه آشنا بوده است. توضیح اینکه شاید علت عضویت یک فرد در فرقه، اقناع روانشناختی باشد که البته توجه به عنصر روانی جرم دارای اهمیت است، اما بقاء و ماندگاری او به سبب اقناع علمی می‌باشد و براساس این دیدگاه، تمامی اعضای فرقه‌های انحرافی مشمول مجازات خواهند بود و موردی برای استثناء باقی نمی‌ماند. چنان‌که بند ۳۴ از ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری نفس عضویت در یکی از فرقه‌های ضاله را که از نظر اسلام مردود شناخته شده‌اند، مصداق تخلفات اداری می‌داند، بدون آنکه به اطلاع از اهداف سرکرده و نظایر آن اشاره کند.

۴-۲. کنترل ذهن

براساس ماده ۵۰۰ مکرر قانون مجازات اسلامی، اگر سردسته فرقه، با استفاده از روش‌های کنترل ذهن و القائات روانی مرتکب بهره‌کشی و سوءاستفاده جنسی، جسمی یا مالی و نظایر آن شود، مجازات مشخصی خواهد داشت. از این رو، توضیح روش‌های کنترل ذهن و القائات و تسلط روانی ضروری است.

سلطه روانی در فرایند کنترل ذهن اتفاق می‌افتد و عبارت است از: تغییر تحلیل‌های مخاطب براساس روش و الگوهای خاص با هدف بهره‌کشی و سوء استفاده از مخاطب که واژه‌هایی مانند شستشوی مغزی^۱، کنترل اندیشه^۲، اصلاح اندیشه^۳، اصلاح

1. Brainwashing
2. Thought control
3. Thought reform

ایدئولوژیک^۱ و مغزشویی^۲ معادل آن به کار رفته‌اند. این عمل ممکن است از راه روش‌های زیر صورت گیرد: ۱- کنترل همه جانبه افراد ۲- خود اعترافی ۳- منزوی کردن ۴- شکنجه ۵- ایجاد فرسودگی جسمی و روانی ۶- تحقیر شخصیت ۷- مسلم فرض کردن جرم ۸- همانندسازی ۹- کاهش توانایی ذهنی ۱۰- ایجاد سردرگمی ۱۱- تلقین ۱۲- تکرار عقیده ۱۳- رفتار شرطی و... (کاوینانی، ۱۳۹۰، ص ۳۵۷). البته مقوله انگیزه القاءات و تسلط روانی می‌تواند در تعیین مقدار مجازات نقش داشته باشد به‌طور مثال برای مراقبت از فردی در برابر سوءاستفاده دیگران انجام گیرد که در این صورت مطابق بند ۳ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی «وجود انگیزه شرافت‌مندانه در ارتکاب جرم» ممکن است از عوامل مخففه مجازات محسوب شود.

۳. رفتارهای ارتكابی

آسیب‌ها یا پیامدهای مندرج در ماده ۵۰۰ مکرر قانون مجازات اسلامی را در دو عنوان کلی می‌توان مورد توجه و بررسی قرار داد تا مراد قانون‌گذار در بکار بردن عناوین مورد نظر تبیین گردد که عبارتند از: ۱- کنترل ذهن و سلطه روانی ۲- سوء استفاده و بهره‌کشی از پیروان فرقه‌ها.

۳-۱. کنترل ذهن و سلطه روانی

۳-۱-۱. سلطه روانی بر اعضا

سلطه روانی نتیجه استفاده از روانشناسی تاریک است که با استفاده از روش‌هایی؛ مانند کنترل ذهن، بازجویی قهرآمیز، تبلیغات فریب‌آمیز، گفتار متقاعدکننده، حذف محبت، باج‌گیری عاطفی، رفتار پرخاشگری منفعل، جلب اعتماد از راه بمباران عشق و نظایر آن انجام می‌شود و شاید کنترل ذهن، افراطی‌ترین نمونه روانشناسی تاریک باشد

1. Ideological reform

2. Menticide

که در آن فرد یا گروهی در پی کنترل دیگران هستند. بیشتر ممکن است این مورد را درباره سران فرقه‌ها مشاهده کرد که به کمک این رویکرد، پیروان خود را متقاعد می‌کنند تا هر دستوری را اجرا کنند. به‌عنوان نمونه به چند روش مرسوم در فرقه‌های انحرافی اشاره می‌شود:

۳-۱-۲. نابودگری اندیشه

این روش عبارت است از بی‌اعتبار کردن منشأ و مبانی اصلی اندیشه، که می‌تواند با روش‌های گوناگونی در فرایند تبلیغی فرقه‌های انحرافی اجرا شود. به‌طور عموم نابودگری اندیشه با تمسک به مغالطات، تحریفات، تدلیس حق، تقطیع مضر، ترجمه اشتباه، تقویت گمان و سوء ظن و نظایر آن انجام می‌شود که تمامی این موارد را می‌توان ذیل واژه «فریب» مورد بررسی و انتقاد قرار داد. جریان‌ها به خوبی می‌دانند که برای نابودگری اندیشه، همین مقدار کفایت تا پایگاه اندیشه مخاطب را شناسایی کرده و مورد هدف قرار دهند، آنگاه بدون هیچ هزینه‌ای نظام فکری او را برانداخته و تصاحب خواهند کرد؛ به‌عنوان مثال برای آنکه یک شیعه دوازده امامی که باورهای دینی او از بنیاد مرجعیت دریافت شده است را مورد تبلیغ قرار دهند، ابتدا باید مرجعیت شیعه را در نظر او تخریب کنند؛ از این‌رو از روش نابودگری استفاده کرده و اندیشه فرد تبلیغ شده را درباره سلامت مالی و اعتقادی مراجع تقلید مورد هدف قرار می‌دهند. آنان برای انجام این کار، به ابزارهای حدیثی دست یافته و برای اثبات ادعایشان، برخی احادیث مشابه را پیش روی وی قرار می‌دهند.

به‌طور عموم تمامی جریان‌های انحرافی؛ مانند جریان احمداسماعیل بصری، به تویح اسحاق بن یعقوب استناد می‌کنند. در بخشی از این تویح اشاره به مباح بودن خمس و عدم وجوب پرداخت خمس از سوی شیعیان اشاره دارد. اندیشه فرد تبلیغ شده به

۱. وَ أَمَّا الْخُمْسُ فَقَدْ أُبِيحَ لِشِيعَتِنَا وَ جَعَلُوا مِنْهُ فِي حِلٍّ إِيَّيْهِ وَقَتِ ظُهُورِ أَمْرِنَا لِتَطْيِيبِ وَلَا دَنَّتْهُمْ وَلَا تَحْبُتْ (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۹۲).

محض آنکه با چنین روایتی مواجه می‌شود، نابود شده و با تصور اینکه سال‌ها پیرو کسانی بوده‌اند که به شکل باطل و ناحق از مردم وجوهات شرعی دریافت می‌کردند، عنان از کف داده و ضمن مخالفت با مراجع تقلید، خود را آماده پذیرش هر نوع مطالبی از سوی مبلغ می‌نماید.

۳-۱-۳. خودانتقادگر سازی

خود انتقادی یکی از خصوصیات فردی است که موجب ناتوانی در برقراری ارتباط درست با دیگران می‌شود و در نتیجه این احساس، افراد به‌طور مداوم خودشان را سرزنش می‌کنند. در حقیقت خودانتقادی متأثر از عوامل درونی است که اشاره به نگرانی‌های بیش از حد راجع به پیشرفت و موفقیت دارد و با موضوعات مرتبط با عزت نفس همچون احساس گناه، احساس شکست در رسیدن به استانداردها، احساس حقارت و احساس بی ارزش بودن همراه است. این افراد در دستیابی به اهداف خود بر قضاوتی شدید تمرکز دارند و قادر نیستند از پیشرفت‌های خود لذت ببرند (سیدنی، ۱۹۹۵، ص ۱۸). یکی از روش‌های پر کاربرد در کنترل ذهن، خود انتقادگر کردن مخاطب است که با تخریب دژ مستحکم باورهای مخاطب همراه بوده و جایگاه شخصیتی او را متزلزل می‌کنند. در این روش که به شکل گروهی انجام می‌شود، مخاطب مورد نظر را بدون آنکه از اهداف و اندیشه مبلغین جریان مطلع باشد، محاصره می‌کنند و در مدت زمانی معین و در مناسبت‌های گوناگون، طوری القاء می‌کنند که او فردی یکدنده و لجباز و دور از آبادی است و حاضر نیست نکات تازه یاد بگیرد. وقتی این تذکر از سوی افراد متعددی به او داده شد، به مرور تحت این القائات ذهنی قرار گرفته و شروع به انتقاد از خود می‌کند. این خودانتقادی‌ها به منزله باز کردن روزنه‌هایی برای وارد شدن اطلاعات و باورهایی است که از ابتدا مورد توجه مبلغین می‌باشد.

به‌طور معمول خودانتقادگر شدن فرد، به منزله نقطه آغازین افسردگی و بیماری‌های روانی او به شمار می‌رود که می‌تواند به‌عنوان یکی از مهمترین آسیب‌های فرقه‌های انحرافی در فرایند تبلیغی باشد. خود انتقادی یکی از خصوصیات فردی است که موجب

ناتوانی در برقراری ارتباط درست با دیگران می‌شود و در نتیجه این احساس، افراد به‌طور مداوم، خودشان را سرزنش می‌کنند.

در حقیقت خودانتقادی متأثر از عوامل درونی است که اشاره به نگرانی‌های بیش از حد، راجع به پیشرفت و موفقیت دارد و با موضوعات مرتبط با عزت نفس همچون احساس گناه، احساس شکست در رسیدن به استانداردها و احساس حقارت و احساس بی ارزش بودن همراه است. این افراد در دستیابی به اهداف، بر خود قضاوتی شدید تمرکز دارند و قادر نیستند از پیشرفت‌های خود لذت ببرند (سیدنی، ۱۹۹۵، ص ۱۵) نتیجه نهایی خودانتقادگری در فرقه‌های انحرافی، ترس از دادن آخرین پشتوانه و تجربه شکستی دیگر است که فرد جذب شده به فرقه را مجبور به ماندن در فرقه می‌کند.

این نوع از مواجهه که مخاطب را «متهم» به فرانگرفتن و گوش ندادن به سخنان دیگران می‌کند، دقیقاً برخلاف روش تبلیغی اسلام است. آنچه اسلام راستین به مخاطبین خود عرضه می‌کند، «دعوت» به تعقل و تفکر به همراه دعوت به شنیدن سخنان دیگران است و هیچگاه مخاطبین خود را تحت القاءات روانی مجبور به پذیرش سخنان خود نمی‌نماید.

۳-۱-۴. روش بازگشت

استراتژی بازگشت، یکی از مؤثرترین‌ها در کنترل ذهن است که در قالب‌های گوناگونی از سوی جریان‌ها و فرقه‌های انحرافی مطرح می‌شود. بازگشت به خود، بازگشت به اسلام، بازگشت به کلیسا، بازگشت به اصول و تعابیری مشابه، که همه آنها در پی پیاده سازی استراتژی بازگشت هستند. البته این تکنیک باتوجه به فرهنگ یا تمایلات سنتی مردم طرحی شده است. توضیح اینکه تمایل و علاقه به اشیاء و سنت‌های کهن، تصور بهتر بودن روش‌های تاریخی، توجه به معماری‌ها و صنایع دستی و تاریخی، باور به ممتاز بودن پیشینیان از نظر صداقت و پاکی و نظایر آن، زمینه را برای طراحی و اجرای روش بازگشت فراهم کرده است.

به‌عنوان مثال، منصور هاشمی خراسانی در کتاب بازگشت به اسلام، تلاش بر آن دارد تا اسلامی بودن باورها و اعمال مخاطب را زیر سؤال برده و پس از تخریب داشته‌ها، او را به بازگشت به باورها و رفتارهای صدر اسلام وادار کند. طی این فرایند تخریبی و تأسیسی، قرائت خود از اسلام حقیقی را به مخاطب القاء نموده و اسلام مورد نظر خود را با عنوان «آنچه یک مسلمان باید باشد» بر او تحمیل می‌کند (هاشمی خراسانی، ۱۳۹۳، ص ۹۸).

یا می‌توان به مقوله بازگشت به خود اشاره کرد. در این روش ابتدا در ذهن مخاطب وضعیت موجود را به چالش کشیده و سپس کاراکتر منطبق با اندیشه‌های خود و علاقمندی‌های مخاطب را طراحی می‌کند. در گام بعدی به او چنین القاء می‌کند که این کاراکتر حقیقی تو است و تنها راه بازگشت به این حالت، پیوستن به جمع و اندیشه ما می‌باشد. این نوع از بازگشت برای برخی افراد، بسیار جذاب به نظر می‌آید و برای رسیدن به آن، خود را در اختیار جریان انحرافی قرار می‌دهند. روش بازگشت به خود، از جمله روش‌های مورد توجه در تبلیغ مسیحیت است که با استفاده از مدل اینیاگرام (Enneagram) که سیستمی بر ساخته از ۹ تیپ شخصیتی است، اندیشه مخاطب را تغییر می‌دهند. یان مورگان در کتاب بازگشت به خود؛ خودشناسی از طریق اینیاگرام، می‌گوید: اولین بار کتاب آشنایی با اینیاگرام را از یک راهب مسیحی دریافت و مطالعه کردم. راهب به من گفت: این کتاب پر از معرفت برای افرادی است که می‌خواهند از مسیری که در آن هستند خارج شوند و به کسی تبدیل شوند که برای آن ساخته شده‌اند (مورگان کرون، ۱۳۹۷، ص ۱۶).

۳-۱-۵. روش القای پوچی

مراد از پوچی در این روش، هیچ‌انگاری به معنای انکار هر نوع معنی و ارزش برای هستی جهان نیست. بلکه آنچه در این روش به مخاطب القا می‌شود، خالی بودن دستان مخاطب از هر نوع استدلال و پشتوانه علمی برای باورهای او می‌باشد که همانند یک زلزله شدید، ساختمان اعتقادات او را فرو می‌آورد. انکار داشته‌ها، بی‌ارزش دانستن

معلومات و استدلال‌ها، ضعف مدارک و استنادها، ناتوانی رهبران در دفاع از باورها، تمسخر و استهزای پیشرفت‌ها، ناچیز دانستن توانایی‌ها، مقایسه وضعیت موجود با برترین‌ها و موارد مشابهی که پایگاه معرفتی و عاطفی انسان را اینگونه مورد هدف قرار دهد، در روش القاء پوچی مورد استفاده قرار می‌گیرد. مبلغین فرقه‌های انحرافی با استفاده از این روش، مخاطب را در برزخ بی‌کسی قرار داده و سرزمین باورهای بدون نگهبان را تصاحب می‌کنند.

به‌عنوان مثال، فرقه‌های انحرافی به خوبی می‌دانند که امکان مناظره آنان با مراجع عظام تقلید، آنهم در رسانه ملی غیر ممکن است. از این‌رو اعلام مناظره کرده و پخش در رسانه ملی را نیز شرط مناظره قرار می‌دهند. مخاطب نظاره‌گر در مواجهه با عدم اجابت مناظره از سوی بزرگان شیعه، بدون توجه به مصالح مورد نظر، چنین تلقی می‌کنند که کسی قادر به پاسخگویی به سخنان این جریان نیست و شیعیان فاقد پشتوانه علمی هستند؛ به‌عنوان نمونه عباس فتحیه یکی از مبلغین جریان احمد اسماعیل است که تمامی علمای شیعه را با ذکر نام و جایگاه به مناظر دعوت کرد. وی به خوبی می‌دانست که توان مناظره با علمای شیعه را ندارد اما با این وجود، برای مخدوش کردن اذهان عمومی و القای پوچی و سستی مبانی اعتقادی جوانان شیعه، اقدام به اعلام روزشمار کرد. آنچه در این عملیات روانی اتفاق می‌افتد، احساس پوچی و بی‌پناهی برای مخاطب نظاره‌گر است که زمینه را برای تصرف سرزمین باورهای او فراهم می‌نماید. یا ممکن است برای تحقق همین هدف، علما را به پاسخگویی یا نقد آثار و آموزه‌های جریان نمایند که در صورت عدم پاسخگویی، اهداف آنان به ثمر خواهد نشست. همان ایام، به جهت ایجاد بن بست برای این عملیات روانی، عباس فتحیه و برخی از بزرگان جریان احمد اسماعیل را با فرستادن ایمیل رسمی به مکتب احمد اسماعیل در نجف، به مناظره دعوت کرده و خطاب به شخص احمد اسماعیل، اعلام مباحثه نمودم. آنچه از سوی آنان منتشر شد، صوتی از جانب عباس فتحیه بود که می‌گوید: «آقای هوشیار من نمی‌توانم با تو مناظره کنم. من به صدای تو آلرژی دارم» (کانال موسسه بروج، ۱۳۹۷).

۳-۱-۶. القاء جرأت مخالفت

از جمله روش‌های رایج کنترل ذهن در فرقه‌های انحرافی، ترک تقيه و ابراز اجتماعی است. آنان با این کار به پیروان خود جرأت مخالفت را القاء کرده و آنان را در مسیر جدیدی قرار می‌دهند. مسیری که دارای اندیشه متفاوت و رویکردی متمایز از گذشته است. بدیهی است که اندیشه انسان در تقيه با اندیشه انسان در فضای ابراز بسیار متفاوت است و تأثیر شرایط نیز بر نوع اندیشه قابل انکار نیست؛ بنابراین با ورود اعضا به فضای جرأت‌مندی و ابراز، اندیشه آنان از اندیشه یک عضو عادی به اندیشه یک مبلغ فعال و کنشگر اجتماعی تبدیل خواهد شد. برخی از روش‌های ایجاد جرأت‌مندی در افراد عبارتند از:

الف. ترویج و القاء ایدئولوژی‌های مخالف با جامعه. از جمله روش‌های القاء جرأت‌مندی برای مخالفت، ترویج و القاء ایدئولوژی‌های مخالف با جامعه است که از سوی جریان‌ها به پیروان و اعضای خود اعمال می‌شود. البته این روش در قالب یک استدلال عقلی و عرفی پی‌ریزی می‌شود. آنان با اعلام اینکه اعتراض و مخالفت با برخی قوانین و شرایط جامعه حق مسلم یک شهروند است، پیروان خود را وادار به حق‌طلبی یا عدالت‌طلبی کرده و در مسیر اعتراض قرار می‌دهند.

ب. تحریک احساسات و انگیزه‌های شخصی. القاء احساس خوشبختی، تشویق برای حرکت رو به جلو، القاء کنار هم بودن تا رسیدن به موفقیت، تشویق به داشتن ژست قدرت، تحریک عواطف و حس انتقام‌جویی و نظایر آن. هر کدام توان آن‌را دارند تا اعضای جریان را در مسیر جرأت‌مندی قرار داده و برای رسیدن به هدف نهایی پایبند کنند. البته هیچگاه از هدف نهایی در فرقه‌ها رونمایی نمی‌شود تا همواره حس عطش و رسیدن در پیروان زنده بماند، از این‌رو آنان را با واژه‌ای همچون هدف والا، هدف مقدس و... در پی خود می‌کشاند.

ج. القاء امدادهای غیبی. حمایت و امداد غیبی یکی از امور پذیرفته شده در آموزه‌های دینی است، اما گاهی همین امر مورد سوء استفاده قرار گرفته و به‌عنوان ابزاری برای تحریک و القاء جرأت‌مندی پیروان جریان‌های انحرافی مورد استفاده قرار

می‌گیرد. این مقوله، پیروان جریان‌ها را به امید اینکه مورد حمایت و توجه خداوند قرار خواهند گرفت، جسور کرده و قدرت مخالفت را در آنان زنده می‌کند.

از دیدگاه روانشناسان، این حالت به منزله یک بیماری روانی تلقی شده و از آن با عنوان اختلال شخصیت ضد اجتماعی یا سایکوپاتی (psychopathy) نام برده‌اند. این اختلال ممکن است در مواجهه با عوامل گوناگونی در زندگی انسان رخداد کند که یکی از عوامل مورد نظر، القاءات فرقه‌ای است که فرد را تحت تأثیر خود قرار داده و او را به یک بیمار روانی و شخصیت ضد اجتماعی تبدیل کرده است. فرقه‌ها به خوبی می‌دانند که مبتلایان به اختلال شخصیت ضد اجتماعی، برای رفتارهای درست و نادرست دیگران اهمیتی قایل نبوده و از قانون‌ها پیروی نمی‌کنند. البته باید تذکر داد که هرگونه عملکردی که خلاف اجتماع و قوانین موضوعه آن باشد غلط نیست و عاملین آن را نمی‌توان به برخورداری از مشکلات روانی متهم کرد، بلکه محل بحث ما ناظر به کسانی است که بدون توجه به دیگران و حقوق آنان، اندیشه مخالف‌گرایی خود را ترویج داده و با هر آنچه باب میل آنان نباشد مخالفت می‌کنند (سماواتی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۷۳).

۲-۳. سوء استفاده و بهره‌کشی از پیروان فرقه‌ها

نوع دیگر از جرایم و رفتارهای ارتكابی در فرقه‌ها که ممکن است برخی تحت عنوان جرایم عام و نه خاص فرقه‌ای قابل پیگیری باشد و برخی دیگر فاقد عنوان مجرمانه در قوانین موجود باشد، در قالب سوء استفاده و بهره‌کشی از پیروان تعریف شود.

فرقه‌های انحرافی، طعمه‌های خود را از میان افراد آسیب دیده یا در معرض آسیب انتخاب می‌کنند. آنها برای آنکه در فرایند تبلیغی به نتایج مطلوبی دست یابند، اقدام به تأمین نیازهای مخاطب کرده و یا برای حل یکی از مشکلات او اقدامات اساسی انجام می‌دهند. البته گاهی نیاز یا مشکلی در کار نبوده و تنها برای اجرای روش مدیون‌سازی در مخاطب، بدون آنکه او در جریان باشد، اقدام به نیازسازی یا مشکل آفرینی کرده و

خود نیز در پی تأمین و حل آن گام بر می‌دارند. گاهی مخاطب تبلیغی دچار خلاء احساسی است و مدام احساس آن‌را دارد که درون او یک جای خالی وجود دارد و هیچ چیز نمی‌تواند آن حفره را پر کند. جریان‌های انحرافی با کشف این خلاء در وجود مخاطب، اقدام به ترمیم و جبران کرده و شکل جدیدی از زندگی را پیش روی او قرار می‌دهد. فرد جذب شده که زندگی جدید خود را مدیون جریان می‌داند، به پاس جبران یا از ترس بازگشت به زندگی گذشته، جهان‌بینی قبلی خود را کنار گذاشته و نسبت به آموزه‌های جدید پذیرا می‌شود. البته مدیون سازی می‌تواند با اعطای القاب، جایگاه، پول، مجوز اقامت، اجازه شرکت در جلسات، ارتباطات عاطفی و جنسی، تأمین امنیتی و مواردی مشابه با آن صورت گیرد. پس از جذب مخاطب به جریان، هر کدام از ابزارهای مدیون سازی به‌عنوان اهرمی قدرتمند در دستان مدیران و مبلغان جریان‌های انحرافی قرار می‌گیرد. آنچه در مدیون‌سازی کاربرد دارد، استفاده ابزاری از اخلاق است که عموم جریان‌های انحرافی از آن به‌رمند می‌شوند؛ به‌عنوان مثال می‌توان به بهائیت اشاره کرد که برای جذب افراد، به مهربان‌نمایی یا همان اخلاق ابزاری متمسک می‌شود تا با این رفتار نمایشی، مخاطبین خود را مدیون سازمان کرده و اندیشه آنان را تغییر دهند.

البته در ایدئولوژی بهائیت، مقوله اخلاق اصالت ندارد اما به‌عنوان ابزاری برای جذب افراد جدید به سازمان مورد استفاده قرار می‌گیرد و در دوره‌های آموزشی بهائیان نیز تظاهر به اخلاق، به‌عنوان یک روش و ابزار مهم تبلیغی تأکید می‌شود. در گزارش یکی از جلسه‌های محفلی هم که راجع به روش تبلیغ اعضا است چنین آمده است: «ما بایستی با همسایه‌ها و مردم و محصلین طرح دوستی بریزیم و در مرحله اول اصولاً نامی از دین به میان نیاوریم و نگوئیم که منظورمان چیست؛ پس از آنکه آنها را شیفته محبت کردیم یک دفعه عقاید خود را ابراز نماییم...» (اسماعیلی، ۱۴۰۰، ص ۳۰۳).

طبق دستوری که محفل بهائیان به پیروی از بیت العدل صادر کرده است؛ هر خانواده بهایی باید به یک خانواده مسلمان نزدیک شود. بر این اساس آنها مکلف می‌شوند یک خانواده مسلمان را در اطراف خود شناسایی و با روش‌های مختلف با آنان

رابطه برقرار کنند. از نگاه آنان چون این روش با مسائل عاطفی در می‌آمیزد، احتمال جذب را افزایش می‌دهد. در این دستور آمده است: «اولاً بهاییان تا می‌توانند باید در مورد دین خود تبلیغ نمایند، ثانیاً هر خانواده بهایی با یک خانواده مسلمان صمیمانه گرم بگیرد تا بتوان نظر آنان را نسبت به دین بهایی خوش بین نمایند، ثالثاً هر خانواده بهایی باید تا سر حد امکان وظایف و تکالیف دینی خود را به نحو احسن انجام دهند» (اسماعیلی، ۱۴۰۰، ص ۳۰۴).

آنان برای نفوذ بیشتر میان مردم و برای اجرای دقیق روش مدیون سازی، از مشاغل مورد نیاز مردم استفاده کرده و از این راه اندیشه آنان را تغییر می‌دهند. طی صدور نامه‌ای به لجنه بهاییان مریوان آورده‌اند: «به منظور پیشرفت در دین بهایی، یکی از سیاست‌های ما آن است که حتی المقدور تلاش کنیم مروجین دین بهاء را از میان صاحبان مشاغلی که با اکثریت مردم سروکار دارند، من جمله صاحبان داروخانه‌ها انتخاب کنیم» (اسماعیلی، ۱۴۰۰، ص ۳۰۶).

سوء استفاده و بهره‌کشی در فرقه‌ها، مصداق بارز خشونت بشمار می‌رود. خشونت فرقه‌ای، نوعی متفاوت از تمامی خشونت‌ها و جنایات است. در این نوع از خشونت، آنچه بی‌رحمانه قربانی می‌شود، تنها جسم و تن انسان نیست، بلکه روح و روان، عقل و خرد، دین و ایمان او نیز قربانی شده و با القاءات و مغز شویی‌ها، انسان را به لاشه‌ای بی‌اراده تبدیل می‌کند. پس از اتمام این فرایند، آنان را به بردگی گرفته و افزون بر آن، با ایجاد بی‌نظمی‌های اجتماعی و قانون‌ستیزی‌ها، زمینه خشونت‌های جمعی و اجتماعی را در جامعه فراهم می‌کنند. آسیب‌های مرتبط با خشونت در فرقه‌ها عبارتند از:

۳-۲-۱. ترویج خودکشی

از جمله آسیب‌های فرقه‌های انحرافی، محدود کردن آنان در جامعه و القاء ناهمگونی آنان با آحاد جامعه و در نهایت، ترغیب آنان به انجام عملیات‌های انتحاری یا خودکشی برای رسیدن به معرفت و اهدافی مانند آن است. به‌طور عموم فرقه‌های مانند داعش و احمدالحسن یا بهائیت که نگاهی تکفیری داشته و دیگران را در ضلالت مطلق

می‌دانند، استعداد بیشتری برای انجام چنین رفتارهایی درباره پیروان و اعضای فرقه دارند. در کنار اینها می‌توان به فرقه‌هایی مانند: گروه موسیقی بی تی اس، فرقه دروازه بهشت، جامعه آتریوس، جریان آوم شینریکیو، فرقه کارنی یا به فرقه موسوم به خانواده اشاره کرده که؛ توسط فردی با عنوان آن هملیتون بایرن راهبری می‌شد که با جذب کودکان به فرقه خود و تجویز مواد روانگردان، جان‌دها دختر و پسر بچه را به خطر انداخت.

۲-۲-۳. ترویج دیگرآزاری

دیگرآزاری یا دیگرکشی، آنهم با اهداف مقدس، از جمله شگردها و آسیب‌های فرقه‌های انحرافی است. این مقوله سابقه دیرینه داشته و از جمله آن می‌توان به تاریخ فرقه بابیت اشاره کرد. آنان با القای باور و اعتقادات تکفیری، پیروان خود را به سنگدلانی بی‌عقل تبدیل کرده و رفتارهای عجیبی از آن به یادگار گذاشته است؛ به‌عنوان نمونه درباره وقایع جنگ بابی‌ها در زنجان آمده است: «در آن حوالی آنچه از اصحاب باب بود، فی الفور خود را بر آن تکیه رسانیده و بعد مجموع آن سوار و فرخ خان (فرستاده ناصرالدین شاه) را نیز دستگیر نمودند. ولی وقتی فرخ خان را پیش جناب شهید (محمدعلی حجت زنجان) بردند آثاری از هستی او نگذاشته و جمیع گوشت بدنش را ریز ریز نموده و برده بودند و تا آنکه پیش جناب شهید برسد جان تسلیم نمود... مختصر آنکه سر مجموع آنها را از بدن جدا نموده و بر سر نیزه‌ها زده و در بام‌ها سرهای آنها را سرفراز نموده تا آنکه حضرات از دور ببینند و عبرت برند (زنجان، بی‌تا، ص ۴۹). مشابه جنایات بابیت؛ جنایات داعش، جنایات صوفیه گنابادیه در ماجرای گلستان هفتم خیابان پاسداران تهران، جنایات فرقه احمدالحسن در تاسوعای سال ۲۰۰۸ و نظایر آن می‌باشد.

۳-۲-۳. تفرقه‌انگیزی

حیات فرقه‌ها بر ایجاد تفرقه دینی و اجتماعی استوار است؛ از این‌رو تمام تلاش خود را بر تفرقه افکنی صرف نموده و بر اختلافات پافشاری می‌کند. به عبارتی دیگر، تفرقه

هنگامی بروز می‌کند که موارد وفاق و اتفاق در نظر گرفته نشوند و بر فرق‌ها و اختلاف‌ها پافشاری شود، به گونه‌ای که پیروان یک دین با وجود ایمان داشتن به خدای یکتا و پیروی از پیامبر و کتاب و قبله‌ای واحد، یکدیگر را گمراه، کافر و اهل باطل پندارند (میرسلیم، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۶۷۸).

به‌عنوان مثال می‌توان به تفرقه‌انگیزی‌های انجمن حجتیه میان مسلمین اشاره کرد. آنها با هدف کنشگرسازی جوانان شیعی بر علیه اهل سنت و مقدسات آنان، مسئله امامت و خلافت را به‌عنوان اولویت اول و همچنین ماجرای غصب جایگاه خلافت را به‌عنوان حساس‌ترین مسئله آنان قرار می‌دهد. این شگرد، اندیشه مخاطب را تغییر داده و با کنار گذاشتن دیگر اصول اعتقادی و مصالح اجتماعی، او را به یک کنشگر ضد اهل سنت تبدیل می‌کند تا عنصری برای تفرقه‌انگیزی باشد.

۳-۲-۴. مخالفت با شعائر دینی و مذهبی

در برخی موارد، ترویج مظاهر فساد و بی بند و باری‌ها، ریشه در اغراض و اهداف ضد دینی داشته و برای آنکه شعائر دینی و مذهبی را نادیده انگارند، روزه خواری علنی یا کشف حجاب و مانند آن‌را ترویج می‌دهند؛ به‌عنوان نمونه می‌توان به گروه موسیقی BTS اشاره کرد که از جمله اهداف آنان در ترویج هم‌جنسگرایی، تغییر جنسیت، خودکشی، خشونت و دیگر موارد مشابه با آن، مخالفت با شعائر ادیان الهی و مذاهب رسمی است (پایگاه جامع فرق، ادیان و مذاهب، ۱۴۰۱).

۳-۲-۵. فساد اقتصادی

فساد اقتصادی صورت‌های گوناگونی دارد که شامل؛ رشوه، کلاهبرداری، اختلاس، رانت خواری، واردات غیر قانونی، احتکار، قاچاق انسان، پول شویی و پول سازی و موارد مشابه با آن، که گاهی توسط برخی فرقه‌های انحرافی برنامه ریزی و مدیریت می‌شوند. این اقدام با هدف جمع‌آوری ثروت و سود فراوان انجام شده و بیشتر با پوشش مباحث اعتقادی و دینی محقق می‌شود.

۳-۲-۶. فساد اخلاقی

مفاسد اخلاقی و سوء استفاده‌های جنسی، یکی دیگر از ابعاد فرقه‌های انحرافی است. آنان پس از گذراندن مراحل مغزشویی و کنترل ذهن مخاطب، اعتماد او را به فرقه جلب کرده و با عرضه توجیهات مقدس‌نما، رفتارهای غیراخلاقی و سوء استفاده‌های جنسی از پیروان را مشروع و در جهت درک آگاهی و کسب معرفت جلوه داده این رفتارها را در قالب کمک به پیشبرد اهداف معنوی فرقه القاء می‌کنند؛ به‌عنوان نمونه می‌توان به کریم زرگر، بنیان‌گذار فرقه «مدرسه باطنی راه معرفت» اشاره کرد که در پوشش ترویج معنویت، از مریدان خود سوء استفاده نموده و آنان را مورد آزار جنسی قرار می‌داد. وی در سال ۱۳۹۶ اعدام شد (پایگاه بهداشت معنوی، ۱۳۹۶) و نیز می‌توان به فرقه عدان اکتار، مشهور به هارون یحیی اشاره کرد که با استفاده مفرط از جذابیت‌های جنسی در برنامه‌های خود و با تشکیل حرم‌سرای مدرن و رسانه‌ای کردن آن، در پی آن بود تا شکل تازه و متفاوتی از مهدویت و حکومت امام مهدی (عج) را به مردم معرفی کرده و مهدویت را به‌عنوان جریان‌ی لذت‌جویانه و مرفه‌طلبانه و سکس‌محور معرفی کند و از شکل ظلم ستیزی و عدالت‌گسترانه دور نماید (محمدی هوشیار، ۱۴۰۱، ص ۹۹).

به‌طور عموم افراد جذب شده به این فرقه‌ها، تحت تأثیر آموزه‌ها یا به واسطه رفتارهای تشکیلاتی، گرفتار روابط نامشروع می‌شوند؛ به‌عنوان نمونه می‌توان به فردی به نام راجنیش اُشو، اشاره کرد که به مدت پنج سال، تعداد ۴ هزار نفر را از سرتاسر دنیا در «گُمون بزرگ اشو»^۱ در آمریکا اسکان داده و مشغول مراقبه شوند. آنها همسر یا خانواده خود را رها کرده و به‌طور دلخواه با اعضای کمون رابطه جنسی داشته و محدودیتی در

۱. گُمون - جماعت اشتراکی - در سده نوزدهم میلادی متفکران متعددی این موضوع را مطرح کردند که زندگی خانوادگی باید با شکل‌های اشتراکی‌تر زندگی جایگزین شود. در این نوع از زندگی اشتراکی، همه زنان و مردان با همدیگر پیمان زناشویی دسته جمعی بسته و همگی آنان پدر و مادران فرزندان اجتماع می‌باشند. مهمترین نمونه کنونی این نوع از زندگی، نمونه «کیبوتص» در اسرائیل است (گیدنز، ۱۴۰۲، ص ۴۵۱).

این باره نداشتند. اُشو پس از اخراج از آمریکا به علت فساد اخلاقی، در مدت سه ماه به ۲۱ کشور جهان درخواست اقامت داد اما هیچ کدام از آنها اقامت وی را نپذیرفته و سرانجام از روی ناچاری در سال ۱۳۶۴ شمسی به هندوستان بازگشت (اُشو، ۱۳۸۲، ص ۲۳). وی بی بندوباری جنسی و شهوترانی را با شعار «مراقبه زن و مرد، آغاز سفر معنوی» ترویج نموده و از آن به عنوان دین اشو یاد کرد (اُشو، ۱۳۸۱ «ب»؛ ج ۲، ص ۲۴۱).

۷-۲-۳. ترویج اعتیاد

بسیاری از فرقه‌های انحرافی در ایران و جهان، از مواد روان گردان به عنوان یکی از ابزار نگه‌دارنده اعضاء در فرقه استفاده می‌کنند. البته آنان برای توجیه افراد برای استفاده از این مواد، آموزه سازی می‌کنند؛ به عنوان نمونه می‌توان به فرقه عرفان ساحری اشاره کرد که توسط فردی به نام کارلوس کاستاندا پایه گذاری شد. وی اساس آموزه‌های خود را بر مصرف سه گیاه روان گردان ۱- پیوت^۱ ۲- تاتوره^۲ ۳- قارچ^۳ بنا نهاده است، کارلوس کاستاندا در توضیح این گیاهان می‌گوید: «با بلعیدن هریک از این گیاهان توهم‌زا، دون خون در من، به عنوان شاگرد خود، حالات خاصی از ادراک غیرعادی یا آگاهی دیگرگونی ایجاد می‌کرد که من این حالت را «حالت واقعیت غیرعادی» نام نهاده‌ام» (کاستاندا، ۱۳۸۸، ص ۱۰).

۸-۲-۳. ترویج طلاق و جدایی از خانواده

فرقه‌ها اعضای خود را از جامعه جدا ساخته و به عنوان تافته‌ای جدا بافته، در کانون رفتاری و اعتقادی خود محبوس می‌کنند؛ به طور معمول آغاز این جداسازی، از خانواده آغاز می‌شود تا پشتوانه‌های عاطفی افراد جذب شده را به طور کلی نابود سازند تا راه برگشتی برای آنان باقی نماند؛ به عنوان نمونه می‌توان به سخنان اُشو اشاره کرد که

1. Peyot
2. Datura inoxia
3. Psylocebe

ضمن مخالفت با تشکیل خانواده، خانواده را مانع رشد و پیشرفت انسان معرفی می‌کند. وی می‌گوید: من سراپا طرفدار عشقم، چون عشق شکست می‌خورد. من از ازدواج دل خوشی ندارم، چون ازدواج موفق می‌شود و به تو ثبات و آرامشی دائمی می‌بخشد و خطر همین جاست. تو به یک اسباب بازی راضی می‌شوی، تو با شیئی پلاستیکی، مصنوعی و دست ساخته انسان قانع می‌شوی (اشو، ۱۴۰۲، ص ۲۳۰).

اشو در فروپاشی خانواده پا فراتر گذاشته و می‌گوید: بچه‌ها باید به کمون تعلق داشته باشند، نه به پدر و مادرها. والدین به اندازه کافی ضرر زده‌اند، دیگر نمی‌توان به آنها اجازه داد که فرزندانشان را فاسد کنند. آنان رقابت و حسادت را به فرزندانشان می‌آموزند. داشتن یک پدر و مادر از نظر روانی خطرناک است (اشو، ۱۳۸۱، ص ۹۸).

۳-۲-۹. سوء استفاده‌های مالی

جمع‌آوری پول به بهانه پیشبرد اهداف فرقه، مسئله رایج و مرسوم در فرقه‌های انحرافی است. سرکرده فرقه با این روش، به ثروت بی‌ظیری دست می‌یابد و از طرفی اعضای فرقه را روز به روز فقیرتر و گرفتارتر می‌نماید. بری از آنها مجبور به دریافت وام‌های سنگین از بانک شده و تمامی مبلغ دریافت شده را به سران فرقه تحویل داده و پرداخت اقساط وام را خود برعهده می‌گیرند؛ به‌عنوان نمونه می‌توان به فرقه احمدالحسن اشاره کرد که در پی صدور بیانیه‌های متعدد باعنوان تشکیل سراياالقائم (لشگر قائم) اقدام به جمع‌آوری پول از اعضای فرقه نموده‌اند (محمدی هوشیار، ۱۴۰۰؛ ص ۱۹).

۳-۲-۱۰. شریعت‌گریزی

پایند نبودن به شریعت، یکی از اصول اولیه بسیاری از فرقه‌های انحرافی است. آنان به بهانه آزمودن اعضاء در میزان تبعیت از استاد یا شیخ و قطب در فرقه، دستور او را بر احکام شریعت ترجیح داده و پیروان خود را به کنار گذاشتن بسیاری از دستورات شریعت ترغیب می‌کنند. طبق این باور گفته‌اند: مرید کسی است که خود را به پیر ببازد، ابتدا دین را از دست بدهد و پس از آن خود را. دین باختن یعنی اگر پیر خلاف دین به

او امر کند، او باید اطاعت کند؛ زیرا اگر خلاف دین خود نرود، او هنوز مرید دین خود است و نه مرید پیر (همدانی، ۱۳۹۲، ص ۹۸)؛ همچنین در ادبیات صوفیانه نوریخشیه آمده است: چون طالب طریقت پیر و مراد خود را یافت و تسلیم او شد جای چون و چرا باقی نمی ماند؛ زیرا پیر از اسراری آگاه است که مرید را آگاهی نیست، بنابراین اگر از پیر رفتاری سر بزند که موافق طبع (اعتقاد) او نیست نباید سوالی از او سر بزند باید ایمان داشته باشد که پیر او از او بهتر می داند، همچنین مجاز نیست که پیر را امتحان کند تا رخنه در ارکان عبادت وی افتد (نوریخش، ۱۳۸۱، ص ۷۶).

۴. نقایص و نارسایی های ماده ۵۰۰ مکرر

برخی از نقایص و نارسایی های مهم عبارتند از:

۱. قانون باید ناظر بر «مواجهه» تدوین شود تا بتواند به دو جنبه محافظت از حقوق قربانی شده و مقابله با قربانی کننده توجه داشته باشد. در حالی که ماده ۵۰۰ مکرر، بدون نظر داشت به این مقوله، فقط در پی «مقابله» با قربانی کننده بوده و گاه قربانی شده را نیز با استناد همین ماده مورد مجازات قرار می دهد. به عبارتی دیگر، این ماده، توان تمیز میان سرکرده فرقه، با مبلغ فرقه و جذب شده به فرقه را ندارد.

۲. گاهی اتفاق افتاده است که شخص قربانی کننده (سرکرده فرقه) از بیماری های روانی رنج برده و در اثر توهمات و تخیلات، اقدام به ادعا و جذب افراد کرده است. براساس این دیدگاه، جنبه درمانی سرکرده مورد توجه قرار نگرفته و او را به مانند مجرم ارادی انگاشته است.

۳. در توضیح اقدامات مخل بر شرع مقدس اسلام، فقط به امور کلامی توجه داشته و گفته است: «طرح ادعاهای واهی و کذب در حوزه های دینی و مذهب ی از قبیل ادعای الوهیت، نبوت یا امامت و یا ارتباط با پیامبران یا ائمه اطهار (علیهم السلام)». و حال آنکه بسیاری از فرقه های انحرافی، ادعای الوهیت یا نبوت و امامت نکرده و تنها با روش دخل و تصرف در عدد اوصیا پیامبر ﷺ یا نوع تفاسیر عرضه شده در این حوزه (انکار توسل، انکار عصمت و...)، ایجاد انحراف کرده اند.

۴. بی‌توجهی به فرقه‌های معنویت‌گرا، درمانگرا و فرقه‌های روانشناختی و فراروانشناختی که در برگیرنده آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی می‌باشند.
۵. بی‌توجهی به سوء استفاده از راه علوم ماورایی و علوم غریبه (سحر، جادو، استفاده از جن و ...) در فرقه‌های انحرافی که در نوع خود بیشترین آسیب‌ها را از سوی سرکرده و مبلغین فرقه‌ها به دیگران داشته و در برخی موارد، به‌عنوان ابزاری برای جذب اعضا به فرقه کاربرد دارد. توجه به این مقوله می‌تواند در تشدید جرم موثر واقع شود.
۶. نادیده گرفتن ترویج باورها، رفتارها و گفتارهای غلوآمیز درباره سران فرقه، با هدف مرید پروری که دارای آسیب‌های اجتماعی و پیامدهای اخلاقی و معرفتی است.
۷. بی‌توجهی به ابعاد امنیتی فرقه و به‌طور نمونه؛ بی‌توجهی به مسئله برهم زدن امنیت کشور در قالب ترویج برخی از اعتقادات دینی که از جمله نقایص این ماده به شمار می‌آید.
۸. براساس تصریح ماده ۵۰۰ مکرر: «چنانچه رفتار وی مشمول حد نباشد، به حبس و جزای نقدی درجه پنج یا یکی از این دو مجازات و محرومیت از حقوق اجتماعی درجه پنج محکوم می‌شود» باید به این نکته توجه داشت که جرایم حدی را می‌توان در قالب عناوینی چون افساد فی الارض، ارتداد، زنا با محارم قابل تحقق دانست با این حال، قواعد حاکم بر تشدید و تکرار مجازات در جرایم حدی متفاوت از جرایم تعزیری است که در جای خود باید بدان پرداخت و در اینجا تنها به ذکر این نکته اکتفا می‌کنیم که اسباب تشدید مجازات‌های تعزیری را نباید با اسباب تشدید در مجازات‌های حدی خلط یا میان مجازات حدی و تعزیری جمع کرد.
۹. یکی دیگر از جرایم تصریح شده در بند ۱ ماده ۵۰۰ مکرر، «تشویق افراد به ارتکاب جرایمی همچون اعمال منافی عفت، مصرف مشروبات الکلی، مواد مخدر و یا مواد روان گردان، خودآزاری یا دیگرزنی...» است. این تشویق که به خودی خود، یکی از مصادیق معاونت در جرم می‌تواند باشد، جرم مستقل و دارای مجازات خاص به شمار آمده است، حال آنکه مصادیق دیگر معاونت به شرح ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی نیز دست کمی از تشویق ندارد و شایسته بود به‌عنوان جرم مستقل مد نظر

قانون‌گذار قرار گیرد و به شکل کلی، معاونت در ارتکاب جرایم فرقه‌ای، جرم با مجازات مستقل به شمار آید. به خصوص از این نگاه که شرایط تحقق معاونت در مواردی مثل اغفال، قابل تحقق نیست و بخش قابل توجهی از فعالیت‌های فرقه‌ها از نوع اغفال محقق می‌گردد.

۱۰. وجود ابهام در جملاتی مانند: «فرقه، گروه، جمعیت و مانند آن»، «کنترل ذهن و القائات روانی»، «تسلط روانی یا جسمی بر دیگری»، «بهره‌کشی و سوءاستفاده جنسی، جسمی یا مالی»، «آسیب‌رسانی به قدرت تصمیم‌گیری»، «ادعاهای واهی و کذب در حوزه‌های دینی و مذهبی»، «رفتار مغایر و یا مخل به شرع مقدس اسلام»، «سردستگی فرقه» از جمله مواردی است که نیاز به تفسیر قانونگذار داشته و عدم تفسیر این موارد، مجریان قانون را در تعیین مصادیق دچار اشتباه در نوع مواجهه و صدور حکم خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، با توجه به موضوعات متنوع و پیچیده‌ی فرقه‌ها و گروه‌های انحرافی، تلاش شده است تا ابعاد گوناگون این پدیده‌ها از جنبه‌های حقوقی، اجتماعی، روان‌شناختی و دینی بررسی گردد. تحلیل ماده ۵۰۰ مکرر قانون مجازات اسلامی و چالش‌های موجود در برخورد با فرقه‌ها، اهمیت توجه دقیق به ابعاد گوناگون این مسئله را نمایان می‌سازد. در این راستا، موارد گوناگونی همچون کنترل ذهن، القائات روانی، بهره‌کشی و سوءاستفاده، آسیب رساندن به قدرت تصمیم‌گیری و نقض باورهای دینی در چارچوب فرقه‌ها، همگی به‌عنوان عواملی مورد بحث قرار گرفتند که می‌تواند نه تنها تهدیدی برای افراد درگیر، بلکه تهدیدی برای نظم و سلامت اجتماعی نیز باشند.

خلاصه یافته‌های این پژوهش عبارت است از:

۱- ماهیت فرقه‌ها: فرقه‌ها، گروه‌ها و جمعیت‌هایی که در قالب اعتقادات انحرافی و به روش‌های روان‌شناختی غیرقانونی عمل می‌کنند، نه تنها تهدیدات فردی برای اعضای خود به همراه دارند، بلکه می‌توانند تهدیداتی برای انسجام اجتماعی و

امنیت جامعه نیز به شمار آیند. این فرقه‌ها با استفاده از ابزارهای گوناگونی همچون کنترل ذهن، تحمیل باورهای نادرست دینی و اجتماعی و سوءاستفاده از احساسات و نیازهای روانی افراد، بر اعضای خود تسلط پیدا کرده و آنها را به ارتکاب اعمال غیرقانونی تشویق می‌کنند.

۲- ابعاد حقوقی و قانونی: ماده ۵۰۰ مکرر قانون مجازات اسلامی، با تأکید بر برخورد با فرقه‌ها و گروه‌های انحرافی، اقدامات خاصی را در خصوص جرم‌انگاری رفتارهایی چون تسلط روانی، سوءاستفاده‌های جنسی، جسمی و مالی و تبلیغ‌های انحرافی دینی پیش‌بینی کرده است. با این حال، خला‌های قانونی و ابهامات موجود در تفسیر دقیق این ماده، مانع از برخورد مؤثر و یکسان با فرقه‌ها در سطح عملی شده است.

۳- چالش‌های اجرایی و قانونی: با وجود برخی احکام قانونی، برخورد با فرقه‌ها در عمل با مشکلات زیادی مواجه است. از جمله این مشکلات می‌توان به نبود شناخت دقیق و همه‌جانبه از ماهیت فرقه‌ها و همچنین نارسایی‌های موجود در قوانین مربوطه اشاره کرد که ممکن است باعث کندی روند مقابله با این گروه‌ها و تشویق به رشد و توسعه آنها شود.

۴- ضرورت اصلاح و تکمیل قوانین: یکی از مسائل اصلی که در مقاله بررسی شد، ضرورت اصلاح و تکمیل قوانین مرتبط با فرقه‌ها به‌ویژه ماده ۵۰۰ مکرر بود. با توجه به ابهامات موجود در این ماده و تفسیرهای گوناگون آن، لازم است که تبیین‌های دقیق‌تری از مفاهیم و شرایط خاص آن به‌ویژه در زمینه‌ی کنترل ذهن، القائات روانی و تسلط بر افراد صورت گیرد تا امکان برخورد مؤثرتر با گروه‌های فرقه‌ای فراهم شود.

اهمیت اجتماعی و فرهنگی: در این پژوهش، به اهمیت برخورد با فرقه‌ها از جنبه‌های گوناگون پرداخته شده است. از یک سو، فرقه‌ها می‌توانند با تأثیرات مخرب روانی و اجتماعی، اعضای خود را به انحرافات جدی و حتی جرم‌های بزرگ سوق دهند. از سوی دیگر، این گروه‌ها می‌توانند پایه‌گذار بی‌نظمی و بحران‌های اجتماعی شوند که

تهدیدی جدی برای سلامت عمومی و امنیت اجتماعی به شمار می‌رود. در نتیجه، توجه به ماهیت و ساختار فرقه‌ها و ضرورت برخورد جدی و سریع با آنان، از جمله وظایف اساسی مراجع ذیصلاح امنیتی، قضایی و حتی فرهنگی به شمار می‌رود. با توجه به مسائل و پیچیدگی‌های موجود در برخورد با فرقه‌ها، پیشنهاد می‌شود که تحقیقات بیشتری در زمینه‌های زیر انجام پذیرد:

۱- مطالعه و تحلیل دقیق‌تر قوانین: شفاف‌سازی ابهامات و نواقص موجود در قوانین مرتبط با فرقه‌ها و آسیب‌شناسی عملی آنها در جهت برخورد مؤثرتر با گروه‌های انحرافی.

۲- آموزش و آگاهی‌رسانی عمومی: تحقیقاتی در زمینه‌ی پیشگیری از پیوستن افراد به فرقه‌ها و روش‌های آموزشی برای آگاهی‌رسانی در جامعه به‌ویژه در مدارس، دانشگاه‌ها و رسانه‌ها.

۳- مطالعات روان‌شناختی: بررسی روش‌های کنترل ذهن و القائات روانی که فرقه‌ها برای جذب اعضای جدید به کار می‌گیرند و نحوه‌ی تأثیر این روش‌ها بر روان افراد و تصمیمات اجتماعی آن‌ها.

فهرست منابع

۱. اسماعیلی، حمیدرضا. (۱۴۰۰). سازمان سیاسی بهاییت. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۲. ابن حزم أندلسی، علی. (۲۰۱۶م). الفصل في الملل و الأهل و النحل. بیروت: دار الجلیل.
۳. اشو، راجنیش. (۱۳۸۲). اینک برکه‌ای کهن (مترجم: سیروس سعدوندیان). تهران: نگارستان کتاب.
۴. اشو، راجنیش. (۱۴۰۲). الماس‌های اشو (مترجم: مرجان فرجی). تهران: نشر فردوس.
۵. اشو، راجنیش. (۱۳۸۱). آینده طلایی، (مترجم: مرجان فرجی). تهران: نشر فردوس.
۶. اشو، راجنیش. (۱۳۸۱/ب). تعلیمات تانترا (مترجم: بهروز قنبری). تهران: نشر هدایت.
۷. الهام، غلامحسین؛ برهانی، محسن. (۱۳۹۲). درآمدی بر حقوق جزای عمومی (واکنش در برابر جرم). تهران: میزان.
۸. بروج، آرشیو کانال موسسه. (۱۳۹۷)، کانال: https://eitaa.com/basaer_1
۹. پایگاه بهداشت معنوی. (۱۳۹۶). زرگر معنویت‌ها اعدام شد، <https://behdashtemanavi.com>
۱۰. پایگاه جامع فرق، ادیان و مذاهب. (۱۴۰۱). آسیب‌های بی‌تی‌اس، <https://www.adyannet.com>
۱۱. زاکرمن، فیل. (۱۳۸۴). درآمدی بر جامعه‌شناسی دین (مترجم: خشایار دیهیمی). تهران: لوح فکر و مؤسسه گفتگوی ادیان.
۱۲. زنجانی، عبدالاحد. (بی‌تا). جنگ قلعه‌ها؛ زنجان (به کوشش یدالله کائدی). بی‌جا: بی‌نا.
۱۳. رحمدل، منصور. (۱۳۹۸). رهبری بانده مجرمانه و تشدید مجازات، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، دوره ۷، ش ۱۴.
۱۴. سماواتی پیروز، امیر؛ داستان، زهرا. (۱۳۹۲). مبتلایان به اختلال شخصیت ضد اجتماعی، مجرم یا بیمار؟، نشریه حقوق پزشکی، دوره ۷، ش ۲۴.

۱۵. طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۱ق). الغیبه. قم: دار المعارف الإسلامية.
۱۶. کاویانی، محمد. (۱۳۹۰). روانشناسی و تبلیغات با تأکید بر تبلیغ دینی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۷. کاستاندا، کارلوس. (۱۳۸۸). حقیقتی دیگر. (مترجم: ابراهیم مکلا). تهران: نشر دیدار.
۱۸. گیدنز، آنتونی. (۱۴۰۲). جامعه شناسی (مترجم: حسن چاوشیان). تهران: نشر نی.
۱۹. محمدی هوشیار، علی. (۱۳۹۶). نقد و بررسی جریان‌های مدعی معنویت. قم: ذکر.
۲۰. محمدی هوشیار، علی. (۱۴۰۰). درسنامه نقد و بررسی جریان احمدالحسن. قم: تولی.
۲۱. محمدی هوشیار، علی. (۱۳۹۷). جریان شناسی نفوذ احمداسماعیل در اقشار مذهبی ایران. قم: مرکز تحقیقات کاربردی ویژه روحانیت.
۲۲. محمدی هوشیار، علی. (۱۴۰۱). هارون یحیی؛ مهدی استانبولی. نشریه روشنا، پیاپی ۸۷-۸۸.
۲۳. مورگان کرون، یان. (۱۳۹۷). بازگشت به خود؛ خودشناسی از طریق اینیاگرام (مترجم: ناهید ملکی). تهران: نشر نوین.
۲۴. میرسلیم، سیدمصطفی. (۱۳۷۵). دانشنامه جهان اسلام. تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
۲۵. نوربخش، جواد. (۱۳۸۱). چهل کلام و سی پیام. تهران: یلدا قلم.
۲۶. هاشمی خراسانی، منصور. (۱۳۹۳). بازگشت به اسلام. افغانستان: دفتر نشر آثار.
27. Apte, V. S. (1965), *A Practical Sanskrit Dictionary*.
28. By Blatt, Sidney J. (1995), *The destructiveness of perfectionism: Implications for the treatment of depression*.

References

1. Apte, V. S. (1965). A practical Sanskrit dictionary.
2. Blatt, S. J. (1995). The destructiveness of perfectionism: Implications for the treatment of depression.
3. Borouj, A. (2018). Channel: https://eitaa.com/basaer_1. [In Persian]
4. Castaneda, C. (2009). Another reality (E. Mokla, Trans.). Tehran: Didar Publications. [In Persian]
5. Comprehensive Platform of Sects, Religions, and Denominations. (2022). The harms of BTS. Retrieved from <https://www.adyannet.com>. [In Persian]
6. Elham, G., & Borhani, M. (2013). An introduction to general criminal law (Reaction to crime). Tehran: Mizan. [In Persian]
7. Esmaili, H. (2021). The political organization of Baha'ism. Tehran: Institute for Political Studies and Research. [In Persian]
8. Giddens, A. (2023). Sociology (H. Chavoshian, Trans.). Tehran: Ney Publications. [In Persian]
9. Hashemi Khorasani, M. (2014). Return to Islam. Afghanistan: Office of Published Works. [In Persian]
10. Ibn Hazm Andalusi, A. (2016). Al-Fasl fi al-milal wa al-ahwa' wa al-Nahl. Beirut: Dar al-Jalil. [In Arabic]
11. Kaviani, M. (2011). Psychology and propagation with an emphasis on religious preaching. Qom: Research Institute for Seminary and University. [In Persian]
12. Mirsalim, S. (1996). Encyclopedia of the Islamic world. Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation. [In Persian]
13. Mohammadi Hoshyar, A. (2017). Critique and review of movements claiming spirituality. Qom: Zekri. [In Persian]
14. Mohammadi Hoshyar, A. (2018). Analysis of the infiltration of Ahmad Ismail among Iran's religious groups. Qom: Center for Applied Research for Clergy. [In Persian]

15. Mohammadi Hoshyar, A. (2021). Textbook on the critique and review of the Ahmad al-Hasan movement. Qom: Tavalla. [In Persian]
16. Mohammadi Hoshyar, A. (2022). Harun Yahya; Mahdi Estantoli. Roshana, (87-88). [In Persian]
17. Morgan Cron, I. (2018). The road back to you: An Enneagram journey to self-discovery (N. Maleki, Trans.). Tehran: Novin Publishing. [In Persian]
18. Nourbakhsh, J. (2002). Forty words and thirty messages. Tehran: Yalda Qalam. [In Persian]
19. Osho, R. (2002). The golden future (M. Faraji, Trans.). Tehran: Ferdows Publications. [In Persian]
20. Osho, R. (2002b). Tantra teachings (B. Qanbari, Trans.). Tehran: Hedayat Publications. [In Persian]
21. Osho, R. (2003). Behold, an ancient pond (S. Saadvandian, Trans.). Tehran: Negarestan Ketab. [In Persian]
22. Osho, R. (2023). Osho's diamonds (M. Faraji, Trans.). Tehran: Ferdows Publications. [In Persian]
23. Rahmdel, M. (2019). Leadership of a criminal gang and sentence aggravation. Criminal Law and Criminology Research, 7(14). [In Persian]
24. Samavati Pirooz, A., & Dastan, Z. (2013). Antisocial personality disorder patients: Criminals or patients? Medical Law Journal, 7(24). [In Persian]
25. Spiritual Health Platform. (2017). Zargar, the spiritual leader, was executed. Retrieved from <https://behdashtemanavi.com>. [In Persian]
26. Tusi, M. (1990). Al-Ghaybah. Qom: Dar al-Ma'arif al-Islamiyyah. [In Arabic]
27. Zanjani, A. (n.d.). The battle of the forts; Zanjan (Y. Kaedi, Ed.). [In Persian]
28. Zuckerman, P. (2005). Introduction to the sociology of religion (K. Dihimi, Trans.). Tehran: Louh Fekr & Institute for Interfaith Dialogue. [In Persian]



Semantics of the Word "Ja'l" in the Qur'an

Mohammad Ebrahim Nataj¹

Received: 2024/06/07 • Revised: 2024/11/06 • Accepted: 2024/11/18 • Published online: 2025/02/17

Abstract

The semantics of words in sciences always helps us better understand the content, method of reasoning, and expression of the subjects within a science. In fact, semantics is the study and examination of meanings in languages. In general, the study of the relationship between a word and its meaning is called semantics. In the Quran, as in other books and sciences, words are used whose meanings can vary when searching through multiple verses. However, understanding the meanings of Quranic words helps us better comprehend the verses and their semantic relationships with each other. One such word is "Ja'l (جعل)". In this paper, we aim to explore the different meanings of the word "Ja'l" through research and examination, using a descriptive-foundational method. Although "Ja'l" has various meanings in different sciences, it appears that in the Quran, aside from its legal meaning of fraud, deceit, and trickery, it is also used in other meanings such as ontological, legal, and some other contexts. Therefore, explaining the uses of "Ja'l" in its ontological and legal meanings, as well as its effects in ontological and legal matters, constitutes one of the innovations of this paper. Consequently, the aim of this paper is to

1. Assistant Professor, Payame Noor University, Tehran, Iran. Mohamad.nataj@pnu.ac.ir

* Nataj, M. (2024). Semantics of the Word "Ja'l" in the Qur'an. *Journal of Studies of Quranic Sciences*, 5(10), pp. 82-110. <https://Doi.org/10.22081/jikm.2025.69266.1097>

address the question of what the various meanings of "Ja'l" are according to the related verses and how they are explained, analyzed, and compared.

Keywords

Word Semantics, Ja'l, The Quran, Quranic Word, Quranic Term.

دلالة كلمة الجعل في القرآن الكريم

محمد إبراهيم نتاج^١

تاريخ الإستلام: ٢٠٢٤/٠٦/٠٧ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٤/١١/٠٦ • تاريخ القبول: ٢٠٢٤/١١/١٨ • تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/٠٢/١٧

الملخص

إن معرفة معاني الكلمات في العلوم يساعدنا دائماً على فهم محتوى العلوم وطريقة التفكير والتعبير عنها. في الواقع، علم الدلالة هو علم فحص ودراسة المعاني في اللغات. وبصورة عامة فإن دراسة العلاقة بين الكلمات والمعاني تسمى علم الدلالة. وفي القرآن الكريم، كما في غيره من الكتب والعلوم، وردت كلمات يمكن من خلال البحث في آيات عديدة التوصل إلى معانيها المختلفة. لكن معرفة معاني الكلمات القرآنية تساعدنا على فهم الآيات وعلاقتها الدلالية مع بعضها البعض بشكل أفضل. ومنها كلمة "جعل". في هذا المقال نحاول أن نفهم المعاني المختلفة لكلمة الجعل من خلال البحث والتحقيق، مستخدمين المنهج الوصفي الأصولي، ولكن الجعل وإن كان له معانٍ مختلفة في بعض العلوم، إلا أنه يبدو في القرآن الكريم أنه بالإضافة إلى معناه في القانون وهو الغش والخداع والخديعة، فإنه يستعمل في معاني أخرى، وهي الجعل التكويني، والديني، والاعتباري، وبعض المعاني الأخرى. لذلك فإن التعبير عن استعمالات الجعل في معنى الاعتباري والتكويني وحتى في نتائج الأمور الاعتبارية والتكوينية هو من إبداعات هذا المقال، لذلك ستجيب هذه المقالة على سؤال ما هي المعاني المختلفة لكلمة الجعل وفقاً للآيات المرتبطة وكيف يتم شرحها وتحليلها ومقارنتها.

الكلمات الرئيسية

معرفة معنى الكلمة، الجعل، القرآن، الكلمة القرآنية، المصطلح القرآني.

Mohamad.nataj@pnu.ac.ir

١. أستاذ مساعد، جامعة بيام نور، طهران. إيران.

* نتاج، محمد إبراهيم. (٢٠٢٤م). دلالة كلمة الجعل في القرآن الكريم، الفصيلة العلمية - الترويجية لدراسات علوم القرآن، ٥ (١٠)، صص ٨٢-١١٠. <https://Doi.org/10.22081/jikm.2025.69266.1097>



معناشناسی جعل در قرآن کریم

محمدابراهیم نتاج^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۸ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۸/۱۶ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۸ • تاریخ آنلاین: ۱۴۰۳/۱۱/۲۹

چکیده

معناشناسی واژه‌ها در علوم همواره به ما در فهم محتوا، روش استدلال و بیان مطالب یک علم کمک شایانی می‌کند. در حقیقت معناشناسی، دانش بررسی و مطالعه معانی در زبان‌ها است. به‌طور کلی، بررسی ارتباط میان واژه و معنا را معناشناسی می‌گویند. در قرآن مانند کتاب‌ها و علوم دیگر واژه‌هایی به کار برده شده که با جستجو در آیات متعدد، معانی گوناگونی از آن بدست می‌آید؛ اما شناخت معانی واژه‌های قرآنی، ما را در فهم بهتر آیات و رابطه معنایی آیات با یکدیگر کمک می‌کند. یکی از آنها واژه «جعل» است. در این نوشتار تلاش می‌کنیم با پژوهش و تتبع، با روش توصیفی - بنیادی معانی گوناگون واژه جعل را دریابیم؛ اما گرچه جعل در برخی از علوم، معانی متفاوتی دارد، اما به‌نظر می‌رسد در قرآن به جزء معنای حقوقی جعل که تقلب، کلاه برداری و حيله‌گری است، در معانی دیگر آن یعنی جعل تکوینی، شرعی، اعتباری و برخی دیگر از معانی به کار برده می‌شود؛ ازین رو بیان کاربردهای جعل در معانی اعتباری و تکوینی و حتی در آثار امور تکوینی و اعتباری از نوآوری‌های مقاله حاضر است؛ بنابراین تلاش می‌شود در این نوشتار به این پرسش پاسخ داده شود که معانی گوناگون جعل با توجه به آیات مربوطه کدام است و چگونه تبیین، تحلیل و مقایسه می‌شوند.

کلیدواژه‌ها

واژه‌شناسی، جعل، قرآن، واژه قرآنی، اصطلاح قرآنی.

۱. استادیار. گروه معارف اسلامی. دانشکده الهیات. دانشگاه پیام نور تهران. ایران.

Mohamad.nataj@pnu.ac.ir

* نتاج، محمدابراهیم. (۱۴۰۲). معناشناسی جعل در قرآن کریم. فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات علوم قرآن، ۵(۱۰)، صص ۸۲-۱۱۰. <https://doi.org/10.22081/jikm.2025.69266.1097>

مقدمه

یکی از مفاهیم پرتکرار در قرآن کریم واژه جعل است. جعل و مشتقات آن در حدود ۳۰۰ بار در قرآن کریم تکرار شده است (فواد عبدالباقی، ۱۳۶۳ق). «جَعَلَ» در لغت به معنای گردانیدن (زمخشری، ۱۴۱۹ق، ص ۹۵)، ساختن (فیومی، ۱۴۰۵ق، ص ۱۰۲) آفریدن (زمخشری، ۱۴۱۹ق، ص ۹۵)، نامیدن (فیومی، ۱۴۰۵ق، ص ۱۰۲)، گمان کردن (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۳۰۱)، آغاز به کاری کردن (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۳۰۱) آمده است. در اصطلاح علم اسماء، واژه جعل به معنای آفرینش اقسام مختلف موجودات است به گونه‌ای که در عالم وجود هیچ فردی از وجود، عین دیگری نیست (همدانی درودآبادی، ۱۴۲۱ق، ص ۷۲). حکما جعل را به بسیط، مرکب، بالذات و بالعرض قسمت کرده‌اند. جعل بسیط به معنای ایجاد شیء است و به آن «جعل ابداعی» هم می‌گویند؛ یعنی جعلی بدون سابقه از مجعول چه بخشی از آن و چه کل آن باشد. اما جعل مرکب به معنای گرداندن و قرار دادن شیء از حالتی به حالت دیگر است. این جعل به جاعل و مجعول و مجعول الیه هر سه نیازمند است (صدرالمتالهین شیرازی، ۱۳۷۲ق، ج ۲، ص ۳۰۰). مجعول الیه در واقع همان هدفی است که جاعل با جعل خود به دنبال آن است. جعل بالذات به معنای تعلق جعل به چیزی بالأصالة و بدون واسطه است، مانند وجود اولیه موجودات. از نظر ملاصدرا و مشهور مشائین، جعل جاعل در اصل به وجود اشیا تعلق گرفته است (صدرالمتالهین شیرازی، ۱۹۸۷م، ج ۲، ص ۲۹۰؛ طباطبایی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۶۰۳) و جعل بالعرض بدین معناست که جعل به چیزی، تبعی و با واسطه تعلق بگیرد و در حقیقت جعل مرکب، همان جعل بالعرض است؛ زیرا جاعل آثار، مقاصد و اهدافی را برای مجعول اولی خود قرار می‌دهد. بر همین اساس برخی از محققان جعل را به گرداندن شیء به حالتی پس از خلق معنا کرده‌اند (مصطفوی، ۱۳۶۶ق، ج ۲، ص ۸۹).

واژه «جعل» در برخی از زبان‌ها تنها در معنای منفی و مخالف استفاده شده، همانطور که در بعضی از علوم نیز مانند حقوق و علوم حدیث به این شکل معنی شده است؛ به‌طور مثال در زبان فارسی کلمه جعل به معنای تقلب، فریبکاری و ایجاد چیز تقلبی آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳) و شیء جعلی، در برابر اصلی به کار می‌رود؛ ولی در برخی از

لغت‌نامه‌های واژه‌های عربی جعل به معنای ایجاد از عدم، معنا شده است (معلوف، ۱۹۸۶). اما جعل در قرآن گرچه به معانی متعددی به کار رفته است، ولی با اصطلاحات دیگری مانند خلق و امر تفاوت معنایی دارد. سید عرب در دائرة المعارف بزرگ اسلامی می‌نویسد: جعل اصطلاحی فلسفی به معنای ابداع هویت و ذات شیء به نحو خاص که همان وجود شیء است (سیدعرب، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص ۲۲۶).

به نظر می‌رسد اصطلاح جعل از قرآن کریم (بقره، ۲۲؛ نحل، ۸۱) به علم کلام و سپس در فلسفه اسلامی راه یافته است. حکیمان پس از ابن سینا و سهروردی در مباحث «علیت»، «امکان» و «وجود و عدم» از آن سخن گفته‌اند. در دانشنامه جهان اسلام (برخواه، ۱۳۷۵) ذیل ماده جعل می‌خوانیم: جعل از مباحث فلسفه و از احکام وجود و ماهیت و در لغت به معنای قرارداد، خلق کردن، گردانیدن، شروع به کار کردن، آشکار ساختن و نامیدن است (خلیل بن احمد؛ شرتونی، ۱۴۲۵ق). غالب حکمای اسلام پس از ملاصدرا، تحت تأثیر آراء و نظام فلسفی او درباره جعل به پیروی از وی به نظریه مجعول بودن وجود قایل شدند (سیدعرب، ۱۳۸۹، ص ۴۵۰) و سجادی در فرهنگ مصطلحات فلسفی ملاصدرا به نقل از اسفار درباره جعل می‌نویسد: در اصطلاح فلاسفه عبارت از اثر خاص فاعل است که مناسب با معنای آفریدن باشد (سجادی، ۱۳۷۹، صص ۱۸۱-۱۸۲)؛ اما در مقاله حاضر تلاش می‌شود از نظر قرآن، جعل معناشناسی گردد و انواع معانی آن در قرآن احصاء و زمینه‌های استفاده و کاربردهای آن بررسی شود. در فرایند نوشتار حاضر تلاش شده است تا ابتدا با گزارشی به نسبت جامع، معانی لغوی و اصطلاحی جعل بررسی گردد و سپس به انواع جعل اشاره شود و با بیان تفاوت معانی میان جعل، امر و خلق به بررسی اقسام جعل در قرآن و انواع کاربردهای آن همت شود.

۱. اقسام جعل در قرآن

در آیتی از قرآن کریم واژه جعل و مشتقات آن در معانی گوناگون آمده است که می‌توان آن آیات را در دسته‌بندی‌های متعدد ذیل تقسیم کرد:

۱-۱. تکوینی

تصرف و هیمنه وجودی خداوند متعال به‌عنوان آفریننده و مبدأ حقیقی وجود، تصرفی حقیقی و تکوینی است:

الف) تصرف از سوی خالق براساس آیه ۱۲۶ سوره بقره و ۳۵ سوره ابراهیم «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا». حضرت ابراهیم علیه السلام از خدا می‌خواهد تا این بلد را امن قرار داده و جعل کند. امنیت کامل یک شهر به‌طوری که از حوادث و تهدیدهای ظاهری و باطنی در امان باشد و اشرار و ناهنجاری‌های پیدا و ناپیدا را از یک شهر دفع کند، ممکن نیست مگر با تصرف خاص تکوینی و حقیقی از سوی خالق عالم هستی.

ب) تصرف از سوی مخلوق (خلیفه): خلیفه بودن و خلیفه شدن مقامی حقیقی برای تصرف در عالم تشریح و تکوین است و جاعل به این معنی متصرف است و متصرف تکوینی به وجودی اطلاق می‌شود که همزمان با خلق یک موجود در اعطای آثار ذاتی آن موجود و یا بعد خلق در اعطای آثار عرضی به آن موجود نقش اساسی و کامل دارد. خلیفه و جانشینی که خدا برای خود بر روی زمین انتخاب می‌کند سیطره هستی بخشی بر کل عالم کائنات دارد. این خلیفه انسان کامل است که بارزترین مصداق آن حضرت محمد صلی الله علیه و آله است و براساس آیه ۳۰ سوره بقره خلیفه جانشین مطلق خدا در عالم هستی است و این همان جانشینی تکوینی است که مقام تصرف در عالم را بر عهده دارد. خداوند متعال جعل را در آیه «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» از نوع تصرف تکوینی می‌داند. و جعل خلیفه از نوع جعل اختصاصی است و در آیه ۷۴ سوره فرقان جعل عمومی می‌شود «وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»؛ زیرا خداوند برای همه متقیان امامی در همه عصرها و مکان‌ها قرار می‌دهد. از نظر علامه طباطبایی خلافت الهی اختصاصی به شخص آدم علیه السلام ندارد، بلکه فرزندان او نیز در این مقام با او مشترک‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، صص ۱-۳۰۴).

به‌نظر می‌رسد خلافت الهی و ایجاد خلیفه بر روی زمین سنت الهی باشد. و چون در

آیاتی واژه جاعل به شکل اسم فاعل آمده و اسم فاعل نیز در ادبیات دال بر استمرار است، پس می توان گفت که همواره زمین بدون خلیفه و خالی از حجت نخواهد ماند، خلیفه‌ای که مظهر کمال و تجلی گاه صفات الهی به ویژه در حوزه خلافت می باشد (کلینی، ۱۳۶۲، صص ۲ - ۳۵۲).

۱-۱-۱. طبیعی و مادی

الف) موجودات طبیعی جوهری مادی به آن دسته از موجوداتی گفته می شود که در جهان ماده به شکل مستقل و بدون اتکای به غیر وجود دارند و تمام خواص ماه و جسم را دارا می باشند؛ مانند خاک و آب. در آیه «و الله خلقکم من تراب ثم من نطفه ثم جعلکم ازواجاً» (فاطر، ۱۱)، و نیز در کریمه «و جعلنا من الماء کل شیء حی» (انبیاء، ۳۰) خاک، نطفه، آب و همه اشیاء مادی، مجعول خداوند متعال هستند.

ب) موجودات عرضی به موجوداتی گفته می شود که مستقل در وجود نیستند، اما ویژگی و حالتی درونی و یا بیرونی برای جواهر مادی به شمار می آیند. در آیه «جعل الارض مهادا و الجبال اوتادا» (نبأ، ۶) مهد و وتد بودن برای زمین و کوهها صفت و عرضی است که عارض بر زمین و کوه می شوند و مجعول خداوند هستند؛ همچنین آیه «جعل بینکم موده و رحمه» (روم، ۲۱) «دوستی» و «رحمت» دو عرض و صفت عارض بر نفوس انسانی هستند که خداوند با خلق نفس اوصاف آنرا نیز جعل می فرماید. و یا وصف سکونت و آرامش برای خانه‌ها در آیه شریفه «والله جعل من بیوتکم سکناً» (نحل، ۸۰) و ویژگی روشنایی در کریمه «و جعل الشمس سراجاً» (نوح، ۱۶) و نیز شنیدن، دیدن و مرکز احساسات در آیه «و جعل لکم السمع و الابصار و الافئده» (ملک، ۲۳).

۱-۱-۲. مجردات

امور مجرد به طور ذاتی وجودی غیر مادی و غیر جسمانی هستند؛ به طور مثال جعل مقام تکوینی امامت یا اسلام از امور مجرد، ولی حقیقتی تکوینی است؛ بر این اساس حضرت ابراهیم علیه السلام از خدا می خواهد از نورانیت امامت و اسلام برخوردار شود و جزو

ذاتی او گردد. «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ دُرِّيْنَا أُمَّةٌ مُسْلِمَةٌ لَكَ» (بقره، ۱۲۸) و «وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» (فرقان، ۷۴).

جعل «مودت» و «رحمت» در میان همسران، تصرفی تکوینی از سوی خدا پس از خلقت آنان است و وقتی دو فرد غیر همجنس به عنوان زوج در کنار هم قرار می گیرند، خدا آنگاه مودت و رحمت را با تصرفات ربوبی خویش در آنان قرار می دهد. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم، ۲۱) درخواست رضایت از پروردگار نیز از مصادیق تصرفات تکوینی و جعل آن به نفع انسان است «يَرْثُني وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا» (مریم، ۶) درخواست رهایی از غل و کینه در قلب از سوی مومنان (حشر، ۱۰)، رهایی از بخل (اسراء، ۲۹)، رهایی از ظلم کردن و ظالم بودن (اعراف، ۴۷)، رهایی از آنکه کوره فتنه ها و آزمون های ظالمین و کافرین بودن (یونس، ۸۵، اعراف، ۱۵۰، مومنون، ۹۴، ممتحنه، ۵) جعل اراده برای اقامه نماز توسط حضرت ابراهیم عليه السلام از خدا به طوری که هیچ چیز نتواند این مقیم الصلاه بودن را از وی سلب کند (ابراهیم، ۴۰)، همه این امور از مجردات تکوینی است که مجعول خداوند هستند.

۱-۲. تشریحی

در برخی از آیات جعل به معنای تشریح و اعتبارات شرعی آمده است؛ مانند «و لکل جعلنا موالی مما ترک الوالدان و الاقربون» (نساء، ۳۳) در این آیه جعل «ولی» برای ارث، امری اعتباری است و از سوی خدای متعال تشریح شده است. جعل در آن به معنای اعتباری و شرعی آمده است؛ همچنین در کریمه «واجعل لنا من لدنک ولیا» (نساء، ۷۵) «ولی» دارای ولایت شرعی و الهی است. اما اگر این ولایت را به معنای سرپرستی تکوینی و تصرف ولایی بگیریم جعل تکوینی و وجودی خواهد شد و نه شرعی. در آیه (لِکُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهَا) (حج، ۶۷)، نیز «منسک» و تکالیف، اموری شرعی هستند تا مکلفین بدان عمل نمایند. در این آیه منسک مجعول شرعی خداست. در آیه ای دیگر «جعل شتران فربه» به عنوان مصداقی از شعائر و مناسک

خداوند برای حاجیان، جعلی شرعی است به طوری که این شائره و منسک در ذات و وجود شتران فربه وجود ندارد، بلکه حکمی شرعی از سوی خدا برای این مومنین است (وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ) (حج، ۳۶). همین طور است جعل شریعت و راه ویژه برای هریک از امت‌ها در آیه (لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا) (مائده، ۴۸). نیز در آیاتی که جعل نبوت و خلافت در آنها تصریح شده جعلی شرعی و از امور تشریحی است؛ مانند قرار دادن جانشین در زمین (إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً) (بقره، ۳۰) و قرار دادن انبیا به عنوان صاحبان نبوت تشریحی در میان بنی اسرائیل (إِذْ جَعَلْنَا فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ) (مائده، ۲۰) و رسالت تشریحی در آیه (اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ) (انعام، ۱۲۴).

۲. هدف از جعل در قرآن

خالق، غرض و هدفی در خلق خود دارد و برای رسیدن به آن ویژگی‌هایی را در مخلوق خود جعل کرده و پدید می‌آورد تا آن هدف و آثار مورد انتظار محقق شود. برای مثال در آیه کریمه «فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَ مَا خَلْفَهَا وَ مَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره، ۲۵۹) و این عقوبت مسخ را کیفر آنها و عبرت اخلاف آنها و پند پرهیزکاران گردانیدیم، مجعول حقیقی عقوبت است تا مایه عبرتی برای مخاطبین و آیندگان و برای اهل تقوا پند باشد. خدا همان طوری که در هنگام خلقت یک موجود؛ مانند انسان می‌تواند جاعل هدف خاصی چون خلافت عمومی برای انسان باشد مانند آیه «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (بقره، ۳۰) «وقتی که پروردگارت فرشتگان را فرمود که من در زمین خلیفه‌ای خواهم گماشت، گفتند: آیا کسانی در زمین خواهی گماشت که در آن فساد کنند و خون‌ها بریزند و حال آنکه ما خود تو را تسبیح و تقدیس می‌کنیم؟! خداوند فرمود من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید»، پس از خلقت انسان می‌تواند جاعل ولایت به عنوان هدفی خاص در خلافت خصوصی برای برخی از انسان‌ها باشد؛ مانند «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» (فرقان، ۷۴) «و آنان هستند که گویند پروردگارا، ما را زنان و فرزندان

مرحمت فرما که مایه چشم‌روشنی ما باشند، و ما را پیشوای اهل تقوا قرار ده. به‌طور مثال اگر خالق یکتا فردی از افراد بشر را به‌عنوان خلیفه و جانشین خود در روی زمین بر می‌گزیند در وجود او استعدادها و ساز و کارهایی قرار می‌دهد تا او بتواند به مقصد خلیفه شدن خود برسد، ازین‌رو در او قوه ادراک قوی‌تری نسبت به دیگر انسان‌ها قرار می‌دهد و یا توان مدیریت، قدرت انجام دستورات الهی، ارتباط با آحاد جامعه، شخصیتی اجتماعی و ارتباط با مبدأ را به او می‌دهد. و یا برای مثال خلق آب برای احیای اشیاء مادی است «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا» (انبیاء، ۳۰) «و از آب هر چیز زنده‌ای را آفریدیم» و آن‌را مایه حیات قرار داده است؛ از این‌رو خداوند متعال استعداد احیاگری و آثار آن‌را در آب جعل فرمود و می‌توان گفت خدا نظم جهان و آثار و خواص مترتب بر نظم را به همراه خلق در مخلوقات جعل فرمود.

همانطور که در آیه ۳۰ سوره مبارکه بقره آورده شد، خدا جعل خلافت را همزمان با خلقت حضرت آدم علیه السلام قرار داده است؛ زیرا هدف خلقت آدم، خلافت بوده است. پس اگر هدفی به‌عنوان ذاتی چیزی باشد، در هنگام خلقت و همراه با آن تحقق می‌یابد. در این صورت مجعول، مقوم هویت ذات مخلوق خواهد بود. گاهی جعل آثار یک خلق، پس از آن خلق و پس از آماده شدن مقدمات حاصل می‌شود؛ مانند مجعول شدن امامت و ولایت پس از خلقت؛ زیرا امامت و ولایت امری ذاتی برای نوع بنی آدم نیست، بدین جهت جعل امامت برای حضرت ابراهیم علیه السلام پس از ابتلائات بسیار برای آن حضرت تحقق می‌یابد، همانطور که در سوره بقره آمده «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ ۗ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا ۗ قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي ۗ قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره، ۱۲۴) «و هنگامی که خدا ابراهیم را به اموری امتحان فرمود و او همه را به‌جای آورد، خدا به او گفت من تو را به پیشوایی خلق برگزینم، ابراهیم عرض کرد به فرزندان من چه؟ فرمود عهد من به مردم ستمکار نخواهد رسید» و بدین خاطر است که مومنان از خدا خواهان جعل امامت متقین هستند، تا به‌عنوان امام المتقین قرار گیرند «وَالَّذِينَ يَتَّبِعُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» (فرقان، ۷۴) «و آنان هستند که گویند پروردگارا، ما را زنان و فرزندانِ مرحمت فرما که مایه چشم

روشنی ما باشند، و ما را پیشوای اهل تقوا قرار ده» البته این نوع از خلافت و امامت امری اعتباری و مجازی و قراردادی صرف نیست، بلکه حقیقتی تکوینی و واقعی است که خداوند در نهاد برخی از اهل ایمان قرار می‌دهد و صاحب ولایت براساس آن می‌تواند تصرفاتی در عالم تکوین اعمال نماید؛ بر این اساس به نظر می‌رسد «خلق» ناظر به حوزه الوهیت و خالقیت است و «جعل» ناظر به حوزه ربوبیت الهی است.

بنابراین درخواست جعل مکه به‌عنوان شهر امن «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ» (ابراهیم، ۳۵) و «(یاد آر) وقتی که ابراهیم عرض کرد پروردگارا، این شهر (مکه) را مکان امن و امان قرار ده و من و فرزندانم را از پرستش بتان دور دار»، درخواست جعل نشانه و آیت برای استجاب دعا از سوی زکریا (آل عمران، ۴۱، مریم، ۱۰)، درخواست جعل ولایت و نصرت مستقیم الهی در تقابل با ظالمین از سوی مومنان (نساء، ۷۵)، درخواست سلطنت و نصرت الهی (اسراء، ۸۰)، درخواست وزیر از سوی موسی (طه، ۲۹)، درخواست لسان صدق از سوی حضرت ابراهیم (شعراء، ۸۴) را می‌توان از موارد جعل پس از خلقت نام برد.

در قرآن کریم غالباً آیات «اصل جعل» را به حالات و دگرگونی‌ها و آثار اشیاء نسبت می‌دهند؛ مانند نورانی و درخشنده ساختن خورشید و ماه (هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا) (یونس، ۵) «اوست خدایی که آفتاب را رخشان و ماه را تابان فرمود»، قرار دادن فرشتگان به‌عنوان فرستادگان (جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا) (فاطر، ۱)، جعل هارون به‌عنوان وزیر و دستیار حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ (وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا) (فرقان، ۳۵) «و همانا ما به موسی کتاب (تورات) را عطا کردیم و برادرش هارون را وزیر او قرار دادیم».

۳. دخالت مخلوقات در جعل

واژه جعل از نظر ادبی در قرآن گاهی به‌شکل مفرد می‌آید مانند واژه «جاعل»؛ یعنی جاعل یک موجود یا وجود است؛ مانند قرار دادن گشایش برای پرهیزگاران «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» (طلاق، ۲) «و هر کس خدا ترس و پرهیزکار شود خدا راه بیرون

شدن (از عهده گناهان و بلا و حوادث سخت عالم) را بر او می‌گشاید»، و گاهی هم به‌شکل جمع می‌آید، جاعل از دو نفر تا قریب به بی‌نهایت می‌تواند باشند؛ آیاتی مانند قرار دادن موسی عَلَيْهِ به‌عنوان پیامبر «وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ» (قصص، ۷) «و هم از پیغمبران مرسلش گردانیم»، و قرار دادن دو چشم برای انسان «أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ» (بلد، ۸) «آیا ما به او دو چشم عطا نکردیم؟»، و قرار دادن پیشوایانی که به فرمان الهی هدایت می‌کنند «وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا» (انبیاء، ۷۳) «و آنان را پیشوای مردم ساختیم تا (خلق را) به امر ما هدایت کنند». تفاوت این موارد در این است که گاهی با در نظر گرفتن نظام علی و معلولی حاکم بر عالم، جعل به خداوند و مجاری اراده و فعل او (عالم عقول و ملائکه و دست اندر کاران اجرای فرمان‌های وی) اسناد داده و به‌شکل جمع آورده می‌شود و گاهی هم به‌دلیل علت العلل بودن خداوند و فنای دیگر علل در او بدون توجه به علت‌های طولی میانی به‌شکل مفرد و یا متکلم وحده فقط به خداوند اسناد داده می‌شود.

۴. جعل به معنای مادی و معنوی

در قرآن کریم واژه جعل هم برای امور مادی بکار گرفته شده و هم برای امور غیر مادی و معنوی. وجود مادی به معنای داشتن جسمانیت و آثار مادی است و مرتبه‌ای پایین‌تر از موجودات غیر مادی است، اما وجود غیر مادی بر عکس آن است؛ ماده ندارد، جسم نیست و آثار ماده هم در آن وجود ندارد. استعمال جعل برای امور غیر مادی مانند قرار دادن غل و زنجیر در گردن کافران در قیامت (وَجَعَلْنَا الْأَعْلَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا) (سبأ، ۳۴ و ۳۳)، و چون قیامت در جهانی پس از دنیا و عالم ماده است، اساساً مادی نیست و موجودات در قیامت هم از جنس غیر ماده هستند. نمونه دیگر سخت کردن دل‌های کافران است (وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً) (مانده، ۱۳)، قلب انسان‌ها که مراد غیر از این قلب گوشتی صنوبری شکل است، از قوای نفس و مانند خود نفس غیر مادی است؛ بنابراین سختی و نرمی آن هم از عوارض غیر مادی به شمار می‌رود. و نیز مانند جعل برای هدف معنوی مانند جعل سمع و ابصار و افتده برای انسان (وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ) (نحل، ۷۸)، پست‌تر گرداندن کلمه کافران و برتر قرار دادن

کلمه خدا (وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا) (توبه، ۴۰)، و آیات دیگری که به امور معنوی و موجودات معنوی اشاره دارد (و ما جعله الله الا بشري لكم و لتطمئن قلوبكم به و ما النصر الا من عند الله العزيز الحكيم) (آل عمران، ۱۲۶)، در این آیه اطمینان قلبی امری معنوی است و در آیات (و يجعل الله فيه خيرا كثيرا) (۱۹، نساء) و (فما جعل الله لكم عليهم سبيلا) (۹۰، نساء)، خیر کثیر و جعل سبیل، دو هدف معنوی است که مجعول خداوند متعالی قرار می گیرند. و در آیه (فنجعل لعنت الله علي الكاذبين) (آل عمران، ۶۱) لعنت امری جسمانی نیست، بلکه غیر مادی است. و نیز جعل قوام زندگی در آیه (وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا) (نساء، ۴، ۵) و جعل اثر غیر مادی مانند جعل آسانی پس از سختی (سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا) (طلاق، ۷)، همچنین قرار دادن شب به عنوان پوشش و خواب را مایه آرامش و روز را بستری برای رفتن در پی روزی (وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا) (فرقان، ۴۷).

گاهی جعل در امور مادی به کار می رود؛ مانند جعل زمین و سیارات و جهان مادی. در قرآن کریم آیه (الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا) (طه، ۵۳)، مهد بودن زمین از آثار مادی زمین و خود نیز مادی است. و نیز مانند جعل نور و روشنایی برای خورشید و ماه (هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا) (یونس، ۵).

۵. تفاوت جعل و خلق

خلق پدید آوردن اصل وجود و ابداع از هیچ است و جعل برای اعطای ویژه و خاص است. جعل، افزون بر خلق، قرار دادن، اعطا و بخشیدن است (سجادی، ۱۳۷۹، ص ۱۸۱) در بسیاری از تفاسیر جعل را با خلق یکی گرفته اند، یا از جعل کمتر سخن گفته اند (طباطبایی، ۱۳۸۴، ج ۱، صص ۱۶۷-۱۶۳) برخی از مفسران هم در تفاوت جعل و خلق گفته اند: در خلق ترکیب از اجزای گوناگون اخذ شده؛ ولی این معنا در جعل منظور نیست (طباطبایی، ۱۳۸۴، ج ۷، ص ۷). مانند قول کسی که جعل را همواره بسیط و به معنای آفریدن می داند (سبزواری، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۲۲).

در تفاوت معنای این دو واژه احتمال داده می شود؛ جعل با خلق نه تنها مترادف هم

نیستند، بلکه به نوعی مکمل هم هستند؛ به نظر می‌رسد این دو اصطلاح اشاره به علت فاعلی و علت غایی دارد. علت غایی مربوط به سرانجام کار است منتها جعل مرتبط به بدو و شروع خلقت و آفرینش و علت وجودی و فاعلی هر چیزی است. با این وصف خلق و جعل شامل «ملک و ملکوت» و «مشهودات و مغیبات» هر دو است؛ زیرا خداوند جاعل در دایره «کن فیکون» برای همه مخلوقات خود اهدافی دارد. تمام عالم هستی مشمول «کن» وجودی او است، البته خلق و جعل و امر همه در مدار علم خداست و همواره بر خلق و جعل خویش اشراف و نظارت دارد و این امر تخلف ناپذیر است. جعل بخشیدن خاصیت‌هایی ویژه پس از خلق یک موجود از عدم است، مانند هدایت پس از هستی در آیه «قال ربنا الذی اعطی کل شیء خلقه ثم هدی» (طه، ۵۰) ازین رو باتوجه به جعل در آیات قرآن به آثار هدایت و اهداف اشیا بهتر می‌رسیم و درک می‌کنیم. از نگاه دیگر ممکن است خود جعل هدف خلق باشد. در آیه ۳۰ سوره مبارکه بقره «جعل خلافت» به همراه «خلق آدم» بوده و نه جدا و یا پس از خلق آدم هدف خلقت آدم خلافت او و تصرفات اوست.

می‌توان ادعا کرد که نفس جعل، هدف ذاتی خلق است. جعل بدین لحاظ که هم پس از خلق ایجاد می‌شود و هم همزمان با خلق، پس گسترده‌تر از خلق است. در واقع جعل عام و خلق از نگاه محدودیت وجودی خاص است و ممکن است بتوان گفت خلق و جعل از یک وجود و دارای مراتب هستند و جعل مراتب بالای خلق است. گاهی متعلق جعل ذاتی یک شیء است و همزمان با آن شیء ایجاد می‌گردد. یعنی همزمان با آن جعل می‌شود. در این صورت جعل مقوم ذات می‌گردد؛ مانند جعل امامت و ولایت برای امام و انسان کامل و مثل جعل امامت برای حضرت ابراهیم علیه السلام (بقره، ۱۲۴)، همانطور که مومنین از خداوند می‌خواهند تا برای آنها امامت را در وجودشان جعل کند و همانطور که پیداست این امامت تکوینی و جعل آن نیز تکوینی خواهد بود که در آیه ۷۴ سوره مبارکه فرقان، بدان اشاره شد. این امامت جعل تکوینی است و نه جعلی اعتباری و قراردادی؛ ازین رو مومن متقی دارای امامت، می‌تواند تصرفات تکوینی و حقیقی داشته باشد و نفوس مستعده را تعلیم و تزکیه نماید. نکته مهم آنکه شاید برای ما

تفکیک آثار یک شیء از خود آن شیء ممکن نباشد، اما برای خالق بی همتا این امکان و قدرت وجود دارد.

مقام تکوین برای جعل خلافت، آنقدر بزرگ و پر اهمیت و دارای آثار تکوینی و حقیقی است که فرشتگان برای استدلال بر نفی این خلافت آنرا موجب فساد در روی زمین می دانند و با این بیان اصل جعل را هم فاسد می شمارند (بقره، ۳۰) و این گستره خلافت انسان و قدرت تصرفات تکوینی آنرا می رساند.

یکی دیگر از تفاوت های معنایی جعل و تکوین این است که جعل به معنای تشریح و تکوین است، اما خلق تنها در به معنای تکوین. شرایعی مانند شریعت حضرت ابراهیم علیه السلام، حضرت موسی علیه السلام، حضرت عیسی علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله، همه با جعل تشریحی شارع مقدس و با همین معنا انجام گرفته است.

۶. فرق جعل، امر و خلق

امر، تدریج بردار نیست و دفعی است، به خلاف خلق که تدریجی است و به مرور تحقق می یابد. به نظر می رسد خلق به معنای ایجاد ذوات موجودات است و امر به معنای تقدیر آثار و نظام جاری در آنها است، پس می توان ادعا کرد که خلق پس از امر است، چون تا چیزی نخست تقدیر نشود، خلق نمی شود، هم چنان که هیچ مخلوقی پس از خلقت تقدیر نمی شود؛ اینجا است که در معانی خلق و امر در معنای آیه ذیل نکته عطف امر بر خلق در جمله «أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ» که به وجهی مشعر بر مغایرت آن دو است معلوم می شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۱۸۸). همانطور که خدا فرمود: (خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ) و سپس فرمود: (ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ) (یونس، ۳)، با توجه به این مطالب، فرق معنایی میان امر و جعل نیز مشخص شد به طوری که امر در معنای خود تقدیر ابتدایی و بسیط است، اما جعل در معنا عنایت به آثار و علت غایی موجودات دارد. ولی بعضی مفسران در تفسیر معنای خلق، آنرا به پدیده های مشهود و امر را در معنا به پدیده های نامشهود و روحانی اختصاص داده اند (طباطبایی، ۱۳۸۴، ص ۵۴)، در حالی که امر با توجه به معنای آن عام و شامل همه مخلوقات خدا و خلق و آفرینش خدا

براساس امر او به همه موجودات تعلق می‌گیرد. در قرآن کریم واژه امر و مشتقات آن به معانی گوناگون آمده است، مانند معنای شریعت و احکام دینی (ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ) (طلاق، ۵)، (إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ) (انعام، ۵۷)، (قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ) (اعراف، ۲۹) و به معنای ایجاب و وجوب استدلال کرده‌اند (قَالَ مَا مَنَّكَ إِلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ) (اعراف، ۱۲) و به معنای فرمان دادن مخصوص خداوند است و کسی جز او قدرت صدور فرمانی را ندارد (وَالْأَمْرُ يُؤْتَمَرُ لِلَّهِ) (انفطار، ۱۹) به نظر می‌رسد با توجه به آیه «انما امره اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون» امر معنایی فراتر از خلق و جعل داشته باشد و هر دو را شامل شود؛ زیرا شیء در این آیه معنایی وسیع دارد و شامل ذوات و آثار خواهد شد.

بنابر آنچه تاکنون گفته شد جعل ناظر بر علت غایی در خلق عوالم هستی است به این معنی که عالم هستی را با هدفی آفرید. گرچه همین هدف اولیه را هم خداوند در مواردی تغییر می‌دهد. مثل آیه ۴۸ سوره مبارکه ابراهیم «يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ»، این تغییر هدف نیز بدان خاطر است که قوانین اعتباری و یا تکوینی هرگز بر خالق عالم هستی احاطه ندارند تا او را وادار به کاری کنند و یا برای او محدودیتی ایجاد نمایند. ازین رو دگرگونی در اراده، مشیت و حکمت خدا امکان پذیر است و همه این دگرگون‌ها باز هم با اراده خداست؛ پس بدین معنا جعل جدید در خلق الهی امکان پذیر است و خداوند بر مخلوقات خود و آسمان‌ها و زمین سلطنت و هیمنه دارد «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ» (حشر، ۲۳).

۷. کاربردهای معانی جعل در قرآن

تحلیل واژه‌های جعل در قرآن و بررسی معانی متعدد آن در آیات قرآنی، ما را به کاربردهای مختلفی از معانی جعل می‌رساند که هر یک از آن معانی با دیگری به‌طور کامل متفاوت است و هر یک کاربرد منحصر به فرد خودشان را دارند؛ ازین رو در این بخش از نوشتار تلاش شده تا آن معانی گوناگون را تحت عنوان کاربردهای جعل در قرآن به چند قسم تقسیم و هر یک را با تطبیق آیه مخصوص به آن بررسی و تحلیل

کنم. و چون آیات محدودی درباره جعل آمده است، تقسیم معانی واژه جعل با مقسم‌های جداگانه ما را به مقصود نمی‌رساند و تنها به تشتت عناوین و کمبود محتوا مواجه خواهد کرد؛ بر این اساس به کاربردهای «معانی مختلف جعل» در آیات می‌پردازیم.

۷-۱. جعل در امور قراردادی

برخی از امور اعتباری و غیر تکوینی هستند و یک نوع جعل اعتبار و جعل منصب اجتماعی و یا جعل امور اعتباری به شمار می‌آیند. به‌طور مثال جعل پادشاهی، جعلی اعتباری است از سوی خدا برای برخی از افراد برای سلطنت و حاکمیت بر مردم و نیز آزمایش فرد پادشاه و ملت تحت امر او. نبوت هم امری شرعی است که خداوند برای برخی از بندگان برای هدایت بشر خود اعتبار می‌کند. در آیه ۲۰ سوره مبارکه مائده خداوند قوم موسی عَلَيْهِمُ السَّلَام را حاکم و صاحب اختیار خود قرار داد و این حاکمیت و سلطنت امری تکوینی نیست، بلکه امری قانونی و شرعی و به‌طور کامل از سوی خداست، چون حاکم اصلی و واقعی خالق عالم هستی است. «وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَ جَعَلَ لَكُم مَّلُوكًا وَ آتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ» (مائده، ۲۰) «و (یاد کن) هنگامی که موسی به قوم خود گفت: ای قوم، نعمت خدا را به خاطر آرید آن گاه که در میان شما پیغمبران فرستاد و شما را پادشاهی داد و به شما آنچه را که به هیچ یک از اهل عالم نداد عطا کرد»؛ همچنین در آیه ۹۱ سوره مبارکه انعام خداوند می‌فرماید «تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون كثيرا» (انعام، ۹۱) یعنی «شما آیات آن را در اوراق نگاشته، بعضی را آشکار می‌نمایید و بسیاری را پنهان می‌دارید»، در این آیه آشکار و پنهان کردن امری نسبی و اعتباری است و نه حقیقی و تکوینی. در آیه ۲۹ سوره شعرا آمده «قال لئن اتخذت الها غیري لاجعلنک من المسجونین» (شعراء، ۲۹) یعنی «فرعون گفت اگر غیر من خدایی را پرستی البته تو را به زندان خواهم کشید». در این آیه مخاطب فرعون تهدید به زندانی شد و جعل مسجونیت و یا زندانی کردن یا زندانی شدن امری غیر تکوینی و اعتباری است؛ زیرا امور تکوینی،

انسان و ساختمان فیزیکی زندان است و اراده فرعون در زندانی کردن، اما زندانی بودن یا زندانی شدن امری نسبی و اعتباری است و نه امری مخلوق و متکون.

در سوره شریفه اسراء، آیه ۳۳ خداوند می‌فرماید: «و لا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق و من قتل مظلوما فقد جعلنا لوليه سلطانا فلا يسرف في القتل انه كان منصورا» (اسراء، ۳۳)، یعنی «و هرگز نفس محترمی که خدا قتلش را حرام کرده مکشید مگر آنکه به حکم حق مستحق قتل شود، و کسی که خونش به مظلومی و ناحق ریخته شود ما به ولی او حکومت و تسلط (بر قاتل) دادیم پس (در مقام انتقام) آن ولی در قتل و خونریزی اسراف نکند که او از جانب ما مؤید و منصور خواهد بود»، در این آیه سلطنت برای ولی مقتول از امور حقوقی، شرعی و اعتباری است و نیز از امور انتزاعی و قراردادی است؛ همچنین اختلافات و تفرقه‌ها از امور انتزاعی‌اند که از مجموعه رفتارهای چند فرد و یا چند گروه انتزاع می‌گردد. به طوری که ممکن است عامل درونی یا برونی داشته باشند؛ از این رو اختلاف خود به شکل مستقل و امری فیزیکی در عالم ماده وجود ندارد، بلکه از تحلیل و نسبت و مقایسه رفتارها بدست می‌آید؛ بدین سبب جعل تفرقه و اختلاف نیز باید جعلی اعتباری و انتزاعی و قرار دادی باشد همان‌طور که در آیه زیر آمده است: «ان فرعون علا في الارض و جعل اهلها شيعاً» (قصص، ۴)، یعنی «همانا فرعون در زمین (مصر) تکبر و گردنکشی آغاز کرد و میان اهل آن سرزمین تفرقه و اختلاف افکند».

در آیه «فجعلوا لله شركاء» (رعد، ۳۳) یعنی «برای خدا شریکانی جعل کردند». در حالی که برای خدا شریکی نیست و این عدم امکان وجود شریک برای وجود واجب، امری عقلی است که در فلسفه وجودی، با استدلال بر وجود خدایی کامل و در همه جهات به دست می‌آید ازین‌رو جعل شریک در واقع جعل عدم است و این خود نوعی از امری اعتباری صرف و جعل امور غیر واقعی است و در خارج مابۀ‌ازایی برای امور عدمی نیست و در حقیقت حتی تصور این امور پندار سراب هستند و نه حقیقت مانند جعل و یا تصور غول و بخت و اساساً امر عدمی در عالم خارج معجول واقع نمی‌شود این نوع از جعل را می‌توان در آیات زیر مشاهده کرد: «ان

الملوك اذا دخلوا قريه افسدوها و جعلوا اعزه اهلها اذله» (نمل، ۳۴) یعنی: «بلقیس گفت: پادشاهان چون به دیاری حمله آرند آن کشور را ویران سازند و عزیزترین اشخاص مملکت را ذلیل‌ترین افراد گیرند.» و «الذین جعلوا القرآن عظیم» (حجر، ۹۱) یعنی: «آنکه قرآن را (به میل خود و غرض فاسد خویش) جزء جزء و پاره پاره کردند بعضی را قبول و بعضی را رد کردند» و «فجعلهم جذاذا الا کبیراً لهم» (انبیاء، ۵۸) یعنی «در آن موقع به بتخانه شد و همه بتها را درهم شکست به جز بت بزرگ آنها را» و «قال اجعلنی علی خزائن الارض انی حفیظ علیم» (یوسف، ۵۵) یعنی «یوسف به شاه گفت: در این صورت مرا به خزانه‌داری مملکت منصوب دار که من در حفظ دارایی و مصارف آن دانا و بصیرم».

۲-۷. جعل به معنای ایجاد آثار طبیعی

در برخی از آیات خداوند اثر طبیعی یک شیء را مجعول قرار داده است. در آیه ذیل آتش می‌تواند اثر طبیعی درخت باشد در شرایط خاص. خداوند می‌فرماید: «الذی جعل من الشجر الاخضر ناراً» (یس، ۸۰)؛ یعنی «آن خدایی که از درخت سبز و تر برای انتفاع شما آتش قرار داده که» و یا مهد و وتد بودن زمین و کوه در آیه «الم نجعل الارض مهاداً والجبال اوتاداً» (نبأ، ۶) یعنی «آیا ما زمین را مهد آسایش خلق نگردانیدیم؟ و کوهها را عماد و نگهبان آن نساختیم؟».

۳-۷. به معنای قصد و اراده

گاهی جعل به معنای اراده و مشیت است. در آیه ذیل اعرافیان از خدا می‌خواهند تا ارده نکنند که از قوم ظالم قرار داده شوند. قرآن می‌فرماید: «ربنا لا تجعلنا مع القوم الظالمین» (اعراف، ۴۷) یعنی «پروردگارا، ما را با این ستمکاران به یک جای قرار مده» و نیز قول قوم حضرت موسی علیه السلام که از خدا خواستند آنها را مورد آزمایش فتنه بنی اسرائیل قرار نده؛ «لا تجعلنا فتنه للقوم الظالمین» (یونس، ۸۵) یعنی «بار الهما ما را دستخوش فتنه اشرار و قوم ستمکار مگردان».

۴-۷. به معنای تهمت و دروغ

در آیه ۲۲ سوره مبارکه بقره خداوند از بندگان خود می‌خواهد تا برایش شریک و هم‌تا قرار ندهند، یعنی به دروغ جعل شریک نکنند و با این کار خود به خدا تهمت دروغ نزنند؛ «لا تجعلوا لله اندادا و انتم تعلمون» (بقره، ۲۲) و نیز در آیه «الذین يجعلون مع الله الها آخر فسوف يعلمون» (حجر، ۹۷) یعنی «آنانکه با خدای یکتا خدایی دیگر قرار دهند، پس به زودی خواهند دانست» و نیز جعل به معنای بدخواهی برای خدا؛ «و يجعلون لله ما تکرهون» (نحل، ۶۲). یعنی «و این مشرکان آنچه را که بر خود نمی‌پسندند (چون داشتن فرزند دختر) به خدا نسبت می‌دهند».

۵-۷. به معنای مجاز برای استعاره

در آیه «لا تجعل يدك مغلولة الى عنقك و لا تبسطها كل البسط فتتعد ملوماً محسوراً» (اسراء، ۲۹) یعنی «و نه هرگز دست خود (در احسان به خلق) محکم به گردنت بسته‌دار، و نه بسیار باز و گشاده‌دار، که (هر کدام کنی) به نکوهش و درماندگی خواهی نشست» جعل برای استعاره از یک فعل و رفتار واقعی آمده است؛ زیرا بستن دست به گردن، استعاره از خسیس بودن و کمک نکردن به بندگان محتاج خداست؛ ازین رو در این کریمه، کلا «جعل» معنای مجازی از یک امر حقیقی را دارد.

۶-۷. مجاز برای تمثیل و شرط

در آیه ذیل خداوند برای تنویر ذهن مخاطب و تبیین بهتر دستور به تمثیل می‌دهد و برای ایجاد تمثیل از واژه جعل استفاده می‌کند؛ ازین رو در این آیه جعل فقط یک معنا دارد و آن هم به معنای مجاز در تمثیل است؛ «واضرب لهم مثلاً رجلین جعلنا لاحدهما جنتین من اعناب» (کهف، ۳۲)؛ یعنی «و دو مرد (مؤمن و کافر) را برای امت مثل آر که به یکی از آنها دو باغ انگور دادیم». جعل تمثیل برای همان اهدافی می‌آید که اهل فن در بحث فواید تمثیل گفته‌اند؛ اما در آیه «قل أرأیتم ان جعل الله علیکم النهار سرمداً الی یوم القیمه من اله غیر الله یأتیکم بلبل تسکنون فیه» (قصص، ۷۲)، یعنی «باز بگو: چه تصور

می‌کنید اگر خدا برای شما روز را تا قیامت پاینده و ابدی قرار دهد جز خدا کیست خدایی که برای آرامش و استراحت شما شب را پدید گرداند؟» جعل به معنای شرط و یا به معنای فعل مجازی می‌آید. در واقع مجعول، یک فعل فرضی است که حکمی به آن نسبت داده شده است تا نتیجه‌ای اخلاقی یا اعتقادی گرفته شود.

۷-۷. جعل به معنای ایجاد و ابداع

در آیه ۷۲ سوره مبارکه نحل «وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ بَيْنَ وَحَفْدَةً» (نحل، ۷۲)، یعنی «و خدا از جنس خودتان برای شما جفت‌هایی آفرید و از آن جفتها پسران و دختران و دامادان و نوادگان بر شما خلق فرمود» جعل به معنای ایجاد و بوجود آوردن آمده است. خداوند متعال در این آیه هم بر ایجاد زوج‌ها و هم بر ایجاد فرزندان از همسران تصریح دارد. در آیه ۷۸ همین سوره «وَجَعَلَ لَكُم السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (نحل، ۷۸) یعنی «و به شما گوش و چشم و قلب اعطا کرد تا مگر (دانا شوید و) شکر (این نعمتها) به جای آرید»، نیز جعل به معنای ایجاد شنوایی، بینایی، قوای ادراکی انسان و قلب آمده است.

۷-۸. جعل به معنای بستر سازی و مستعد بودن

الف) جعل به معنای بسترسازی و مستعد بودن برای یکی از آثار مجعول

واژه جعل در آیه ۸۰ سوره نحل که می‌فرماید: «وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ يُبُوتِكُمْ سَكَنًا وَ جَعَلَ لَكُم مِّنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَ يَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَ مِنْ أَصْوَابِهَا وَأُوبَارِهَا وَ أَشْعَارِهَا أَثَانًا وَ مَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ» (نحل، ۸۰) یعنی «و خدا برای سکونت (دائم) شما منزل‌هایتان را مقرر داشت و (برای سکونت موقت سفر) از پوست و موی چهارپایان خیمه‌ها را برای شما قرار داد تا وقت حرکت و سکون سبک وزن و قابل انتقال باشد، و از پشم و کرک و موی آنها اثاثیه منزل (مانند گلیم و نمد و قالی) و متاع و اسباب زندگانی (و لباسهای فاخر) برای شما خلق فرمود که تا هنگامی معین از آن استفاده کنید» به معنای آماده‌سازی بستر برای اثری خاص از شیء آمده است. این آیه

می‌فرماید: «خداوند خانه‌هایتان را برای شما مایه آرامش و از پوست چهار پایان برای شما خانه قرار داد» این امر بدیهی است که خانه فواید زیادی دارد و نیز از پوست حیوانات می‌توان استفاده‌های زیادی برد، اما با دقت در این آیه این نکته به دست می‌آید خداوند به زمینه سازی خانه و پوست برای کاربردهایی اشاره می‌کند که برای انسان‌ها رفاه، آرامش و آسایش می‌آورد. به‌طور مثال به‌نظر می‌رسد که هدف از خلقت پوست، ساخت خانه‌ای سبک و قابل حمل و نقل نیست، پس خداوند در این آیه بر وجود ظرفیت دیگری در پوست چهارپایان اشاره می‌کند که برای انسان‌ها قابل بهره‌برداری است.

ب) جعل به معنای بستر و آماده سازی برای همه آثار مجعول

در آیات «أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا» (نبا، ۶) و «وَلَقَدْ مَكَنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ» (اعراف، ۲۳۱) و «جَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ» (انبیا، ۳۱) و «هو الذي جعل لكم الأرض ذلولاً» (ملک، ۱۵) و «الم نجعل الأرض كفاتاً» و «و الأرض فرشناها و نعم الماهدون» (ذاریات، ۴۸) مهد و رام بودن و مکانت و محلی برای اجتماع و زندگی بودن زمین و موارد دیگر آثاری فراوان و بی‌شماری است که خداوند برای استفاده بشر قرار داده است.

۷-۹. جعل به معنای بهره و مزیت غیر اصلی

خداوند در قرآن کریم و در برخی از آیاتی که مشمول جعل هستند به آثار غیر اصلی و غیر ذاتی اشیاء اشاره می‌کند و این آثار فرعی و ثانوی را از مزایای این مخلوقات به شمار می‌آورد که در اختیار انسان برای آسایش و آرامش او قرار داده است؛ به‌عنوان نمونه در آیه ۸۱ سوره مبارکه نحل «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِمَّا خَلَقَ ظِلَالًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَائِلَ تَقِيكُمْ الْحَرَّ وَسَرَائِلَ تَقِيكُمْ بَأْسَكُمْ كَذَلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ» سایه که از آثار فرعی و غیر اصلی و ذاتی اشیاء است به‌عنوان پناهگاه، مزیتی قرار داده شده است برای بهره و استفاده انسان‌ها. همانطور که

نگاه داری از گرما و سختی جنگ از عوارض و آثار عرضی و غیر اصلی و غیر ذاتی کوه‌هاست؛ بنابراین می‌توان این ادعا را نمود که خلق به معنای ایجاد صرف بدون در نظر گرفتن اهداف مخلوق است، ولی جعل به معنای فراهم آوردن اهدافی برای مخلوقات است. و نیز می‌توان اینگونه تحلیل کرد که خلق مربوط به مقام خالقیت، الوهیت و در اصل ایجاد اشیاء عالم و در مقام تکوین است و جعل مربوط به مقام ربوبیت بعد از خلق، باز هم در مقام تکوین می‌باشد که در این مقام امکان تغییر و تبدیل اهداف و ایجاد آثار جدید «اصلی و غیر اصلی» و «ذاتی و عرضی» وجود دارد (طباطبایی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۹۵).

۷-۱۰. جعل به معنای قدرت بر ایجاد ویژگی‌های غیر عادی برای اشیاء

بدیهی است خدایی که قادر مطلق است می‌تواند هر کار ممکن را انجام دهد و هر وجود ممکن را ایجاد نماید کارهایی که انسان و هر موجود دیگری نمی‌توان آنها را انجام دهد و یا موجوداتی که انسان نمی‌تواند ایجادش کند در آیه کریمه «قل أرأیتم ان جعل الله علیکم النهار سرمداً الی یوم القیمه» (قصص، ۷۲) خداوند بر جعل ویژگی غیر ممکن از حیث توانمندی‌های عادی تأکید می‌کند؛ زیرا می‌فرماید: «باز بگو چه تصور می‌کنید اگر خدا برای شما روز را تا قیامت پاینده گرداند؟». به نظر می‌رسد «براساس آیه هفتاد و دو سوره قصص» پاینده داشتن و استمرار روز تا روز قیامت از نظر عادی غیر ممکن است و بر عهده غیر خدا ساخته نیست و تنها خداست که می‌تواند طول روز را تا قیامت بسط دهد.

۷-۱۱. جعل ارتباط میان دو وجود مختلف الذات

امور مادی و امور معنوی دو نوع متفاوت از موجودات هستند که به تمام ذات با هم متفاوت و دارای آثار و ویژگی‌های متمایز هستند. اما ارتباط دو موجود به ظاهر بی‌ربط به هم از مقادورات انسان‌ها و مخلوقات ساخته نیست، بلکه نیاز به یک قدرت بی‌منتها دارد که چنین قدرتی مخصوص خدای متعال است. در آیه شریفه «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ

أَمْوَالِكُمْ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» (نساء، ۵). میان دو جوهر و وجود متفاوت الذات، مانند اموال و صاحب اموال ارتباط برقرار می‌کند و اموال مادی را مایه اموری معنوی مثل پایداری، قوام و استقامت صاحب مال می‌داند.

۷-۱۲. جعل به معنای قرار دادن اشیاء فیزیکی در مکان مادی و جسمانی

در آیه ۱۹ سوره بقره «او کصیب من السماء فيه ظلمات و رعد و برق يجعلون اصابعهم في آذانهم من الصواعق حذر الموت و الله محيط بالكافرين» انگشتان انسان مادی است، همانطور که گوش‌ها مادی هستند و خداوند متعال در این آیه برای قراردادن انگشتان در گوش از واژه جعل استفاده می‌کند با همان معنای لغوی جعل که به معنای قرار دادن است (دهخدا، ۱۳۷۳).

نتیجه‌گیری

در قرآن کریم واژه‌های فراوانی وجود دارد که دارای معانی گوناگون است. یکی از آن واژه‌ها «جعل» است. در این کتاب مقدس، جعل با برخی دیگر از اصطلاحات قرآنی مانند «امر» و «خلق» به ظاهر تشابه معنایی دارند؛ اما با دقت نظر می‌توان به تفاوت‌ها، گوناگونی و گاه اختلافات در معنی این سه واژه رسید. جعل در علوم متعدد با معانی متفاوتی کاربرد دارد. مانند علم حقوق که جعل در این علم، در معنای ای استفاده شده که در قرآن بکار گرفته نشده است. در کتاب قرآن واژه جعل در مفاهیم و معانی مختلفی به کار برده شده است که در یک تقسیم بندی کلی به «جعل تکوینی و تشریحی» و یا «جعل مادی و معنوی» و یا «جعل حقیقی و مجازی» تقسیم می‌شود. ولی در تقسیمات جزئی‌تر در معانی زیر به کار برده شده است: «حقیقی و اعتباری»، «ایجاد آثار و ابداع»، «قصد و اراده»، «بهره و ارتباط»؛ اما در بیان برخی از ثمرات معناشناسی جعل می‌توان گفت که این نوشتار مقدمه‌ای است برای پژوهش فلسفی در زمینه جعل و جایگاه آن در عوالم هستی و ارتباط آن عوالم با یکدیگر با محوریت جعل.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن منظور، جمال الدین. (۱۴۰۸ق). لسان العرب (به کوشش علی شیری). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲. معلوف، لويس (۱۹۸۶). المنجد في اللغة و الاعلام. لبنان: بیروت، نشر دارالمشرق.
۳. برخواه، انسيه. (۱۳۷۵). دانشنامه جهان اسلام، مقاله جعل (<https://rch.ac.ir/>)
۴. حداد عادل، غلامعلی. (۱۳۷۵). دانشنامه جهان اسلام. ایران: تهران بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
۵. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغت نامه دهخدا (ذیل واژه جعل). تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۶. زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۱۹ق). اساس البلاغه (به کوشش عبدالرحیم محمود). قم: دفتر تبلیغات.
۷. سبزواری، ملاحادی. (۱۴۱۷ق). شرح منظومه سبزواری (به کوشش حسن حسن زاده آملی). ایران: تهران، نشر ناب.
۸. سید عرب، حسن. (۱۳۸۹). در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (زیر نظر کاظم بجنوردی، ج ۱۸، مدخل جعل). پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت (علیهم السلام).
۹. سجادی، سیدجعفر. (۱۳۷۹). فرهنگ مصطلحات فلسفی ملاصدرا. ایران: تهران، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۰. شرتونی (فراهیدی)، خلیل بن احمد. (۱۴۲۵ق). کتاب العين (۹ جلدی). بیروت: دارالهجره.
۱۱. شیرازی، صدرالدین محمدبن ابراهیم (صدرالمتهین). (۱۹۸۷م). الحکمة المتعالیه (الاسفار الاربعه). لبنان: بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۱۲. شیرازی، صدرالدین محمد بن ابراهیم (صدرالمتألهین). (۱۳۷۲). تفسیر القرآن الکریم (به کوشش خواجوی). قم: بیدار.
۱۳. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۳ق). المیزان فی تفسیر القرآن. لبنان: بیروت، نشر اعلمی.
۱۴. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۸۴). تفسیر المیزان (مترجم: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ج ۱، ۲۰). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۵. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن (مترجم سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ج ۸، چاپ پنجم). قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۶. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۶۲). نهایه الحکمه (محقق: عباس علی زارعی سبزواری، جلد ۱). قم: انتشارات نشر اسلام.
۱۷. طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۲۰ق). نهایه الحکمه (به کوشش زارعی) قم: نشر اسلامی.
۱۸. فؤاد عبدالباقی، محمد. (۱۳۶۳ق). المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم. قاهره: دارالکتب العربیة.
۱۹. فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۰۵ق). المصباح المنیر. ایران: قم، دارالهجرة.
۲۰. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحق رازی. (۱۳۶۲). الکافی (ج ۲). تهران، انتشارات اسلامیة.
۲۱. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۶). التحقیق فی کلمات القرآن. ایران: تهران، وزارت ارشاد اسلامی.
۲۲. همدانی درود آبادی، سیدحسین. (۱۴۲۱ق). شرح الاسماء الحسنی (به کوشش بیدار). قم

References

* The Holy Quran

1. Barkhah, A. (1996). The Encyclopedia of the Islamic World, Article: "Forgery." Retrieved from <https://rch.ac.ir/> [In Persian]
2. Dekhoda, A. A. (1994). Dekhoda Dictionary (Entry: "Forgery"). Tehran: University of Tehran Press. [In Persian]
3. Fayoumi, A. b. M. (1985). Al-Misbah al-Munir. Qom: Dar al-Hijra. [In Arabic]
4. Fo'ad Abdul Baqi, M. (1944). Al-Mu'jam al-Mufahras li-Alfaz al-Quran al-Karim. Cairo: Dar al-Kutub al-Arabiya. [In Arabic]
5. Haddad Adel, G. (1996). The Encyclopedia of the Islamic World. Tehran: The Foundation for the Islamic Encyclopedia. [In Persian]
6. Hamedani Doroudabadi, S. H. (2000). Sharh al-Asma al-Husna (Bidar, Ed.). Qom. [In Persian]
7. Ibn Manzur, J. (1988). Lisan al-Arab (A. Shiri, Ed.). Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
8. Kulayni, A. M. b. Y. b. I. (1983). Al-Kafi (Vol. 2). Tehran: Islamiyah Publications. [In Arabic]
9. Maalouf, L. (1986). Al-Munjid fi al-Lugha wa al-I'lam. Beirut: Dar al-Mashriq. [In Arabic]
10. Mostafavi, H. (1987). Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran. Tehran: Ministry of Islamic Guidance. [In Persian]
11. Sabzewari, M. H. (1996). Sharh Manzumah Sabzewari (H. H. Amoli, Ed.). Tehran: Nab Publications. [In Persian]
12. Sajjadi, S. J. (2000). Dictionary of Mulla Sadra's Philosophical Terms. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
13. Seyyed Arab, H. (2010). In The Great Islamic Encyclopedia (K. Bojnourdi, Ed., Vol. 18, Entry: "Forgery"). Research Center for Ahlulbayt History and Conduct. [In Persian]

14. Shartouni (Farahidi), K. b. A. (2004). Kitab al-‘Ayn (9 Vols.). Beirut: Dar al-Hijrah. [In Arabic]
15. Shirazi, S. M. b. I. (1987). Al-Hikmat al-Muta‘aliya (Al-Asfar al-Arba‘a). Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
16. Shirazi, S. M. b. I. (1993). Tafsir al-Quran al-Karim (K. Khajavi, Ed.). Qom: Bidar. [In Persian]
17. Tabatabai, M. H. (1973). Al-Mizan fi Tafsir al-Quran. Beirut: Alami Publications. [In Arabic]
18. Tabatabai, M. H. (1983). Nihayat al-Hikma (A. Zarei Sabzevari, Ed., Vol. 1). Qom: Nashr-e Islam. [In Persian]
19. Tabatabai, M. H. (1995). Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (S. M. Mousavi Hamedani, Trans., Vol. 8, 5th ed.). Qom: Society of Seminary Teachers of Qom Press. [In Persian]
20. Tabatabai, M. H. (1999). Nihayat al-Hikma (Zarei, Ed.). Qom: Eslami Publications. [In Arabic]
21. Tabatabai, M. H. (2005). Tafsir al-Mizan (S. M. Mousavi Hamedani, Trans., Vols. 1 & 20). Qom: The Islamic Publishing Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Persian]
22. Zamakhshari, M. b. U. (1998). Asas al-Balaghah (A. R. Mahmoud, Ed.). Qom: The Office of Propagation. [In Arabic]



The Role of Long-Tail Terms in the Development of Thesauruses: Requirements and Challenges

Hossein Hosseinzadeh¹

Received: 2024/12/21 • Revised: 2025/01/04 • Accepted: 2025/01/06 • Published online: 2025/02/17

Abstract

The term "term" in a scientific field commonly refers to established terms in that field, which are typically single words like "essence" in philosophy, or occasionally two-word phrases such as "the primacy of existence" and "the validity of essence." The goal of this research is to explain the vital role of words that, from the perspective of experts in a particular field, may not be part of the established terminology of that science but have a significant impact on reflecting the true boundaries of knowledge within a scientific discipline when included in thesauruses. These kinds of words typically have several conditions, which are referred to as "long-tail terms." The research method is descriptive, analytical, and uses a combined approach. By analyzing the content of leading thesauruses and case studies, the opportunities resulting from the use of these types of words in thesauruses development and their impact on expanding the boundaries of knowledge are identified. The findings indicate that using these long-tail terms creates more flexibility and precision in organizing

1. Assistant Professor, Department for Information and Documents Organization, Research Center for Information and Documents Management, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. h.hasanzadeh@isca.ac.ir.

* Hosseinzadeh, H. (2024). The Role of Long-Tail Terms in the Development of Thesauruses: Requirements and Challenges. *Journal of Studies of Quranic Sciences*, 5(10), pp. 111-140. <https://doi.org/10.22081/jikm.2025.70570.1102>

information in thesauruses. Additionally, the results suggest an increase in efficiency in knowledge management and production through the use of such innovative words.

Keywords

Long-tail terms, thesauruses, long-tail words, expanding the boundaries of knowledge, information management, thesauruses development, innovation in knowledge organization.



دور المصطلحات طويلة الذيل في تطوير المكانز: المتطلبات والتحديات

حسين حسن زاده^١

تاريخ الإستلام: ٢٠٢٤/١٢/٢١ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٥/٠١/٠٤ • تاريخ القبول: ٢٠٢٥/٠١/٠٦ • تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/٠٢/١٧

الملخص

تشير كلمة "مصطلح" في المجال العلمي إلى المصطلحات الشائعة في ذلك المجال، والتي تكون عادة على شكل كلمة واحدة، مثل كلمة "الماهية" في الفلسفة، وأحياناً تكون على شكل كلمتين، مثل "أصالة الوجود" و"أصالة الماهية". يهدف هذا البحث إلى توضيح الدور الحيوي للكلمات التي قد لا تعتبر مصطلحات قياسية من قبل الخبراء في المجال العلمي، ولكن وجودها في المكانز والمعاجم له تأثير كبير في إصداء الحدود الحقيقية للمعرفة في المجال العلمي. يحتوي هذا النوع من المفردات بشكل أساسي على العديد من القيود، والتي يتم تفسيرها على أنها كلمات أو مصطلحات طويلة الذيل. تعتمد هذه الدراسة على المنهج الوصفي التحليلي المختلط، ومن خلال تحليل محتوى المكانز الرائدة ودراسات الحالة، يتم التعرف على الفرص التي تنشأ عن استخدام مثل هذه الكلمات في تطوير المكانز وأثرها في توسيع حدود المعرفة. وتظهر نتائج البحث أن

١. أستاذ مساعد، قسم تنظيم المعلومات والوثائق، معهد إدارة المعلومات والوثائق الإسلامية، المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران.
h.hasanzadeh@isca.ac.ir

* حسن زاده، حسين. (٢٠٢٤م). دور المصطلحات طويلة الذيل في تطوير المكانز؛ المتطلبات والتحديات، الفصلية العلمية - الترويجية لدراسات علوم القرآن، ٥ (١٠)، صص ١١١-١٤٠.

<https://Doi.org/10.22081/jikm.2025.70570.1102>

استخدام هذه الكلمات طويلة الذيل يخلق قدراً أكبر من المرونة والدقة في تنظيم المعلومات في المكانز وزيادة الكفاءة في إدارة المعلومات وإنتاج المعرفة من خلال استخدام مثل هذه الكلمات وهذا أمر بديع.

الكلمات الرئيسية

المصطلحات طويلة الذيل، المكانز، الكلمات طويلة الذيل، توسيع حدود المعرفة، إدارة المعلومات، تطوير المكانز، الإبداع في تنظيم المعلومات.



نقش واژه‌های دم‌بلند در توسعه اصطلاح‌نامه‌ها، الزامات و چالش‌ها

حسین حسن‌زاده^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۷ | تاریخ آنلاین: ۱۴۰۳/۱۱/۲۹

چکیده

متبادر از واژه «اصطلاح» در یک رشته علمی، اصطلاحات معهود در آن رشته است که به‌طور معمول تک‌واژه‌های مثل واژه «ماهیت» در فلسفه، و گاهی دو واژه‌ای مانند «اصالت وجود» و «اعتباریت ماهیت» است. هدف این پژوهش تبیین نقش حیاتی واژه‌هایی است که ممکن است از نظر، صاحب‌نظران یک حوزه علمی جزء اصطلاحات معهود آن علم نباشد، ولی وجود آنها در اصطلاح‌نامه‌ها تأثیر بسزایی در بازتاب مرزهای حقیقی دانش در یک رشته علمی است. این سنخ از واژه‌های به‌طور عمده دارای چندین قید هستند که از آن به واژه‌ها یا اصطلاحات دم‌بلند تعبیر می‌شود. روش این تحقیق، توصیفی، تحلیلی و رویکردی ترکیبی است. با تحلیل محتوای اصطلاح‌نامه‌های پیشرو و مطالعات موردی، فرصت‌های ناشی از استفاده از این نوع از واژه‌ها در توسعه اصطلاح‌نامه‌ها و تأثیر آن در گسترش مرزهای دانش شناسایی می‌شود. یافته تحقیق نشان می‌دهد استفاده از این واژه‌های دم‌بلند موجب ایجاد انعطاف‌پذیری و دقت بیشتر در سازمان‌دهی اطلاعات در اصطلاح‌نامه‌ها می‌شود؛ همچنین یافته‌ها حاکی از افزایش کارایی در مدیریت و تولید دانش از راه استفاده از چنین واژه‌هایی نوآورانه است.

کلیدواژه‌ها

اصطلاحات دم‌بلند، اصطلاح‌نامه‌ها، واژه‌های دم‌بلند، گسترش مرزهای دانش، مدیریت اطلاعات، توسعه اصطلاح‌نامه‌ها، نوآوری در سازمان‌دهی دانش.

۱. استادیار، گروه سازمان‌دهی اطلاعات و مدارک، پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.
h.hasanzadeh@isca.ac.ir

* حسن‌زاده، حسین. (۱۴۰۲). نقش واژه‌های دم‌بلند در توسعه اصطلاح‌نامه‌ها، الزامات و چالش‌ها. فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات علوم قرآن، ۵(۱۰)، صص ۱۱۱-۱۴۰.

<https://Doi.org/10.22081/jikm.2025.70570.1102>

مقدمه

در عصر اطلاعات، که پیچیدگی و تنوع دانش به سرعت در حال افزایش است، سازمان‌دهی و مدیریت اطلاعات به یکی از چالش‌های اساسی جوامع علمی و دانشگاهی تبدیل شده است. اصطلاح‌نامه‌ها به‌عنوان ابزاری اساسی برای این منظور به کار می‌روند و نقش مهمی در تخصیص دقیق و طبقه‌بندی مفاهیم در حوزه‌های گوناگون علمی دارند. با این حال، با گسترش مرزهای علمی و ظهور رشته‌های میان‌رشته‌ای، نیاز به بازاندیشی و توسعه این اصطلاح‌نامه‌ها به وضوح نمایان شده است. یکی از رویکردهای نوآورانه در این زمینه، بهره‌گیری از واژه‌های دم‌بلند در اصطلاح‌نامه‌ها است.

اصطلاحات معهود یک علم، اگرچه باعث انسجام و استانداردسازی مکالمات علمی می‌شوند، اما در برخی موارد می‌توانند مانعی برای نوآوری و تبادل آزادانه اندیشه‌ها باشند. این مشکل به خصوص در تعاملات میان‌رشته‌ای، جایی که مفاهیم جدید و ترکیبی می‌توانند زمینه‌های نوینی را برای تحقیقات علمی و اکتشافات نوآورانه فراهم آورند، به وضوح دیده می‌شود. در این بستر، واژه‌های دم‌بلند، به عنصری کلیدی در توسعه و بهبود سازمان‌دهی اطلاعات تبدیل شده‌اند.

واژه‌های دم‌بلند نه تنها دقت در جستجو و بازیابی اطلاعات را افزایش می‌دهند، بلکه با ایجاد زمینه‌های جدید و باز کردن درهایی به سوی مسائل جدید تحقیقاتی، قادرند به نوآوری و گسترش دانش در حوزه‌های گوناگون علمی کمک شایانی کنند. این واژه‌ها با انعطاف‌پذیری بالا و تطابق‌پذیری با نیازهای پژوهشی مدرن، به پژوهشگران امکان می‌دهند تا با بهره‌گیری از ترکیب‌های جدید از واژه‌ها، ارتباطات میان مفاهیم گوناگون را ایجاد و تقویت کنند.

در تحقیق پیش‌رو، به بررسی این امر پرداخته می‌شود که چگونه این واژه‌ها می‌توانند ساختار سنتی اصطلاح‌نامه‌ها را بازتعریف و زمینه را برای توسعه اصطلاح‌نامه‌ها فراهم کرده و موجب گسترش مرزهای دانش شود، این تحقیق در پی آن است که نشان دهد چگونه این واژه‌های ناشناخته و کمتر استفاده شده می‌توانند

نقش کاتالیزوری (کنشیار) در تسریع فرایند تولید دانش و افزایش تعاملات میان‌رشته‌ای ایفا نمایند.

هرچند واژه‌های دم‌بلند ظرفیت بالایی در ایجاد تحول در اصطلاح‌نامه‌های سنتی دارند، اما استفاده از آنها نیازمند بررسی دقیق و مدیریت چالش‌های متعدد است. چالش‌هایی نظیر استانداردسازی این واژه‌ها، پذیرش آنها توسط جوامع علمی مختلف و نیاز به تغییرات ساختاری در مدل‌های موجود دانش هستند که باید مورد توجه قرار گیرند. با این حال، فرصت‌هایی که از راه تعاملات بیشتر و شفاف‌تر میان رشته‌های گوناگون ایجاد می‌شود، می‌تواند ارزشمندترین دستاورد این تغییرات باشد.

پیشینه

در خصوص عنوان تحقیق حاضر، مقاله‌ای به زبان فارسی تاکنون تدوین نشده است. اما به زبان انگلیسی در خصوص واژه‌های دم‌بلند مقالاتی نوشته شده است؛ مانند:

۱. مقاله: How to Target Long-Tail Keywords for SEO (چگونه کلمات کلیدی دم‌بلند را برای بهینه‌سازی موتور جستجو هدف گذاری کنیم؟) آدرس: وبسایت <https://forgeandsmith.com/blog/target-long-tail-keywords->

این مقاله به بررسی هدف گذاری کلمات کلیدی دم‌بلند (Long-Tail Keywords) در استراتژی SEO می‌پردازد و مشتمل بر تعریف کلمات کلیدی دم‌دراز، چرایی اهمیت کلمات کلیدی دم‌بلند، چگونگی شناسایی کلمات کلیدی دم‌دراز، استراتژی‌ها برای بهینه‌سازی با کلمات کلیدی دم‌بلند و مزایای استفاده از کلمات کلیدی دم‌بلند در است.

۲. Long-Tail Keywords: What They Are & How to Use Them in SEO (کلمات کلیدی دم‌دراز: آنها چه هستند و چگونه از آنها در SEO استفاده کنیم؟) (آدرس: <https://moz.com/learn/seo/long-tail-keywords>)

این مقاله نیز در زمینه کلمات کلیدی دم‌بلند (Long-Tail Keywords) و نحوه استفاده از آنها در استراتژی‌های SEO صحبت می‌کند و مشتمل بر چستی، ویژگی‌ها، چرایی اهمیت استفاده از آنها، چگونگی پیدا کردن آنها، استراتژی‌های استفاده از آنها و

مزایای استراتژی استفاده از واژه‌های دم‌بلند است.

با بررسی‌هایی به عمل آمده تاکنون مقاله‌ای به زبان فارسی در خصوص موضوع بالا تدوین نشده است با این حال، در زمینه‌های مرتبط مانند اصطلاح‌نامه‌ها، نمایه‌سازی، واژه‌های نمایه‌ای و هستی‌شناسی تحقیقات متعددی انجام گرفته است. در ادامه، به برخی از این مقالات مرتبط اشاره می‌شود:

۱. اصطلاح‌نامه‌ها: تسهیل‌گرهای ایجاد و توسعه هستی‌شناسی‌ها. این پژوهش نشان می‌دهد که اصطلاح‌نامه‌ها می‌توانند به‌طور موثری در تسهیل ایجاد و توسعه هستی‌شناسی‌ها ایفای نقش کنند (هماوندی و حسینی بهشتی، ۱۴۰۳).

۲. قابلیت تبدیل اصطلاح‌نامه به هستی‌شناسی (مرور سیستماتیک). در این مقاله مسائلی نظیر تبدیل اصطلاح‌نامه به هستی‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته است (دمرچی‌لو و حسینی بهشتی، ۱۴۰۰).

۳. سازماندهی محتوایی علوم اسلامی از طریق نمایه‌سازی موضوعی به روش ترکیبی. که نقش و تاثیر واژه‌های نمایه‌ای موضوعی در مدیریت دانش اسلامی را به دقت بررسی کرده است (واردی، ۱۳۹۴).

۴. اصطلاح‌شناسی «کلام فلسفی» و «فلسفه کلامی» که در تحلیل‌های واژگانی، تفاوت واژگان نمایه‌ای «کلام فلسفی» و «فلسفه کلامی» را بیان نموده است (سلیمانی بهبهانی، ۱۳۹۹).

۵. طرحی نو در نمایه‌سازی علوم اسلامی. که بایسته‌های استفاده از واژه‌های نمایه‌ای را در علوم اسلامی بررسی کرده است (متقی‌نژاد، ۱۳۹۹).

۶. رویکردشناسی شبکه مفهومی معارف و موضوعات مهدوی با گرایش به آنتولوژی. که به نوع شبکه‌های مفهومی را در موضوع مهدویت مورد مطالعه قرار داده که طبعاً موضوعات مختلفی از جمله تاریخ اسلام، اعتقادات اسلامی و شامل می‌شود (واردی، ۱۳۹۷).

۷. امکان‌سنجی طرح تدوین اصطلاح‌نامه مطالعات زنان و خانواده براساس استاندارد ISO ۲۵۹۶۴-۱. که امکان تدوین اصطلاح‌نامه در حوزه مطالعات زنان و خانواده

بر اساس استانداردهای بین‌المللی مورد بررسی قرار گرفته است (دهسرای و میرحسینی، ۱۳۹۵).
۸. بررسی ضرورت‌های مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه علوم انسانی (ابراهیمی، ۱۳۹۳).
این مقاله به بررسی عمیق و جامع نقش و اهمیت واژه‌های نمایه‌ای دم‌بلند در اصطلاح‌نامه‌ها و تأثیر آن در همگرایی میان‌رشته‌ای پرداخته و نشان می‌دهد چگونه این واژه‌ها امکان همگرایی میان رشته‌های گوناگون را فراهم می‌کنند و با عرضه مورد‌های عملی و عرضه چارچوب‌های مفهومی یا نظری جدید که تأثیر واژه‌های نمایه‌ای در تطبیق و ترکیب دانش میان‌رشته‌ای را بهتر توضیح دهند، می‌تواند یکی از برتری‌های بارز این مقاله باشد. امیدواریم که یافته‌های این پژوهش بتواند به محققان و متخصصان کمک کند تا بهره‌وری خود را در دسترسی و استفاده از داده‌های میان‌رشته‌ای افزایش دهند و به تحقیقات جدید و نوآورانه بیشتری بپردازند.

تعاریف

در فرآیند تحقیق و بازیابی اطلاعات، واژه‌های نمایه‌ای و اصطلاح‌نامه‌ها ابزارهایی کلیدی تلقی می‌شوند. این بخش به بررسی و تعریف مفاهیم بنیادین مربوط به این ابزارها می‌پردازد تا زمینه‌ساز درک عمیق‌تری از نقش آنها در مدیریت دانش و تعاملات میان‌رشته‌ای شود.

مفاهیم کلیدی

۱. نمایه

نمایه معادل (index) به معنای نمایاندن و نمایش دادن است (هراتی، ۱۳۹۸، ص ۱۰).
برخی واژه «شاخص» را معادل (index) به کار می‌برند (واردی، ۱۴۰۲، ص ۳۶). از «نمایه» تعریف‌های مختلفی نقل شده که هیچ یک از آنها از نقد متخصصان علم اطلاعات مصون نمانده است (واردی، ۱۴۰۲، ص ۳۶). نمایه‌ها به معنای عینی (نه ذهنی و تفاوت دیدگاه‌ها درباره آن) راه ورود و دسترسی سریع و آسان به اطلاعات و از ساده‌ترین، کارآمدترین و ضروری‌ترین ابزارهای اطلاعاتی است (واردی، ۱۴۰۲، ص ۳۶).

اصطلاح‌نامه‌ها نیز متشکل از همین واژه‌های نمایه‌ای است. این واژه‌ها در حقیقت همان عینیت اطلاعات را در دسترس کاربران قرار می‌دهند، بدون اینکه ذهنیات و تفاوت‌های دیدگاه‌ها در آن دخالت داشته باشد. ارزش هر واژه‌ای فقط به جستجوی رضایت‌بخش اطلاعات و مدارک بستگی دارد (راولی، ۱۳۷۴، ص ۸۳). واژه‌های نمایه‌ای باید ابزارهایی باشند که اطلاعات مورد نیاز کاربران را با سرعت و سهولت به آنها عرضه کنند. برای دستیابی به این هدف، واژه‌های نمایه‌ای باید به دقت و متناسب با نیازهای کاربران انتخاب شوند و به این ترتیب نمایه به نوعی نقشه راه برای دسترسی به اطلاعات تبدیل می‌شود. به همین جهت مسئله انتخاب کلیدواژه مناسب (واژه نمایه‌ای) بسیار مهم است که در فرایند نمایه‌سازی حاصل می‌شود؛ نمایه‌سازی عبارت است از تحلیل محتوای موضوعی یک مدرک و یا مجموعه‌ای از مدارک و تخصیص نمادهای کلامی (اصطلاحات، کلیدواژه یا توصیفگر) به آنها؛ به عبارت دیگر، ساخت نمایه را نمایه‌سازی گویند (واردی، ۱۴۰۲، ص ۳۶). نمایه جایگزین اطلاعات موجود در یک کتاب نیست، بلکه نمایانگر اطلاعات موجود در کتاب است (واردی، ۱۴۰۲، ص ۳۶).

۲. اصطلاح‌نامه (Thesaurus)

اصطلاح‌نامه‌ها به‌عنوان ابزارهای کلیدی در سازماندهی و مدیریت اطلاعات، تعاریف متعددی را به خود اختصاص داده‌اند. یک عنصر مشترک در تمامی این تعاریف وجود دارد که سورگل به‌طور دقیق بیان کرده است: «اصطلاح‌نامه نظامی ساختاریافته و متشکل از مفاهیم و روابط میان آنهاست» (محمدی، ۱۳۸۹، ص ۵۶۵). بر این اساس، ماهیت اصطلاح‌نامه‌ها را می‌توان به دو جنبه اساسی تقسیم کرد:

مؤلفه‌های اصطلاحی و ساختاریافته. این بخش شامل مجموعه‌ای منسجم از اصطلاحات نمایه‌ای، عبارات تخصصی، و داده‌های ساختاریافته می‌شود که به‌شکلی منظم و نظام‌مند آرایش یافته‌اند. گاهی به‌جای اصطلاحات نمایه‌ای از اصطلاح «توصیفگر» استفاده می‌شود.

روابط مفهومی اصطلاح‌نامه‌ای. این جنبه مشتمل بر دو نوع اصلی روابط است: روابط سلسله‌مراتبی و روابط غیرسلسله‌مراتبی. روابط غیرسلسله‌مراتبی نیز به نوبه خود به روابط هم‌ارزی و روابط هم‌ایندی (یا وابسته) تقسیم‌بندی می‌شوند.

این تعریف، نقش محوری اصطلاح‌نامه‌ها را در مدیریت دانش و بازیابی دقیق اطلاعات آشکار می‌کند. این ابزارها به محققان و متخصصان کمک می‌کنند تا روابط پیوسته و پیچیده میان مفاهیم را به دقت تحلیل کرده و در فرآیند دسته‌بندی و جستجوی اطلاعات از آنها بهره‌برداری کنند. بدین ترتیب، اصطلاح‌نامه‌ها با ایجاد یک نظام یکپارچه برای بازنمایی مفاهیم و روابط آنها، تسهیل‌کننده دسترسی مؤثر به دانش و اطلاعات به‌شمار می‌آیند (حسن زاده، ۱۳۹۷، ص ۳۴).

۳. هستی‌شناسی (Ontology)

هستی‌شناسی به معنای مورد نظر در علم اطلاعات و دانش‌شناسی، در حقیقت نوع پیشرفته اصطلاح‌نامه‌هاست یعنی به مدلی مفهومی و ساختاری از حوزه‌ای خاص اشاره دارد که روابط بین مفاهیم، اصطلاحات و واژه‌های نمایه‌ای به صورت دقیق، صریح و شفاف و غیر مبهم بیان شده باشد. هستی‌شناسی رسمی به‌عنوان پایه اصلی برای ساختاردهی دقیق و منطقی اطلاعات و در حقیقت به‌عنوان بنیانی برای ساختاردهی عینی و مطابق با واقع اطلاعات در یک حوزه است و هر نوع ارتباط عینی از جمله ارتباطات میان سطوح مختلف (مفاهیم عمومی، مترادف‌ها و جزئیات خاص) یک حوزه شامل می‌شود و تفاوت آن با اصطلاح‌نامه‌ها در همین روابط عینی، دقیق، شفاف و صریح است (حسن زاده، ۱۳۹۹، ص ۳۸).

۴. واژه‌های دم‌بلند

اصطلاحات و واژه‌های دم‌بلند به آن دسته از واژه‌ها و اصطلاحات خاص و تخصصی گفته می‌شود که به‌جای توصیف موضوعات عمومی و پرمصرف، به مفاهیم و

موضوعات خاص، محدود و کمتر رایج در یک حوزه علمی یا تخصصی اشاره دارند. این واژه‌ها به‌طور معمول به جنبه‌ها، فرعی‌ها یا زیرشاخه‌های خاص دانش اشاره می‌کنند که در مقایسه با واژه‌های عمومی، نیازی به جستجوی دقیق‌تری دارند، به‌طوری که در مقیاس بزرگتر و با تنوع بیشتر از اصطلاحات پرتطرفدار قرار دارند. کلمات کلیدی دم‌بلند عبارت‌های طولانی‌تر و خاص‌تر از کلمات کلیدی اصلی هستند که؛ به‌طور معمول کمتر جستجو می‌شوند، اما قصد جستجوی کاربران در آنها بالاتر است؛ به‌عنوان مثال در مقابل جستجوی «طرق شیخ صدوق» در علم رجال، «طرق شیخ صدوق به احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی»، یک کلمه کلیدی دم‌بلند است و یا در مقابل جستجوی «اضطرار» در علم اصول فقه، جستجوی «اضطرار به بعض اطراف علم اجمالی» (جمعی از محققین، ۱۳۷۸، ص ۸۴) یک کلمه کلیدی دم‌بلند به‌شمار می‌رود.

۱. ویژگی‌های کلیدی واژه‌های دم‌بلند

خاص بودن: واژه‌های نمایه‌ای دم‌بلند، به‌طور معمول به موضوعات یا مفاهیم خاص و تعیین شده‌ای اشاره دارند که در عین حال ممکن است تنها به تعداد کمی از اطلاعات یا پژوهش‌ها پرداخته شوند. این خاص بودن به آنها کمک می‌کند تا به دقت بیشتری به نیازهای خاص کاربران پاسخ دهند. حجم محدود اطلاعات این واژه‌ها ممکن است شامل موضوعاتی باشند که به شدت خاص هستند و به ارزش‌های کمی از اطلاعات متکی‌اند. به عبارتی، ممکن است تنها یک یا دو مقاله یا منبع تحقیقاتی وجود داشته باشد که به این اصطلاح اشاره کنند.

کاربرد تخصصی: این نوع واژه‌ها به‌طور معمول برای گروه‌های خاص از پژوهشگران، متخصصان یا دانشجویان در یک حوزه علمی به کار می‌روند و به‌طور عموم در جستجوهای عمومی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند.

کمتر شناسایی شده: به‌دلیل خاصیت عمومیت نداشتن، بسیاری از پژوهشگران و کاربران عمومی ممکن است به این واژه‌ها دقت نکنند و به سراغ واژه‌های عمومی و

رایج‌تر بروند، که این امر می‌تواند به از دست رفتن اطلاعات و دستاوردهای علمی ارزشمند منجر شود.

اهمیت در جستجوی اطلاعات: واژه‌های دم‌بلند در فرایند جستجوی اطلاعات و نمایه‌سازی به‌طور قابل توجهی اهمیت دارند؛ زیرا آنها امکان شناسایی مشکلات، نیازها و موضوعات خاص را برای پژوهشگران فراهم می‌کنند. این امکان باعث می‌شود تا به‌جای جست‌وجو در حجم زیاد اطلاعات عمومی، کاربران به نتایج دقیق‌تر و مرتبط‌تری دست یابند.

۲. ضرورت واژه‌های (اصطلاحات) دم‌بلند

به‌طور اساسی آنچه در تعریف نمایه‌سازی گفته شده است یعنی «انتساب نمادهای کلامی (کلیدواژه یا توصیفگر) یا غیر کلامی (شماره رده‌بندی)» (واردی، ۱۴۰۲، ص ۳۷) بیانگر عمومیت اصطلاحات معهود در یک رشته علمی است؛ زیرا حد اقل این است که فرایند نمایه‌سازی افزون‌بر استفاده از اصطلاحات معهود در یک رشته علمی، از اعلام، تنالگان هم استفاده می‌شود و این امری روشن و واضح است. مقصود ما از واژه‌ها یا اصطلاحات دم‌بلند، آن دسته از کلیدواژه‌هایی است که علی‌الظاهر در نزد صاحب نظران یک رشته علمی جزء اصطلاحات معهود یک علم نیست ولی وجود این دسته از کلیدواژه‌ها در اصطلاح‌نامه‌ها ترسیم‌کننده مرزهای آن دانش یا رشته علمی است و عنوان اصطلاح در «اصطلاح‌نامه» - باتوجه به تعریف اصطلاح‌نامه^۱ - شامل این دسته از واژه‌های دم‌بلند می‌شود. به‌طور مثال در علم فقه، واژه «صلاة»، «جهاد» و... یک اصطلاح معهود فقهی است و همه عالمان فقهی آن‌را به‌عنوان یک اصطلاح فقهی قبول دارند اما کلیدواژه «نماز پدر بر پسر بزرگتر» یا «نماز در مسجد الحرام» یک اصطلاح فقهی نیست بلکه یک واژه نمایه‌ای برای بازتاب این محتوای فقهی به مخاطب است. وجود این سنخ

۱. اصطلاح‌نامه مجموعه‌ای از واژگان نمایه‌ای در یک حوزه علمی است که میان آنها روابط منطقی ترادف (ترجیحی)، سلسله مراتبی و وابسته برقرار شده باشد.

از واژه‌های نمایه‌ای فی نفسه مزایای فراوانی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱-۲. افزایش دقت در بازیابی اطلاعات

این سنخ از واژه‌های نمایه‌ای که به‌طور دقیق به یک محتوای علمی خاص اشاره دارند، امکان بازیابی اطلاعات به‌شکل دقیق‌تر را فراهم می‌کنند. این امر باعث می‌شود کاربران زمان کمتری را صرف جستجوی اطلاعات کنند و به‌طور مستقیم به هدف خود دست یابند.

۲-۲. کارآمدی بیشتر در اطلاعات پژوهشی

در حوزه‌های تخصصی، نیاز است که پژوهشگران به اطلاعات دقیق و خاص دسترسی داشته باشند. و این نوع از واژه‌های نمایه‌ای خاص که بیانگر یک مسئله علمی هستند، به پژوهشگران کمک می‌کند تا به منابع مرتبط و دقیق‌تری دست یابند و کارایی تحقیقاتی خود را بهبود بخشند.

۳-۲. بهبود ارتباطات میان‌رشته‌ای

واژه‌هایی که دقیق‌تر و مشخص‌تر تنظیم شده‌اند، می‌توانند به تسهیل ارتباطات میان‌رشته‌ای کمک کنند. این دقت باعث می‌شود که متخصصانی از رشته‌های مختلف بتوانند به راحتی با مفاهیم و مسائل حوزه‌های دیگر ارتباط برقرار کنند. وقتی که واژه‌های نمایه‌ای به‌درستی و به‌دقت مواضع موضوعی را پوشش دهند، پژوهشگران از رشته‌های مختلف می‌توانند به راحتی اطلاعات مورد نیاز خود را جستجو و بازیابی کنند. این راحتی در دسترسی می‌تواند به کاهش زمان و هزینه برای یافتن اطلاعات مرتبط کمک کند. افزون‌براین واژه‌های نمایه‌ای دقیق و استاندارد شده می‌توانند به‌عنوان پلی عمل کنند که دانش را میان حوزه‌های گوناگون منتقل می‌کند. این امر باعث می‌شود که پژوهشگران و متخصصان از تحقیقات و یافته‌های یکدیگر بهره‌مند شوند و افق‌های دید خود را گسترش دهند.

۴-۲. پذیرش و اعتماد توسط متخصصان

وقتی واژه‌های نمایه‌ای به دقت و درستی بیان‌گر مفاهیم خاص علمی باشند،

متخصصان حوزه بیشتر به نتایج جستجو و اطلاعات عرضه شده اعتماد می‌کنند. این اعتماد به دلیل دقت در به‌کارگیری اصطلاحات درست و شناخت لازم از مفاهیم است.

۲-۵. جلوگیری از ابهام و سوء تفاهم

واژه‌های کلی و عمومی می‌توانند باعث سردرگمی و ابهام در میان کاربران شوند. با استفاده از واژه‌های نمایه‌ای دقیق و منحصر به فرد، می‌توان از سوء تفاهم‌ها و ابهامات جلوگیری کرد و جریان اطلاعات را بهبود بخشید.

۲-۶. افزایش بهره‌وری سیستم‌های اطلاعاتی

سیستم‌هایی که از واژه‌های نمایه‌ای دقیق و تخصصی استفاده می‌کنند، به‌طور معمول بهره‌وری بالاتری را در بازیابی اطلاعات نشان می‌دهند. این امر به دلیل کاهش نیاز به پالایش نتایج و ارتقاء دقت در فرآیند جستجو است.

۲-۷. تطبیق با استانداردهای علمی و تخصصی

با انتخاب واژه‌های نمایه‌ای که با استانداردها و چارچوب‌های علمی همخوانی دارند، سیستم‌های نمایه‌سازی می‌توانند بهتر با نیازها و انتظارات مجتمع‌های علمی و تخصصی همگام شوند.

۳. مزایای واژه‌های دم‌بلند در جستجوهای وب

۱- رقابت کمتر: این کلمات به‌طور معمول رقابت کمتری دارند؛ زیرا عبارت‌های بسیار خاص‌تری هستند و جستجوی آنها در مقایسه با کلمات کوتاه کمتر است.

۲- تبدیل بالاتر: افرادی که در پی کلمات کلیدی دم‌بلند می‌گردند، به‌طور معمول در مرحله‌ای از فرآیند خرید یا تحقیقاتی هستند که قصد انجام عملی (مانند خرید یا اقدام به خدمات) دارند.

۳- هدفمندی بیشتر: جستجوی کلمات کلیدی دم‌بلند دقیق‌تر و مرتبط‌تر با نیاز یا قصد خاص افراد است.

۴- کمترین رقابت: در مقایسه با کلمات کلیدی اصلی که رقابت بالایی دارند، کلمات کلیدی دم‌بلند، به‌طور معمول رقابت کمتری دارند؛ بنابراین شانس بالاتری برای رتبه گرفتن در نتایج جستجو برای این نوع کلمات وجود دارد.

۵- ترافیک هدفمند: چون این کلمات خاص‌تر و دقیق‌تر هستند، به‌طور معمول ترافیک ناشی از آنها هدفمندتر است و کاربرانی که این جستجوها را انجام می‌دهند، احتمالاً نیاز یا قصد خاصی دارند که ممکن است با تبدیل به مشتری یا استفاده از خدمات شما همراه شود.

۶- سئو بهتر: از آنجا که رقابت برای کلمات دم‌بلند کمتر است، انجام SEO (بهینه‌سازی برای موتورهای جستجو) برای این کلمات به‌طور معمول آسان‌تر و سریع‌تر است.

۴. نقش واژه‌های دم‌بلند در اصطلاح‌نامه

واژه‌های «دم‌بلند» (Long Tail) به واژه‌هایی اشاره دارند که به‌جای اصطلاحات پرمصرف و عمومی، به جستجوهای خاص و زیرشاخه‌های یک موضوع علمی اختصاص دارند. این رویکرد در اصطلاح‌نامه‌ها به ویژه در زمینه مدیریت اطلاعات و داده‌ها اهمیت زیادی دارد. در اینجا به بررسی نقش واژه‌های نمایه‌ای دم‌بلند در اصطلاح‌نامه‌ها خواهیم پرداخت:

۴-۱. تنوع و پوشش‌دهی موضوعات خاص

واژه‌های نمایه‌ای دم‌بلند به ایجاد تنوع در اصطلاح‌نامه‌ها کمک می‌کنند. این واژه‌ها به‌طور معمول به مفاهیم، موضوعات و زیرشاخه‌های خاص علمی اشاره دارند که ممکن است در سطح عمومی کمتر مورد توجه قرار گیرند، ولی برای پژوهشگران و متخصصان در آن حوزه‌های خاص اهمیت دارند. این تنوع به افزایش دقت و کیفیت اطلاعات در دسترس کمک می‌کند.

۴-۲. بهبود دسترسی به اطلاعات تخصصی

وجود واژه‌های دم‌بلند در اصطلاح‌نامه‌ها می‌تواند به پژوهشگران اجازه دهد تا به

اطلاعات دقیق‌تری دست‌یابند. این اطلاعات می‌توانند شامل مباحث و مسائل فرعی علمی باشند که برای جستجوگران عمومی کمتر شناخته شده‌اند، اما در تحقیقات تخصصی نقش حیاتی دارند. بدین ترتیب، پژوهشگران می‌توانند یافته‌های خاصی را که ممکن است در میان اصطلاحات عمومی پنهان شده باشند، شناسایی کنند.

۳-۴. افزایش قابلیت جستجو و بازیابی اطلاعات

واژه‌های نمایه‌دم‌بلند به جستجوها در پایگاه‌های داده و منابع آنلاین قوت می‌بخشند. این واژه‌ها می‌توانند به کاربران کمک کنند تا به‌جای جستجوی اصطلاحات عمومی و گسترده، به جستجوهای خاص و دقیق‌تری پردازند. در نتیجه امکان بازیابی اطلاعات با دقت بیشتری فراهم می‌شود و اطلاعات مربوط به پژوهش‌های تخصصی در دسترس‌تر قرار می‌گیرند.

۴-۴. کمک به شناسایی الگوهای نوظهور

باتوجه به وجود واژه‌های دم‌دراز، اصطلاح‌نامه‌ها توانایی شناسایی و نمایش الگوهای نوظهور و مسائل جدید علمی را پیدا می‌کنند. چنین واژه‌هایی می‌توانند نمایانگر تغییرات و تحولات در زمینه‌های خاص فرعی باشند که می‌توانند به پژوهشگران در شناسایی روندهای جدید کمک کنند.

۵-۴. تسهیل انتشار و ارزیابی منابع علمی

وجود واژه‌های نمایه‌ای خاص در اصطلاح‌نامه‌ها به استفاده از انواع منابع علمی و ارزیابی کیفیت آنها کمک می‌کند. این امر می‌تواند به پژوهشگران این امکان را بدهد که به راحتی منابع مورد نیاز خود را شناسایی کنند و کیفیت آنها را براساس دقت موضوعی محتوای آنها ارزیابی کنند.

۶-۴. تقویت همکاری‌های میان‌رشته‌ای

نمایه‌های دم‌بلند می‌توانند به پژوهشگران از رشته‌های گوناگون کمک کنند تا

به شکل مشترک پروژه‌های تحقیقاتی را انجام دهند. این واژه‌ها می‌توانند به پژوهشگران در یک رشته مشخص کمک کنند تا از تحقیقات و یافته‌های رشته‌های دیگر بهره‌برداری کنند؛ به شرطی که واژه‌های نمایه‌ای دقیق و شناختی از مفاهیم موجود در دو رشته مشابه ایجاد شود.

۴-۷. تسهیل فهم و درک مطالب علمی

با اضافه کردن واژه‌های دم‌دراز، اصطلاح‌نامه‌ها می‌توانند مباحث و مفاهیم دقیق‌تری را در مورد فرعی‌های علمی بیان کنند که این باعث می‌شود کاربران و پژوهشگران بتوانند به درک بهتری از موضوعات دست یابند. این امکان به بهبود یادگیری و فهم عمیق‌تر از مباحث تخصصی کمک می‌کند.

۵. نمونه‌های اصطلاحات دم‌بلند

یک: اصطلاح‌نامه یونسکو

۱. همکاری بین‌المللی در آموزش عالی International cooperation in higher education (UNESCO Thesaurus، ۱۹۷۷، ص ۲۳۸).
۲. علم و فناوری بین‌رشته‌ای H^*G "interdisciplinary science and technology H^*G " (UNESCO Thesaurus، ۱۹۷۷، ص ۳۳۶).

دو: اصطلاح‌نامه نما

۱. نظام‌های حمایت‌کننده حیات (بهشتی، ۱۳۷۵، ص ۸۲۲).
۲. نظام اطلاعاتی بین‌المللی برای علوم و فناوری (بهشتی، ۱۳۷۵، ص ۸۱۸).
۳. عوامل مؤثر بر دستگاه عصبی (بهشتی، ۱۳۷۵، ص ۵۸۹).
۴. عوامل مهارکننده دستگاه ایمنی (بهشتی، ۱۳۷۵، ص ۵۸۹).

سه: اصطلاح‌نامه فرهنگی سه‌زبانه

۱. استراتژی‌های توسعه صنایع مادر (خسروی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۹).

۲. اصلاحات پولی بین‌المللی (خسروی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۹).
۳. بهره‌دهی‌های خارجی (خسروی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۹).
۴. برآورد هزینه سرمایه‌گذاری (خسروی، ۱۳۸۵، ص ۲۴۱).

چهار: اصطلاح‌نامه منطق

۱. وجودیه‌لاضروریه با ضروریه مطلقه شکل چهارم (جمعی از محققان، ۱۳۸۱، ص ۲۷۴).
۲. مغالطه اختلاف حد اوسط در مقدمتین (جمعی از محققان، ۱۳۸۱، ص ۲۴۷).
۳. مغالطه اخذ ما بالعرض مکان ما بالذات (جمعی از محققان، ۱۳۸۱، ص ۲۴۷).
۴. شرایط انتاج قیاس مرکب از متصله و منفصله (جمعی از محققان، ۱۳۸۱، ص ۱۲۳).

پنج: اصطلاح‌نامه کلام اسلامی

۱. تسلیم خمس غنایم آفریقا به مروان (جمعی از محققان، ۱۳۸۲، ص ۲۰۱).
۲. حجیت اجماع اهل حل و عقد (جمعی از محققان، ۱۳۸۲، ص ۲۴۶).
۳. رؤیت بصری خدا در آخرت (جمعی از محققان، ۱۳۸۲، ص ۳۱۶).
۴. عصمت انبیا از صغایر عمدی قبل از نبوت (جمعی از محققان، ۱۳۸۲، ص ۳۹۴).
۵. عصمت انبیا از کبایر عمدی بعد از نبوت (جمعی از محققان، ۱۳۸۲، ص ۳۹۴).

شش: اصطلاح‌نامه فقه

علم فقه نیز به دلیل تنوع فروع و فقهی ظرفیت بسیار بالایی برای شناسایی واژه‌های

دم‌بلند است؛ مانند:

۱. نماز همسایه مسجد در غیر مسجد (جمعی از محققان ۱۳۹۷، ج ۴، ص ۲۹۴۰).
۲. نقصان سهوی تکبیرات نماز میت (جمعی از محققان ۱۳۹۷، ج ۴، ص ۲۸۳۰).
۳. نقصان قیمت مبیع قبل از قبض (جمعی از محققان ۱۳۹۷، ج ۴، ص ۲۸۳۰).
۴. مصرف خمس در تجهیز میت مستحق (جمعی از محققان ۱۳۹۷، ج ۴، ص ۲۶۵۸).

هفت: علوم حدیث

بخش قابل توجهی از اصطلاح‌نامه علوم حدیث مشتمل بر واژه‌های دم‌بلند هستند؛ مانند «طریق اول شیخ صدوق به ابراهیم بن ابی محمود خراسانی»، «طریق اول نجاشی به سلیمان بن خالد بن دهقان»، «طریق پنجم شیخ طوسی به حسین بن سعید و حسن بن محبوب».

۶. الزامات واژه‌های دم‌بلند

۱-۶. تناسب و پیوستگی موضوعی

واژه‌های نمایه‌ای باید به‌طور دقیقی با محتوای موضوعی مدرک یا منبع اطلاعاتی مرتبط باشند. این ارتباط باید به‌شکلی باشد که واژه به خوبی بتواند محتوای کلیدی مدرک را بیان کند.

۲-۶. دقت و خاص بودن

دقت و خاص بودن واژه‌های نمایه‌ای متوقف بر چند امر است:

اول: تکفل معنایی و اهمیت علمی

واژه نمایه‌ای باید به‌شکلی انتخاب شود که به دقت معنای خاص و اهمیت علمی یک مفهوم یا فرع علمی را منتقل کند. حتی اگر حجم اطلاعات تحت یک واژه نمایه‌ای خاص کم باشد، این واژه می‌تواند برای متخصصان آن حوزه بسیار مهم و کاربردی باشد؛ به‌عنوان مثال، یک واژه یا عبارت خاص ممکن است نمایانگر یک یافته یا نظریه حیاتی در یک زمینه علمی باشد که تأثیرات زیادی بر پژوهش‌های آینده می‌گذارد.

دوم: نمایش دقت و تخصص

استفاده از واژه‌های دقیق و خاص کمک می‌کند تا اطلاعات به روش‌های سازمان‌یافته و مفهومی منعکس شوند که بتوانند به‌درستی تخصص و دقت زمینه علمی

مورد نظر را نمایش دهند. این دقت نه تنها در بازیابی اطلاعات مؤثر است، بلکه به بیان درست تر موضوعات و گستره‌های علمی کمک می‌کند.

سوم: اجتناب از عمومیت و ابهام

استفاده از واژه‌های عام و عمومی ممکن است باعث شود که اطلاعات حیاتی در میان حجم زیادی از داده‌ها پنهان شوند و نتوانند به‌درستی نمایانگر اهمیت یا خاص بودن خود باشند. در حالی که یک واژه نمایه‌ای دقیق می‌تواند به‌طور موثری جریان اطلاعات و ارزیابی محتوایی را بهبود بخشد.

چهارم: تضمین بازتاب درست گستره موضوعی

از راه انتخاب واژه‌های نمایه‌ای دقیق، می‌توان درک بهتری از گستره و عمق موضوعی یک علم به دست آورد. این کار افزون بر تسهیل یافته‌های پژوهشی دقیق‌تر، به ترکیب و تعامل میان‌رشته‌ای نیز کمک می‌کند؛ زیرا متخصصان می‌توانند با اطمینان بیشتری به مطالب خاص دسترسی پیدا کنند.

۳-۶. پذیرش نزد متخصصان یک حوزه علمی

واژه‌هایی که به کار برده می‌شوند باید در جامعه کاربران و در حوزه‌های علوم مربوطه شناخته شده و یا مورد پذیرش باشند تا فرایند جستجو و بازیابی اطلاعات مؤثرتر باشد.

۴-۶. قابلیت تمایز و یکتا بودن

واژه‌های نمایه‌ای باید قابلیت تمایز میان موضوعات گوناگون را داشته باشند و از یکنواختی و سردرگمی در میان دسته‌های موضوعی جلوگیری کنند. این واژه‌های باید به‌نوعی انتخاب شوند که به وضوح بر تمایز موضوعات دلالت کنند.

۵-۶. اجتناب از ابهام

واژه‌هایی که دارای ابهام معنایی بالایی هستند یا در زمینه‌های گوناگون معانی

متفاوتی دارند، به‌طور معمول به‌عنوان واژه‌های نمایه‌ای کاربرد کمتری دارند، مگر آن‌که با توضیحات اضافی همراه شوند.

۶-۶. توجه به پیشرفت‌های جدید

در حوزه‌های پیشرفته و نوظهور مانند تکنولوژی و علم، واژه‌های نمایه‌ای باید به سرعت با تحولات و مفاهیم جدید به‌روز شوند تا کارایی خود را حفظ کنند.

۶-۷. پویایی و انعطاف‌پذیری

در محیط‌های علمی که به سرعت در حال تغییر هستند، مانند علوم انسانی و... نیاز است واژه‌های نمایه‌ای به سرعت قابل به‌روزرسانی باشند. این انعطاف‌پذیری می‌تواند به تطبیق سریع با تغییرات و ظهور مفاهیم جدید کمک کند.

۶-۸. قابلیت استفاده در چندین زبان

باتوجه به گسترش جهانی تبادل اطلاعات، واژه‌های نمایه‌ای باید قابلیت تطبیق و ترجمه به زبان‌های دیگر را داشته باشند. به این ترتیب کاربران بین‌المللی می‌توانند به آسانی به اطلاعات دسترسی پیدا کنند.

۶-۹. سازگاری با سیستم‌های کنترلی

واژه‌های نمایه‌ای باید با سیستم‌های کنترل اصطلاحاتی مانند اصطلاح‌نامه‌ها سازگار باشند تا از استانداردسازی و یکنواختی در نمایه‌سازی مباحث اطمینان حاصل شود. این سازگاری به هماهنگی بهتر در میان مجموعه‌های داده گوناگون کمک می‌کند.

۶-۱۰. سهم عمده در بازیابی سریع

واژه‌های نمایه‌ای باید طوری انتخاب شوند که در مرحله بازیابی اطلاعات، کمک کنند تا کاربران به سرعت به نتایج دقیق دست یابند. این امر به طراحی الگوریتم‌های کارآمد جستجو و نیز در نظر گرفتن اولویت‌های کاربران بستگی دارد.

۱۱-۶. واکاوی و تحلیل مداوم

برای بهبود مستمر در سیستم‌های نمایه‌سازی، نیاز به تحلیل مداوم تعاملات کاربران با این سیستم‌ها وجود دارد. داده‌های حاصل از این تحلیل‌ها می‌توانند به تشخیص و انتخاب بهتر واژه‌های نمایه‌ای کمک کنند.

۱۲-۶. توجه به پوشش جامع

نمایه‌سازی باید تمام جنبه‌های مهم یک موضوع را پوشش دهد. این بدان معناست که واژه‌های نمایه‌ای انتخاب شده نباید تنها بر بخش خاصی از موضوع تمرکز کنند، بلکه باید به برخی از زیرشاخه‌ها و جنبه‌های مرتبط نیز توجه داشته باشند.

۱۳-۶. استفاده از تکنولوژی‌های نوین

تکنولوژی‌های جدید مانند یادگیری ماشین و هوش مصنوعی می‌توانند در فرآیند شناسایی و انتخاب واژه‌های نمایه‌ای بسیار مؤثر باشند. این تکنولوژی‌ها قادرند الگوها و روابط مخفی را از داده‌های بزرگ استخراج کرده، و دقت و تنوع واژه‌های نمایه‌ای را افزایش دهند.

۱۴-۶. ارزیابی بازخورد کاربران

بازخورد مستقیم از کاربران می‌تواند اطلاعات ارزنده‌ای در مورد عملکرد و کارایی واژه‌های نمایه‌ای نشان دهد. تحلیل نظرات، جستجوهای ناموفق، و درخواست‌های پشتیبانی می‌تواند به بهینه‌سازی سیستم نمایه‌سازی کمک کند.

۱۵-۶. توجه به صداداری (Phonetics) و نوشتار واژه‌ها

در برخی سیستم‌ها که با دادگان صوتی یا دست‌نوشته‌ها درگیر هستند، توجه به صداداری و تطبیق نوشتاری می‌تواند برای اطمینان از بازیابی درست اطلاعات ضروری باشد.

۶-۱۶. در نظر گرفتن بافت و محیط

بافت یا شرایطی که در آن اطلاعات مورد استفاده قرار می‌گیرد می‌تواند بر انتخاب واژه‌های نمایه‌ای تأثیرگذار باشد. تفاوت‌های فرهنگی، سطح آگاهی کاربر، و محیط جغرافیایی همه می‌توانند نقش مهمی در این زمینه ایفا کنند.

۷. چالش‌های واژه‌های نمایه‌ای دم‌دراز

واژه‌های دم‌بلند، با وجود مزایای متعدد برای جستجو و بازیابی اطلاعات دقیق، با چالش‌ها و محدودیت‌هایی نیز مواجه هستند که بر کارایی و کاربرد آنها تأثیر می‌گذارد. در ادامه، برخی از چالش‌های مهم در استفاده و مدیریت این نوع واژه‌ها را بررسی می‌کنیم:

۷-۱. پیچیدگی در توسعه و نگهداری

واژه‌های دم‌بلند به دلیل سطح بالای تخصصی‌سازی، نیازمند فرایند پیچیده‌ای برای به‌روزرسانی و نگهداری هستند. این امر به دلیل تغییرات مستمر در حوزه‌های علمی و نیاز به افزودن یا اصلاح مداوم در اصطلاحات جدید و به‌روزشده بروز می‌کند.

۷-۲. محدودیت در استفاده عمومی

زیرا واژه‌های دم‌بلند به موضوعات بسیار خاص اشاره دارند، ممکن است برای کاربران عمومی یا غیرمتخصص کمترین کاربرد را داشته باشند، که این امر می‌تواند موجب کاهش بهره‌برداری از منابع اطلاعاتی شامل این واژه‌ها شود.

۷-۳. استفاده کم از داده و اطلاعات پنهان

چون این واژه‌ها کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرند، می‌توانند منجر به ایجاد فضای اطلاعاتی پنهان شوند که ممکن است ارزش زیادی نداشته باشد، اما حاوی داده‌های مهم و دارای پتانسیل بالا برای تحقیقات تخصصی باشند.

۴-۷. چالش در هماهنگی بین رشته‌ای

تصور واژه‌هایی که به شدت تخصصی و محدود به یک حوزه خاص هستند می‌تواند هماهنگی بین رشته‌ای را دشوار کند. این امر می‌تواند مانعی برای استفاده متقابل متخصصان از داده‌های دیگر رشته‌ها باشد و تعامل علمی را محدود کند.

۵-۷. هزینه ایجاد و مدیریت بالا

ایجاد و مدیریت یک سیستم نمایه‌سازی که شامل واژه‌های دم‌بلند می‌شود، می‌تواند هزینه‌بر باشد. این شامل هزینه‌های انسانی برای افراد متخصص در زمینه‌های مربوطه برای ایجاد و نگهداری از اصطلاح‌نامه‌ها و واژه‌های نمایه‌ای می‌شود.

۶-۷. امکان تکراری بودن و هم‌معنی‌هایی

در صورت نبود هماهنگی کافی در تدوین و مدیریت واژه‌های دم‌دراز، ممکن است این واژه‌ها شامل تکرار یا هم‌معنی‌هایی با اصطلاحات موجود باشند که این می‌تواند به گیجی و کم‌اثر بودن نظام‌های جستجوی اطلاعات بیانجامد.

۷-۷. نیاز به آموزش و آگاهی پژوهشگران

پژوهشگران و کاربران اطلاعات باید با روش‌های استفاده از این واژه‌ها آشنا باشند. بدون آموزش کافی درباره چگونگی بهره‌برداری از این واژه‌ها، ممکن است بهره‌وری و قابلیت‌های جستجوگری آنها کاهش یابد.

نتیجه‌گیری

واژه‌های «دم‌بلند» به‌عنوان اصطلاحاتی که فراتر از اصطلاحات معهود یک رشته علمی هستند، نقش کلیدی در توسعه و بازتاب مرزهای واقعی دانش ایفا می‌کنند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ترکیب این نوع واژه‌ها با اصطلاحات سنتی، افزون‌بر افزایش دقت و انعطاف‌پذیری اصطلاح‌نامه‌ها، ظرفیت آنها را برای مدیریت اطلاعات و تولید

دانش در رشته‌های علمی مختلف بهبود می‌بخشد. استفاده از این واژه‌ها، فرصت‌هایی برای بازتعریف مرزهای دانش و ایجاد ارتباطات میان رشته‌ای فراهم می‌کند. گسترش اصطلاح‌نامه‌ها براساس این رویکرد می‌تواند به بهبود ابزارهای سازمان‌دهی اطلاعات و تقویت بنیان‌های دانش بنیان رشته‌های علمی منجر شود؛ از این رو پیشنهاد می‌شود محققان و طراحان اصطلاح‌نامه‌ها توجه ویژه‌ای به شناسایی و ترکیب این نوع از واژه‌ها در فرآیند توسعه منابع دانش داشته باشند.

فهرست منابع

۱. ابراهیمی، مرتضی. (۱۳۹۳). بررسی ضرورت‌های مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه علوم انسانی، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ششم، شماره ۲، بهار ۱۳۹۳، صص ۳۲-۱.
۲. بهشتی، ملک‌السادات. (۱۳۷۵). اصطلاح‌نامه نما (چاپ اول). تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
۳. جمعی از محققان. (۱۳۹۷). اصطلاح‌نامه فقه. قم: نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
۴. جمعی از محققین. (۱۳۷۸). اصطلاح‌نامه اصول فقه. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
۵. جمعی از محققین. (۱۳۸۲). اصطلاح‌نامه کلام اسلامی. قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول.
۶. جمعی از محققین. (۱۳۸۱). اصطلاح‌نامه منطق. قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول.
۷. حسن زاده، حسین. (۱۳۹۷). ضرورت ایجاد آنتولوژی فقه برای مدیریت اطلاعات فقهی در فضای دیجیتال. مجله فقه، پیاپی ۹۶، صص ۲۸-۵۶.
۸. حسن زاده، حسین. (۱۳۹۹). نگاهی هستی‌شناسانه به سبک زندگی اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری. دوره ۲، پیاپی ۴، صص ۳۴-۶۳.
۹. خسروی، فریرز. (۱۳۸۵). اصطلاح‌نامه فرهنگی سه‌زبانه. تهران: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۱۰. دمرچی‌لو، منصوره؛ حسینی بهشتی، ملوک‌السادات. (۱۴۰۰). قابلیت تبدیل اصطلاح‌نامه به هستی‌شناسی (مرور سیستماتیک). پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱۱(۲)، صص ۱۰۶-۱۲۷.
۱۱. دهرایی، زهرا؛ میرحسینی، زهره. (۱۳۹۵). امکان‌سنجی طرح تدوین اصطلاح‌نامه مطالعات زنان و خانواده براساس استاندارد ISO ۲۵۹۶۴-۱. پردازش و مدیریت اطلاعات، ۸۶، صص ۱۷۵-۱۹۳.

۱۲. راولی، جنیفر. (۱۳۷۴). نمایه‌سازی و چکیده‌نویسی (مترجم: جعفر مهرداد، چاپ اول). نشر سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۱۳. سلیمانی بهبهانی، عبدالرحیم. (۱۳۹۹). اصطلاح‌شناسی «کلام فلسفی» و «فلسفه کلامی». مدیریت دانش اسلامی، ۲(۲)، صص ۸-۳۳.
۱۴. متقی نژاد، مرتضی. (۱۳۹۹). طرحی نو در نمایه‌سازی علوم اسلامی. مدیریت دانش اسلامی، ۲(۱)، صص ۱۰۲-۱۲۲.
۱۵. محمدی، فخرالسادات. (۱۳۸۹). (دگرگونی ساختار و نقش اصطلاح‌نامه‌ها و اهمیت نقش آنها در بازیابی اطلاعات پیوسته از پایگاه‌های اطلاعاتی)، عرضه شده در: «رویکردها و راهکارهای نوین سازماندهی اطلاعات»، (به کوشش: داریوش علی محمدی، چ ۱). تهران: کتابدار.
۱۶. واردی، سیدتقی. (۱۴۰۲). بازنمایی اطلاعات علوم اسلامی اصول، روش‌ها و رویکردها (چاپ اول). نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۷. واردی، سیدتقی. (۱۳۹۴). سازماندهی محتوایی علوم اسلامی از طریق نمایه‌سازی موضوعی به روش ترکیبی. مدیریت دانش اسلامی، ۱، صص ۳۹-۵۱.
۱۸. واردی، سیدتقی. (۱۳۹۷). رویکردشناسی شبکه مفهومی معارف و موضوعات مهدوی با گرایش به آنتولوژی. عصر آدینه، ۲۶، صص ۳۷-۶۲.
۱۹. هراتی، هادی؛ صنعتجو، اعظم. (۱۳۹۸). روش‌ها و فنون نمایه‌سازی (چاپ اول). نشر سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه (سمت).
۲۰. همواندی، هدی؛ حسینی بهشتی، ملوک السادات. (۱۴۰۳). اصطلاح‌نامه‌ها؛ تسهیلگرهای ایجاد و توسعه هستی‌شناسی‌ها. تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی، ۵۸(۱)، صص ۲۷-۴۶.

21. UNESCO Thesaurus (1977) United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization. printed by unwin brothers limited old wiking surrey

References

1. A Group of Researchers. (1999). Usul al-Fiqh thesaurus. Qom: Center for Publications of the Islamic Propagation Office, 1st ed. [In Persian]
2. A Group of Researchers. (2002). Logic thesaurus. Qom: Bustan-e-Ketab Institute, 1st ed. [In Persian]
3. A Group of Researchers. (2003). Islamic theology thesaurus. Qom: Bustan-e-Ketab Institute, 1st ed. [In Persian]
4. A Group of Researchers. (2018). Fiqh thesaurus. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy, 1st ed. [In Persian]
5. Beheshti, M. S. (1996). Nama thesaurus (1st ed.). Tehran: Iranian Information and Scientific Documentation Center. [In Persian]
6. Damarchilu, M., & Hosseini Beheshti, M. S. (2021). The potential for converting thesauri into ontology: A systematic review. *Library and Information Science Research Journal*, 11(2), 106–127. [In Persian]
7. Dehsaraei, Z., & Mirhosseini, Z. (2016). Feasibility study for developing a thesaurus for women's and family studies based on the BS ISO 25964-1 standard. *Information Processing and Management*, 86, 175–193. [In Persian]
8. Ebrahimi, M. (2014). The necessity of interdisciplinary studies in the field of humanities. *Journal of Interdisciplinary Studies in Humanities*, 6(2), 1–32. [In Persian]
9. Hamavandi, H., & Hosseini Beheshti, M. S. (2024). Thesauri as facilitators for ontology creation and development. *Academic Library and Information Research*, 58(1), 27–46. [In Persian]
10. Harati, H., & Sanatjou, A. (2019). *Methods and techniques of indexing* (1st ed.). Tehran: Organization for Research and Compilation of Humanities Books (SAMT). [In Persian]
11. Hasan Zadeh, H. (2018). The necessity of creating a fiqh ontology for managing fiqh-related information in the digital space. *Fiqh Journal*, (96), 28–56. [In Persian]

12. Hasan Zadeh, H. (2020). An ontological view of the Islamic lifestyle in the thought of the Supreme Leader of Iran. 2(4), 34–63. [In Persian]
13. Khosravi, F. (2006). Three-language cultural thesaurus. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. [In Persian]
14. Mohammadi, F. (2010). The transformation of the structure and role of thesauri and their importance in continuous information retrieval from databases. In D. A. Mohammadi (Ed.), Approaches and new strategies for organizing information (1st ed.). Tehran: Librarian. [In Persian]
15. Motaghi Nejad, M. (2020). A new plan for indexing Islamic sciences. Islamic Knowledge Management, 2(1), 102–122. [In Persian]
16. Rowley, J. (1995). Indexing and abstracting (J. Mehrad, Trans., 1st ed.). Tehran: The Islamic Revolution Cultural Documentation Organization. [In Persian]
17. Soleimani Behbahani, A. (2020). The terminology of "philosophical theology" and "theological philosophy." Islamic Knowledge Management, 2(2), 8–33. [In Persian]
18. UNESCO. (1977). UNESCO thesaurus. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization. Printed by Unwin Brothers Limited, Old Woking, Surrey.
19. Varedi, S. T. (2015). Content organization of Islamic sciences through thematic indexing using a combined method. Islamic Knowledge Management, 1, 39–51. [In Persian]
20. Varedi, S. T. (2018). Conceptual network approach to Mahdavi teachings and topics with an ontology perspective. Asr-e Adineh, 26, 37–62. [In Persian]
21. Varedi, S. T. (2023). Representation of Islamic sciences information: Principles, methods, and approaches (1st ed.). Qom: Islamic Sciences and Culture Academy Publications. [In Persian]



The Discovery of the Semantic System of Virtue and Corruption in the Thought of Ayatollah Mesbah Yazdi

Fatemeh Hedayati Azizi¹ Morteza Abdi Chari² Zeinab Shakouri Choubi³

Received: 2023/10/17 • Revised: 2024/12/20 • Accepted: 2025/01/06 • Published online: 2025/02/17

Abstract

The Exploration of issues faced by society paves the way for more purposeful planning. The concepts of virtue and corruption and their definitions vary across different schools of thought. Given the diverse interpretations of virtue and corruption within ethical schools and by scholars such as Allameh Mesbah Yazdi, this study seeks to answer the pivotal question: what is the perspective of virtue and corruption in ethical schools of thought versus Allameh Mesbah Yazdi's view, and which is more appropriate? The aim is to highlight the commonalities and differences in these viewpoints, providing a clearer and more accurate understanding. Through a descriptive-analytical approach, based on existing sources and articles, this research concludes that both the Quran and Allameh Mesbah Yazdi affirm the existence of genuine virtue and corruption. The stance of ethical schools, which

1. Student of Fourth Level in Islamic Seminary in Comparative Exegesis of the Qur'an, Islamic Seminary for Women, Qom, Iran. fadak1835@yahoo.com
2. Assistant Professor, Department of Mahdism Studies, Research Center for Mahdism and Future Studies, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. m.abdichari@isca.ac.ir.
3. Student of Fourth Level in Islamic Seminary in Comparative Exegesis of the Qur'an, Islamic Seminary for Women, Qom, Iran. zeynabshokri51@gmail.com

* Hedayati Azizi, F. & Abdi Chari, M. & Shakouri Choubi, Z. (2024). The Discovery of the Semantic System of Virtue and Corruption in the Thought of Ayatollah Mesbah Yazdi. *Journal of Studies of Quranic Sciences*, 5(10), pp. 141-170. <https://doi.org/10.22081/jikm.2025.67586.1089>

denies the precise meanings of these concepts, is not acceptable, as it implies the non-existence of absolute virtue and corruption. Ultimately, for any type of religious virtue, a legitimate interpretation must be accepted to differentiate between what is clear and what is ambiguous, as Islamic concepts—according to the Quran—have an absolute meaning for virtue and corruption, which is essential for distinguishing between them.

Keywords

Virtue and corruption, ethical schools, Allameh Mesbah Yazdi's thought, comparative study of virtue and corruption.



كشف النظام الدلالي للصلاح والفساد من منظار آية الله مصباح اليزدي

فاطمة هدايتي عزيزي^١ مرتضى عبيدي جاري^٢ زينب شكري جوبي^٣

تاريخ الإصدار: ٢٠٢٣/١٠/١٧ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٤/١٢/٢٠ • تاريخ القبول: ٢٠٢٥/٠١/٠٦ • تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/٠٢/١٧

الملخص

إن استكشاف القضايا التي تواجه المجتمع يمهد الطريق لتخطيط أكثر استهدافاً. إن "الصلاح" و"الفساد" والتعريفات المرتبطة بهما من المفاهيم التي تختلف تعريفاتها باختلاف المدارس والمذاهب. ونظراً لاختلاف التعاريف والمفاهيم للصلاح والفساد عند الجماعات الفكرية، بما في ذلك المدارس الأخلاقية وبعض العلماء الخبراء مثل العلامة مصباح يزدي، فإننا نسعى إلى الإجابة على هذا السؤال المركزي: ما هو الرأي الأصح بين آراء المدارس الأخلاقية وآراء العلامة مصباح يزدي؟ وذلك من أجل تعداد النقاط المشتركة والمتميزة في هذه المسألة، وإظهار الرؤية والعمل الأصح. ولتحقيق هذه الغاية، استخدمنا المنهج الوصفي التحليلي وفقاً للمصادر والمقالات الموجودة، وكانت النتيجة أن القرآن الكريم والعلامة مصباح يعترفان بالوجود الحقيقي للصلاح والفساد، ولكن لا يمكن قبول رأي المدارس الأخلاقية التي تعتقد بعدم وجود معنى محدد

١. طالبة المستوى الرابع في التفسير المقارن في جامعة الزهراء، قم، إيران. fadak1835@yahoo.com
٢. أستاذ مساعد، قسم الدراسات المهدوية، معهد الدراسات المهدوية والمستقبلية، المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران. m.abdichari@isca.ac.ir
٣. طالبة المستوى الرابع في التفسير المقارن في جامعة الزهراء، قم، إيران. zeynabshokri51@gmail.com

* هدايتي عزيزي، فاطمة؛ عبيدي جاري، مرتضى؛ شكري جوبي، زينب. (٢٠٢٤م). كشف النظام الدلالي للصلاح والفساد من منظار آية الله مصباح اليزدي، الفصلية العلمية - الترويجية لدراسات علوم القرآن، ٥(١٠)، صص ١٤١-١٧٠. <https://Doi.org/10.22081/jikm.2025.67586.1089>

للصلاح والفساد، لأن شرطها هو عدم وجود الصلاح والفساد المطلق. وأخيرا، لا بد من قبول قراءة صحيحة لأي نوع من "الصلاح" الديني تمييزه عن الأمور المشكوك فيها. ، وبما أنه في المفاهيم الإسلامية ووفقا لآيات القرآن الكريم هناك معنى مطلق لمفهوم الصلاح والفساد، والذي سيلعب بالطبع دورا حاسما ورئيسيا، فإنه في أي نوع من الإصلاح الديني لا بد من قبول قراءة صحيحة للدين حتى يمكن التمييز بين الصلاح والفساد.

الكلمات الرئيسية

الصلاح والفساد، المدارس الأخلاقية، أفكار مصباح اليزدي، دراسة مقارنة بين الصلاح والفساد.



کشف منظومه معنایی صلاح و فساد در اندیشه آیت الله مصباح یزدی رحمته الله علیه

فاطمه هدایتی عزیزی^۱ مرتضی عبدی چاری^۲ زینب شکری چوبی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۵ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۹/۳۰ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۷ | تاریخ آنلاین: ۱۴۰۳/۱۱/۲۹

چکیده

کاوش در مسائل مورد ابتلاء جامعه، مسیر را برای برنامه‌ریزی هدفمندتر، هموار می‌نماید. صلاح و فساد و تعریف‌های متبادر از آن، از جمله مفاهیمی هستند که در مکتب‌ها و نحله‌های گوناگون، تعریف متفاوتی دارند. حال، نظر به تعریف و برداشت متغیر از صلاح و فساد در گروه‌های فکری اعم از مکاتب اخلاقی و برخی عالمان صاحب‌نظر مانند علامه مصباح یزدی، در پی پاسخ به این مسئله کانونی هستیم که میان نگاه مکاتب اخلاقی و نظر علامه مصباح یزدی رحمته الله علیه، نظر اصلاح کدام است؟ تا ضمن برشمردن نقطه مشترک و متمایز در این امر، بینش و کنش درست‌تری را به منصف ظهور رساند. به همین منظور مطابق با منابع و مقالات موجود، با روش توصیفی - تحلیلی، کنکاش شد و حاصل سخن آنکه ضمن اذعان قرآن کریم و علامه مصباح، بر وجود حقیقی صلاح و فساد، نمی‌توان نظر مکاتب اخلاقی بر عدم وجود معانی دقیق از صلاح و فساد را پذیرفت؛ زیرا لازمه آن عدم وجود، صلاح و فساد مطلق است و نهایت اینکه برای هر نوع صلاح دینی باید قرائت معتبری را

۱. طلبه سطح چهار رشته تفسیر تطبیقی حوزه علمیه خواران، قم، ایران. fadak1835@yahoo.com
۲. استادیار، گروه مهدویت پژوهی، پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران. m.abdichari@isca.ac.ir
۳. طلبه سطح چهار رشته تفسیر تطبیقی حوزه علمیه خواران، قم، ایران. zeynabshokri51@gmail.com

* هدایتی عزیزی، فاطمه؛ عبدی چاری، مرتضی؛ شکری چوبی، زینب. (۱۴۰۲). کشف منظومه معنایی صلاح و فساد در اندیشه آیت‌الله مصباح یزدی رحمته الله علیه. فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات علوم قرآن، ۵(۱۰)، صص ۱۴۱-۱۷۰. <https://doi.org/10.22081/jikm.2025.67586.1089>

برای تمیزدادن این امر از امور مشتبه پذیرفت. چون در مفاهیم اسلامی و مطابق با آیات قرآن، معنای مطلق برای مفهوم صلاح و فساد وجود دارد که البته نقش تعیین کننده و کلیدی خواهد داشت و برای هر نوع اصلاح دینی، باید قرائت معتبری از دین را پذیرفت تا بتوان با آن، صلاح و فساد را از یکدیگر تمیز داد.

کلیدواژه‌ها

صلاح و فساد، مکاتب اخلاقی، اندیشه مصباح یزدی، بررسی تطبیقی صلاح و فساد.

بررسی جوانب گوناگون پنهان در مفاهیم، کوششی است که می‌تواند به پیگیری اهداف و رسیدن به آنها کمک شایانی کند. اگر مفاهیمی مورد واکاوری و بررسی قرار بگیرند که ناظر بر مسائل مبتلابه بیشتری از حوزه‌های گوناگون جامعه باشند، می‌توان برنامه‌ریزی‌ها و در پی آن سیاست‌گذاری‌ها را بنا گذاشتن بر همین کوشش‌های پژوهشی انجام داد. صلاح و فساد از جمله مفاهیم مهمی است که شامل مفاهیم عمیق و اساسی و ناظر بر ابعاد گوناگونی از مسائل جامعه می‌شود و هم در عین حال اختلافی اساسی میان مکاتب و نحله‌های فکری متفاوت در خصوص مفاهیم مستتر در آنها وجود دارد. باتوجه به موارد بیان شده، این مسئله قابل رصد و پیگیری است که نظر اصلاح در میان مکاتب اخلاقی و علامه مصباح یزدی در خصوص صلاح و فساد کدام است و نقطه مشترک و متمایز هر کدام چیست. با کنکاش در کتاب‌ها، مقالات، مجلات و سایت‌های گوناگون، این مطلب حاصل شد که بسیاری از دانشمندان، عالمان و نویسندگان، دغدغه لازم برای برشمردن مفاهیم صحیح از صلاح و فساد را داشته و به نقطه‌های روشن و مناسبی در این حیطة دست یافتند. به‌عنوان نمونه علامه طباطبایی در تفسیر المیزان جلد ۱ در خصوص معنای صلاح و فساد به این شکل بیان می‌کند که: «صلاح و فساد دو امر متقابل و ضد یکدیگر است و سنت الهی بر آن است که اثر متناسب و ویژه هر یک از صلاح و فساد را بر صالح و فاسد مترتب کند و اثر عمل صالح سازگاری و هماهنگی با سایر حقایق عالم و اثر عمل فاسد ناسازگاری با سایر حقایق عالم است، پس این پدیده استثنایی به‌طور طبیعی بر اثر واکنش سایر اسباب عالم با همه قوا و وسائل مؤثرش، محکوم به نابودی است.» یا در مقالات دیگر ضمن بررسی مکاتب اخلاقی، نظر هر یک نیز بیان شده است. اما آنچه نمود بیشتری در منابع فارسی و انگلیسی دارد، بحث در تعریف مفهوم صلاح و فساد و بررسی از منظر همان مکتب و یا دانشمند و عالم است. از آنجایی که دستیابی به مفهوم صحیح صلاح و فساد، در ایفای نقش حیاتی آن در جامعه و حتی حیطة فردی، تأثیر بسزایی دارد و در صورت اشتباه برداشت و اشتباه عملیاتی کردن آن، ضربه جبران‌ناپذیری را در پی خواهد داشت، اما

آن چه پژوهشگران در این مقاله در پی آن می‌باشند، بررسی مجدد نظرات مختلف مکاتب و نحله‌های مختلف و واکاوی دقیق آن و در آخر راستی آزمایی مفهوم به دست آمده با نگاه معتبر قرآنی و صحیح دینی است، تا ضمن روشن کردن مفهوم صحیح، بتوان در هر چه بهتر نمود پیدا کردن آن در سطح جامعه، نقش مفیدی را ایفا نماییم.

مفهوم‌شناسی کلمه صلاح و فساد

لغت‌شناسان صلاح را نقیض فساد می‌دانند. قرشی می‌گوید: فساد به معنای تباهی و در لغت آن را ضد صلاح گفته‌اند (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، صص ۱۷۵-۱۷۴). راغب خروج شیء از اعتدال معنی می‌کند خواه کم باشد یا بیشتر (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۶۳۶)؛ به عبارت دیگر صلاح یعنی ایجاد صلح و سازش و الفت در امور مردم (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۴۲؛ فرایدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۱۷؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۵۹) و فساد به معنای، فساد یک نوع خلاف کاری است که توسط فردی که مسئولیت و اقتدار دارد، اغلب برای به دست آوردن منافع شخصی‌اش به انجام می‌رسد. فساد ممکن است شامل فعالیت‌های بسیاری از جمله: تباه شدن، تباهی، شرارت و بدکار، ظلم و ستم، پوسیدگی، فتنه، آشوب، لهو و لهب، متلاشی شدن، نابود شدن، کینه، بیماری و ... (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۰، ص ۱۵۱۲۶؛ عمید، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۱۸۴۰؛ معین، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۲۵۴۵).

معنا و کاربرد واژه صلاح و فساد در حوزه‌های گوناگون، متفاوت است. این واژه در محاورات اجتماعی به بهسازی و فسادزدایی در شئون اجتماعی اطلاق می‌شود. وقتی از صلاح سخن می‌گوییم به‌طور ضمنی اعتراف می‌کنیم که یک سلسله کژی‌ها و کاستی‌هایی در جامعه رخ نموده است که برای دفع و رفع آنها باید اقدام شود (صادقی رشاد، بی‌تا، ص ۲-۱).

اصلاحات، واژه‌ای است که همواره نمودی از زیبایی و جلوه‌ای از حرکت، جوش و تکاپو را در بر می‌گیرد؛ زیرا تلاش و کوشش انسان و جامعه انسانی در راهپیمایی به سوی آرمان‌ها و ایده آل‌ها، جز با حرکتی مستمر و کوششی مداوم امکان‌پذیر نیست (مانی‌فر، ۱۳۸۱، ص ۱) و ضد آن فساد می‌شود.

بنابراین کلمه صلاح که در مقابل کلمه افساد به کار برده می‌شود، به معنای سامان بخشیدن و به صلاح آوردن است. معنای این نوع کلمات که به اصطلاح ادیبان، از اضداد شمرده می‌شوند، به کمک یکدیگر روشن می‌شود؛ همانند کلمات روز و شب که مفهوم هر یک از آنها با توجه به مفهوم دیگری شناخته می‌شود؛ به طور مثال با مقایسه مفهوم روز به معنای روشنایی و مفهوم شب به معنای تاریکی، بهتر می‌توان مفهوم هر یک از این کلمات را شناخت. کلماتی همچون خیر و شر، خوبی و بدی، و اصلاح و افساد نیز از همین قبیل کلمات شمرده می‌شوند؛ بنابراین کلمات اصلاح و افساد را باید با یکدیگر مورد مقایسه قرار داد تا بتوان مفهوم روشنی از آن دو به ذهن آورد.

در یک تقسیم بندی دیگر از نظر اصطلاح؛ صلاح و فساد به سه جنبه فردی، اجتماعی و ساختاری نیز تقسیم می‌شود و در آن به نفس رجال سیاسی و ساختار فرهنگی و حتی اقتصادی در تبیین معنای صلاح و فساد اشاره شد (ابرامنش، بی‌تا، ص ۲-۵). اما باید به این نکته نیز توجه داشت که مفاهیم «صلاح» و «فساد» دو مفهوم ارزشی هستند و تعریف آنها جز با توجه به مبانی ارزشی هر جامعه امکان پذیر نمی‌باشد؛ از این رو، با نیکو شمردن اصلاحات و ناپسند شمردن افساد، نمی‌توان مصداق‌های آنها را نیز مشخص کرد، بلکه باید هدف‌های مطلوب هر جامعه‌ای را در نظر گرفت و در مسیر تحقق آن اهداف حرکت کرد. حرکت به سوی هدف مطلوب، اصلاح شمرده می‌شود، خواه آن حرکت به تدریج و آرام و خواه به شکل جهشی و ناگهانی تحقق پذیرد، هر چند که در اصطلاح، تنها به حرکت نوع اول صلاح اطلاق می‌گردد و حرکت نوع دوم انقلاب شمرده می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ص ۱۳).

ایشان برای تقریب به ذهن می‌گویند: زمانی که میوه‌ای خاصیت خود را از دست بدهد و انتظاری که از آن می‌رود را برآورده نسازد، در مورد آن، تعبیر «فاسد» را به کار می‌برند. در برخی موارد، ترش شدن میوه نشانه فاسد شدن آن است و گاهی شیرین شدن میوه نشان می‌دهد که آن میوه فاسد شده است. به عنوان نمونه، در جایی که برای تهیه سرکه، در شیشه‌ای انگور ریخته می‌شود، انتظار می‌رود که پس از مدتی ترش گردد. اگر این امر تحقق نیافت، حکم به فاسد شدن آن داده می‌شود؛ چراکه آن هدفی

که از ریختن سر که انتظار می‌رفت، بر آورده نگردیده است؛ بنابراین، برای قضاوت در مورد صحیح یا فاسد بودن عمل، باید هدف از انجام آن عمل را در نظر گرفت؛ در صورتی که آن هدف محقق شود، آن عمل صحیح و شایسته و در غیر این صورت، فاسد خواهد بود (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ص ۱۳-۱۸).

صلاح و فساد در اصطلاح قرآن کریم

صلاح، فساد، اصلاح، افساد، مصلح و مفسد نیز از جمله کلیدواژه‌های مهم قرآن به‌شمار می‌روند که برای فهم درست قرآن باید مفهوم آنها به‌درستی شناخته شود. در فرهنگ قرآنی صلاح به‌معنای درستی، راستی و نیکویی است و اصلاح به‌معنای محو زشتی‌ها و ناپاکی‌هاست. در بسیاری از آیات قرآن از پیامبران الهی به‌عنوان مصلح یاد شده است (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ص ۱۳-۱۸). چنان‌که حضرت شعیب خطاب به قوم خود می‌فرماید: «إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَ مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ أُنِيبُ؛ من جز اصلاح تا آنجا که توانایی دارم نمی‌خواهم و توفیق من جز به دست خدا نیست.» (هود، ۸۸). پیامبران الهی از یک سو با تلاش و مجاهدت مستمر با هوای نفس، ناپاکی‌ها را از عمق وجود خود زدوده‌اند و از سوی دیگر با تبیین راه‌های کمال و مبارزه با گردن کشان و زورگویان، زمینه‌های مساعد رشد و سعادت انسان را فراهم آورده‌اند. از این‌رو فساد جز تخلف از تعالیم انبیا معنای دیگری ندارد (پرور، ۱۳۸۰، صص ۵۳-۵۴).

در قرآن اموری چون انحراف در راه خدا (اعراف، ۸۶)، تخریب آبادانی‌های زمین و به‌هدر دادن امکانات طبیعی آن (اعراف، ۵۶)، نابودی کشاورزی (بقره، ۲۰۵)، خونریزی و کشتار (بقره، ۳۰)، نسل‌کشی (بقره، ۲۰۵)، ظلم و ستم (اعراف، ۱۰۳)، کفر به خداوند (بقره، ۸ و ۱۲)، شرک و رویگردانی از توحید (آل عمران، ۶۳)، ذلیل کردن عزیزان شهر به‌هنگام جنگ (نمل، ۳۴)، سرقت (یوسف، ۷۳) جلوگیری از رواج دین توحیدی و الهی در جامعه (نحل، ۸۸)، قطع صلح‌رحم (محمد، ۲۲) برترجویی و خود بزرگ بینی نژادی (اسراء، ۴)، کم‌فروشی (هود، ۸۴ و ۸۵) و نیز (شعراء، ۱۸۱ و ۱۸۳) به‌عنوان مصادیقی از فساد مطرح شده است. در این مصادیق می‌توان امور مختلفی یافت که به حوزه باورها و رفتارها تعلق

دارد. این بدان معناست که فساد تنها در حوزه رفتاری مطرح نیست، بلکه کفر و شرک نیز به عنوان مصادیقی از فساد به شمار می‌رود.

اما با نگاهی گذرا به همین مصادیق بیان شده می‌توان این نکته را نیز دریافت که بیشترین مصادیق فساد را می‌توان در حوزه رفتارها و آن هم در حوزه رفتارهای اجتماعی یافت. بر این اساس می‌توان گفت که بیشترین نمود فساد و خروج از مرزهای صلاح و اعتدال و تعادل در امور اجتماعی اتفاق می‌افتد، هر چند که ریشه و خاستگاه آن را می‌بایست در همان حوزه بینش‌ها و نگرش‌ها یعنی امور اعتقادی و باورها جست؛ زیرا نوع تفکر و بینش و نگرش آدمی به خود و خدا و هستی است که رفتارهای او را جهت می‌دهد. از این رو در قرآن اموری چون ایمان به خدا (مائده، ۶۴ و ۶۵)، تفکر درباره آیات الهی و سرگذشت مفسدان (اعراف، ۸۶ و ۱۰۳)، توجه به آخرت (قصص، ۷۷ و ۸۳) توحید (روم، ۴۱ تا ۴۳)، توجه به علم خدا (بقره، ۲۲۰)، خوف از خدا (اعراف، ۵۵ و ۵۶) اطاعت از خدا (مومنون، ۷۱)، تقوای الهی (بقره، ۲۰۵ و ۲۰۶) و عبادت خدا (هود، ۸۴ و ۸۵) به عنوان موانع فساد در انسان بیان شده است.

به سخن دیگر، میان بینش‌ها و باورها از سویی و با نگرش‌ها و رفتارها از سوی دیگر ارتباط تنگاتنگی وجود دارد؛ بنابراین اگر بخواهیم رفتارها را اصلاح کنیم می‌بایست به اصلاح باورها پردازیم (مؤمنی، ۱۳۹۸).

برای جلوگیری از مغالطات و سوء استفاده‌ها از آیات شریفه قرآن کریم، ضروری است که راجع به مفاهیم صلاح، فساد، اصلاح، افساد، مصلح و مفسد که نمونه‌هایی از مفاهیم قرآن کریم به شمار می‌رود، توضیحاتی داده شود. برای تحقق این هدف، باید با برشمردن موارد استعمال این کلمات در آیات قرآن کریم، شناخت بیشتری از این مفاهیم به دست آورد.

از دیدگاه قرآن، فساد و تباهی، دامنه‌ای گسترده دارد و بر هر نوع قتل، جنایت و زیان رساندن به جان، آبرو و مال مردم اطلاق می‌شود. اصلاح و فساد از زوج‌های ناسازگار قرآن است. زوج‌های ناسازگار یعنی آن واژه‌های اعتقادی و اجتماعی که دو به دو در برابر یکدیگر آمده‌اند و به کمک هم بهتر شناخته می‌شوند. همانند توحید و

شرک، ایمان و کفر و ... (پرور، ۱۳۸۰، ص ۵۳) با توجه به آنچه از موضوع این نوشتار لازم است نظریات اخلاقی در زمینه فساد و صلاح بیان شود و به تحلیل هر یک از این نظرات در خصوص اخلاق و صلاح و فساد، پرداخته شود. از این روی در مکتب اخلاقی به چهار نظریه مهم پرداخته می‌شود:

۱. نظریه اخلاقی افلاطونی؛
۲. نظریه اخلاقی ارسطویی؛
۳. نظریه اخلاقی کانت؛
۴. نظریه اخلاقی آدام اسمیت.

اگر از این چهار مکتب یا نظریه اخلاقی بگذریم دیگر مکاتب از توانایی علمی بالایی برخوردار نیستند و لذا بخش عظیم از این مکاتب تحت عنوان لذت‌گرایی از سوی دیگران مورد بررسی قرار گرفته است (سبحانی، ۱۳۷۹، ص ۲).

۱. نظریه اخلاقی افلاطون

اخلاق در نظر افلاطون از شاخه‌های سیاست و تدبیر است. او پس از کنکاش در عدالت اجتماعی به عدالت فردی منتهی شده که تعبیر دومی از اخلاق است. ارزش در نظر افلاطون عبارتست از: «زیبایی، عدالت و حقیقت». افلاطون گاهی اخلاق را از مقوله جمال و زیبایی و گاهی از مقوله عدالت می‌داند (سبحانی، ۱۳۷۹، صص ۴-۵).

افلاطون بر این مسئله تأکید داشت که اگر انسان بخواهد به مثال خیر نائل شود باید حقایق را بشناسد. و چون مجموع حقایق را فلسفه (یا حکمت) می‌نامید، معتقد بود که آموختن حکمت شرط توانایی بر انجام اعمال نیک و وصول به مثال خیر است. وی نیز مانند استادش، سقراط، می‌گفت اگر انسان چیزی را بداند که خوب است حتماً انجام خواهد داد. کسانی که مرتکب خطا می‌شوند معلول جهلشان است. او معتقد است برای بهره‌مندی از یک زندگی سعادت‌مندانه لازم است که نسبت به حقایق و واقعیات معرفت داشته باشیم. البته لازم به ذکر است که افلاطون هر نوع آگاهی و ادراکی را شایسته نام معرفت نمی‌داند (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، صص ۳۰۹-۳۰۸).

اینکه افلاطون اخلاق را از مقوله جمال و زیبایی می‌داند از این جهت است که مقصود او از زیبایی حسی نیست بلکه مقصود، زیبایی کار و عمل انسان است که از روح زیبا سرچشمه می‌گیرد. او معتقد بود که دستیابی بر جمال و زیبایی روح و اعتدال در اعمال استعدادها که نام فضیلت است نتیجه علم و کوشش است. هر انسانی اگر خیر را از شر باز شناخت به اولی عمل نموده و از دومی پرهیز می‌کند و به یک معنا تمام فضایل به حکمت و دانش بر می‌گردد (سبحانی، ۱۳۷۹، صص ۶۵-). با توجه به نکات عرضه شده در نظریه افلاطون، این نکته قابل تأمل است که حکمت و دانش به تنهایی موجب الزام به خیر و صلاح و مانع دوری از شر و فساد نخواهد شد و انسان بایستی با غلبه بر نفسانیات این مهم را در خود پرورش دهد. صرف داشتن حکمت و دانش، ملتزم شدن به فرد مصلح را در بر نخواهد داشت و بالتبع، مانع از بروز شخصیتی مفسد نیز نخواهد بود.

۲. نظریه اخلاقی ارسطو

اخلاق ارسطو، مانند اخلاق سقراط و افلاطون، اخلاقی کاملاً غایت‌گرایانه است. یعنی ارزش اخلاقیات از دیدگاه ارسطو، ریشه در ارزش‌های بیرونی دارد. ارسطو عملی را درست و خوب می‌داند که انسان را به سعادت و خیر می‌رساند، نه عملی که، به خودی خود و صرف نظر از هر ملاحظه دیگری درست است. کار خوب کاری است که ما را به خیر حقیقی و سعادت واقعی مان می‌رساند و کار بد و عمل ناشایست، به عملی گفته می‌شود که ما را از وصول به سعادت واقعی خود محروم می‌کند (سبحانی، ۱۳۷۹، صص ۳۱۲).

ارسطو درباره خیر نهایی می‌گوید، هر چند همه مردمان در اصل مسئله و در اینکه خیر نهایی عبارت است از خوشبختی و سعادت توافق دارند. اما در مورد حقیقت خوشبختی و مصداق حقیقی خیر با یکدیگر اختلافات زیادی دارند. در عین حال، این نکته را می‌افزاید که خوشبخت و سعادت‌مند کسی است که «در سراسر یک زندگی» خوشبخت و سعادت‌مند باشد و نه تنها در برهه‌ای از زندگی خود. «خیر انسانی

عبارت است از فعالیت نفسانی بر اساس بهترین فضیلت در سراسر زندگی». به همین دلیل است که هرگز نمی‌توان کلمه «خوشبخت» یا «سعادت‌مند» را به یک کودک اطلاق کرد. چون در زندگی تغییرات بزرگ رخ می‌دهد، و تصادف‌های گوناگون پیش می‌آید، چه بسیار ممکن است که کامیاب‌ترین اشخاص در عهد سالخوردگی به بدبختی‌های بزرگ گرفتار آید... و کسی که با چنین تصادماتی رو به رو شود و زندگی‌اش با نکبت و شوربختی سرآید هیچ کس او را خوشبخت نمی‌نامد (سبحانی، ۱۳۷۹، صص ۳۱۵-۳۱۳).

در نگاه ارسطو آن چه که انسان انجام می‌دهد برای سود و خیر است؛ زیرا عمل انسان غایت دارد و غایت واقعی همان سعادت و خوشی است. او معتقد است سعادت و خوشی در لذت، مال و جاه نیست بلکه در فضیلت است و فضیلت این است که فعالیت نفس با موافقت عقل صورت پذیرد و علم اخلاق جز این نیست که فعالیت نفس با راه‌های خرد انجام گیرد (سبحانی، ۱۳۷۹، ص ۷).

بنابراین ارسطو ملاک خیر را سعادت و آن را خواست فطری همه انسان‌ها دانسته لذا سعادت‌طلبی را امری اجتناب‌ناپذیر می‌داند. از خصوصیات نظریه ارسطو این است که سعادت را چیزی می‌داند که در رفتار انسان و فعالیت زندگی او پدید می‌آید و توأم با زندگی است. در اینجا گویا نظر به حرف سقراط دارد که می‌گوید باید توجه ما به زندگی ابدی باشد و آن چنان رفتار کنیم که در زندگی جاودانی سعادت‌مند باشیم (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۳۲۱).

آنچه به نظر می‌رسد این نظریه نیز که دستیابی به اخلاق و فضائل نفسانی را در پیروی از خرد دانسته جای تأمل دارد و می‌توان سوال کرد که در برخورد میان اراده و فرمان عقل با طوفان غرایز سرکش چه تضمینی برای پیروزی اراده و عقل در این جنگ سرنوشت‌ساز وجود دارد؟ و یا در تشخیص امر صلاح و امر فاسد، چه مقدار عقل در تفکیک معنای درست صلاح و فساد نقش کلیدی را ایفا می‌کند؟ به این معنا که تعریف مناسب و درست از صلاح و فساد را عقل بدون توجه به غرایز درست، ممکن است تشخیص ندهد.

۳. نظریه اخلاقی کانت

در زمانی که مکاتب اخلاقی مختلف و متنوعی در غرب خودنمایی می‌کرد و مکتب اصالت لذت بیش از همه طوفان به راه انداخته بود و مکتب افلاطونی که اخلاق را از مقوله‌ی جمال و زیبایی می‌دانست و مکتب ارسطویی که اعتدال را الگوی اخلاقی معرفی می‌کرد و چشم و گوش‌ها را پر کرده بودند، در چنین شرایط یک شخصیت فلسفه‌ای از آلمان برخاست، با پی‌ریزی فلسفه‌ای، فعل اخلاقی را در انجام عمل به نیت ادای تکلیف وجدان معرفی کرد. در بررسی خود به این نتیجه رسید که برخی از آگاهی‌های انسان مربوط به ما قبل حس و تجربه است در حالی که برخی از معلومات او نتیجه‌ی حس و تجربه است و احکام علوم طبیعی از مقاله‌ی دوم و احکام وجدان ضمیر انسان که به فعل یا ترک موجودی فرمان می‌دهد از قسم نخست است (سبحانی، ۱۳۷۹، ص ۱۱).

به‌طور کلی اخلاق کانتی در قالب نظریه‌های اخلاقی وظیفه‌گرا مورد توجه قرار گرفته است. در همین راستا اخلاق کانتی قایل به این نکته است که مفاهیم اخلاقی ارتباط مشخصی با واقعیات خارجی داشته و سرچشمه اصلی آن واقعیات ما فوق طبیعی است. به همین جهت نیز نظریه اخلاقی کانت را می‌بایست نظریه‌ای با تأکید بر وظیفه و تکلیف دانست (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۲۷۵).

در این چارچوب، از نظر کانت، ریشه احکام اخلاقی در ساحت عملی عقل نهفته است؛ به تعبیر دقیق‌تر از نظر کانت عقل عملی، واضع احکام اخلاقی است. از نظر کانت زمانی که ما با حکمی اخلاقی مواجه می‌شویم، ریشه آن را می‌بایست در قاعده‌ای کلی جست و جو کرد، اما زمانی که در خصوص منشا این قاعده کلی سوال ایجاد می‌شود، کانت آن را با عقل عملی مرتبط می‌داند (کاپلستون، ۱۳۷۵، ص ۳۲۱).

بر همین اساس، کانت معتقد به این نکته بوده است که نمی‌توانی توان به خاطر پیامدها یا هر چیز دیگری امری را ذاتاً خوب بدانیم. اما در عین حال اراده خوب تنها چیزی است که فقط و فقط برای خودش خوب است. در واقع اگر کسی با اراده‌ی خوب کاری انجام دهد اما آن عمل به نتیجه بدی ختم شود، نمی‌توان در خصوص اراده نیک او تردیدی داشت.

از همین مباحث کانت به بیان قاعده امر مطلق می‌رسد؛ طبق این قاعده «تنها یک امر مطلق وجود دارد و آن این است که فقط بر طبق قاعده‌ای عمل کنید که به وسیله‌ی آن می‌توانید در عین حال اراده کنید قاعده مزبور قانون کلی و عمومی شود» (کانت، ۱۳۹۴، ص ۶۰).

بنابراین تأکید اساسی کانت بر این نکته که نمی‌توانی توان اراده خوب را براساس نتایج و غایات اعمال تعریف کرد و نیکویی نتایج را نمی‌توانی توان منشا خوبی اراده دانست، نشان دهنده وظیفه‌گرا بودن وی در اخلاق است. در مورد نظریه‌ی وجدانی بودن اخلاق نیز باید توجه داشت که اگر وجدان به‌عنوان یک عامل مستقل از فطرت خداشناسی و ایمان به خدا فرض شود، نظریه‌ی درست و کاملی نبوده و برای نیل به فضایل و مکارم اخلاقی دارای کاربرد قطعی نیست و این درست است که وجدان یک عامل امر کننده و نهی کننده است و قادر است خیر و شر، صلاح و فساد، زیبایی‌ها و زشتی‌ها را تشخیص دهد، ولی این نیرو نیز آنگاه می‌تواند نقش خود را در تحقق اخلاق و ارزش‌های اخلاقی ایفا نماید، که همراه با فطرت خداشناسی و ایمان به خدا قرار گیرد (رحیمیان، ۱۳۶۵، ص ۳۸).

۴. نظریه اخلاقی (عاطفه‌گرایی) آدام اسمیت

بسیاری از حکما و دانشمندان معتقدند که اخلاق ریشه در عواطف انسان دارد. عواطفی که انسان را با عالم خارج از خود پیوند می‌زند و هدف آنها رساندن خیر به دیگران است. در این نظریه فعل اخلاقی هم از نظر مبدا و انگیزه و هم از جهت هدف، از دایره‌ی «خود» خارج است. در نظریه‌ای که محور اخلاق را عواطف دانسته‌اند، اشکالاتی وجود دارد از جمله اینکه در اخلاق، مسئله اختیار و اکتساب با لحاظ شود و به همین جهت عواطفی که به صورت غریزی در انسان وجود دارد، در زمره امور اخلاقی محسوب نمی‌شود (رحیمیان، ۱۳۶۵، ص ۳).

به نظر می‌رسد مکتب لذت‌گرایی به بیان‌های گوناگون نمی‌تواند نشانه‌ی یک مکتب اخلاقی انسانی باشد؛ زیرا اساس آن را خودخواهی و انانیت تشکیل می‌دهد. هر چند

برخی از آن مکتب‌ها نقاب نفع عمومی و چهره دارند. از این نظر برخی از فلاسفه‌ی غرب از مکتب لذت‌گرایی روی بر تافته، عاطفه‌گرایی را مطرح کردند که پایه‌گذار این مکتب شخصیت‌هایی مانند آدام اسمیت بوده است.

اگر بخواهیم خلاصه‌ای از این مکتب را مورد بررسی قرار دهیم این است که در انسان غریزه‌ای به نام حب ذات وجود دارد و رفتاری را در پی می‌آورد. چنین رفتاری ناشی از چنین میلی، فعل عادی خواهد بود؛ ولی در انسان، در مقابل نهاد نخست، نهادی به نام نوع دوستی و انسان‌خواهی وجود دارد و طبعاً رفتار خاصی را در پی خواهد داشت. هرگاه انگیزه کار، نهاد دوم باشد، کار او ارزشمند و اخلاقی خواهد بود. خلاصه فعل طبیعی مانند خوردن و نوشیدن یا رفتاری که معلول خودخواهی انسان است، فعل عادی بوده و احیاناً قوی و زشت خواهد بود. ولی آنچه که از نهاد انسان دوستی و غیر خواهی نباشد، فعل اخلاقی و ارزشمند است.

این کارهایی که عاطفه در آنجا به صورت علت و فاعلی یا علتی قوی موثر است، کار ارزشمندی است. ولی محصور کردن فعل اخلاقی و عاطفه‌گرایی، کار صحیحی نیست و به یک معنا تعریف اخلاق و عاطفه‌گرایی نه جامع است و نه مانع؛ یعنی نه همه‌ی افعال اخلاقی را در بر می‌گیرد و نه افعال غیر اخلاقی را از خود می‌راند (سبحانی، ۱۳۷۹، ص ۱۷).

براساس این نظریه نیز که عاطفه را نقش کلیدی داده و بدون توجه به اساس و مبناهای دیگر حکم رانده است نمی‌توان صلاح و فساد، خوبی‌ها و بدی‌ها و دیگر امور ارزشی را مورد تحلیل قرار داد و این مکتب را شاخصه اصلی برای یافتن ملاک اصلاح و فساد یافت. اگر در کنار عاطفه، امور فطری و عقلی را هم قرار داد، یافتن صلاح و فساد، راحت‌تر و آسان‌تر خواهد بود. براساس چارچوب عرضه شده از چهار مکتب اخلاقی، هیچ یک معیار و ملاک درست و جامعی از معنای صحیح صلاح و فساد را به انسان نخواهد داد. حتی ممکن است در صورت عدم توجه به مبناهای این مکاتب، فرد را دچار اشتباه نماید.

حاصل آنکه، براساس تفکر رایج در غرب، هر مکتبی می‌تواند برای خود تعریف

خاصی از این دو واژه بیان کند. گاهی ممکن است که عملی در یک مکتب اصلاح و در مکتب دیگر افساد به شمار آید. اما براساس بینش درست اسلامی، انسان دارای هدف مطلوب مطلق است و اصلاح و افساد، همواره از تعریف مشخصی برخوردارند. بدین ترتیب، هرگاه حرکتی رو به صلاح باشد، آن حرکت، حرکتی اصلاحی خواهد بود، خواه دیگران آن را اصلاح و خواه افساد تلقی نمایند و هرگاه حرکتی رو به فساد باشد، آن حرکت، افساد خواهد بود، خواه دیگران آن را افساد و خواه اصلاح تلقی نمایند. اصلاح یا افساد تابع هوس و سلیقه اشخاص نیست، بلکه تابع آن هدف مطلوب و مطلق است که خلقت جهان آفرینش، ارسال رُسل، انزال کتب و دیگر موهبت‌های الهی در راستای تحقق آن می‌باشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، صص ۸۶-۸۷).

در کنار مکاتبی که در بالا به تبیین و تحلیل هر یک پرداخته شد، برخی مکاتب دیگر نیز وجود دارند که اگر بخواهیم به شکل مستقل به آنها پردازیم، هم مطالب خارج بحث را طولانی خواهد کرد و هم اینکه از چارچوب مقاله خارج خواهیم شد. از این رو فقط به مباحث اصلی این موارد در خصوص صلاح و فساد پرداخته خواهد شد.

الف) دیدگاه مادی‌گرایان

مادی‌ها شعبی دارند که یک شعبه معروف آن مادی‌گری کمونیستی است. از دیدگاه این مکتب که همه چیز را از دریچه ماده می‌نگرد و به خدا و مسائل معنوی ایمان ندارد، و اصالت را برای اقتصاد قایل است و برای تاریخ نیز ماهیت مادی و اقتصادی قایل می‌باشد، هر چیز که جامعه را به سوی اقتصاد کمونیستی سوق دهد اخلاق است، و یا به تعبیر خودشان «آنچه انقلاب کمونیسم را تسریع کند، اخلاق محسوب می‌شود.» مثلاً اینکه راست گفتن یا دروغ گفتن کدام اخلاقی و یا غیر اخلاقی است با توجه به تأثیر آنها در انقلاب ارزیابی می‌شود، اگر دروغ به انقلاب سرعت ببخشد، یک امر اخلاقی است و اگر راست تأثیر منفی بگذارد یک امر غیر اخلاقی محسوب می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۶۶).

ب) دیدگاه عقل‌گرایان

آن گروه از فلاسفه که اصالت را برای عقل قایلند و می‌گویند سرانجام فلسفه این است که در وجود انسان یک عالم عقلی بسازد همانند عالم عینی خارجی (صیروة الانسان عالماً عقلياً مضاهياً للعالم العینی)، در مباحث اخلاقی، اخلاق را به صفات و اعمالی تفسیر می‌کنند که به انسان کمک کند تا عقل بر وجود او حاکم باشد نه طبایع حیوانی و خواسته‌های نفسانی.

ج) دیدگاه غیرگرایان

گروه دیگر از فلاسفه که معروف به غیرگرایان هستند بیشتر به جامعه می‌اندیشند و اصالت را برای جمع قایلند نه افراد، فعل اخلاقی را به افعالی تفسیر می‌کنند که هدف غیر باشد؛ بنابراین هر کاری که نتیجه‌اش تنها به خود انسان برگردد غیر اخلاقی است و کارهایی که هدفش دیگران باشد اخلاقی است (رحیمیان، ۱۳۶۵، صص ۳۶-۴۰).

د) دیدگاه وجدان‌گرایان

گروهی از فلاسفه که اصالت را برای وجدان قایلند نه عقل، که می‌توان از آنها به «وجدان‌گرا» تعبیر کرد و گاه به طرفداران حسن و قبح عقلی یاد می‌شوند که در واقع منظور از آن، عقل عملی است نه عقل نظری، آنها مسائل اخلاقی را یک سلسله امور وجدانی می‌دانند نه عقلانی که انسان بدون نیاز به منطقی و استدلال آنها را درک می‌کند؛ مثلاً انسان عدالت را خوب می‌شمرد و ظلم را بد، ایثار و فداکاری و شجاعت را خوب می‌داند و خودپرستی و تجاوزگری و بخل را بد می‌بیند بی آنکه نیازی به استدلال عقلانی و تأثیر آنها در فرد و جامعه داشته باشد؛ بنابراین باید وجدان اخلاقی را زنده کرد و آنچه را موجب تضعیف وجدان می‌شود از میان برداشت؛ سپس وجدان، قاضی خوبی برای تشخیص اخلاق خوب از بد خواهد بود (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ص ۸۵).

طرفداران «حسن و قبح عقلی» گرچه دم از عقل می‌زنند ولی پیداست که منظور آنها

عقل وجدانی است و نه عقل استدلالی، آنها می‌گویند حسن احسان و قبح ظلم که دو فعل اخلاقی است بدون هیچ‌نوع نیاز به دلیل و برهان برای انسان سلیم النفس آشکار است، و به این ترتیب اصالت را برای وجدان قایلند.

ولی بسیاری از آنها انکار نمی‌کنند که وجدان ممکن است درباره بعضی از امور ساکت باشد و ادراکی نداشته باشد، در اینجا باید دست به دامن شریعت و وحی شد تا امور اخلاقی را از غیر اخلاقی جدا سازد؛ به علاوه اگر نسبت به آنچه عقل حاکم است تأییدی از سوی شرع باشد انسان با اطمینان بیشتری در راه آن گام می‌نهد (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ص ۸۵).

صلاح و فساد از دیدگاه علامه مصباح

براساس دیدگاه‌ها و مکاتب مختلف و همچنین قرآن کریم، به تبیین و تحلیل صلاح و فساد پرداخته شد و برای هر تحلیلی بیان شد. حال مناسب از براساس کتب به‌جا مانده از علامه مصباح به بیان نظر ایشان پرداخت تا قضاوت مناسب تری انجام گیرد.

علامه در کتاب اصلاحات، تیشه‌ها و ریشه‌ها بیان می‌کند: گاهی ممکن است که عملی در یک مکتب اصلاح و در مکتب دیگر افساد به شمار آید. اما براساس بینش صحیح اسلامی، انسان دارای هدف مطلوب مطلق است و اصلاح و افساد، همواره از تعریف مشخصی برخوردارند. بدین ترتیب، هرگاه حرکتی رو به صلاح باشد، آن حرکت، حرکتی اصلاحی خواهد بود، خواه دیگران آنرا اصلاح و خواه افساد تلقی نمایند و هرگاه حرکتی رو به فساد باشد، آن حرکت، افساد خواهد بود، خواه دیگران آنرا افساد و خواه اصلاح تلقی نمایند. اصلاح یا افساد تابع هوس و سلیقه اشخاص نیست، بلکه تابع آن هدف مطلوب و مطلق است که خلقت جهان آفرینش، ارسال رُسل، انزال کتب و دیگر موهبت‌های الهی در راستای تحقق آن می‌باشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ص ۸۶).

هدف از خلقت تمام هستی، هدایت بشر است. هرچه که در این مسیر قرار گیرد و انسان را در رسیدن به این هدف یاری رساند، اصلاح و هرچه که انسان را از این مسیر

دور کند، فساد شمرده خواهد شد. همین معنای واقعی از فساد، قبل از خلقت انسان، برای ملائکه نیز قابل پیش‌بینی بود. از این رو، آنان به محض مطلع شدن از خلقت انسان در روی زمین و جانشینی او از سوی خداوند، از خداوند متعال سؤال کردند: «أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ؛ آیا بر زمین کسی را می‌گماری که در آن فساد انگیزد و خونها بریزد و حال آن‌که ما با ستایش تو، [تو را] تنزیه می‌کنیم و به تقدیست می‌پردازیم» (بقره، ۳۰).

حال آنکه پاسخی که در این آیه از ملائکه حکایت شده، اشعار بر این معنا دارد، که ملائکه از کلام خدای تعالی که فرمود: می‌خواهم در زمین خلیفه بگذارم، چنین فهمیده‌اند که این عمل باعث وقوع فساد و خونریزی در زمین می‌شود، چون می‌دانسته‌اند که موجود زمینی بخاطر اینکه مادی است، باید مرکب از قوایی غضبی و شهوی باشد، و چون زمین دار تزاحم و محدود الجهات است، و مزاحمت در آن بسیار می‌شود، مرکباتش در معرض انحلال، و انتظام‌هایش و اصلاحاتش در مظنه فساد و بطلان واقع می‌شود، لا جرم زندگی در آن جز به صورت زندگی نوعی و اجتماعی فراهم نمی‌شود، و بقاء در آن به حد کمال نمی‌رسد، جز با زندگی دسته جمعی، و معلوم است که این نحوه زندگی بالآخره بفساد و خونریزی منجر می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۷۷).

بنابراین وقوع فساد، با تعریف و واقعیت مشخصی، برای ملائکه قابل پیش‌بینی بوده است. مشخص می‌شود که باتوجه به دلیل اصلی خلقت که آن هدایت باشد، هر چیزی که به انسان کمک کند تا به فطرت اصلی خود که هدایتی است برسد را صلاح نامند و هر آنچه وی را از مسیر اصلی خود دور کند و به ورطه نابودی بکشاند را فساد گویند؛ هر چند آنچه در ظاهر و چهره رویی کار، بر عکس نتیجه خود را نمایان نماید.

کسانی ممکن است از روی اشتباه یا برای اغفال دیگران، ادعای اصلاح‌گری کنند، اما معنای مورد نظر آنان از اصلاح، قابل تطبیق با اصلاح واقعی نباشد. مطابق با اینکه علامه جوادی آملی در خصوص تعریف و مصداق صالحان، بیان می‌کند که صالح بودن ذات غیر از صالح بودن عمل است و عمل صالح داشتن، اعم از آن است که هویت ذات

عامل، صالح باشد یا نه (جوادی آملی، ۱۳۸۸، صص ۷-۱۲۷-۱۲۸)؛ قرآن کریم در مورد چنین کسانی می‌فرماید: وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِن لَّا يَشْعُرُونَ؛ و چون به آنان گفته شود در زمین فساد مکنید می‌گویند ما خود اصلاح‌گریم. به هوش باشید که آنان فسادگرند، لیکن نمی‌فهمند (بقره، ۱۱-۱۲). در این‌که چگونه اینان خود را اصلاح‌گر می‌دانستند دو نظر است:

۱- نفاق و دو رویی آنان که از نظر مسلمین زشت و فاسد شمرده می‌شد از نظر خودشان عملی پسندیده و به صلاح آنان به حساب می‌آمد؛ چرا که منافقین با این روش می‌خواستند در بین هر دو دسته سالم بمانند.

۲- کارهای زشتی که مرتکب می‌شدند از قبیل گناه و جلوگیری مردم از ایمان و یا تحریف کتاب و امثال آن در ظاهر انکار می‌کرده و می‌گفتند: ما این کارها را نمی‌کنیم و ما صالح و مصلحیم و خود این کار نفاق دیگری از آنان بود و همان‌طور که اظهار ایمان می‌کردند و در واقع مؤمن نبودند قرآن می‌گوید: آگاه باشید اینان که فساد و نفاق را صلاح خود می‌دانند یا کارهای زشت خود را انکار می‌کنند اینان فسادگردانند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۳۸).

آنچه می‌توان از این آیه شریفه استنباط کرد، ادعای اصلاح در روی زمین همواره از سوی منافقین مطرح می‌شد، حال آنکه مفسد واقعی این افراد هستند؛ بنابراین، یک صلاح و فساد واقعی در جهان وجود دارد اما ممکن است عده‌ای در تشخیص آن دچار اشتباه شده و به‌جای حرکت در مسیر صلاح واقعی به فساد روی آورند.

از دیدگاه قرآن اصلاح بشر تنها در پرتو اجرای قوانین کتاب آسمانی و دین خدا، امکان‌پذیر است. تعالیم قرآنی به ما می‌آموزد که افزون‌بر پیامبران و پیشوایان دین و اولیای الهی همه کسانی که به کتاب آسمانی و قوانین و احکام الهی تمسک جویند، راه تقوا و عفاف را بپویند، در برابر پروردگار سر تسلیم فرود آورند و قادر به اصلاح امور مردم باشند؛ جزء مصلحان هستند. در قرآن به همان اندازه که از حرکت‌های اصلاحی دفاع می‌شود، به حرکت‌های ضد اصلاحی حمله می‌گردد، هر چند رهبران آن به ظاهر مدعی اصلاح طلبی باشند؛ به‌عنوان مثال ادعای اصلاح طلبی منافقان به شدت تخطئه

شده است «و إذا قيل لهم لا تفسدوا في الارض قالوا انما نحن مصلحون* الا انهم هم المفسدون و لكن لا يشعرون؛ هر گاه به آنها گفته شود در زمین فساد نکنید، می گویند: ما فقط اصلاح گرانیم، آگاه باشید که اینها مفسدانند و خود هم به دقت درك نمی کنند (بقره، ۱۱-۱۲). اصلاح طلبی يك روحیه اسلامی است. هر مسلمانی به حکم اینکه مسلمان است خواه ناخواه اصلاح طلب و لا اقل طرفدار اصلاح طلبی است زیرا اصلاح طلبی هم به عنوان يك شأن پیامبری در قرآن مطرح شده و هم مصداق امر به معروف و نهی از منکر است (باباپور، بی تا، صص ۵-۶).

یکی از مباحث دارای اهمیت در تعیین ملاک صلاح و فساد، پذیرش یا عدم پذیرش یک هدف مطلوب مطلق در بحث از فلسفه ارزش‌ها است. برخی معتقدند که انسان از چنین هدفی برخوردار است و باید برای رسیدن به آن تلاش کند. اما برخی دیگر بر این اعتقادند که نمی‌توان هدف مطلوب مطلق را برای تمام انسان‌ها معرفی کرد. این اندیشه که هم‌اینک در غرب دارای گرایش غالب است، با مسئله نسبی‌گرایی در ارتباط است. با ترویج گرایش‌های لیبرالی و افکار انسان‌مدارانه و فردگرایانه، دیگر جایی برای تعریف هدف مطلوب مطلق باقی نخواهد ماند؛ از این‌رو هر گاه نسبی‌گرایان دم از اصلاح و افساد برمی‌آورند، تنها به تعریف خود از این دو واژه توجه دارند.

مبانی فکری نسبی‌گرایانه در غرب، نسبی‌گرایان را به این سو کشانده است که صلاح و فساد ویرای خواست و اراده افراد وجود ندارد. در واقع، صلاح همان است که مردم خواهان آن هستند و فساد همان است که مردم از آن پرهیز می‌کنند (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ص ۸۸).

اما بر اساس تعالیم انبیا الهی، تنها روشی که از سوی پیامبران آورده شده است، برحق است و هر چه که مخالف آن باشد، باطل محسوب خواهد شد: «فَدَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنْتِ تُضِرُّونَ؛ این است خدا پروردگار حقیقی شما و پس از حقیقت جز گمراهی چیست؟ پس چگونه [از حق] بازگردانیده می‌شوید؟» (یونس، ۳۲).
در تفسیر اثنی عشری اینگونه بیان شده که: تأمل کنند در اینکه شعاع دیانت حقّه

الهیة مانند آفتاب عالم تاب، تمام روی زمین را احاطه نموده، و براهین ساطعه آن در هر عصر و زمان گویا بوده؛ پس اعراض از حق و حقانیت، البته وقوع در باطل و ضلالت باشد، و عاقبت تمام بندگان به جزای الهی است. با وجود بر این، چگونه شخص عاقل، حق را که موجب نجات دنیا و آخرت است صرف نظر نموده، باطل را که سبب هلاکت است اختیار کند؟ (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۳۰۸).

در تفسیر المیزان این گونه بیان شده که خدایی که تدبیر همه امور بدست اوست، پروردگار حقیقی شماسست و حالا که ربوبیت او حق است، پس هدایت در پیروی از او و عبادت کردن اوست، چون هدایت همواره قرین حق است و نه غیر آن، لذا در نزد غیر حق که همان باطل است، چیزی جز گمراهی و ضلالت نخواهد بود و بنابراین، از حق روی گردانده و به چه سوئی می‌روید؟ و حال آنکه هدایت همه‌اش در جانب حق است و در ضلالت چیزی جز باطل نیست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، صص ۷۵-۷۶).

بنابراین تنها در صورتی می‌توان از اصلاحات صحیح دینی سخن به میان آورد که یک معرفت دینی واحد وجود داشته باشد؛ البته این کلام تنها در مورد مسائل اساسی اسلام صحیح خواهد بود؛ چراکه در این گونه مسائل، از طرق مختلفی نظیر نص قرآن، خبر متواتر و خبر واحد معطوف به قراین قطعی، می‌توان به نظر قطعی اسلام پی‌برد. اما در مسائل فرعی، پاسخ‌های ظنی نیز کفایت می‌کند؛ زیرا به دلیل عدم دسترسی به امام معصوم علیه السلام، نمی‌توان به احکام قطعی دست یافت. در این گونه موارد که مجتهدین، در فتاوی خود اختلافاتی دارند، اختلاف قرائت‌ها مورد قبول است. البته در همین گونه مسائل نیز تنها نظرات و اختلافات صاحب نظران پذیرفته می‌شود، نه هر کس که از خود نظری ارائه می‌دهد (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، صص ۱۰۰-۱۰۱).

برای هر گونه اصلاح دینی، باید قرائت معتبری از دین را پذیرفت تا بتوان با آن، صلاح و فساد را از یکدیگر تمییز داد. در صورتی که کسانی تلاش کنند تا دین را بر طبق خواست افراد تعریف نمایند، دیگر، آن عمل اصلاح دینی به شمار نخواهد رفت، بلکه اصلاح مبتنی بر نسبی‌گرایی خواهد بود که براساس آن هر کس برای خود صلاح و فساد خاصی دارد و کسی هم نمی‌تواند دیگری را به خاطر عدم پذیرش تعریف او از

صلاح و فساد مؤاخذه کند. چنین نگرشی به خلاف تعالیم قرآن و اصول مسلم اسلام است (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۱).

حاصل آنکه، از نظر علامه مصباح که به یقین بر گرفته از قرآن کریم است، اصلاح و افساد واقعی وجود دارد و پذیرش افکار پلورالیستی (تکثر گرایی) و نسبی گرایی در حوزه ارزش‌ها، به معنای نفی آن دو خواهد بود. برخلاف دیدگاه رایج در غرب، که مبتنی بر افکار پلورالیستی است، هر کس یا گروهی می‌تواند برای خود، تعریف خاصی از اصلاح و افساد داشته باشد. در این صورت در یک جامعه چندین میلیونی، نمی‌توان یک اصلاح مطلوب مطلق را تعریف نمود. اصلاح در نزد یک گروه، همان خواهد بود که آن گروه خواهان آن است و در نزد گروه دیگر آن چیزی خواهد بود که برای آن گروه مطلوبیت دارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ص ۸۹).

نتیجه‌گیری

مفهوم صلاح و فساد از مفاهیم متمایز در حیطه تعریف است. به این معنا که در مکاتب مختلف براساس دریافت و بینش‌های هر مکتب تعریفی متمایز از آن عرضه شده است. برداشت درست از هر مفهومی که نقش کلیدی در جامعه دارد، در پیشبرد هر چه بهتر و درست‌تر افراد تحت پوشش، ایفا می‌کند و به همین منظور باید یک تعبیر مطلق و درستی را عرضه کرد و دیگر نظرات خارج از استاندارد را از مبحث خارج کرد. در مکاتب مختلف اعم از تکثر گرایی و نسبی گرایی، قایل به عدم وجود معنی دقیق و درستی از صلاح و فساد هستند و بیان می‌دارند که ممکن است در مکتبی، امری صلاح اما در مکتب دیگر همان مورد فساد تلقی شود. مبانی فکری نسبی‌گرایانه در غرب، نسبی‌گرایان را به‌جایی رسانده است که صلاح و فسادی جدای خواست و اراده افراد وجود ندارد. در واقع، صلاح همان است که مردم خواهان آن هستند و فساد همان است که مردم از آن پرهیز می‌کنند. اما در مفاهیم اسلامی و مطابق با آیات قرآن، معنای مطلق برای مفهوم صلاح و فساد وجود دارد که البته نقش تعیین‌کننده و کلیدی خواهد داشت و برای هر نوع اصلاح دینی، باید قرائت معتبری از دین را پذیرفت تا بتوان

با آن، صلاح و فساد را از یکدیگر تمییز داد. می‌توان اینگونه بیان کرد که علت برداشت و حتی ملاک و مصداق اشتباه صلاح و فساد در مکاتب غربی، عدم اعتقاد به داشتن هدف مطلوب برای تمامی انسان‌ها است و با ورود به دنیای انسان‌گرایی، نسبی‌گرایی و... تنها در زمان مواجه با صلاح و فساد به تعریف این دو واژه پرداخته‌اند نه تعیین مصداق متقن.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ایرانمنش، مهدی. (بی‌تا). صلاح و فساد، امری فردی است یا اجتماعی و ساختاری. سایت صدای اندیشه به آدرس:
<https://3danet.ir/%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD-%D9%88-%D9%81%D8%B3%D8%A7%D8%AF-%D9%85%D9%87%D8%AF%DB%8C-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86%D9%85%D9%86%D8%B4/>
۲. باباپور، مهدی. (بی‌تا). احیاگری و اصلاح طلبی در نهضت حسینی. بی‌جا: بی‌نا.
۳. پرور، اسماعیل، اصلاحات. (۱۳۸۰). راه‌های مقابله با فقر، فساد و تبعیض. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی، بی‌نا.
۴. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). تسنیم (محقق: حسن واعظی محمدی). قم: موسسه اسراء.
۵. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین. (۱۳۶۳). تفسیر اثنی عشری (چاپ ۱). تهران، میقات.
۶. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغت‌نامه دهخدا. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن (چاپ ۱). بیروت: دمشق.
۸. رحیمیان، محمدحسن. (۱۳۶۵). «مروری گذرا بر دیگر مکاتب اخلاقی»، فلسفه و کلام. نشریه پاسدار اسلام، شماره ۶۰، ص ۳۶-۴۰.
۹. سبحانی، جعفر. (۱۳۷۹). «رابطه دین و اخلاق (۷) تحلیل و نقد چهار مکتب اخلاقی». نشریه کلام اسلامی، شماره ۳۵، ص ۱۷-۴.
۱۰. صاحب بن عباد، إسماعیل بن عباد. (۱۴۱۴ق). المحيط فی اللغة (چاپ ۱). بیروت: عالم الکتب.

۱۱. صادقی رشاد، علی اکبر. (بی تا). اصلاحات علوی معنا منطق و قلمرو. بی نا.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن (چاپ ۵). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلام.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (چاپ ۳). تهران: ناصر خسرو.
۱۴. عمید، حسن. (۱۳۶۳). فرهنگ عمید. تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر.
۱۵. فراهیدی، خلیل بن أحمد. (۱۴۰۹ق). کتاب العین (چاپ ۲). قم: نشر هجرت.
۱۶. قرشی بنایی، علی اکبر. (۱۴۱۲ق). قاموس قرآن (چاپ ۶). تهران: دار الکتب الاسلامیه
۱۷. کاپلستون، فردریک. (۱۳۷۵). تاریخ فلسفه، جلد ششم، ترجمه اسماعیل سعادت و منوچهر بزرگمهر، تهران: شرکت علمی - فرهنگی سروش
۱۸. کانت، ایمانوئل. (۱۳۹۴). بنیاد مابعدالطبیعه اخلاق (مترجم: حمید عنایت و علی قمصری). تهران: خوارزمی
۱۹. مانی فر، محمدرضا. (۱۳۸۱). امام حسین علیه السلام و اصلاحات، بی نا.
۲۰. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۸). نقد و بررسی مکاتب اخلاقی. (چاپ ۶، محقق: احمد حسین شریفی). قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۱. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۳). اصلاحات، ریشه‌ها و تیشه‌ها (چاپ ۳، نگارش: قاسم شبان‌نیا). قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۲. مصباح یزدی. (۱۳۹۱). اخلاق در قرآن، (محقق و نگارنده: محمدحسین اسکندری). قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۳. معین، محمد. (۱۳۶۴). فرهنگ فارسی. تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر.
۲۴. مؤمنی، داوود. (۱۳۹۸). روش‌های مبارزه با فساد در قرآن. روزنامه کیهان:

<https://kayhan.ir/fa/news/181441>

References

* The Holy Quran

1. Amid, H. (1984). Amid Dictionary. Tehran: Amir Kabir Publishing Institute. [In Persian]
2. Babapour, M. (n.d.). Revivalism and reformism in the Hussaini movement. [In Persian]
3. Copleston, F. (1996). History of philosophy, Volume 6 (I. Sa'adat & M. Bozorgmehr, Trans.). Tehran: Soroush Scientific-Cultural Company. [In Persian]
4. Dehkhoda, A. A. (1994). Dehkhoda Dictionary. Tehran: University of Tehran Press. [In Persian]
5. Farahidi, K. b. A. (1988). Kitab al-Ain (2nd ed.). Qom: Hejrat Publishing. [In Arabic]
6. Hoseini Shah Abdolazimi, H. (1984). Tafsir-e Esna Ashari (1st ed.). Tehran: Miqat. [In Persian]
7. Iranmanesh, M. (n.d.). Is reform and corruption an individual, social, or structural matter? Seday-e Andisheh. Retrieved from <https://3danet.ir/%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD-%D9%88-%D9%81%D8%B3%D8%A7%D8%AF-%D9%85%D9%87%D8%AF%DB%8C-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86%D9%85%D9%86%D8%B4/> [In Persian]
8. Javadi Amoli, A. (2009). Tasnim (H. Vaezi Mohammadi, Ed.). Qom: Esra Institute. [In Persian]
9. Kant, I. (2015). Groundwork of the Metaphysics of Morals (H. Enayat & A. Ghamsari, Trans.). Tehran: Kharazmi. [In Persian]
10. Manifar, M. R. (2002). Imam Hussain and reforms. [In Persian]
11. Mesbah Yazdi, M. T. (2013). Ethics in the Quran (M. H. Eskandari, Ed.). Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]

12. Mesbah Yazdi, M. T. (2014). Reforms: Roots and challenges (3rd ed., Q. Shaban Nia, Ed.). Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
13. Mesbah Yazdi, M. T. (2019). Critique and review of ethical schools (6th ed., A. H. Sharifi, Ed.). Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
14. Moein, M. (1985). Persian Dictionary. Tehran: Amir Kabir Publishing Institute. [In Persian]
15. Momeni, D. (2019). Methods of combating corruption in the Quran. Kayhan Newspaper. Retrieved from <https://kayhan.ir/fa/news/181441> [In Persian]
16. Parvar, E. (2001). Ways to combat poverty, corruption, and discrimination. Qom: Islamic Research Center. [In Persian]
17. Qarshi Banai, A. A. (1991). Qamus al-Quran (6th ed.). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiya. [In Persian]
18. Raghیب Esfahani, H. b. M. (1991). Mufradat Alfaz al-Quran (1st ed.). Beirut: Damascus. [In Arabic]
19. Rahimian, M. H. (1986). A brief review of other ethical schools of thought. Philosophy and Kalam, Pasdar Islam Journal, 60, 36-40. [In Persian]
20. Sadeqi Rashad, A. A. (n.d.). Alawi reforms: Meaning, logic, and scope. [In Persian]
21. Sahib b. Ebad, I. b. E. (1993). Al-Muhit fi al-Lugha (1st ed.). Beirut: Alam al-Kitab. [In Arabic]
22. Sobhani, J. (2000). The relationship between religion and ethics (7): Analysis and critique of four ethical schools. Kalam-e Islami Journal, 35, 4-17. [In Persian]
23. Tabarsi, F. b. H. (1993). Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran (3rd ed.). Tehran: Naser Khosrow. [In Persian]
24. Tabatabai, M. H. (1995). Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (5th ed.). Qom: Islamic Seminary of Qom, Office of Islamic Publications. [In Persian].



The Structuralist Semantics

Isa Mousazadeh¹

Received: 2024/07/14 • Revised: 2024/10/22 • Accepted: 2024/11/09 • Published online: 2025/02/17

Abstract

In Saussure's thought, language is a passive and collective, universal system of signs, agreed upon by the members of a community, which is installed and fixed in their minds like software. The signs of language only gain their value, role, and meaning in relation to each other within the system, and they are contrasted with one another. Therefore, it is not the form, gender, or other characteristics that determine the role, value, and meaning of a sign, but the structure, rules, and conventions. In fact, it is language that makes speech and thought possible by creating distinctions. In this way, the source of meaning in structuralist thought is language, which, according to the features assigned to it, exists before the speaker and text. This study, using a descriptive-analytical method, aims to explain Saussurian structuralist semantics while highlighting the shortcomings of this approach. The result of the study shows that Saussure's structural semiotic system is like a dictionary, where signs are mechanically connected to referents in a closed, collective system, and signs are distinguished from one another in a structural order. As a result, the word is considered the unit of meaning study, and linguistic knowledge

1. Ph.D. graduate in Philosophy, Researcher at Islamic Sciences and Culture Academy.
mousazadeh@isca.ac.ir.

* Mousazadeh, M. (2024). The Structuralist Semantics. *Journal of Studies of Quranic Sciences*, 5(10), pp. 171-193.
<https://doi.org/10.22081/jikm.2024.69523.1099>

is treated as encyclopedic knowledge. When we consider the word as the unit of meaning study, we assume that words have meaning before being placed in a sentence, whereas the meaning of a word cannot be analyzed independently of the context it is used in, the prevailing atmosphere, and the information stored in the memory of language users.

Keywords

Saussure, Structuralism, Language, Sign, Meaning, Synchrony.



الدلالة البنيوية

عيسى موسى زاده¹

تاريخ الإستلام: 2024/07/14 • تاريخ التعديل: 2024/10/22 • تاريخ القبول: 2024/11/09 • تاريخ الإصدار: 2025/02/17

الملخص

اللغة في فكر سوسير هي نظام سلمي وجماعي (وليس اجتماعي) من العلامات التي يتفق عليها أفراد المجتمع ويتم تثبيتها وتأسيسها في أذهان أفراد المجتمع مثل البرمجيات. إن العلامات اللغوية تجدد قيمتها ودورها ومعناها المحددين في علاقتها ببعضها البعض وداخل نظام معين فقط، وتكون في معارضة لبعضها البعض؛ لذلك فإن وظيفة العلامة ودورها وقيمتها ومعناها تتحدد من خلال بنيتها وقواعدها واتفاقياتها، وليس من خلال شكلها أو جنسها وما إلى ذلك. في الواقع، إن اللغة، بما توفره من مميزات، هي التي تجعل من الممكن التحدث والتفكير. وعلى هذا فإن العامل ومصدر المعنى في فكر البنيويين هو اللغة، وهو شيء موجود قبل المتكلم والمؤلف وفقاً للخصائص التي ينسبونها إليه. تهدف هذه الدراسة، التي تعتمد المنهج الوصفي التحليلي، إلى تفسير الدلالة البنيوية السوسيرية ومعالجة أوجه القصور في هذه المدرسة من الدلالة. وتم في بيان نتيجة الدراسة الحالية بأن نظام السيميائية البنيوية السوسيرية يشبه القاموس الذي يربط بين الدالات والمدلولات في نظام مغلق وبمنطق ميكانيكي، ويميز العلامات عن بعضها البعض في ترتيب بنيوي. ومن ثم فإنهم يعتبرون الكلمة هي المعيار لدراسة المعنى، ويميزون المعرفة اللغوية عن

1. دكتوراه في الفلسفة، باحث رسمي في معهد العلوم والثقافة الإسلامية. mousazadeh@isca.ac.ir

* موسى زاده، عيسى. (2024م). الدلالة البنيوية، الفصلية العلمية - الترويجية لدراسات علوم القرآن، 5(10)،

<https://Doi.org/10.22081/jikm.2024.69523.1099>

صص 171-193.

المعرفة الموسوعية. وعندما نعتبر الكلمات أساساً ومعياراً لدراسة المعنى، فإننا نعتبر الكلمات ذات معنى قبل تضمينها في الجملة، في حين لا يمكن فحص معنى الكلمة بشكل مستقل عن السياق الذي تستخدم فيه، والفضاء الذي يحكمها، والمعلومات المتوفرة في ذاكرة مستخدمي اللغة.

الكلمات الرئيسية

سوسير، البنيوية، اللغة، العلامة، المعنى، التزامن.



معناشناسی ساخت گرایانه

عیسی موسی‌زاده^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۴ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۸/۰۱ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۹ • تاریخ آنلاین: ۱۴۰۳/۱۱/۲۹

چکیده

زبان در اندیشه سوسور، امری منفعل و نظامی جمعی و همگانی (نه اجتماعی) از نشانه‌هاست که مورد توافق اعضای جامعه بوده و همچون نرم‌افزاری روی ذهن اعضای جامعه نصب و تثبیت شده است. نشانه‌های زبان در نسبت با هم و تنها در درون یک نظام است که ارزش، نقش و معنای خاص خود را پیدا می‌کنند و در تقابل با هم قرار می‌گیرند؛ بنابراین وظیفه، نقش، ارزش و معنای یک نشانه را ساختار، قواعد و قراردادهای هستند که تعیین می‌کند نه شکل، جنس و... آنها. در واقع این زبان است که با تمایزاتی که فراهم می‌کند، امکان سخن گفتن و اندیشیدن را فراهم می‌کند. به این ترتیب عامل و خاستگاه معنا در اندیشه ساخت گرایان زبان است، چیزی که با توجه به ویژگی‌هایی که برایش برمی‌شمارند، قبل از سخن‌ور و ماتن وجود دارد. تحقیق حاضر با روش توصیفی-تحلیلی بر آن است تا ضمن توضیح معناشناسی ساخت گرایانه سوسوری، کاستی‌های این نوع از معناشناسی را مورد توجه قرار دهد. نتیجه تحقیق حاضر نشان می‌دهد که نظام نشانه‌شناسی ساخت گرای سوسوری، همانند فرهنگ لغتی است که با منطقی مکانیکی، دال‌ها را در یک نظام بسته همگانی بر مدلول‌ها پیوند می‌زند و در یک نظم ساختاری نشانه‌ها را از هم متمایز می‌کند. در نتیجه واژه را به‌عنوان واحد مطالعه معنی در نظر گرفته و دانش زبانی از دانش دایرةالمعارفی تفکیک می‌کنند.

۱. دانش‌آموخته دکتری فلسفه، محقق رسمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. mousazadeh@isca.ac.ir

* موسی‌زاده، عیسی. (۱۴۰۲). معناشناسی ساخت گرایانه. فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات علوم قرآن، ۵(۱۰)، صص ۱۷۱-۱۹۳. <https://doi.org/10.22081/jikm.2024.69523.1099>

وقتی واحد مطالعه معنی را واژه در نظر بگیریم، واژه‌ها را پیش از اینکه در جمله قرار گیرند دارای معنی می‌دانیم، در صورتی که معنای واژه مستقل از بافتی که در آن بکار رفته و فضای حاکم بر آن و اطلاعات موجود در حافظه کاربران زبان قابل بررسی نیست.

کلیدواژه‌ها

سوسور، ساخت‌گرایی، زبان، نشانه، معنا، همزمانی.

مقدمه

مفهومی که با عنوان ساخت‌گرایی یاد می‌شود، به‌طور مستقیم تحت تأثیر روش مواجهه فردیناند دو سوسور (۱۸۵۷-۱۹۱۳) با نظام‌های معنایی است. سوسور زبان‌شناسی سوئیسی است که امروزه با درس‌گفتارهایی که در دانشگاه ژنو ایراد کرده بود مورد توجه قرار می‌گیرد. درس‌گفتارهایی که پس از مرگ وی، در سال ۱۹۱۶، با عنوان دوره زبان‌شناسی عمومی منتشر شدند. این درس‌گفتارها حاوی نظریات سوسور در مورد امر زبانی و دانش زبان‌شناسی است که پس از او مورد توجه قرار گرفتند. او در دوره زبان‌شناسی عمومی، به نقد روش‌های پیشین در مواجهه با امر زبانی می‌پردازد و در مقابل آن‌ها، روش خاص خود را پیشنهاد می‌کند.

سوسور زبان را به مثابه نظامی از نشانه‌ها در نظر می‌آورد که از وحدت یک صورت آوایی (لفظ، دال) و یک تصویر ذهنی (مفهوم، مدلول) تشکیل شده‌اند که در آنها دو جنبه نشانه‌ها (جنبه لفظی و جنبه مفهومی) با وجود اختیاری بودن ماهیتشان (دلالت اختیاری و قراردادی یک صورت آوایی بر یک تصور ذهنی در مقابل دلالت ذاتی و درونی) از همدیگر تجزیه‌ناپذیر هستند. دغدغه سوسور، مطابق تمایزی که میان زبان (نظام نشانه‌ای موجود در ذهن کاربران) و گفتار (استفاده عینی و انضمامی از نظام نشانه‌ای موجود در ذهن کاربران) ایجاد می‌کند، بررسی نظام زبان در کلیت آن است نه پاره‌گفتارهای شخصی. در واقع او در پی ویژگی‌های زیربنایی این نظام و ساختارهایی است که نه تنها به پاره‌گفتارهای فردی تعلق ندارند، بلکه از قامت یک زبان خاص نیز فراتر می‌روند و انتظار می‌رود که در هر نظام معناداری یافت شوند.

سوسور مواجهه‌ای کل‌نگرانه با زبان دارد. بدین معنا که نشانه‌ها اجزاء خودبسنده‌ای نیستند که هر یک به تنهایی قابلیت معنادهی داشته باشند. در مقایسه نقش اجزاء زبانی (نشانه‌ها یا واژه‌ها) و کلیت نظام زبانی (ساختارهای آن)، این کل است که اولویت دارد. اجزاء این کل توانایی معنادهی خود را نه مدیون هویت شخصی خود، بلکه مدیون نظامی هستند که به آن تعلق دارند. نشانه‌های منفرد توانایی معنادهی ندارند، مگر اینکه در یک بافت تعریف شوند و در ارتباط با نشانه‌ها و عناصر دیگر قرار بگیرند. به بیان

دیگر، هر نشانه تنها در معیت دیگر نشانه‌هاست که می‌تواند کارکرد داشته باشد. پس از سوسور و به پیشنهاد خود او، برخی از متفکرین سنت فلسفی فرانسوی این روش مواجهه با نظام نشانه‌ای زبان را در بررسی تعدادی از نظام‌های نشانه‌ای غیرزبانی به کار گرفتند. برای نمونه، لوی استروس این روش را بر مطالعات اسطوره‌شناختی و قوم‌نگارانه خویش اعمال کرد و یارولان بارت آن‌را در خصوص مسائل فرهنگی (چون مد و پوشاک) به کار برد.

در ادامه تلاش خواهیم کرد تا در ضمن شرح تفصیلی دیدگاه زبان‌شناختی سوسور به‌عنوان پایه‌گذار ساخت‌گرایی معاصر، رویکرد ساخت‌گرایانه در معناشناسی را مورد توجه قرار دهیم.

۱. نشانه

سوسور نشانه را امری دو وجهی معرفی می‌کند که از پیوند ناگسستنی بین دال و مدلول به‌جود آمده است. از نظر او صوت صدایی است که به‌شکل مادی تولید می‌شود و هر بار تفاوت‌هایی با بار قبلی دارد، اما تصویری که از صوت در ذهن وجود دارد (دال) ثابت است. همین‌طور مصادیق موجود در جهان خارج چیزهای مادی، متکثر و متغیر هستند، ولی تصور یا مفهوم ثبت شده از مصادیق خارجی در ذهن (مدلول) امری ثابت است. نشانه‌زبانی حاصل پیوند ناگسستنی چنین دال و مدلولی است که واحد تشکیل‌دهنده زبان و واحد مطالعه زبان نیز می‌باشد (سوسور، ۱۹۹۳م، ص ۷۴)؛ بنابراین نشانه امری دو وجهی بوده و از پیوند دال و مدلول که هر دو ذهنی هستند پدید می‌آید و چون واحد تشکیل‌دهنده زبان و واحد مطالعه زبان نیز است، صوت و مصداق به کلی از دایره مطالعات زبان‌شناختی خارج می‌شوند؛ البته نشانه مورد نظر سوسور اجزای هر نهاد معناداری است و همان‌طور که در زبان وجود دارند، در نهادهای حقوقی و آیین‌های اجتماعی و مذهبی و حتی مراسم جشن و غیره نیز یافت می‌شود با این تفاوت مهم که نشانه‌های زبانی اختیاری هستند برخلاف نمادها و سمبل‌های فرهنگی. با این وجود امر زبانی اشتراکات اساسی و قابل مقایسه‌ای با نهادهای اجتماعی در اندیشه سوسور پیدا

می‌کند و می‌توان گفت که نه تنها زبان، بلکه اساساً هر کلیت معناداری را می‌توان در قالب مجموعه‌ای از نشانه‌ها فهم کرد.

بنابراین سوسور از زبان به مثابه امری ذهنی و انتزاعی سخن می‌گوید. در نتیجه، نشانه‌ها با کلمات نوشته شده یا واژه‌ها و اصوات ادا شده یکسان نیستند. هر دو وجه نشانه، یعنی هم مفهوم مد نظر و هم تصویر آوایی متحدشده با این مفهوم، هر دو ذهنی‌اند و تصویر آوایی همان صوت مادی نیست، بلکه نقشی است که از این صوت در ذهن نقش می‌بندد.

در ادامه به چند اصل در مورد نشانه‌ها می‌پردازیم که از پایه‌های زبان‌شناسی سوسور به شمار می‌روند:

۱-۱. ماهیت اختیاری نشانه‌ها

از نظر سوسور نشانه‌های زبان شناختی اختیاری هستند به این معنا که رابطه میان تصویر آوایی و مفهومی که با آن متحد می‌شود رابطه‌ای اختیاری است. او می‌گوید: «پیوندی که یک تصویر آوایی را به یک مفهوم مشخص متصل می‌سازد و به آن ارزش نشانه‌ای‌اش را اعطا می‌کند پیوندی است اساساً دلخواهانه و اختیاری» (سوسور، ۱۹۹۳م، ص ۷۶). برای نمونه، اگر کاربران زبان فارسی، از ابتدا، برای اشاره به مفهوم زمین، به جای تصویر آوایی «زمین» از تصویر آوایی دیگری، برای مثال «ن م ی ز» استفاده می‌کردند، هیچ مشکلی در معنادگی پیش نمی‌آمد و جمله «نمیز زیباست» امروزه جمله‌ای به‌طور کامل درست و بامعنا می‌بود. اختیاری بودن نشانه‌های زبانی، همان‌طور که قبلاً اشاره شد، مهمترین تفاوت آنها با نمادها و سمبل‌های فرهنگی است. هیچ پیوند درونی و ضروری‌ای نشانه‌های زبانی را به مفهومشان متصل نمی‌کند و این در حالی است که نمادها و سمبل‌های فرهنگی دارای ضرورتی حداقلی هستند. در واقع نمی‌توان از اصطلاح نماد یا سمبل زبان‌شناختی استفاده کرد، چرا که «یک نماد هیچگاه خالی نیست و دست کم یک رابطه بدوی میان مفهوم و چیزی که به‌عنوان نشانه آن عمل می‌کند وجود دارد» (سوسور، ۱۹۹۳م، ص ۷۶). از طرفی باید توجه کرد که نشانه‌ها تنها در ساحت

انتزاعی زبان اموری اختیاری هستند و هر صورت آوایی یا تصویری را می‌توان جایگزین صورت دیگری کرد در حالی که در ساحت گفتار، هنگامی که کاربران یک زبان شروع به استفاده از آن می‌کنند، الزام و تحمیلی وجود دارد که اجازه تغییر در صورت این نشانه‌ها را نخواهد داد. این اختیاری بودن و اجباری بودن همزمان امر ذهنی چون نشانه دور از انتظار نبود و می‌توان گفت هر نظمی که در ذهن است و تا زمانی که در ذهن است امکان تغییر دارد، ولی به محض اینکه در واقع برقرار و محقق شد، الزام آور می‌شود.

۲-۱. هویت ذاتی و درونی نداشتن نشانه

دامنه معنایی یک نشانه زبانی توسط معنای دیگر نشانه‌هاست که محدود می‌شود؛ چراکه نشانه‌های زبانی دارای یک هویت منفرد ایجابی نیستند و تفاوت و افتراق میان یک نشانه با نشانه‌های دیگر موجود در نظام زبانی است که هویت بخش به آن نشانه است و هر نشانه زبانی در واقع چیزی است که دیگر نشانه‌های زبان نیستند و این یعنی کارکرد نشانه‌ها نه بر مبنای ارزش درونی آنها که بر مبنای وضعیت رابطه‌ای آنها است (سوسور، ۱۹۹۷م، ص ۸). به عبارت بهتر، نشانه به‌طور اساسی نمی‌تواند هویت درونی و ذاتی داشته باشند.

برای روشن شدن مطب بالا می‌توان بازی شطرنج را به‌عنوان نظامی معنادار مورد توجه قرار داد. هر کدام از مهره‌های این نظام معنادار دالی است که بر مدلولی ارجاع می‌دهد. برای مثال مهره رخ (نه شکل نوشتاری یا صوتی واژه رخ) دالی است که به مدلول توانایی حرکت به‌شکل L بر روی صفحه بازی ارجاع می‌دهد و به همین دلیل است که اگر گم شود می‌تواند با چیز دیگری مانند جبه قندی جایگزین شود. بر همین اساس می‌توان استدلال کرد چیزی که در خصوص هویت و کارکرد مهره شطرنج اهمیت دارد تمایزی است که بین مهره مذکور و دیگر مهره‌ها وجود دارد نه جنس و شکل و اندازه آن مهره. خلاصه اینکه ملاحظه می‌شود افزون‌بر اینکه میان مهره رخ (دال) و حرکت آن به‌شکل L بر روی صفحه شطرنج (مدلول) هیچ رابطه ذاتی و

درونی‌ای وجود ندارد، مهره رخ تا زمانی می‌تواند نقش کارکردی خود را ایفا کرده و حضوری معنادار بر روی صفحه شطرنج داشته باشد که از مهره‌های دیگر (پیاده، فیل، و...) متمایز گردد. در نتیجه همانطور که کالر بیان می‌کند، هویت مهره‌ها به نقش کارکردی متفاوت آنها در درون نظام معنادار مربوط است نه ویژگی فیزیکی آنها مانند شکل، اندازه، رنگ و... (کالر، ۱۹۸۶م، ص ۳۸). چنین تفاوت‌هایی برای دلالت‌گر بودن زبان اهمیتی ضروری داشته و مبنای معناداری نشانه‌های آن است. به گفته سوسور «تنها از طریق تفاوت میان نشانه‌هاست که می‌توان به این نشانه‌ها یک کارکرد و یک ارزش محول کرد» (سوسور، ۱۹۹۳م، ص ۱۴۲).

باتوجه با آنچه گذشت در مجموع می‌توان گفت که نشانه در اندیشه سوسور، مؤلفه‌ای محدود به نظامی ایستا، خودبسنده و همزمان است که نیروهای گفتمانی و فرهنگی را از دایره‌ی توجه خود کنار گذارده و موجودیت آنها را به حساب نمی‌آورد و بود و نبود آنها را یکسان فرض می‌کند و از این رو نشانه‌شناسی ساخت‌گرایانه در کل روابط (تمایزی و نسبی) میان‌نشانه‌ها و ساختمان‌دی نظام نشانه‌ها را به یک ساختار ذهنی و انتزاعی و دستگاه بسته و ختثی و روابط دلالتی‌ای که نزد همگان به اشتراک گذاشته شده است فرو می‌کاهد و گروه‌های اجتماعی، روابط قدرت، روابط میان فرادست و فرودست، فرایندهای طبیعی‌سازی معانی در جهت خواست گروه‌ها و باورهای خاص اجتماعی، کثرت معنایی، تفسیری و خوانشی بودن متن و معنا و امکان به چالش کشیدن معانی عرفی شده و فرایندهای عرفی و طبیعی‌سازی معانی را نادیده می‌گیرد؛ بنابراین نظام نشانه‌شناسی ساخت‌گرایانه همانند فرهنگ لغتی است که با منطقی مکانیکی دال‌ها را در یک نظام بسته همگانی بر مدلول‌ها پیوند می‌زند و در یک نظم ساختاری نشانه‌ها را از هم متمایز می‌کند.

۲. زبان

ملاحظه شد که سوسور نشانه را امری دو وجهی معرفی می‌کند که از پیوند ناگسستی میان دال و مدلول به وجود آمده است که هر دو ذهنی هستند. او در ادامه زبان را

مجموعه‌ای نظام‌مند از نشانه‌ها معرفی می‌کند که مورد توافق اعضای جامعه بوده و لذا تثبیت شده است (سوسور، ۱۹۹۳م، ص ۹). این نظام نشانه‌ها به‌طور بالقوه در ذهن کاربران آن وجود دارد؛ چه این کاربران در حال سخن گفتن و استفاده از این نظام باشند و چه نباشند، اما استفاده از این ساختار برای سخن گفتن و ابراز افکار به‌وسیله گفتار انجام می‌گیرد؛ بنابراین زبان نظامی جمعی و همگانی (نه اجتماعی) و در واقع همچون نرم افزاری است که روی ذهن نصب شده است، نظامی منطقی و ساختاری نصب شده روی ذهن اعضای جامعه به مثابه یک کل (کلیت اجتماعی و نه ذهن فرد).

تمایزی که سوسور در ادامه میان «زبان»^۱ و «گفتار»^۲ قایل می‌شود، از بارزترین دوگانه‌هایی است که او از آن برای روشن کردن و تبیین پدیده زبانی بهره می‌برد. گفتار در واقع استفاده شخصی از رمزگان زبانی برای بیان افکار شخصی است، رمزگانی اجتماعی که زبان را سازمان‌دهی می‌کند و ابزار لازم برای استفاده از توانش زبانی را شکل می‌دهد و «اگر از توانش زبانی تمام آن چیزی که صرفاً گفتاری است را حذف کنیم، مابقی را می‌توان به نحو شایسته‌ای زبان نامید؛ زبانی که تنها شامل اصطلاحات ذهنی است» (سوسور، ۱۹۹۳م، ص ۱۰۱). در واقع می‌توان گفت که زبان امری منفعل و موجود در جمع است، برخلاف گفتار که امری فعالانه و شخصی است.

مطابق اندیشه سوسور، پیش از ظهور زبان، هیچ چیز متمایز نیست و تفکر ما، به استقلال از بیان شدن توسط واژه‌ها، تنها یک توده بی‌شکل و نامتمایز است؛ بنابراین اولاً هیچ تصور پیشینی‌ای وجود ندارد و ثانیاً زبان ساختاری است که هم توجیه‌کننده گفتار است و هم توجه‌کننده تعقل و در نتیجه امری تابع تصورات ذهنی و بازنمایی‌کننده صرف آنها نیست، بلکه بر سازنده تصورات و تمایزات است (سوسور، ۱۹۷۴م، صص ۱۱۱-۱۱۲).

مطابق این دیدگاه تحلیل چگونگی ساخته شدن، آشکار شدن و تغییر زبان به‌عنوان

1. La langue

2. La parole

ساختار و نظامی نشانه‌ای هدفی است که زبان‌شناس باید دنبال کند و وظیفه او، به‌عنوان زبان‌شناس، توجه به زبان (نظام) است که امری ذهنی و جمعی است نه گفتار که امری شخصی و عملی است. در بررسی زبان باید تعیین واحدهای زبانی و قوانین ترکیبی آنها که نظام زبانی را تشکیل می‌دهند مورد توجه قرار گیرد و نه توصیف افعال زبانی که اموری شخصی هستند. بعلاوه و در همین راستا سوسور در زبان‌شناسی خود تنها بر نقش یا صورت تأکید می‌کند و مطالعه صوت و مصداق را به علوم دیگر واگذار می‌کند، از این‌رو صوت و مصداق از دایره مطالعات زبان‌شناختی خارج هستند. البته لازم به ذکر است که طرز تلقی او از زبان به‌عنوان نظام نشانه‌ها، دانش زبان‌شناسی را تنها به‌عنوان یکی از شاخه‌های دانش نشانه‌شناسی مورد توجه قرار می‌دهد، دانشی که اعم از زبان‌شناسی است و به‌طور کامل طبیعی است که هر شاخه‌ای از نشانه‌شناسی باید نظریه‌ای متناسب با نشانه‌هایی که با آنها مواجه است داشته باشد.

۳. تمایز مطالعات در زمانی از همزمانی زبان

این امر که زبان در طول زمان توسط کاربران آن مورد استفاده قرار می‌گیرد، مقدمات تأثیر و تأثر عوامل و نیروهای متنوعی را بر زبان فراهم کرده و در نهایت منجر به تغییر و تحول آن می‌شود. سوسور به چنین تأثیر و تأثرات زمانی بر زبان و تحولات ناشی از آنها اقرار دارد.

«زبان‌ها [۰۰۰] در دفاع از خود در برابر عوامل تغییر ناتوانند و این امر به تغییری مداوم در روابط کلی میان دال‌ها و مدلول‌ها (نشانه‌ها) منجر می‌شود. هیچ مثالی نمی‌توان زد که در آن این رابطه [رابطه میان دال و مدلول] همان‌گونه که در ابتدا بوده حفظ شود. [۰۰۰] به فرض اینکه شما یک روز زبانی را تاسیس کنید، فردای آن روز روابط این زبان، توسط اجتماع کاربران آن، دچار تغییر خواهند شد. زبان تا جایی می‌تواند مهار شود که در جریان نباشد» (سوسور، ۱۹۹۳م، ص ۱۰۰).

می‌توان گفت از آنجا که رابطه نشانه با مفهومی که به آن اشاره دارد رابطه‌ای اختیاری است و هیچ امر نامشروط و ذاتی‌ای نیست که ما را ملزم سازد تا برای اشاره به

مفهومی خاص از نشانه‌ای معین استفاده کنیم، نشانه امر ثابتی نیست و به‌طور کامل تغییرپذیر و تابع زمان است؛ از همین رو نیز یک زبان خاص، در دوره‌های تاریخی مختلف، می‌تواند چهره‌های متفاوتی به خود بگیرد. گاه واژه‌های یک زبان، در طول زمان، دچار تغییر می‌شوند؛ گاه واژه‌ای ثابت که در گذشته اشاره به مفهومی خاص داشت، اکنون به مفهومی دیگر اشاره می‌کند و گاه حتی عناصر ساختاری زبان‌ها نیز دستخوش تحول می‌گردند. پس زبان، به محض اینکه به کار گرفته می‌شود، توسط گفتار، شروع به تغییرات تدریجی می‌کند؛ اما از طرفی همین پویایی و تاریخی بودن نشانه باعث می‌شود تا بررسی تاریخی آن اهمیت کمتری داشته باشد. این واقعیت که نشانه در طول زمان مورد تحول قرار می‌گیرد و جوهری ثابت و لایتغیر نیست، زبان‌شناس را بر آن می‌دارد تا دست کم در شاخه‌ای از مطالعات خود از عنصر زمان و تاریخ چشم‌پوشی کرده و به بررسی نشانه‌های زبانی و روابط آنها با یکدیگر، بدون توجه به تغییرات ایجاد شده در طول زمان، بپردازد.

«این واقعیت که نشانه اختیاری و یا تماماً تصادفی است آن‌را متعلق تاریخ می‌سازد اما همچنین بدین معناست که نشانه‌ها نیاز به یک بررسی غیرتاریخی دارند. این مسئله آنقدر که به نظر می‌رسد متناقض‌نما نیست. از آنجایی که نشانه هیچ هسته الزامی‌ای ندارد که بنا باشد بر جای خود باقی بماند، باید آن‌را به‌عنوان یک شیء رابطه‌ای و در ارتباط با پیوندهایش با دیگر نشانه‌ها قلمداد کرد. رابطه‌های مناسب و مرتبط آن‌هایی هستند که در یک زمان معین حاصل می‌شوند» (کالر، ۱۹۸۶م، ص ۴۶).

بنابراین دانستن واقعیات تاریخی در مواجهه با زبان (نظام) اهمیت چندانی ندارد، بلکه روابطه میان نشانه‌هاست که اهمیت دارد.

به‌نظر سوسور «نمی‌توان با نظام ارزش‌ها در ساحت فی‌نفسه و نظام ارزش‌ها در ساحت زمانی به‌طور هم‌زمان مواجه شد.» (سوسور، ۱۹۹۳م، ص ۱۰۳)؛ لذا مطالعات زبان‌شناختی حداقل باید در دو محور مجزا صورت گیرد: محور «همزمانی»^۱ که عامل

1. synchronic

زمان و تحولات تاریخی زبان را در مطالعات زبانی مورد توجه قرار نمی‌دهد و محور «درزمانی»^۱ که زمان و تحولات تاریخی زبان را نیز داخل در مطالعات زبان‌شناختی خود می‌کند. از نظر او چنین تمایزی در مطالعات زبان‌شناختی تمایزی راهبردی و ضروری است، چراکه قوانین همزمانی غیر از قوانین درزمانی هستند. آنها (قوانین همزمانی) عمومی‌اند، ولی قوانین در زمانی کاملاً جزئی و اتفاقی هستند (سوسور، ۱۹۷۴م، ص ۹۲ و ۹۳).

زبان‌شناس می‌تواند تغییرات نشانه‌های زبانی در طول تاریخ را بررسی کند و به اصطلاح دست به مطالعات «درزمانی» بزند و یا می‌تواند عنصر زمان را نادیده گرفته و به مطالعه روابط میان نشانه‌ها در یک وضعیت ثابت و خارج از زمان و تحولات ناشی از آن بپردازد و به اصطلاح دست به مطالعات «همزمانی» بزند (قلمروی که متشکل از مجموعه تفاوت‌های معنا دار است). اما، همان‌طور که گذشت، دانستن واقعیات تاریخی در مواجهه با زبان (نظام) اهمیت چندانی ندارد، بلکه روابطه میان نشانه‌هاست که برای زبان‌شناس اهمیت دارد هر چند که زبان‌شناس باید به آنچه درزمانی است توجه داشته و از نیروهایی که در طول زمان بر زبان تأثیر گذاشته و آن‌را تغییر داده‌اند آگاه باشد.

۴. چپستی ساخت‌گرایی

شاید و به عبارتی بتوان عامل اصلی روی‌گردانی سوسور از زبان‌شناسی تاریخی را ساخت‌گرایی زبان‌شناختی او دانست. توضیح اینکه مبنای ساخت‌گرایی زبان‌شناختی سوسور را باید در دستور زبانی جستجو کرد که امری همزمانی بوده و مورد توجه اوست، یعنی دستور زبانی که مبتنی بر مجموعه‌ای از واقعیات همزمانی ساختاری است و از آنجا که دستور زبان نمی‌تواند شامل روابطی شود که از نظام‌های متفاوت تاریخی کسب می‌شوند، سوسور دنبال «زبان‌شناسی تاریخی» نمی‌رود و معتقد است که مقایسه مطالعات همزمانی زبان ما را از مطالعات درزمانی مستقلی بی‌نیاز می‌کند و هیچ نیازی به مطالعات مستقل درزمانی نیست.

1. diachronic

ساخت‌گرایی اولین بار از سوی کلود لوی استراس معرفی شد. او اندیشه سوسور را ساخت‌گرایانه نامید. در واقع دقیقتر آن است که گفته شود اندیشه‌های سوسور زمینه شکل‌گیری نوعی نظریه معناشناسی واژه‌هایی شد که ساخت‌گرا نامیده شد که دارای مؤلفه‌های ویژه خود است که آن‌را از دیگر معناشناسی‌ها متمایز می‌کند. برای نمونه می‌توان به تحلیل مؤلفه‌ای اشاره کرد که مطابق آن معنای یک واژه (گره) بر پایه مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها (پستاندار-چهارپا-گوشت‌خوار و ...) تحلیل می‌شود، یا به توجه به روبربط مفهومی اعم از هم معنایی، تضاد معنایی، شمول معنایی و ... اشاره کرد که میان مفاهیم واژه‌ها برقرار است و یا توجه به حوزه‌های واژه‌هایی (مانند پستانداران) که مجموعه‌ای از واژه‌های (مانند گره، انسان، اسب و ...) را در بر می‌گیرد که هر کدام مصادقی را در جهان خارج از زبان مورد توجه قرار می‌دهد اشاره کرد.

به‌طور خلاصه ملاحظه شد که سوسور نشانه‌ای دو وجهی را معرفی کرد که از پیوند ناگسستگی میان دال و مدلول به‌جود آمده بود. از نظر او صوت صدایی است که به‌شکل مادی تولید می‌شود و هر بار تفاوت‌هایی با بار قبلی دارد، اما تصویری که از صوت در ذهن وجود دارد (دال) ثابت است. مصادق‌های موجود در جهان خارج چیزهای مادی هستند و تصور یا مفهوم ثبت شده از آنها در ذهن (مدلول) همواره با مدلولی در ذهن پیوند دارد. پیوند ناگسستگی دال و مدلول را نشانه زبان نامید که واحد تشکیل دهنده زبان و واحد مطالعه زبان نیز است. نشانه دو وجهی بوده و از پیوند دال و مدلول که هر دو ذهنی هستند پدید می‌آید؛ بنابراین صوت و مصادق از دایره مطالعات زبان‌شناختی خارج هستند؛ بنابراین میان زبان و گفتار تفکیک قایل شده و تنها بر نقش یا صورت تأکید می‌کند و مطالعه صوت و مصادق را به علوم دیگر واگذار کرد بنابراین دلالت برون‌زبانی به نفع دلالت درون‌زبانی کنار می‌رود.

محور اصلی ساخت‌گرایی به این موضوع ساده برمی‌گردد که نشانه‌های زبان در نسبت با هم و تنها در درون یک نظام است که ارزش و نقش خاص خود را پیدا می‌کنند و در تقابل با هم قرار می‌گیرند. به عبارتی تنها ساختار، قواعد و قراردادهای هستند که وظیفه و نقش اعضا و بنابراین ارزش آنها را تعیین می‌کند نه شکل، جنس و ...

آنها و از این رو تحول ارزش یک عضو در یک نظام هم وابسته به دیگر اعضای است که در نسبت با آن عضو در نظام مذکور هستند. حتی دانستن اینکه عضوی خاص طی چه فرایند یا فرایندهایی وضعیت و موقعیت فعلی خود را دارد تأثیری در ارزشیابی آن عضو ندارد. مثال بازی شطرنج را به خاطر بیاورید. در این بازی اگر فردی در نیمه بازی شطرنج به صفحه شطرنج نگاه کند، بدون اینکه لازم باشد بداند هر مهره طی چه فرایندی به موقعیتی که اکنون در آن قرار دارد رسیده است، به راحتی می‌تواند وظیفه، نقش و ارزش آن را با توجه به قواعد حاکم بر عملکرد آن و موقعیتی که در نسبت با دیگر مهره‌ها دارد تشخیص دهد.

۵. مهمترین نظریه‌های معناشناسی ساخت‌گرا

نظریه فرازبان معنایی طبیعی: مطابق این نظریه، حاصل تحلیل مؤلفه‌ای واژه‌ای خاص را می‌توان نوعی تعریف معنایی از آن دانست و برای رهایی از برخی مسائل مانند تسلسل و دور و ... در چنین تحلیلی باید واحدهای جهانی موجود در زبان طبیعی را مورد توجه قرار دهیم که از مفاهیمی جهانی برخوردار هستند و در تمامی زبان‌های طبیعی واژه‌هایی دارند. برای مثال مفاهیم دال بر من، تو، خوب، بد، بزرگ، کوچک، فکر کردن، دانستن و ... در تمامی زبان‌های طبیعی دارای واژه‌هایی هستند و بهترین گزینه برای تعریف‌های معنایی واژه‌های، آنگونه که گرفتار دور یا تسلسل نشویم، هستند. از طرفی مؤلفه‌های معنایی جهان‌شمول در اصل تصوراتی ذهنی هستند که مردم از مصادیق موجود در جهان در ذهن دارند نه خود آن مصادیق و در یک فرازبان معنایی طبیعی مورد مطالعه قرار گرفته و استخراج می‌شوند، هر چند مناسبتشان قطعی و پیشینی نیست و توصیف‌هایی که به وسیله این مؤلفه‌ها عرضه می‌شود با آزمون و خطا معلوم می‌شود؛ بنابراین چنین تحلیلی (تحلیل مؤلفه‌ای) براساس تفکیک دانش زبانی و دانش دایرةالمعارفی است و نوعی معناشناسی آرمانگرا و واقعیت‌گریز است که تمایلی به مطالعه مصادیق ندارد.

نظریه معناشناسی مفهومی: در این نظریه که واحد مطالعه معنی واژه است، بر ساخت

مفهومی تأکید می‌شود که آن‌را متشکل از تعدادی مؤلفه یا مقوله جهانی که ذاتی انسان هستند (نخستی مفهومی)^۱ معرفی می‌کند. میان بخش‌های نحوی و معنایی رابطه‌ای ناگسستگی برقرار است، هرچند سازه‌های نحوی از توضیح روانشناسی شناختی در مطالعه معنی ناتوان هستند. طرفداران این نظریه ساخت مفهومی را سطحی از زبان می‌دانند که در آن جدایی دانش زبانی از دانش دایرةالمعارفی اتفاق افتاده است.

نظریه معناشناسی دولایه‌ای: قائلان به این نظریه معتقدند با وجود اینکه دانش زبانی و دانش دایرةالمعارفی از هم جدا هستند، ولی گفتگویی دوطرفه میان آنها حکم فرماست. دانش انسان دارای دو لایه است: صورت معنایی و ساخت مفهومی. لایه صورت معنایی دانشی زبانی است و شامل توصیفات فرهنگ لغتی بعلاوه اطلاعات دستوری واژه‌های می‌باشد؛ اما لایه ساخت مفهومی با اطلاعاتی غیر از دانش زبانی سرور کار دارد. مطابق این تحلیل، صورت معنایی یک واژه دارای مؤلفه‌هایی مرتبط با ساخت مفهومی آن است.

نظریه واژه‌های زایشی: جیمز پوستی یوفسکی پس از اشاره به چند معنایی منظم یا منطقی^۲، دنبال صوری سازی الگوهای این نوع چند معنایی بود و برای این منظور نوعی برجسب گذاری روی واژه‌ها را در پیش گرفتند. آنها در برجسب گذاری خود اطلاعاتی را برای یک واژه در نظر می‌گیرند که بتوانند مفاهیم مختلف واژه را بر حسب قرار گرفتن در جمله معلوم کنند.

نظریه نقش‌های واژه‌هایی: مطابق این نظریه، در مطالعه معنی رابطه مفهومی یک واژه با دیگر واحدهای زبان (نقش واژه‌هایی) مورد استفاده قرار می‌گیرد (صفوی، ۱۳۹۹م، صص ۱۷۵-۲۰۵).

۶. نارسایی‌های معناشناسی ساخت گرایانه

بر اساس زبان‌شناسی سوسور و دیدگاه ساخت‌گرایی عامل و خواستگاه معنا زبان است و

۱. رویداد، وضع، چیز، مسیر، ظرف، ویژگی، مقدار.

۲. واژه‌ای خاص در موقعیت‌ها و بافت‌های مختلف معانی مختلفی را ظاهر می‌کند.

زبان به‌عنوان نظام نشانه‌ای انتزاع شده ذهنی، نظامی جمعی و همگانی (نه اجتماعی) و نرم افزاری است که روی ذهن نصب شده است به عبارت دقیق‌تر، زبان نظام منطقی نصب شده روی ذهن اعضای جامعه به‌مثابه یک کل است. هر عبارتی مبتنی بر قواعد و امکانات زبانی خاصی است و از امکانات معنایی متعددی برخوردار است که هستی خود را از زبان گرفته‌اند و نه از آگاهی و قصد ماتن (پدیدآورنده متن). این امکانات معنایی قبل از ماتن وجود داشته‌اند و در حقیقت بر ماتن سیطره دارند. ماتن تنها به کمک آنها می‌تواند بیندیشد و بنویسد. ساخت‌گرایان با تقلیل متن ادبی به مجموعه‌ای از ساختارها، اهمیت نقشی نویسنده در دنیای متن را کمرنگ کردند بنابراین نویسنده در حاشیه قرار گرفت و متن به‌تنهایی تبدیلی به کانون توجه منتقدان ساخت‌گرا شد.

نشانه در اندیشه سوسور، مؤلفه‌ای محدود به نظامی ایستا، خودبسنده و همزمان است که نیروهای گفتمانی و فرهنگی را از دایره‌ی توجه خود کنار گذارده و موجودیت آنها را به حساب نمی‌آورد و بود و نبود آنها را یکسان فرض می‌کند. متنی که از این نشانه‌ها شکل گرفته نیز با همین رویکرد مورد بحث و مطالعه است و مطالعه آن بی‌توجه به ساختارهای گفتمانی تشکیل‌دهنده‌اش، انجام می‌گیرد. در واقع نشانه‌شناسی سوسور، مستقل از بافت گفتمانی و فرهنگی به متن توجه دارد و آن را همچون موجودیتی ایستا، در انزوا و در نظامی بسته، خودبسنده و بی‌نشان مورد مطالعه و بحث قرار می‌دهد. به‌طور اساسی نشانه‌شناسی ساخت‌گرایانه روابط (تمایزی و نسبی) میان نشانه‌ها و ساختمان‌دی نظام نشانه‌ها را به یک ساختار ذهنی و انتزاعی و دستگاه بسته و خنثی و روابط دلالتی‌ای که نزد همگان به اشتراک گذاشته شده است فرو می‌کاهد و گروه‌های اجتماعی، روابط قدرت، روابط میان فرادست و فرودست، فرایندهای طبیعی‌سازی معانی در جهت خواست گروه‌ها و باورهای خاص اجتماعی، کثرت معنایی، تفسیری و خوانشی بودن متن و معنا و امکان به چالش کشیدن معانی عرفی شده و فرایندهای عرفی و طبیعی‌سازی معانی را نادیده می‌گیرد. به این ترتیب می‌توان گفت نظام نشانه‌شناسی ساخت‌گرا همانند فرهنگ لغتی است که با منطقی‌مکانیکی دال‌ها را در یک نظام بسته همگانی بر مدل‌ها پیوند می‌زند و در یک نظم ساختاری نشانه‌ها را از هم متمایز می‌کند.

در مجموع تمامی نظریه‌های معناشناسی ساخت‌گرا از دو نارسایی مهم رنج می‌برند: در نظر گرفتن واژه به‌عنوان واحد مطالعه معنی و تفکیف دانش زبانی از دانش دایرة‌المعارفی. الگوی اصلی معناشناسی واژه‌هایی همواره ساخت‌گرایی است و این نوع معناشناسی نمی‌تواند از ساخت‌گرایی فراتر رود. اما وقتی واحد مطالعه معنی را واژه در نظر بگیریم، واژه‌ها را پیش از اینکه در جمله قرار گیرند دارای معنی می‌دانیم در صورتی که معنای واژه مستقل از بافتی که در آن بکار رفته و فضای حاکم بر آن و اطلاعات موجود در حافظه کاربران زبان قابل بررسی نیست.

نتیجه‌گیری

ملاحظه شد که نشانه در اندیشه سوسور دارای چند ویژگی مهم است که در بحث معناشناسی او تأثیر زیادی دارند، از جمله: ۱. واحد تشکیل دهنده زبان است؛ ۲. از پیوند ناگسستگی دال و مدلول پدید آمده است؛ ۳. ذهنی است؛ ۴. اختیاری است؛ ۵. هویت درونی و ذاتی ندارد و ۶. تغییرپذیر و تابع زمان است. نشانه‌های زبان در نسبت با هم و تنها در درون یک نظام است که ارزش، نقش و معنای خاص خود را پیدا می‌کنند و در تقابل با هم قرار می‌گیرند و از این‌رو وظیفه، نقش، ارزش و معنای یک نشانه را ساختار، قواعد و قراردادهای هستند که تعیین می‌کند نه شکل، جنس و... آنها.

زبان در اندیشه سوسور امری منفعل و نظامی جمعی و همگانی (نه اجتماعی) از نشانه‌هاست که مورد توافق اعضای جامعه بوده و همچون نرم‌افزاری روی ذهن اعضای جامعه نصب و تثبیت شده است؛ اما استفاده از این ساختار برای سخن گفتن و ابراز افکار به وسیله گفتار انجام می‌گیرد که استفاده‌ای شخصی از رمزگان اجتماعی زبان برای بیان افکار شخصی است.

نکته قابل توجه این است بدون زبان تمایزی وجود ندارد؛ بنابراین امکان سخن گفتن و اندیشیدن وجود ندارد. در واقع زبان با توجه به تمایزاتی که آشکار می‌کند، ساختاری است که نه تنها امکان سخن و اندیشه را فراهم می‌کند، بلکه توجیه‌کننده گفتار و تعقل نیز است. به این ترتیب عامل و خواستگاه معنا زبان است، چیزی که با توجه به

ویژگی‌هایی که برایش برشمرده می‌شود، قبل از سخن‌ور و ماتن وجود دارد. چراکه زبان نظامی ایستا، خودبسنده و همزمان از نشانه‌هاست که نیروهای گفتمانی و فرهنگی را از دایره‌ی توجه خود کنار گذارده و موجودیت آنها را به حساب نمی‌آورد و بود و نبود آنها را یکسان فرض می‌کند. نشانه‌شناسی ساخت‌گرایانه اساساً روابط (تمایزی و نسبی) میان‌نشانه‌ها و ساختمندی نظام نشانه‌ها را به یک ساختار ذهنی و انتزاعی و دستگاه بسته و خنثی و روابط دلالتی‌ای که نزد همگان به اشتراک گذاشته شده است فرو می‌کاهد و گروه‌های اجتماعی، روابط قدرت، روابط میانفرداست و فرودست، فرایندهای طبیعی‌سازی معانی در جهت خواست گروه‌ها و باورهای خاص اجتماعی، کثرت معنایی، تفسیری و خوانشی بودن متن و معنا و امکان به چالش کشیدن معانی عرفی شده و فرایندهای عرفی و طبیعی‌سازی معانی را نادیده می‌گیرد. به این ترتیب می‌توان گفت نظام نشانه‌شناسی ساخت‌گرا همانند فرهنگ لغتی است که با منطقی مکانیکی دال‌ها را در یک نظام بسته همگانی بر مدلول‌ها پیوند می‌زند و در یک نظم ساختاری نشانه‌ها را از هم متمایز می‌کند. در نتیجه تمامی نظریه‌های معناشناسی ساخت‌گرا از دو نارسایی مهم رنج می‌برند: در نظر گرفتن واژه به‌عنوان واحد مطالعه معنی و تفکیک دانش زبانی از دانش داریره‌المعارفی و وقتی واحد مطالعه معنی را واژه در نظر بگیریم، واژه‌ها را پیش از اینکه در جمله قرار گیرند دارای معنی می‌دانیم در صورتی که معنای واژه مستقل از بافتی که در آن بکار رفته و فضای حاکم بر آن و اطلاعات موجود در حافظه کاربران زبان قابل بررسی نیست.

فهرست منابع

۱. صفوی، کوروش. (۱۳۹۹). نگاهی به تاریخ معناشناسی (چاپ اول). تهران: نشر علمی.
2. Culler, Jonathan, (1986). *Ferdinand de Saussure*, Second revised edition, Ithaca: Cornell University Press.
3. Saussure, Ferdinand de, (1974). *Course in General Linguistics*, Introduction by Jonathan Culler, Edited by Charles Bally and Albert Sechehaye in collaboration with Albert Reidlinger, Translated from the French by Wake Baskin, Fontana/Collins.
4. Saussure, Ferdinand de, (1997). *Saussure's second course of lectures on general linguistics*, from the notebooks of Albert Riedlinger and Charles Patois, French text edited by Eisuke Komatsu, English translation by George Wolf, First edition, Pergamon Press.
5. Saussure, Ferdinand de, (1993). *Saussure's third course of lectures on general linguistics*, from the notebooks of Emile Constantin, French text edited by Eisuke Komatsu, English translation by Roy Harris, First edition, Pergamon Press.

References

1. Culler, J. (1986). Ferdinand de Saussure (2nd rev. ed.). Ithaca: Cornell University Press.
2. Safavi, K. (2020). A look at the history of semantics (1st ed.). Tehran: Elmi Publications. [In Persian]
3. Saussure, F. de. (1974). Course in general linguistics (J. Culler, Intro.; C. Bally & A. Sechehaye, Eds.; in collaboration with A. Reidlinger; W. Baskin, Trans.). Fontana/Collins.
4. Saussure, F. de. (1993). Saussure's third course of lectures on general linguistics, from the notebooks of Emile Constantin (E. Komatsu, Ed.; R. Harris, Trans.). Pergamon Press.
5. Saussure, F. de. (1997). Saussure's second course of lectures on general linguistics, from the notebooks of Albert Riedlinger and Charles Patois (E. Komatsu, Ed.; G. Wolf, Trans.). Pergamon Press.

Editorial Board

(Persian Alphabetical Order)

Reza Esfandyari (Eslami)

Associate Professor of Islamic Sciences and Culture Academy

Hossein Hassanzadeh

Assistant Professor of Islamic Sciences and Culture Academy

Mahmoud Hekmatnia

Full Professor at Research Institute for Islamic Culture and Thought

Mohammad Hassan Zali (Fazel Golpayegani)

Professor at Islamic Seminary of Qom

Morteza Motaghinejad

Assistant Professor of Islamic Sciences and Culture Academy

Sayyid Mahdi Majidi Nezami

Assistant Professor of Islamic Sciences and Culture Academy

Farhad Mohammadinejad

Assistant Professor at Payame Noor University

Koorosh Najibi

Assistant Professor of Islamic Sciences and Culture Academy

Sayyid Taqi Varedi Koolaei

Assistant Professor of Islamic Sciences and Culture Academy

Farajullah Hedayat Nia

Associate Professor at Research Institute for Islamic Culture and Thought



Reviewers of this Volume

Hossein Hassanzadeh, Abdolrahim Soleimani Behbahani, Mortaza Abdi Chari, Mehdi Fasihi Ramandi, Muslim Kamyab, Morteza Motaghi Nejad, Mahmoud Maleki Rad, Seyyed Mehdi Majidi Nezami, Mohammad Hadi yaghub nejad.



Scientific- promotional Biannual Journal of
Theology & Islamic Knowledge

Islamic Knowledge Management

Vol 5· No. 2· Autumn & Winter· 2024

10

Islamic Sciences and Culture Academy

(Islamic Information and Document Management Research Institute)

www.isca.ac.ir

Manager in Charge:

Muhammad Hadi Yaghoubnezhad

Editor in Chief

Hossein Hasanzadeh

Manager

Morteza Abdi Chari

Tel.: + 98 25 31156910 • P.O. Box.: 37185/3688

jkm.isca.ac.ir



www.jkm.isca.ac.ir

راهنمای اشتراک مجلات تخصصی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم



ضمن تشکر از حسن انتخاب شما

مرکز توزیع مجلات تخصصی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم مجده دار توزیع و اشتراک مجلات
ذیل می‌باشد. لطفاً پس از انتخاب مجله مورد نظر، فرم ذیل را تکمیل کرده و به نشانی ارسال فرمایید.

فرم اشتراک

حوزه	فقه	تقدیر و نظر	آینه پژوهش	جستارهای فقهی و اصولی
یک سال اشتراک ریال ۳,۸۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۳,۲۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۳,۲۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۳,۰۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۲,۰۰۰,۰۰۰
پژوهشهای قرآنی	اسلام و مطالعات اجتماعی	مطالعات علوم قرآنی	جامعه مهدوی	اخلاقی
یک سال اشتراک ریال ۳,۰۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۳,۲۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۳,۰۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۳,۰۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۲,۰۰۰,۰۰۰

نام و نام خانوادگی:	نام پدر:
تاریخ تولد:	میزان تحصیلات:

نشانی:	گسدهیسی:	استان:	کتاب اشتراک قبل
شهرستان:	مستوی بیستی:	شهرستان:	پیش شماره:
خیابان:	رایساعه:	خیابان:	تلفن ثابت:
کسوجه:		کسوجه:	تلفن همراه:
پلاک:		پلاک:	

هزینه‌های بسته بندی و ارسال به عنوان تخفیف محاسبه شده است.

قم-چهارراه شهید ابتدای خیابان معلم، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
کد پستی: ۳۷۱۵۶-۱۶۴۴۹ تلفن: ۰۲۵-۳۱۱۵۱۱۶۴
شماره پست بانک: ۴۰۰۳۲۲۵۰۰۰۰۰ رایسانام: mapzine@isca.ac.ir

شماره حساب سپسابلانک علی: ۰۱۰۹۱۴۶۰۶۱۰۰۵ نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی